

13

A-P  
77-938031

LIBRARY OF CONGRESS  
6  
MAR 27 1980  
COPY.....  
ORDER DIVISION

15521/0271yc



Ketabton.com



ایستادگانه  
تیم فوتبال و بسکت

نی  
کمان  
مقد داشت؟

سواران

خلق افغانستان طی محفلی بعد از ظهر اول حوت  
بایانیه د سنگیر پنجشنبه غرضو پوری  
سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق  
افغانستان و عضو شورای انقلابی جمهور ری  
دموکراتیک افغانستان در انستیتوت پولى تخنيک  
افتتاح شد .

• • •

فیض محمد وزیر امور سرحدات ساعت  
۱۱ قبل از ظهر اول حوت در دفتر کسارش  
باتون کوانگ کوشارز دافیر سفارت کبرای  
جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات تعارفی  
بعمل آورد .

وهکذا فضل الرحيم مومند وزیر زراعت  
و اصلاحات ارضی بعد از ظهر اول حوت در دفتر  
کارش باتون کوانگ کوشارز دافیر سفارت  
کبرای جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات  
تعارفی بعمل آورد .

• • •

بروتوکول همکاری در ساحه نشراتی  
طباعتی و فروش کتب شام سی دلو بین وزارت  
اطلاعات و کلتور و کمیته دولتی اتحاد شوروی  
در امور نشراتی، طباعتی و فروش کتب در کابل  
عقد شد .

• • •

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر  
میدهد از طرف شاه محمد دوست وزیر امور  
خارجه تلگرام تبریکه به مناسبت تقسیر  
چلانتاب نگون کونج بحیث وزیر امور  
خارجه جمهوریت سوسیالیستی ویتنام به هانوی  
مخابره گردیده است .



بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رییس شورای انقلابی و صدراعظم هنگامیکه هیات سازمان عفو  
بین المللی را برای ملاقات در مقر شورای انقلابی پذیرفتند

## اختصار و قایده

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی  
حزب دموکراتیک خلق افغانستان رییس  
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک  
افغانستان ساعت سه و نیم بعد از ظهر ۲۵ دلو  
هیات سازمان عفو بین المللی را در مقر  
شورای انقلابی پذیرفتند .  
در جریان این ملاقات با اعضای هیات که  
شامل ممتاز سوسل و ایران تیرلیتون می  
باشند این اطمینان بوجود آمد که اساسات  
حقوق بشر در افغانستان پس از مرحله نوین  
انقلاب نور بکلی احیا گردیده است .

• • •

جلسه شورای وزیران تحت ریاست بیرک  
کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب  
دموکراتیک خلق افغانستان رییس شورای  
انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک

افغانستان روز ۲۷ دلو از ساعت پنج عصر  
تا هشت شب در مقر شورای انقلابی دایر  
گردید .

• • •

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی  
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس  
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک  
افغانستان ساعت چهار و چهل و پنج دقیقه عصر  
۳۶ دلو هیات جبهه مردم برای آزادی فلسطین  
را در مقر شورای انقلابی برای ملاقات  
پذیرفتند .

• • •

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر  
میدهد بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی  
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس  
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک  
افغانستان ضمن تشکر صمیمانه از پیام تبریک

رفیق کیمال سونگ منشی عمومی کمیته  
مرکزی حزب کارگر کوریا و رئیس جمهور  
جمهوری دموکراتیک خلق کوریا به مناسبت  
انتخاب شان بحیث منشی عمومی کمیته مرکزی  
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس  
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک  
افغانستان طی پیام جوابیه یی مقابلنا اسراز  
یقین نمودند که مناسبات دوستی و همکاری  
بین خلقهای هر دو کشور از طریق مبارزات  
شان بر ضد امپریالیزم و ارتجاع بین المللی  
بیش از پیش انکشاف می یابد .

• • •

اسدالله سروری عضو پوری سیاسی کمیته  
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،  
معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم شام  
۲۵ دلو از مزار شریف به کابل بازگشت .  
اسدالله سروری بانفاق شیرجان مزدوریار

وزیر ترانسپورت و توریسم و مگرمن نظر محمد  
قوماندان عمومی قوای هوایی و مدافعه هوایی  
برای بازدید از بنادر مربوط ولایت بلخ به  
تاریخ بیست دلو به مزار شریف رفته بود .

• • •

فا کو له زورنالیزم وابسته به انستیتوت  
علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر  
میدهد از طرف بیرک کارمل منشی عمومی

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق  
افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم  
جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکه



مجید سربلند و ایوان کاروفکین هنگام امضای پروتوکول همکاری در ساحه نشراتی و طباعتی  
و فروش کتب بین وزارت اطلاعات و کلتور و کمیته دوستی اتحاد شوروی در امور نشراتی



«کارگران و دهقانان زحمتکش!  
کاسبان و تاجران افغانستان!  
از شما و از هر فرد وطنپرست کشور دعوت می نمایم در هر جایکه هستید سر بلند و  
باغرور و مطمئن، کار های تازه انجام دهید، برای انتقال و عرضه اجناس و مواد لازمه که  
بر احزان و خواهران، پدران و مادران و اولادهای شما سخت ضرورت دارند صمیمانه و  
فداکارانه کمک و مساعدت کنید، به تبلیغات خاینانه و دروغ های دشمنان افغانستان گوش  
نرا ندهید و فریب نخورید. دولت مصونیت، امنیت و آزادیهای شما را تامین و تضمین  
خواهد کرد.»  
«بیرگ کارمل»

شنبه ۴ حوت ۱۳۵۸ ، ۲۳ فبروری ۱۹۸۰

## راهما، راه حق و بمنزل رسیدنی است

د نړیوال پیوستون په ټینګت کی  
د مسلمانانو ترمنځ د تماسونو اهمیت .

مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند نور.

بخاطر يك آینده بهتر برای تمام اطفال .

فعالیت های خرابکارانه و طرح نقشه های  
تبهانجه ایالات متحده، توازن قوا را در جهان  
برهم میزند .

باج - یولند داستان .

نگاهی بر رباعیات خیام .

په آسیا او افریقا کی دپاداری نظامونه .

چگونه مبارزه با حسودات آدمیزاد را  
مصونیت می بخشد .

نجات از چنگال دژخیمان طاعون .

دایوری از لیلام قره قل افغانی .

مشکل بحران انرژی در جهان .

روی جلد تیمهای قهرمان ورزشی تعلیم  
و تربیه که در مسابقات اخیر جامهای  
قهرمانی را حاصل نموده اند .

پستی اخیر یکی از شاگردان لیسه زرغونه  
دادد لباس مقبول صفحات مر کزی کشور  
می نمایاند .

عکس متن دختر زیبای افغانی را مصروف  
گل دوزی نشان میدهد .  
«عکاسی باختر آژانس»

و برخی از ساختمانهای زیبای آنرا که باخون  
و گوشت مردم زحمتکش، ساخته شده است  
باعدلیان تخریبکارا نه به آتش کشیدند،  
چه کسانی بوده اند که عراده ها و دوکانهای  
مردم را طعمه حریق نمودند؟ وجه کسانی  
بوده که میخواستند مریشان را در حالت  
بی دوايي، اطفال را در حالت بی شیري و  
ساکنان شهر را در حالت گرسنگي با انتظار  
مرگ نشانند؟

پاسخ واضح است که اینها نه تنها  
دشمنان خلق افغانستان بلکه دشمنان بشریت  
اند و این قاتلان حرفه یی که از گوشت انسان  
تغذیه می کنند از جانب گردانندگان ماشین  
های جنگی امپریالیزم، مأمور قتل خلق بیگناه  
ماشده بودند. آنها با حساب غلط شان بر  
خورد انسانی جمهوری دموکراتیک افغانستان  
را دال بر ضعف آن نمود، و اعلامیه های  
مکرر دولت را مبنی بر رعایت آزادی های  
دموکراتیک مردم نادیده گرفتند اما سرانجام  
چنانکه با داران شان بارها در برابر مردم ما  
بزانو در آمده اند، این ریزه خوران آنها  
بار دیگر بر شکست ننگین توطئه گران  
و آشوبگران امپریالیستی و ارتجاعی شان افزودند  
ولکه ننگ دیگر بر جبین دشمنان بشریت  
کوبیدند.

ما چنانچه بارها حقانیت انقلاب خود را در  
عمل ثابت نموده ایم با بانکدلسا اعلام میداریم  
که راه ما حق است، ما بلون هراسی به  
پیش میرویم و به این ایمان داریم که حق  
بر باطل پیروز شدنیست.

زنده باد افغانستان  
مرگ بر دشمنان وطن

خدمتزلت می بردورضایت خبیثانه ولینعمتانی  
را غنیمت شمرده و با لا تر از هر چه  
میداند حتی از کرامت و شرف انسانی!

بسی تصادفی نیست که امپریالیزم جهانخواز  
امریکا، امپریالیزم محیل و مزور انگلیسی  
شونیزم یکن، فلاحه ارتجاع منطقه خصوصاً  
ارتجاع نظامی پاکستان و صیونیزم اسرائیل  
را در دست گرفته، گاهی بجان خلق رنج کشیده

افغانستان وزمانی هم بجان خلق آواره و بیگناه  
فلسطین میاندازند.

مردم ستم دیده ماکه پس از تحمل قرنهای  
رنج وید بختی، با پیروزی انقلاب شکوهمند  
نوروزچیر های اسارت را شکستند و با امیدواری  
کامل بسوی فردا های شگوفان مستگربستند  
یکبار دیگر در پنجه بیداد امین خودکام  
گیر ماندند، چه غذاهای که ندیدند و چه  
رنجهای که نکشیدند. ولی باوروش بر ایمان  
ششم جلی که امین سفاک و بانده یی پاک آن  
به کینر اعمال ضد انسانی شان رسیدند،  
آقای کارتر و معجدهنش به سوگت امین  
نشستند و به عنوان اینکه حفیظالله، «امین»  
شان بود خود را مستحق مداخله در امور  
داخلی افغانستان میدانند!

چنانچه واقعه سوم حوت شهر کابل بار  
دیگر پرده جنایات سوم امپریالیزم امریکا  
و دستیارانش را از هم درید و چهره سوم و  
شیطانی این جنایتکاران تاریخ را به همشیریان  
کابل و همه هموطنان عذابید یده ما نمایان  
ساخت.

بیاید به بنیم که چه کسانی حادثه  
روز سوم حوت را در شهر کابل بار آوردند

هموطنان شریف و آزادی بسند ما و خلقهای  
سراسر جهان بخوبی میداند که ارتجاع و  
امپریالیزم، دشمنان آشتی نا پذیر و شناخته  
شده بشریت بوده و همواره در تلاش اند تا  
راه های رفاه و ترقی را بر مردم سد نمایند،  
زیرا آنها در پیشرفت و ارتقای خلق بسوی  
افق های درخشان زندگی، نابودی حتمی خود  
را می بینند.

این فزندان بی مروت که بقای شانرا در  
ظلمات جستجو می کنند از نور و روشنایی  
در هراسند و این خفا شان خون آشام بانوار  
زرین خورشید انقلابات مردمی که گر مایختی  
زندگی خلقهای رنج دیده می باشد از اصل  
وریشه در تضادد بناء با آن سر مخاصمت را  
در پیش گرفته و لوجوانه در برابر آن قرار  
میگیرند.

از همینجاست که امپریالیزم جهانی به سر-  
مدداری امپریالیزم جنایتکار امریکا باشونیزم  
چینی در تبهانی با در تجاع بین المللی و ارتجاع  
سیاه داخلی در يك جبهه نامقدس بر ضد  
انقلاب شکوهمند نور بالاخص در برابر مرحله  
نوین تکامل تاریخی شش جلی آن که نماینده  
راستین و چاکر گوش فرمان شان امین  
خونخوار را سرنگون ساخت خشمناک گردیدند  
و با تلاش های مذبحخانه و دیوانه وار باعمال  
خاینانه دست می زنند.

ارتجاع و امپریالیزم که متضمن بقای یکدیگر-  
ند و در تاراج هستی خلقها دست شریک دارند  
از مدتهاست که بکار برد حیل و نیرنگهای  
کونا کون هست و بود مستغفین جهان را دست  
بردمی زنند و بانکه ارتجاع را درین جیا ولها  
چندان چیزی هم نمیرسد و با اصطلاح از «گاو  
غذودی» رانصیب میگردد مگر با انهم از خوش

# د مسلمانانو تر منځ د تماسونو اهميت

په ۱۹۸۰ کال کې د شوروي اتحاد

د مسلمانانو د مهمو پروگرامونو

پس منظر

دی د مسلمانانو د دغو څلور پور-  
دو نو چاري تنظيموي .  
ددغي مو سسي دجو پيدو مهم  
هدف دادی چې د شوروي اتحاد  
مسلمانانو اود نړيو دبهرنيو هیوادو  
مسلمانانو تر منځ بين المللي اړ-

هادی اعظم الا کبر د شو روی  
سوسیالیستی جما هیرو د اتحاد  
د مسلمانانو داسلامی ټولنی د نړی-  
والو اړیکو درئیس مرستیال پهدی  
ورو ستیو وختو نو کی د مسلمانانو  
تر منځ دستقیمو تما سو نو او په  
یوزرو نېه سوه اتیا ویم کال کی د  
شو روی اتحاد د مسلمانانو د مهمو  
پروگرامونو د پس منظر په  
باب دنو وستی پر س داژا نس له  
استازی سره یوه اختصا صی مر که  
کړی چې دادی دلته یی وړاندی کوو:  
پو بنسټه :

که لطفاً د شو روی سو سیا لیستی  
جما هیرو د اتحاد د نړیوالو تما سونو  
اود هغه نقش په باب چې ستا سو  
خانکه یی پکی لو بوی لږ څه معلومات  
راکړی !  
خواب :

دخا وری دپرا خوا لی او جغرا-  
فیا یی مو قعیت له مخی د مسلمانانو  
څلور پور دو نه په شو روی اتحاد  
کی جوړ اوتا سیس شوی دی. لو-  
مړی پور دمر کزی آسیا او قزا-  
قستان د پور د څخه عبا رتدی.  
دو هم او دریم پو ر دو نه دشما لی  
کاکا سو پس دوترا نسکاو کا سیا  
پور دو نه دی په داسی حال کی چې  
په څلورم پور د کی دسا پیریاسیمه  
شامله ده . تر کومی اندازی چی  
په مذ هبی فعاً لیتو نو پو ری اړه  
لری دغه څلور وا په پور دو نه خپلی  
مذ هبی چاری په مستقل او خا-  
نگری تو گه تر سره کوی. دشوروی  
اتحاد د مسلمانانو د بین المللی  
اړیکو ټولنه چی مشری مفتی ضیا-  
الدین خان ابن احسان بابا خان

یکی او مستقیم تماسونه ټینګه او  
پیا وړی کړی . دغه ټولنه وظیفه  
لری چې د شو روی اتحاد مسلمانانو  
دپاره بهرنی سفرونه تنظیم کاندی  
ددغي مو سسی بله وظیفه داده چې  
شو روی اتحاد ته دبهر نیو هیوادو  
مسلمانانو درا تګ په وختو نو  
کی دهغوی داوسیدو دپاره لازمی  
آسا نتیا وی برا بری کړی . عمدا  
رنګه په مر کزی آسیا او دشو روی  
اتحاد په نورو سیمو کی داسلامی  
مرکز ونو او تاریخی آثارو دکتنی  
دپاره دآسانتیا و برا بر ول ددغي  
موسسی یوه مهمه وظیفه تشکیلوی.  
ددغه اصل له مخی دشو روی اتحاد  
دبیلا بیلو برخو مسلمانانو کو لای  
شی چې د ذکر شوی موسسی په  
مرسته او همکار ی دکال په بیلا  
بیلو موسمونو کی د اسلامی



د شوروي اتحاد مسلمانان د دیني کتابونو او اسلامي آثارو دخپلو په حال کی

مرکزو نوڅخه کتنه وکړی او تاریخی  
آثار له نژدی څخه وگوری .  
ددغه حقیقت دپه نظر کی نیولو  
سره چی دشو روی اتحاد دمر کزی  
آسیا اود قزا قستان دپاره دمسلمان-  
نانو پور د نړی دڅه دپا سه او یا  
هیوادو نو سره په تما س کی دی  
هر څوک دا اټکل کو لای شی چې د  
شوروی اتحاد ټولو څلور گو نو  
اسلامی پور دو نو نړیوال تماسونه  
څو مړه اوبه څه ډول تنظیم او ارز-  
یابی کبړی .  
په پورتنیو ټکو علاوه باید وویل  
شی دچی دشو روی اتحاد دمسلمان-  
نانو دنړیوالو تما سو نو ټولنه هر  
کال داسلامی تعلیماتو په بساب  
دمعلو ماتو دپرا خوا کو لو دپاره دهغه  
هیواد یوزیات زده کوونکی اومحصلین  
دلور و زده کړو په غرض بهر نیو  
هیوادو نو ته استوی . تر اوسه پور  
ددغي اړ تیا طی مو سسی له لاری  
څخه یوزیات شمیر څوان زده کوو-  
نکی اومحصلین المغرب ، سور یی ،  
اردن ، لیبیا اود ځینو نورو هیوادونو  
ته استول شویدی .

دغه څوان محصلین په بهرنیو  
اسلامی هیوادونو کی دمعلو ماتو  
دپرا خوا لو او لوړو زده کړو له  
پای ته رسیدلو څخه وروسته  
بیرته شوروی اتحاد ته را ستنپیری  
اوپه پخا را ، تا شکند او نو رو  
اسلامی مدرسو او مرکز و نو  
کی په تد ریس بو ختپیری .  
دشو روی سو سیا لیستی جما-  
هیرو اتحاد مسلمانانو په دوه اړ-  
خیزو تما سو نو سر پیره دیو زیات  
شمیر نورو فعاً لیتو نو سره هم  
سر اوکار لری . په پخوا نیو کلونو  
کی دشو روی اتحاد دمسلمانانو  
دپور دله خوا یو زیات شمیر نړی-  
وال کنفرا نسو نه تنظیم او پرانستل  
شویدی او په هغو کی دآسیا ، افر-  
یقا او منځنی ختیځ له هیواد و نو  
څخه یوزیات شمیر اسلامی مشرانو  
برخه اخستی ده . د ۱۹۷۰ او ۱۹۷۳  
کلو نو په اړه دو کی د فلسطینی  
عر بی وگړو ددایمی په ملا تپرد  
اسلامی هیوادونو یوه نړیواله  
جرگه په شو روی اتحاد کی جوړه  
شوه . په دغه جرگه کی دعر بسی  
وگړو دحقه حقو قو داعا دی اودغه  
راز د فلسطین ولسونو دخاوری او  
ملی حاکمیت دتضمین او بیر ته  
اعا ده کیدو سره نړیوال پیوستون  
څرگند او داسرا ټیلی تیری کوونکو



دوشنبی دښار په یوه جومات کی داسلامی تبلیغاتو یوه څڼه

مقا ماتو څخه غوښتنه وشوه چس دعر بو دنیول شو و سیمو څخه دی خپلی قوا وی وبا سی . دغه راز په دغه چر که کی دعر بی وگړو سره دهر ډول ما دی او معنوی مر ستو دور کو لو وعده وشوه .

په ۱۹۷۴ کال کی د «ابو عبدالله محمد ابن اسمعیل البخاری» دزین یدو د ۱۲۰۰ کا لیززی مراسم په لو په سو په په شو روی اتحاد کی په ځای شول . په ۱۹۷۶ کال کی دنړی دبیلو بیلو اسلامی هیوادو نو یو زیات شمیر مسلمانان دقزاقستان او مرکزی آسیا دپاره داسلامی بوردونو دجوړیدو دشلمی کالیزی په مرا سمو کی دبر څس اخستلو په غرض شو روی اتحاد تهر اغل .

همدا رنگه په هغه نړیواله جرگه کی چی ددایمی سوی لی په ټینګښت کی داسلامی هیواد ودمند هبی مشرا نو دونوی اخستلو په باب په ۱۹۷۷ کال کی په مسکو کی وشوه دنړی څه دپاسه ۱۰۷ هیوادو نو څخه شپږ سوه پنځو سس تنو استازو گډون وکړ . په دغه ستره او تاریخی غو ڼه کی دنړی دخوار لس اسلامی هیواد و نو څخه څه دپا سه سلو ټنولو ررتبه عالی او علمی شخصیتو نو داسلامی نړی دیووالی په باب وینا وی وکړی او خپلی مقالی ولو ستلی .

په دغه غو ڼه کی چی دشو روی سو سیا لیستی جما هیرو اتحاد د مسلمانانو دبوررد دمشر مفتی ضیاع الدینخان ابن احسان با با خان

په وینا سره پرانستله شوه داسلامی هیوادو دحکو متو نو او مذ هبی مشرا نو په تا مه دوه ځا نکړی پری کره لیکو نه او ابلاغی صا دری او تصو یی شوی . د ۱۹۷۷ کال په تا ریخی اسلامی کنفرا نس کی دټولو اسلامی هیواد و نو تر منځ دگډو مر ستواو څو اړ خیزو همکاریو دارزښت او اهمیت په باب ټینګار وشو اود نړی دټولو اسلامی هیواد و نو څخه وغو ښتل شول چی دنړی دملتو نو او بیلا بیلو مذ هبو نو تر منځ دښه نیت او غوره تقا همد اساساتو دپیا ورتیا اودغه راز دسولی او نړیوال امنیت دټینګښت دپاره سره یو مو تی شی همدارنگه د اسلامی هیواد و نو تر منځ دزیاتو همکاریو دپیا ورتیا

له پاره د ۱۹۷۹ کال څخه تر او سه پوری په نو موړی هیوا دوکی دغه لاندی کارو نه تر سره شوی دی: ۱۹۷۹ کال داگست په میا شت کی دشو روی اتحا دپه ختیځو بر خو کی دمسلمانا نو دلو مر نی اسلامی ژور نال دخبر یدو دلسمی کالیزی دمرا سمو دنما نخلو په خاطر یوه ستره غو ڼه وشوه او په هغی کی دنړی دیو زیات شمیر اسلامی هیواد ونما یند گا نو او لوړ رتبه استازو برخه واخیسته . ورو سته د همدی کال دسپتا مبر په میا شت کی دهجرت دخوار لسمی پیړی د شروع کیدو دنما نخلو په منا سبت ددو شنبی په ښار کی دنړی داسلامی هیوادو دعا لما نو په گډون یو سمپوز یم جوړ او ددغی ورځس په اړ تباط دبرخی اخستو ونکی

هیوادو داستا زو له خوا مقالسی ولو ستلی شوی او کنفرا نسو نه ور کړل شول . باید وویل شی چی په دغو ټولو کنفرا نسو نو ، سمپو زیمو نو اومیتنگونو کی دافغانستان عا لما نو اولوړ رتبه استازو بر څه واخسته . همدا رنگه په دغو ټو لنسو کی دافغانستان ددمو کرا ټیک جمهوریت په استازو علا وه د بنگله دیش ، لیبیا ، لبنان ، هند ، پاکستان ، اندو نیز یا ، ایران ، تو نس ، المغرب ، مالی او ځینسو نورو اسلامی هیواد وهیا تو نو گډون کړی و .

په ټینګښت : په ۱۹۸۰ کال کی دشو روی سو سیا لیستی جما هیرو داتحاد مسلمانانو پلا نو نه او پروگرا مونه

**ځواب :**

په دوشنبه کی دتیر کال داسلامی سمپو زیم دجوړیدو په تعقیب او دوام ټاکل شوی ده چی د ۱۹۸۰ کال دسپتا مبر په میا شت کی دتا شکند په ښار کی داسلامی هیوادو نو داستا زو په گډون یو نړیوال کنفرا نس جوړشی . همدا رنگه تجویز نیول شوی دی چی په روان کال کی هم دهجرت د مراسمو دنما نخلو په باب ستیری غو ڼه یو جوړی شی .

په ټینګښت : آیا ستا سو په عقیده دالمپیک دبین المللی لو بو دانسجام کمیسیون په چی دروان کال دجولای په میاشت کی په شو روی اتحاد کی جوړشی پاتی په ۵۰ مخ کی



دجومات خطیب په نړی کی دسولی او امنیت دټینګښت په باب لمونځ کوونکو ته دوینا کولو په حال کی

حق دارد که مناسک مذهبی شان را آزاد وبدون

ترس اجرا بدارند.

در طول این دو ماه که از مرحله نوین انقلاب نور می گذرد، کدام يك از کار های دولت از نظر تان چشمگیر است ؟

من بصفت يك زن وتلقیه خود میدانم که بگویم محترم شمردن به حقوق زن یکی از کار های پر ارزش دولت ما است که بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب نور جابه عمل پوشیده است بنظر من در طول این مدت کوتاه کار های بس بزرگی انجام شده ودر آینده نیز انجام خواهد شد ولی باید این نکته را روشن سازم که آزاد شدن زندانیان سیاسی یکی از اقدام های پراجسپوری دموکراتیک افغانستان است که ملیون ها خانواده را از سرگردانی وبلا تکلیفی نجات داده اند .

مسترد نمودن جایدهای های مردم که از طرف امین وباندوی به ناحق وبدون کسدام دلیل وبرهان ضبط گردیده بودیکی دیگر از کار های مهم وپرازش دولت ما است .

سالم جان راکه از ولسوالی تگاب مربوط ولایت پروان است در یکی از شناخته ها می بینیم، اوکه در زیر بغلش عکس های رادیوگرافی شده از شش وقلبش دارد، بخاطر تداوی خویش از زادگاهش به کابل آمده تا تحت تداوی قرار گیرد .

آزش می پرسیم که چند وقت است مریض هستی؟ میگوید :



فوزیه امیری باعده از همکاریش در مورد دست آوردهای مرحله نوین تکامل انقلاب نور نظر میدهند

# مرحله نوین تکامل انقلاب نور

## ونظر دهی مردم در مورد آن

من از مدت ها مریض هستم شاید دوسه سال میشود ولی در طول این مدت هرگز تداوی نندم، بارها به کابل آمدم ولی موفق نمیشدم که داکتر راببینم، اگر احیانا موفق میشدم که داکتر راببینم از هوا خبری نبود ، من آنقدر مریض نبودم که اکنون هستم و علت آن اینستکه بعضی از داکتر ها به من میگفتند که امروز بیا، وسای همین امروز وسای باعث شد که مریضی ام شدت بیابد تا اینکه بکلی مرا از پا انداخت .

علت این امروز وسبای دوکتوران چه بود وچرا برایشان نگفتی که زیاد تکلیف داری ؟

می خندد، خنده تلخ، لبان او را از هم باز میکند و میگوید : برادر آیا جرئت داشتم که این حرف رابه آنها بزنم ، اگر کوچکترین حرفی میزد شاید سرحدم به زندان پلچرخ میکشید ... و آن وقت است که خدا به یاری ام میرسد دیگر امیدی نبود .

خوب حالا چه فکر میکنی ، آیا تداوی شده ای ؟ به عکس های زیر بغلش و به کاغذ های که در دست دارد نگاه میکند میگوید : بلی، شما هم میتوانید این ها را مشاهده کنید ، مدت کوتاهی است که بکابل آمدم ، زیرا هه میگفتند که پس از مرحله نوین تکامل

روز گاربتندی در زندان پلچرخ و دیگر زندان ها چطور بود وجه بروزگار آنها میگشت . این همه مطالب بی شمار که از طرف امین وامینی ها بر مردم بی چاره وی پناه مانتحیل میشد زندگی را آنقدر بر آنان تنگ ساخته بود که هرگز هزار بار بهتر نبود از آن زندگی که آنان داشتند .

ماهم دست کمی از زندانیان نداشتیم اگر چه ظاهرا آزاد بودیم ولی حقیقتش این بود که خود کشور ما به زندانی بزرگی مبدل شده بود، زیرا نه میتوانستیم حرف حق را بزنیم ونه میتوانستیم خانه دوستی وآشنایی برویم بدین تریب زندگانی که ماداشتیم چه ارزشی داشت آیا آنقدر تحقیر و خورد شدن را مستوجب بودیم ؟ چه گناهی داشتیم که نمیتوانستیم آزاد زندگی کنیم ؟ ولسی جواب این سوال خیلی ساده بود وآنانکه امین وباندوی آزادی خود را در بندگی دیگران میدانستند . آزادی مذهب که حق مسلم هر مومن ومسلمان است در زمان امین سخت تحت تحدید قرار داشت ، چنانچه بسیاری از کمان ماکه برای ادای نماز به مسجد می رفتند امیدی نداشتند که دو باره به خانه پس از ادای نماز برگردند .

اما امروز خوشبختانه هر فرد این خاک

بیکار حق بر ناحق ویکار مظلوم با ظالم بود و خوشبختانه با استقبال بی سابقه تمام مردم رنجیده وفهمیده ما قرار گرفت و به پیروزی رسید ، امروز همه بدون هیچگونه تبعیض وامتیازی میتوانند آزاد زندگی کنند، آزاد حرف بزنند وآزاد به مناسک مذهبی خود بپردازند . این است معنی عدالت و دموکراسی .

در زمان امین بسیاری از وطنداران ما یابندی بودند ویا بشکل از اشکال مورد آزار واذیت باندوی قرار میگرفتند، شما و خانواده شما در آن وقت چه حال داشتید ؟ بلی این درست است که هیچکس وهیچ خانواده نبود که از شر ظلم وشکنجه امین وباندوی در امان بوده باشد . من هم مانند هزاران وملیون ها خانواده دیگر بی داغ نماندم . قصه از این قرار است :

روز هفتم ماه مبارک رمضان بود که دامادم را بردند وندانستم که کجا بردند و برای چه بردند . ولی يك چیز مسلم بود که او در زندان است . اما اینکه چه شکنجه ودردی را تحمل میکند خدا میدانست . هنوز شش ماه از ازدواج شان نگذشته بود که روانه زندان مخوف پلچرخ شده بود وشما و همه هموطنان خوب میدانند که

ای هموطن وقتیکه این سطور رامیخوانی بدون شك ، به این گفته ها وسختان که از دهن این هموطنان مایرون میشود بساور وایمان داری ، میدانی که این ها همه حقیقت است وهیچگونه مبالغه در آن دیده نمیشود ... به چند نقطه شهر میروم با چند همشهری و هم وطن به صحبت میشوم از این هموطنان در مورد مرحله نوین تکامل انقلاب نور می پرسیم ، وجواب های میگیرم . جواب های که از قلب وضمیر آنان بر خاسته است و همه اش حقیقت است .

اولین مخاطبم زنی است با مو های جوگندی که مو های سپیدش گذار عمر شرافتمندانه اش را نشان میدهد . آزش می خواهم که خود را معرفی نماید، میگوید :

نام آصفه اکبر است ومستحضر در شعبه نابلت سازی دیوی نمبر يك میباشم . زندگی امروزی تان رابادوماه قبل چگونه مقایسه میکنید ؟

در گذشته مخصوصاً در دوره حکمرمایی امین وباندوی زندگی اکثر هموطنان ماشبه به زندانیانی بود که نه حق داشتند حرف بزنند ونه میتوانستند آزاده صحبت کنند . با چنین شرایط بود که مردم ستم دیده ما روز های سخت را میگذاشتند ولی حالا ، مخصوصاً پس از روز تاریخی یعنی ششم جدی که

هر کس خواسته باشد آنرا از شس سلب نماید در حقیقت پشت پا به حقوق فردی و بشری زده است که این کارها و اعمال از طرف امین و بانده سیاه کارش جز پرنانه های همیشگی اش بود .

امروز در پرتو مرحله نوین تکامل انقلاب نور چه کارگر است چه دهقان ، چه مامور است چه کاسب همه و همه یکسان بدون در نظر داشت رنگ ، قبیله و قومیت از آزادی یکسان بر خوردارند . این همه طبقات و اقشار جامعه ما که در گذشته حتی حق حرف زدن را نداشتند چه به این که نظر بدهند یا انتقاد نمایند ، اما امروز به سر کت همین عدالت واقعی و اجتماعی است که مردم ما آزادانه نظر میدهند و این نظردهی آنها از طرف دولت ما پذیرفته میشود . البته مردم ما این انصاف را دارند که در خواست های شان چیزی را از دولت و حکومت مردمی شان توقع نمایند که اجرا و عمل آن در خور امکان و قدرت دولت باشد .

مردم ما نباید از دولت خویش معجزه توقع داشته باشند، این همه پسمانی را که میراث شوم گذشته است نمیتوان در مدت کوتاهی از میان برداشت ، وقت و زمان می خواهد تا خواسته های مردم ما برآورده شود .

بیک چیز باید ایمان داشته باشیم و آن اینکه عرصه از طرف دولت وعده داده میشود به آن عمل میگردد . هنوز ما برای ساختن یک افغانستان آباد و معمور کارهای زیادی در پیش رو داریم و باید در امر اعمار آن مردم با عشق و علاقه فراوان کار نمایم ، عرق ریزند و با تلاش هر چه بیشتر باعث تسریع کارها در امر اعمار افغانستان نوین گردند .

کارهای که در طول این مدت کوتاه صورت گرفته از نظر شما بیشتر کدام چشمگیر تر است ؟

بقیه در صفحه ۵۷

بلند دولتی می بود و بورس های تحصیلی هم یکی از امتیاز های بود که دولت به جوانان که واجد شرایط می بودند می داد اما این جانی به آنانی داده میشد که ما حسب قدرت بودند ولی خسو شیخا نه امروز به چشم سر مشاهده میکنیم که هزاران جوان مابدون هیچگونه تفاوتی وبدون هیچگونه امتیاز و تبعیضی نظریه خواهش واستعداد شان به پوهنخی های مورد علاقه شان کامیاب شده و جذب گردیده اند . و آن عده دیگر که مستحق بورس شناخته شده اند بدون شویش و ناراحتی به تحصیل خویش می پردازند اینست معنی عدالت و مساوات و برابری پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور که در کشور خود مشاهده میکنم .

فوزیه امیری آمر شعبه تربیت سازی و نیچر سازی در پاره دست آورد های ششم جدی که مرحله تازه در زندگی و حیات مردم ما وارد آورده است چنین نظر دارد :

وقتی که گذشته را با حال مقایسه میکنم درمی یابیم که چقدر بهبودی های در همین مدت کوتاه نصیب مردم و خلق زحمتکش ما شده است . در گذشته که جز حرف چیزی وجود نداشت و همیشه تبلیغات بود و پس ولی حالا در همه ساحات زندگی عمل وجود دارد پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور ، چیزیکه به مردم گفته میشود وعده داده میشود به آن عمل میگردد و این خیلی مهم است برای کشور ما و برای مردم ما که زیاد حرف شنیده اند ولی عملی ندیده اند . مهمترین دست آورد های مرحله نوین تکامل انقلاب نور آزادی است ، آزادی یا این پدیده که هر انسان به آن ضرورت دارد، همانطوریکه به غذا ، لباس و غیره احتیاج دارد به آزادی نیز ضرورت و احتیاج مبسوم دارد .

آزادی حق فردی هر انسان است و اگر



محمدانور یوسفی

امروز در روشنی این تحول تازه است که جوانان ما احساس میکنند که آزاداندو آزادی را بصورت واقعی آن می بینند و لمس میکنند . جذب شدن بر سابقه شاگردان معارف به پوهنتون و دیگر موسسات تعلیمی یکی از کارهای با ارزش و درخور ستایش دولت ما است . در گذشته تنها جانی کامیابی را کسانی داشتند که صاحب قدرت و نفوذ بودند ، پدر شان یا یکر از منسوبین شان صاحب مناسب

انقلاب نور همه کارها به فوریت اجرا میگردد، و راستی که چنین بود ، یک هفته قبل از وطنم به کابل آمدم در ظرف یک هفته تمام معاینات طبی ام تکمیل و مرهم تشخیص گردید و حالا مرهم که دواي خود را بگیرم . خداوند دولت کنونی ما را حفظ کند و در بنای خود داشته باشد .

جوانی که خود را محمدانور یوسفی معرفی میکند و از لیسه شیرشاه سوری فارغ شده در پاره مرحله نوین تکامل انقلاب نور چنین ابراز نظر میکند : اگر چه حرف های زیادی است که باید گفته شود ولی من می خواهم از دیدگاه یک محصل مرحله نوین تکامل انقلاب نور را برایتان تشریح کنم :

مرحله نوین تکامل انقلاب نور در وقتی به پیروزی رسید که جوانان ما مخصوصاً محصلین و متعلمین در بدترین شرایط زندگی قرار داشته البته باید این نکته اضافه شود که دیگر اقشار و طبقات مردم کشور ما که چه حال داشتند و چگونه زندگی برایشان سخت میگذاشت موضوع جدا گانه است .

و می خواهم تنها در مورد قشر جوان مملکت که بزرگترین سرمایه یک مملکت را تشکیل میدهد صحبت کنم : بلی جوانان مادر دوره امین و باندهی در شرایطی قرار داشتند که یا بایست جوانان ما در زندان های مخوف و آن هم در زیر هزاران نوع شکنجه های روحی و جسمی قرار می گرفتند و می مردند یا به پست ترین اعمال انسانی تن میدادند . این بود وضع جوانان مادر زمان امین و بانده چنایتکاری .



سالم خان که ماه ها برای تداوی اش تکابل مراند ولی تداوی نمیشد اما حالا ...



آفسنه اکبر، او با احساس خاصی حرف میزند



اطفال در کودکتا نها کار های هنری می آموزند

از منابع خارجی

ترجمه : پوهنمل دوکتور سید حسام (مل)

## بخاطر یک آینده بهتر برای تمام اطفال

سال ۱۹۷۹ که توسط مجمع عمومی ملل متحد بنام سال طفل اعلام شده بود ، پایان یافت (نیکولای تخونوف) کاندید بوروی سیاسی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و معاون اول رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی ، به حیث رئیس کمیسیون سال بین المللی طفل ، تعیین شده بود در یک مصاحبه اش با خبرنگار مجله (لیتراتور نایا) راجع به توجه زیاد کشور شورا هابه نسل آینده اشاره نموده بجواب سوالات او چنین پاسخ داد:

اهداف سال بین المللی طفل از چه قرار است؟  
- هدف عمده از سال بین المللی طفل معطوف ساختن توجه مقامات دولتی و عموم جهانیان بمنظور بهبود وضع اطفال است. که یکی از پرابلمهای مهم اجتماعی بشمار میرود . مطابق دایور صندوق بین المللی طفل صدها میلیون اطفال در جهان غیر سوسیالیستی در فقر - گرسنگی حیات بسر می برند. و در حدود (۲۵۰) میلیون طفل در سراسر جهان از باعث سوتغذی و فقدان مواد غذایی مصاب امراض گوناگون میباشند .

قرار دایور صحنی حیات اجراییه (بان امریکن) هفت ونیم میلیون طفل در کشور های امریکای لاتین در دهه گذشته از کمی توجه طبی حیات شان را به شکلی از اشکال از دست داده اند. در دنیای امروزه مجموعا (۳۰۰) میلیون طفل که بسن هفت سالگی رسیده اند ، نسبت معاذیر اقتصادی نتوانستند شامل مکتب شوند، غربت و فقر اکثر والدین را واداشته که اطفال شان را بکارهای مزدوری بگمارند ، مطابق دایور سازمان بین المللی کار و کارگر در حدود (۵۴)

ملیون طفل در قید حیات اند، که ازین جمله صدها هزار طفل بین سنین هشت و پانزده سالگی بمنظور بدست آوردن یک مزد ناچیز به انجام کار های شاقه که ساعت کار روزانه شان دو یا دوازده ساعت میباشد دست به گریبان اند. بمنظور فراهم آوری فضای سالم زیست ضرور است که برای امر صلح و امنیت بین المللی مبارزه خستگی ناپذیر نمود . زیرا اطفال محتاج صلح و آرامش اند . و همین صلح و آرامش است که برای اطفال خوشی و سعادت بارمی آورد. فضای مذکور امکانات بهتر را برای آموزش و پرورش تدارک می بیند .

سال بین المللی طفل نظریات عامه جهانیان را در مبارزه به مقابل تسلیحات بسیج میسازد و در زمینه همه نیروهای صلح دو ست خواهان تحدید تجهیزات نظامی بوده ، مبلغ پولی را که مصرف تجهیزات نظامی می نمایند، بهتر خواهد بود که برای احتیاجات اجتماعی بشمول بهتر ساختن زمینه رشد اطفال بمصرف رسد . پیاده کردن این امریک پلاتفورم مشترک نیروهای

همه خلقها را با وجود اختلافات سیاسی شان خواهان است .

- شما در مورد وضع اطفال در اتحاد شوروی چه میگوئید ؟

- دولت شورا ها کلیه امکانات را برای بهبود صحت و خوشی نسل آینده آماده ساخته است . و در قانون اساسی اتحاد شوروی در مورد حمایت طفل و مادر بصراحت ماده ای جداگانه به تذکر رفته است .

در سال (۱۹۷۸) بوجهیکه برای اعصار و ساختمانهای کودکان ها ، اطفاهای رهائش اطفال ، کمپ های جوانان ، سربازان ، و دیگر مراکز بصرف رسیده بالغ به پانزده هزار و ملیون روبل میگردد . که ۶۰ فیصد بودجه برای آموزش جمعی بمصرف میرسد . علاوه در حدود (۱۸۰) ملیون روبل همه ساله مصرف دانش آموزان دوره ثانوی میگردد . بالاتر از (۵۰۰) روبل برای یک طفل شیر خوار و زیاد تر از (۴۵۰) روبل مصرف طفل در کودکتان هادر سال میباشد . که ۸۰ فیصد این مصارف از بودجه دولت تمویل میگردد .

مادر کشور خود بیش از (۱۲۰) هزارانستیتوت های قبل از مکتب داریم که برای (۱۳) میلیون طفل محل ارایش دارد . در سال پنج ساله جاری از (۲۵۰۰) تا (۳۰۰۰) کودکتان و شیر خوار گاه در هر سال تحت ساختمان و اعمار است .

در هر تابستان اطفال قبل از مکتب برای خوش گذرانی و تفریح ، خارج از شهر درین دهات و مکاتب خورد سالان و در کمپ های جوانان سر - باز زندگی می نمایند .

در کشور شورا ها برای باز بررسی صحنی و خوش گذرانی اطفال مراکز عمده وجود دارد، که این مراکز زیاد تر از یک ونیم میلیون طفل را اعم از خورد سالان و نو جوانان همه ساله می پذیرد و برای شان وسایل راحتی و تفریحی را فراهم میسازد .

مسایل راحتی و محل رهائش برای تمام اطفال از طرف دولت شورا ها به صورت رایگان در دست تهیه است .

این مصارف فوق از صندوق امنیت جمعی برداشته میشود . و هم برای آن اطفال که در حال سیاحت و مسافرت اند ، موسسه مذکور ۵۰ فیصد در وسایل ترانسپورتی شان تزییل بوجود می آورد .

همه سناتوریم ها ، اسراحت گاه ها و هتل هادر روزهای رخصتی بروی اطفال و والدین آنها باز بوده و در مراکز مذکور لحظات خوش زندگی خود را می گذرانند . قرار دایور و توفیق در مراکز فوق همه ساله تا (۴۰۰) هزار طفل استراحت مینمایند. سیاحت های فامیلی در اتحاد شوروی گاه گاه عام است. در سال ۱۹۷۹ تقریبا یک میلیون طفل با والدین شان سیاحت های توریستیک نموده اند. در تریه و آموزش و پرورش اطفال نمایشگاه های مختلف از قبیل، سرگس ها، باله خانه ها درام ها و دیگر وسایل تریبوی وجود دارد، که همگی این نمایشگاه هادر تریه سالم اطفال نقش قاطع دارد .

و به همین منظور است که دولت شورا ها وسایل سرگرم کننده را در اکتاف و گموش های متعدد کشور تهیه می نماید .

همه ساله که در اتحاد شوروی هفته های بنام هفته جوانان - کتاب - موزیک - سینما - تیاتر برگزار میگردد و میلیونها طفل ملاقات های پیچیده با نویسندگان - کهنوزها - موسیقی دانان ، واکتورس ها می نمایند .

شورای اتحادیه های محلی ولیک کمونیستی و سازمانهای سپورتی در جدوجهد اند. تا یک تعداد زیاد اطفال را در فعالیت های فزینگی و سپورتی جذب و داخل این سازمانها میسازند. در سال ۱۹۷۸ در اتحاد جماهیر شوروی تقریبا (۷) هزار اطفال شامل مکاتب سپورتی گردیدند که به این ترتیب تعداد ورزشکاران در اتحاد شوروی قریب به دو ملیون میرسد . علاوه در نظر است که بین سالهای ۱۹۸۰-۱۹۷۹ تقریب (۲۷۰) مکاتب ورزش و سپورت جدیدا تاسیس شود .

بقیه در صفحه ۵۷



اطفال حین بازی و ساعت تیری در کودکتان



# فعالیت‌های خرابکارانه و طرح نقشه‌های تهاجمی ایالات متحده تو از ن قوار ادر جهان بر هم میزند

خلقهای سرا سر جهان خا طرات بسیار تلخ و نا گوار جنگک جهانگیر دوم را ، فجایع آدم کشی ، کوره‌های آدم سوزی ، گسیل داشتن اسرای جنگی به ار دو گاه های کار اجباری بمبارد ما نها و خرا بی های بی شماری که این جنگک خا نما نسوز بر خلقهای اروپا تحمیل کرد و میلیو نها انسان فدای هوا و هو سس و خوا هشات شیطان ی امپر یا لیزم جها نی و نیرو های جنگک طلب و در را سس آن فدای خوا هشات دو زخی و آرمانهای سیاه نا زیسم و آلمان وفا شیسم ایتالیا گرد ید ند. هنوز آن خا طرات نا گوار که دلهای آدمیان را بر قست میا ورد و وجدان آدمی را تکان می دهد از خا طره ها فرا مو شن نشده است. بعد از جنگک جها نی دوم که قوای متفقین بر نیرو های اهریمنی متحد ین فایق آمدند . امپر یسا- لیسم جهانی و در راس آن امپر یالییزم ایالات متحده امر یکا در صدد آن شد تا منا بع بیشتری بفر صس تحصیل منافع آزمندا نه جها نخوا ران امپر یالیستی فرا هم آورده و بیش از پیش کشور های جدا گانه را یا به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم در اسارت خو یش نگهدا شته و این کشور ها را مبدل به مناطقی تهیه مواد اولیه و تهیه و فرا هم آوری مواد خام برای خو یش مبدل سازد، همان شد که استعمار را بشکل نوو باظا هر آراسته و پیراسته درایسن کشور ها گسیل دا شت و با وجود اینکه با ایجاد حکومتات ضد ملی و ضد دمو کراتیک بر ارا ده اکثریت خلقهای کشور های نا مبرده مسلط گرد یده و بر سر نو شت آنها حا- کمیت دارد ، باز هم خا ثنا نه و بسا دیده درایی از عدل و تقوی ، از ایجاد حکومت مردمی ، از دمو کراسی ، از آزادی (!) و... داد میزند ، این دیگر صاف و پاک فریب خلق است ، داستان نا پاک امپر یالستان

دیگر بخون صدها هزار و میلیو - نها انسان شریف آسیا ، افر یقا و امر یکای لاتین آلوده است ، ما شین جنگی ایالات متحده امر یکا دروینام قهر مان ، در شرق میا نه ، در آنکولا مو ز نبیق و سا یر کشورهای جهان کشتگان بیشماری از خود بجا گذا شته است . خلقهای مبارز و شجاع جهان این کشتار ها و آن قربانی ها را هر گز فراموش نمی نمایند ، حالا دیگر وقت آن رسیده که خلقهای رزمنده جهان در مجموع به امپر یا لیزم و کلیه متحد این ناپاک و منحطش پورش برده و با ضربات کوبنده شا لوده امپر یا- لیزم جهانی را در هم ریخته و بر- خرابه های استعمار رنگ و روغن زده یعنی استعمار جد ید شا لوده و اساس زنده گی نو ین و مترقی ، آزاد و شکر خان را بنا نهند .

در این ا و خرایالات متحده امریکا تصمیم گرفته است تا سیستم های جدید اسلحه ذروی را در کشورهای عضو نا تو تمر کز دهد ، این تصمیم ایالات متحده امر یکا بخودی خود علیه دیتا نت بوده و تو از ن قوار ادر ارو پا بر هم می زند. در حقیقت عال ملین و گردا نند گان ما شین آدمکشی امپر یا لیسم سخت در تلاشی بوده و در این زمینه ت- لاشها و فعالیت های تب آلودی را انجام میدهند ، با وجود چنین حالتی که پلا نها و نقشه های نا توهمه و همه متوجه تشدید تسلیحات ذروی است ، به شکل بیشتر ما نه و در عین حال بسیار ظریفانه موضوع مذاکره با اتحاد شوروی و مساله تحدید سلاحهای اتومی را به پیش می کشد . این دیگر واضع و آشکار است که چنین نقشه های محیلا نه و شیطان ی نه مورد قبول خلقهای جهان قرار میگیرد و نه مورد قبول کشورها

بیکه به استقلال ملی ، حاکمیت ملی ، و تمامیت ارضی خو یش دلبسته و علاقمند ند . ایالات متحده امر یکا بدون در نظر داشت ارا ده رزمنده خلقها و خلاف ادعای محافل انقلابی و کشور های مترقی به خصوص خلاف اعتراضات پیهم خلقهای ارو پا در این اوا خسر مرمی های تهاجمی و کروزو پرشنگک را در ارو پای غر بیجا بجا نموده است ، این عمل جنگک طلبانه و خلاف روحیه مقررات بین المللی و خلاف قرار داد ها بین اتحاد شو روی و اضلاع متحده امر یکا در مورد تحد ید سلاح تهاجمی است که واقعا چنین اعمال و چنین کوششهای شیطان ی بخودی خود اصل دیتاننت را مورد مخا طره جدی قرار میدهد این تصمیم اضلاع متحده امر یکا در کنار تصامیم دیگری که درایسن زمینه اتخاذ گرد یده است پیش از پیش ما هیت جنگک طلبان و خصلت عمده فعالیت های امپر یا لیزم ایالات متحده امر یکا را بر ملا میا زد اکنون که امپر یا لیسم اضلاع متحده امر یکا بر مرگ نیرو های هوادار جنگک و غارتگری خلقها اشک تماش میزند متحد ین هم پیمان نشد در جهان ، جنبه نا مقدسی را تشکیل داده و با این اتحاد نا مقدس بر ضد نیرو های ترقیخواه جهان و به کمک همه جا نبه دستگاه مرکزی جاسوسی امر یکا و سیاه نقشه های محیلا نه و غارتگری نه ای راسازمان بخشیده و سیلی از دلار امر یکا یر و پوند انگلیسی در این راه یعنی در راه تطبیق این نقشه ها به کشور های مورد نظر سرا زیر میشود . نا تو چندی قبل تصمیم گرفت تا در خاک ها لند سلاح جد ید و مدرن خویش را جابجا نماید کشور ها لند در این مورد یعنی در

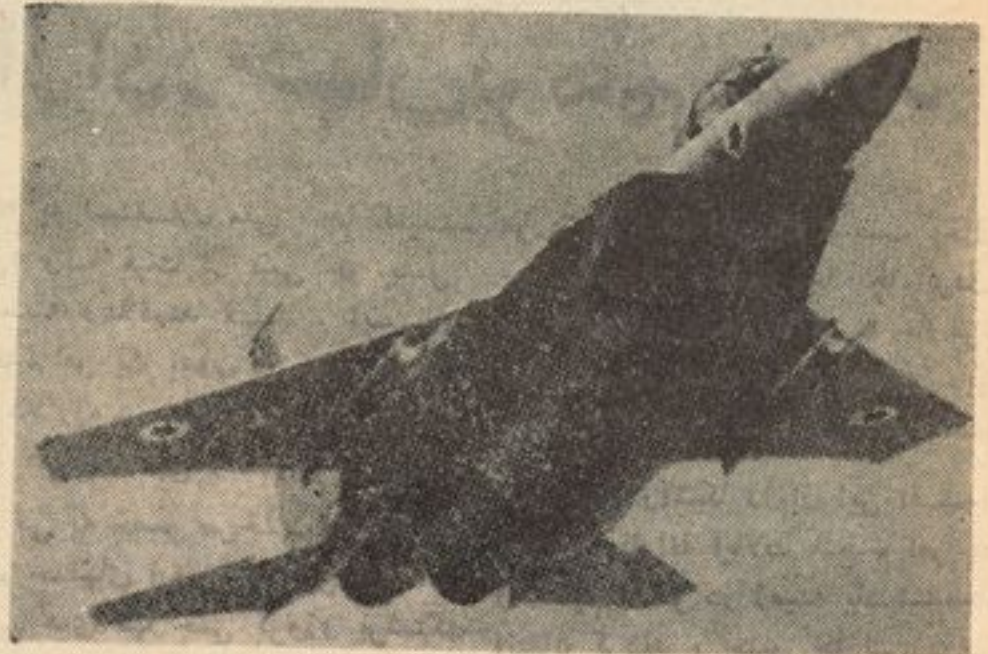
مورد وا گزاری یک قسمت خاک خو یش به منظور جا بجا کردن سلاحهای پیمان نا تو تا حال موا فقه نموده است و نیز اعضای دیگر پیمان اتلانیک شمالی به شکل صریح و آشکارا از این اقدام تجا وز کارانه ایالات متحده امر یکا و تصمیم نا تو در زمینه یاد شده جدا انتقاد کردند ، چنین حالتی در بین اعضای پیمان اتلانیک شمالی موجب نا رضایتی اعضای پیمان گرد یده و آنها را به تلاشهای مذ- بوخانه ای متوسل کرده است .

از آنجا نیکه سیاست صلحدو - ستا نه کشور های مترقی همیشه و در همه جا و در کلیه ادوا رتاریخی بخصوص در نیم قرن اخیر ما نح بزرگی برای تطبیق نقشه های امر یمانا نه جنگک افرو زان امپر- یالیستی بوده و همیشه با فعالیت های دامنه دار و وسیع و بزرگی که کشور های صلحدوست انجام می دهند . تو از ن قوا را حفظ نموده و بر ضد نقشه های تجا وز کارانه و علیه فعالیت های محیلا نه و نقشه های تعرضی امپر یالیسم و در راس آن بر ضد نقشه های تجا وز کارانه ایالات متحده و محافل ارتجاعی در ارو پا کشور های نامبرده همیشه در صدد آن بوده تا در راه تحد ید سلاحهای اتومی تهاجمی و توریید و تولید سلاحهای مرگبار مجا- هدا ت پیگیری نمایند .

ایالات متحده امر یکا وبخصوص محافل جنگک طلب اروپای غر بی سخت در تلاش اند تا بدوره جنگک سرد دوباره عودت نموده و مقدمات پیدا- یش و ایجاد برخوردهای گرم نظامی رافرا هم آورد ، در حالیکه پرو- بقیه در صحنه ۵۶

# نگاهی به اوضاع شرق میانه

## پالیسی صهیونیستی اسرائیل خطر بزرگی در راه تحقق صلح و دیتانت



یکی از طیارات اسرائیلی که همواره با بمبارانهای خائنانه اش خلع فلسطین را بخاک و خون می کشاند.

منطقه شرق میانه از دیر زمانست که در صدر مناطق متشنج جهان قرار دارد. معضلات شرق میانه در ظرف سی سال چهار بار مبدل به صحنه های خونین نبرد ها و ترازیدی المناک جنگ ها گردید. ولی این ترازیدی بعد از سفر سادات به بیت المقدس در سال (۱۹۷۷) منطقه شرق میانه را در حالت انفجار قرار داد. که در هر لحظه امکان خطر جنگ دیگری را احیاء نماید در اثر اعمال، نفوذ و فشار صهیونیستان اسرائیل یکدو نیم میلیون فلسطینی از مناطق آبی خود جبرا رانده شدند. و آنچه از خلق های عرب فلسطین که در مناطق اشغالی باقی ماندند هیچگاه خود را در خانه های خود نمی بینند. بلکه خویشان را در زندان و شکنجه گاه رژیم فاشیستی اسرائیل ملاحظه می نمایند. سالانه بیش از چهل هزار فلسطینی در تحت محیط اعراب و فشار در مناطق اشغالی مجبور به مهاجرت می شوند.

قوای تجاوز کار نظامی اسرائیل در مناطق اشغالی عربی بخصوص بعد از طرح دسیسه هاو پلان های مبنی بر اعطای (آزادی داخلی) و تلاش های مذبحانه ارتجاع مصر و ارتجاع حاکمه اسرائیل که آنرا تحت نام (مساعی برای صلح) میخوانند حالت تشنج و تضییق را بکلی حاد نموده است. سازش ها و پالیسی خائنه رژیم سادات که بی شرمانه خود را در آستان امپریالیزم بین المللی انداخت و بر ضد سیر تاریخ و نیت خلق های آزادی خواه مصر و خلق های عرب اوضاع شرق میانه را هنوز هم مغتنق نموده است و امکان هر نسوع حل عادلانه داعیه فلسطین و برابرلم های شرق

بی رحمانه زندانی می شوند و یا بوسیله شیوه های فاشیستی مجازات و شکنجه می شوند. وضع مالیات های نوو کمر شکن، اخراج اعراب از مناطق اشغالی ویران کردن خانه های آنها، و یا قتل عام ها و گلوله باری به اجتماعات خلق های اعراب باشنده مناطق اشغالی همچنان ادامه دارد.

ولی علی رغم این همه اعمال وحشتناک لحظه ای هم مبارزات دلیرانه خلق فلسطین خاموش نشده است. بلکه آن متهورانه برای کسب حقوق ملی و طبیعی خود مبارزه نماید. و برای احقاق حقوق خود یگانه شیوه مبارزه انقلابی و مسلحانه پذیرفته اند.

روز بیست و ششم مارچ که روز ۱ مضای معاهده نام نهاد جداگانه (معاهده صلح) بین مصر و اسرائیل بود، در مناطق اشغالی این روز منحیت روز عزا داری اعلام گردید و تظا هرات و اعتراضات دامنه دار و وسیعی در تمام جهان عرب بشمول مصر صورت گرفت به مناسبت اظهار اعتراض و نفرت علیه دسایس ارتجاع حاکمه اسرائیلی و امپریالیزم رژیم سادات باشندگان مناطق اشغالی در نوار غزه بتا ریخ (۲۷) دسمبر کنفرانس را تشکیل دادند شرکت کنندگان این کنفرانس نامه را به کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین فرستادند و در طی این نامه سازش های مصر و اسرائیل بشدت تبیح شده بود. همچنان اشتراک کنندگان این کنفرانس به وضاحت اعلام داشتند که آنها از هیچ گونه مساعی بغاظر طرد استیلا غارتگران امپریالیزم و صهیونیزم اسرائیل اعمال می گردد

همچنان سلسله چنین کنفرانس ها در بیت المقدس، و شهر های نابلس، الخلیل، و مالا و غیره ادامه یافت. در تمام این کنفرانس ها که به اشتراک هزاران نماینده خلق های فلسطین انعقاد یافت از داعیه برحق خلق فلسطین پشتیبانی عمیق بعمل آمد. شاملین این کنفرانس ها همچنان دفاع بی دریغ خود را از سازمان آزادی فلسطینی (پ.ل.ا) ا بر سر داشتند.

در طی تظاهراتی که علیه سازش ها و اعانت های که به خواست انسانی خلق فلسطین از طرف امپریالیزم و صهیونیزم اسرائیل اعمال می گردد چندین نفر از مبارزین وطنپرست فلسطین در درانر گلوله باری بر تظاهر کنندگان شپید شدند این گلوله باری بر اجتماعات تظاهر کنندگان بدون اخطار قبلی صورت گرفت.



اسرائیل جز از گلوله ها و مرمی چیز دیگری نمی شناسد.

عجب ساده ژوند يی در لود. د ژوند دنيمگر تياو په نړی کی يی بيا هم په خپل ژوند شکرونه ایستل د صداقت په انگړ یعنی د طبیعت په لمن کی لوی شوی محمد عمر — د سپیڅلی زړه خاوند وه. دده دینسی نه داسی ښکاریده چی تا به ویل خاص بزرگ دی.

محمد عمر کوچی دژمی په موسم کی به یی دهسکو غرو نو دسرنه تو دو سیمو ته کبی کو لی دی به همیشه په خپله دود و هلی شپړی کی داسی تا و وه چی دو ه سترگی به تری ښکارید لی لوردهونه او رو ښانه قواره یی در لوده، دمخ چوکات یی ډیر ښکلی وه. د طبیعت په لو به غیر کی داسی لوی شوی وه چی غټ او قوی اندامونه یی لکه دشتی پهلوان دورایه ښکاریده.

ده به همیشه خپلی توری کیردی دژمی به موسم کی دناو کی غره په

دی صحنی څخه زیات خونداخست. گلی. دمحمد عمر کوچی ښځه وه چی ددی ښکلی او سپین بدن به به شلید لو جا مو کی داسی ښکاریده چی تا به ویل سپوږمی خپلی شغلی دوریځی څخه را بیرون کړی، دی به دکور کار کاوه و لی کله کله به ژوندی ته تلل او دواړو بڼی به یی په سر سپیره میره به خپلی توری کیردی ته را ننو ته، دی آرام نه در لود، سترگی ستومانه بدن یی په ډیرو کارو کی لکه مز یی داسی کیدل چی پښی به تیا کی شوی وی دچاو دو نونه به یی وینی بهیدی، خو بدغه حال یی هم شکر کاوه.

یوه خبره چی دیا دونی ورده هغه دا چی به ژوند کی تری ډیره بده خاطره در لوده هغه دباچ مسئله وه.

دا به ډیرو ته معلومه وی چی باچ

کړی. که څه هم ( دخان نو کسر ) دعاطفی خاوند وه و لی مجبور وه چی دخان بیرحمه پیغام ورسوی نو کسر پداسی حال کی دکیر دی خوا ته ورسیده چی گلی توپری لاس ترزنی ناسته او دغره سر ته گوری او په زړه کی داسی ور تیریدل چی د دی خاوند به په ازغو سو ری سو ری نن دکوم تیکی به خنک کی تکیه وهلی وی اودخپلی رمی خارنه به کوی. چی د شاه ولی خان مزدور ور ناری کړی وگلی توپری. گلی توپری تاته وایم گلی توپری دغمونو دگر داب نه سر راپور ته کړ او په ډیره حیرانه خیره یی ور ته وویل: خو په خیرت دی.

دخان مزدور دپتکو داستا ن ورته و غوړوه او دخان دقهر جنسو ستر گو پښی یی و کړی او دخان بیرحمه عادتو ته یی یو دبل پسی ورته وویل او په پای کی یی ور ته ښکاره کړه چی خان دباچ بیسی غواړی. بیسی غواړی وا در ویده که نه؟

گلی توپری بیر ته خپلی غمجنی کیر دی ته ننو ته او مزدور نری رخصت شو. خان پداسی حال کی چی سترگی یی بڼی ختلی وی دلاری بخاری کاوه چی په مز دور یی سترگی ونښتی غږ یی پری وکړ. چی وهلکه خنکه شو. مزدور پداسی حال کی چی سایي سترگی سترگی کیده په وارخطایی ور ته وویل چی محمد عمر کو چی غرته رمه بیو لی وه کو رکی نه وه. ( خبره یی په خو له کسی وچوی) خان هیڅکله چا په خندانوه لیدلی بیا یی په ډیر غضب وویل چی هلکه نور هلکان هم درسره ملگری کړه نن ماز دیگر به حتمی رمی څخه خو سیر لی رابیلوی هو دا کار به حتمی کیری. تا ته وایم وهلکه پوه شوی کنه؟ ددی عمل به دا جزای محمد عمر کو چی دغره دلورو څو کو څخه خپله رمه راگوزه کړه اودلرگیو گیبی یی هم په شاره دشوکارو لاسو او پښو نه یی غوټی غوټی وینی به چاو دو کی ښکاریدی را روان و ه گوری چی دخور نه خو تنه در می خوا ته را روانی دی چی نژ دی شو گوری چی دخان نا حقه کوټ والیانو دده په رمی باندی حمله وکړه. په شمیر اوه خاروی یی درمی څخه را بیل کړ. محمد عمر کوچی چی خومره ناری ووهلی او دخپلی گناه دمعلو مو لو پو ښتنه یی گو له غوړونه پری کاټه شول. چو یی چو پتیا هیڅ ځواب نه ورکاوه.

خو پس دیوه وخت نه ددی دمیښخ نه داسی آواز راپو رته شو. (باچ- باچ او باچ) دا آواز ونه پورته کیدل درمی نه بیل شوو سیرلیو هم دجدایی رمباری وهلی دشپي تیاری هم دمحمد عمر کو چی سترگی پتی کړی او په مات زړه کیر دی خوانه را روان شو.

څه به درته وایم هغه دغم شپه په محمد عمر کوچی او گلی توپری دومره اوږده شوه چی تا به و یل کال دی.

خو لنډه دا چی ډیری دارنگه ناوړه پښی په ټول ژوندکی پری راغلی وی. غم خپلو زړونو به گاللی چاره نوه وایی چی د وخت غو ښتنی دمرگ غوښتنی دی خو دهر وخت غوښتنی دمرگ غوښتنی نه دی وختونه فرق لری. په ځینی وختو کی د ژوند غو ښتنی هم پر تی وی رښتیا وختونه بد لیری. غو ښتنی چاته انتظار نه باسی هو پدی ارمان بقیه در صفحه ۵۰

گلی توپری- ډیری نا امیدی لیدلی وی. دی اولادنه در لود. بسی کسه وه د ژوند ټو لی ستر تیاوی پدی خوار کی تیریدی. ددی تن ډیرو محرو میتو د گذار ښه وه. خو دباچ غم دبی گوری غم دڅمکی دنه در لود لو غم ددی به زړه هغه گذار وه چی دا به یی کله کله په خوب کی ویرو له. یو ځل بیا یی دباچ ترڅه خاطره په زړه شوه او د خان نو کر ته یی په ډیری عاجزی چی ساره اوسیلی یی دخو لی نه غیري ارادی پور ته کیدل داڅکه چی دا له اوسیلو سره عادت شو یوه وو یل: بچی زما خاوند غرته زمه وړی ده دشپي که راغی زه به ور ته وایم، تادی خدای لوی کړی ته ډیر ښه هلك یی.

دخان نو کر نرم زړه در لود په خواری گلی تو پری یی زړه وسو دهغی نا امید یو یو ځل مزدور هم خپل ترڅه ژوند ته متو چی کړ خپلی بد بختی یی دگلی توپری په بدبختیو کی ولټو لی، خوبیا هم نوکر ورته وویل چی گلی توپری محمد عمر ماما ته زما له خوا عذر و کړه چی لماڅخه خفه نه شی زه مجبور یم چی دخان دبیباکه پتکو نه هر چا ته کیسی وکړم.

نه څو په. زه پدی پوهیر م ته هم زمونږ غونډی خوار کی یی ستا په مخکی هم دبیر حموسپیرو تقمی دورایه معلو میری.

دشپسوار (سنگروال) لیکنه

یو لنډ داستان

# باج

دزړو فیوډا لی منا سبا تو یوه بسی پته او کر غیر نه پښنه ده چی بی وزلو کو چیانو به په ډیره بیرحمی باندی هضمو له.

محمد عمر کو چی هم پدی بد مر غی نارو غی باندی په ټول ژوند کی اخته وه هغه دا چی ده به دناوکی غره په لمن کی واړول، نو یو څه کرت او یو سیر لی به دباچ په نوم دسیسی لوی خان ته ور وړ خو بیا هم دی پدی سو غات دکال تر پایه نه خلاصیده محمد عمر کو چی مجبور وه چی یوڅه نقدی بیسی هم ورکړی.

عجبه خولا دا وه چی یو ورځ سهار وختی محمد عمر کو چی خپله رمه غره ته بو تلل او گلی توپری په توره کیر دی کی چی دو ږی تری پو رته کیدی. دنغری خواکی حیرانه بیرانه ناسته وه چی شاه ولی خان خپل (نو کر) ورو لیږه چی دمحمد عمر کو چی نه دباچ بیسی تر لاسه

لمن کی پلنولی دمپرو بچیانو چی وری یی بو لی دکیر دیو شاوخوا رمباری وهلی. چی دی آوازو به دلورو غرو نو په زړو کی انگازی جوړو لی. رنگین طبیعت په خپله ارته لمن کی دستخا لایی وهلی دخو ورڅو میلمانه کو چنیان یی خو - شحاله ساتل.

دناو کی غره کی وابنه ډیر و دده دما لو نو گذاره پری کیده. ددی غره په بیخ کی یوه لویه چینه چی (شوناو یی) ورته ویل مو جوده وه. ډیری خوږی او به یی در لودی. کله به چی محمد عمر کو چی خپله رمه دغر ه څخه رابښکته کړه دلر گیو گیبی به یی هم په شاره چی دچینی خوا ته به راغی دخپلی ملا څخه به یی خپله روزی راخلاصه کړه او داو بو تر خنکه به کښیناست د جواری غتی مری یسی به یی داو بوغړپ کاوه رمی به هم دخپری دونو بانی خړبو لی. او محمد عمر کو چی به له

# نگاهی بر رباعیات خیام



سنت گرانی مذهبی منویش کرده اند  
خلاصه هر کسی به اندازه بر داشت و  
توانائی فیهش در باره رباعیات خیام چیزی  
گفته اند و چیزی نوشته .

اما آنچه را که به یقین و بدون تعصب و  
کینه و مجزا از هرگونه کج بختی و کج  
فهمی از رباعیات خیام بدر آورد آن خواهد  
بود که روش خیام و طرز دید وی در بیان  
اندیشه و افکار، روش مردان بزرگ و آزاده  
گیتی است . اگر چه به این طرز دید در  
باره خیام از دیر باز به این سو متعصبین به  
ظن و غضب دیده اند . بر مقام آزاد گسی  
و آزاده اندیشی ، زیبایی بیان و سلامت  
وصراحت کلامش چشم پوشی عمدی روا  
داشته و بران رشک برده اند . ورنه رباعیات  
فارسی این گوینده درد شناس ، از گو  
ترین همه آنهائی است که تا حال سروده  
شده است .

شکی نیست که قلب خیام از عشق پرورد  
گارش و احساس حسن جمال مظاهر کائنات  
مملو نبوده باشد و این هم پرواضح است  
که خیام ادیبی است دارای کمالات صورت  
معنوی که رباعیات زیبا و شیکارهای  
ادبی بر نظیر او موند این مدعا است  
اما آنچه در بین میان قابل و نامسل بیشتر  
عیبا شد آنست که آیا میتوان خیام را صرف  
یک شاعر متصوف و یک واعظ این دانست و همه  
آنچه را که وی سروده است به نوعی از انحاء  
متکی و بیبوست به معنویات آن  
برشمردیم هر تجاهل عارفانه اگر بدین  
گونه در مورد وی انجام پذیرد چشم پوشی  
خواهد بود به آنچه که در خود چنین  
شخصیت است .

از رباعیات متعددی خیام چنین پیداست  
که وی همزمان با آنچه که سالک تصوفی  
ایجاب مینماید ، دانشمند آزاده ایست  
است که خود را در بند هیچگونه او هانم  
نمی اندازد .

و این مطلب از رباعیات موصوفی به  
وضوح پیدا است :

چون عهده نمی شود کسی فردا را  
حالی خوشدار این دل پر سودا را  
می نوش به ماهتاب ای ماه که مساه  
بسیار بر بتا بد و نیا بد ما را

اکنون که گل سعادت بر بار است  
دست تو ز جام می چرا یکسار است  
می خور که زمانه دشمن گذار است  
دریا فتن روز چنین دشوار است

امروز ترا دسترس فردا نیست  
و اندیشه فردات بجز سودا نیست  
ضایع مکن ار دلت شیدا نیست  
کاین باقی عمر را بیا پیدا نیست

خیام با آنکه عمری در تحقیق جهان مسا  
فوق تصور انسان سفیری نمود ، در مورد  
جهان هستی هم تا آنجا که فیهش اجسازه  
مید ادبی خبر نبود . و چنانچه از تحقیقات  
دقیق در مورد آثار وی واضح میشود که نه

تنها او ادیب متصوف بلکه دانشمند ، حکیم  
و ریاضی دان و مصلح بزرگ زمان خود  
بود . وی در مورد اینکه وایا سر انجاش  
بکجا خواهد رسید میگوید عاقبت انسان  
پس از مرگ چه خواهد بود .

تا چند زلم بروی دریا ها خشت  
ببزار شدم زبت پرستان کشت  
خیام که گفت دوزخی خواهد بود  
که رفت بدوزخ و که آمد بهشت

چون نیست حقیقت و یقین اندر دست  
نشان به امید شکسته عمر نیست  
هان ناله نیم جام می از کف دست  
در بیخبری مردچه عشیار و چه مست

ای آمده از عالم رو حانی گفت  
حیران شده در پنج و چهاروش و هفت  
می خور چو ندانی از کجا آمده  
خوش باش ندانی بکجا خواهی رفت

و در مورد اینکه آنچه در دست است  
با ید حساب نبود نه آنچه که وعده داده  
شده رباعیات زیاد دارد که بطور نمونه  
بذکرش می پردازیم .

گویند کسان بهشت با حور خوشست  
من میگویم آب انگور خوشست  
این نقد بگیرد دست از آن نسبه بدار  
که آواز دهل شنیدن از دور خوشست

من هیچ ندانم که مرا آنکه سرشت  
از اهل بهشت کرد یا دوزخ زشت  
جامی و بتی بر بتی بر لب کشت  
این هر سه مرا نقد و ترانه بهشت

گویند بهشت و حور و کولر باشند  
جوی می و شیرو شهد و شکر با شد  
پرکن قدح باد مویز دستم نه  
نقدی ز هزار نسبه خوشتر با شد

در دهر چو آواز گل تازه دهند  
فرمای بتا که می به اندازه دهند  
از حور و قصور و زینت و دوزخ  
فارغ بشنیدن که آن هر آوازه دهند

آنانکه تصوف را بر میگزینند و به آن  
گرویده میگردند از مرگ هراسی بسند  
را نمیدهند نه تنها از مرگ هراسی ندارند  
بلکه مرگ را مایه خوشی میدانند و به  
عقیدت اینکه به اصل خوشی میشدند و بخسای  
نخود و صلت حاصل مینماید پس از آن  
میباشند اما خیام در رباعیاتش از مرگ  
هراسی را بیان میکند و عمر دست داشته  
را غنیمت میشمارد :

این قافله عمر عجب میگذرد  
در یابدمی که با طرب میگذرد  
ساقی غم فر دای حریفان چه خوری  
پیش آر بیاله را که شب میگذرد

زان پیش که بر صورت شب بخون آرند  
فرمای که تا باد گلگون آرند  
توانزه نی ای غافل تا دان که ترا  
در خلایق نهند و باز بیرون آرند

زبان این ترتیب میرسیم بدان جانی  
که صاحب نظران چه فرمایند و چه قضاوت  
کنند که خیام بکجا میخواهد برسد .

روزی که گذشت هیچ ازو بساد مکن  
فر داکه نیامده است فریاد مکن  
بسر نامده و گدشته بنیاد مکن  
حالی خوش باش و عمری بر باد مکن

ای کاش که جای آریدن بودی  
یا این ره دور راز سیدن بسودی  
کاش از بی صد هزار سال از دل خاک  
چون سبزه امید بر دمیدن بودی

بسا از رباعیات خیام مویز این بیان  
آند که آنچه برای آدمی درید امکان  
است همین هستی است و تا حد امکان  
توان از آن باید مستفید شد . و این بدان  
معنی خواهد بود که خیام را از معتقدین  
به جهان هستی میدانند . رفتگان ازین جهان  
را به مسافران گم گشته و نا آمدنی  
یکسان دانسته است .

افسوس که سرمایه زکف بیرون شد  
وز دست اجل بسی جگرها خون شد  
کس نامد از آن جهان که برسیم از وی  
که احوال مسافر آن دنیا چو نشد

از جمله رفتگان ایسن راه دراز  
باز آمده گیمت تا به ما گوید راز  
پس بر سر این دوراهه آرزو نیا  
تا هیچ نمائی که نمی آیی بساز

و هم چنان در جای دیگری غم فردا را  
نمی کرده و میگوید :  
ای دوست بیانا غم فردا نخوریم  
وین یکدم عمر را غنیمت شماریم  
فردا که ازین دیر فنا در گذریم  
با هفت هزار سالکان سر بسریم

ای دل توبه اسرار معانی میسی  
در نکته زیر کان دانا میسی  
اینجا به می لعل بهشتی میساز  
کانجا که بهشت است درسی یا نه میسی

باری هم واعظان و نامحان را که سخن  
فرا تر از حد توان خویش میزند چنین  
نکوش مینماید :  
آنانکه محیط فضل و آداب شدند  
در جمع کمال شمع اصحاب شدند  
ره زمین شب قاریک نبردند بیرون  
گفتند فسا نه و در خواب شدند

و در رباعی میفرماید :  
در فصل بهار اگر بتی حور سرشت  
یک ما غم می دهد بر لب کشت  
هر چند به نزد عامه این با شد زشت  
سگ به ذعن است اگر بر لب نام بهشت

اما آنگاه که خود هم نمیتواند با کسی  
به منزل بکشد فریاد میزند که :  
قومی متفکرند اندر ره دین  
قومی بگمان فتنه در راه یقین  
میترسیم از آنکه بانگ آید روزی  
کای بیخبران راه نه آنست نه این

و به این ترتیب میرسیم بدان جانی  
که صاحب نظران چه فرمایند و چه قضاوت  
کنند که خیام بکجا میخواهد برسد .

زبان این ترتیب میرسیم بدان جانی  
که صاحب نظران چه فرمایند و چه قضاوت  
کنند که خیام بکجا میخواهد برسد .

زبان این ترتیب میرسیم بدان جانی  
که صاحب نظران چه فرمایند و چه قضاوت  
کنند که خیام بکجا میخواهد برسد .

بلکه هدف عمده آن تشخیص نحوه تحول اقلیم ونو سانات آن میباشد . طور مثال مقدار ریزش با را ن مربوط به برا حل مختلفه مهتا ب بوده واز قرا ره معلوم چا نس با ریدن آن در اواخر و اوایل ماه نسبت به اواسط آن زیاد تر است .

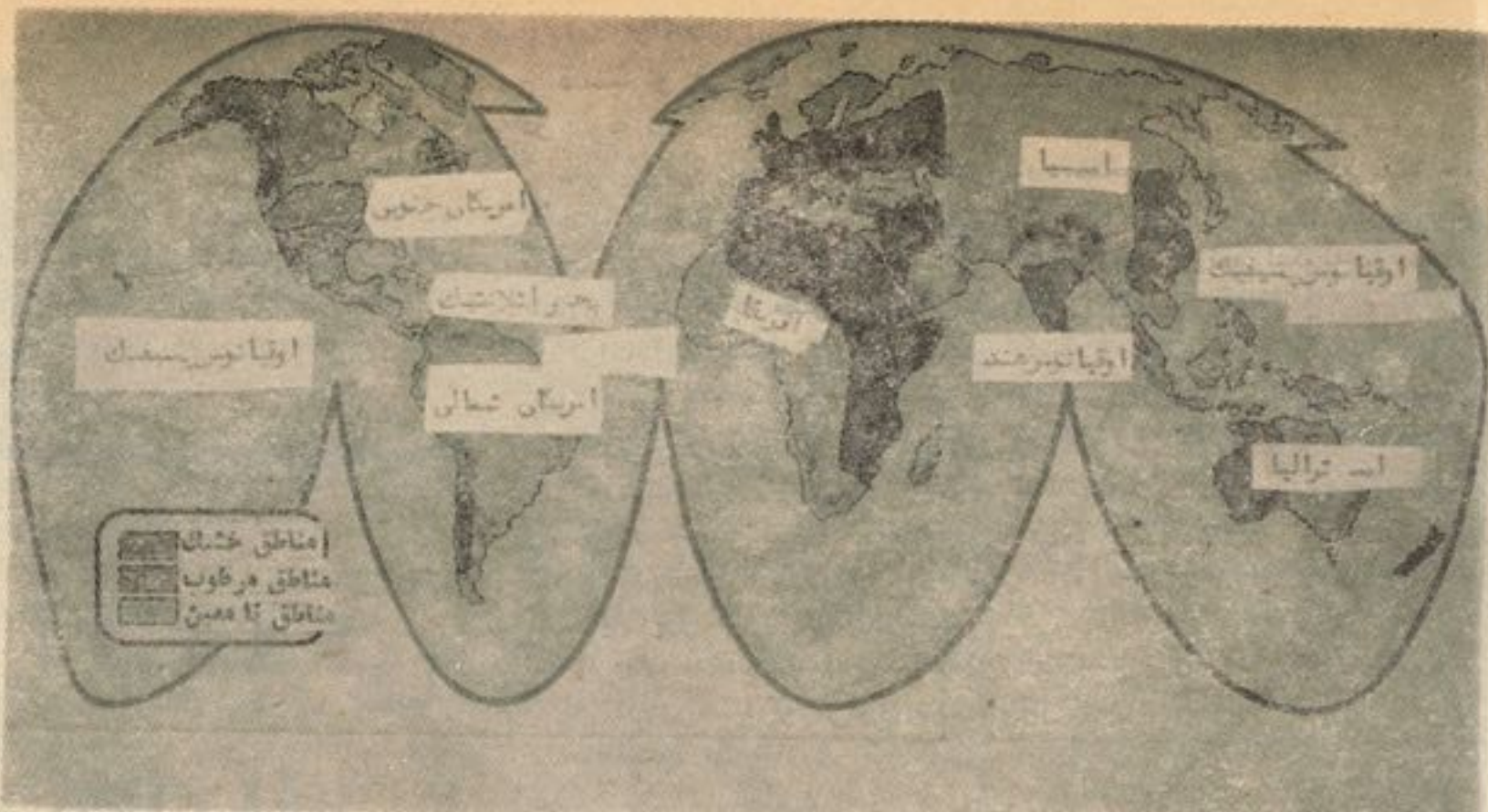
اما عطا لغات نشان مید هد که مهمترین منبع فعالیت های نوسانی آفتاب است . مدارک معتبری در لایرا قوار ابلتو ن انگلستان بدست آمده مبنی بر اینکه اختلا لات در ریونو سفیر زمین که باعث بر خوردن با امواج رادیونی میگر دد مربوط به سایکل آفتاب است که درطول ۲۷ ونیم روز یکمرتبه با لای محور خود چرخیده و زمین بصورت بریودیکی در معرض اشعه آن قرار میگردد این شعاعات باعث تولید اختلا لات درایونو سفیر زمین و تغییر فشار در اتموسفر گردیده ودر نتیجه باعث سفیر سمت وزش بساد میگر دد .

سایکل لکه های سطحی آفتاب :

مشهور ترین خاصیت بر بودیک آفتاب سایکل تقریبا یازده ماه شمسی است که در طول این مدت تعداد و درخشش این لکه های سطح آفتاب به حدا عظمرسیده و دو باره تا بدید میگردند . تا یح مطالعات نشان دهنده آنست که وقوع خشکسالی بعد از گذشت دو سال از زمان ناپدید شدن نقاط فوق الذکر در یکدور در میان سایکل شمسی رخ مید هد زیرا

سمت ساحه مقنا طیبی آفتاب ، که کنترولر این نقاط است ، بعداز تکمیل دو سایکل معکوس گردیده و بنا سمت مشخص و مدت ساحه مقنا طیبی بعد از سیری شدن تقریبا ۲۲ سال دوباره بحالت اولی باز گشت میکند اما علت اینکه چرا ساحه مقنا طیبی آفتاب و خشکسالی با هم مربوط اند هنوز معلوم نیست . تحقیقات اخیر نشان مید هد که آفتاب این سایکل یا زده ساله را بصورت

بقیه در صفحه ۵۶



ترجمه زلمی ذهاب

# پیشگویی طویل المدت اوضاع جوی

## گرم شدن همه ای جهان چه اثراتی دربر

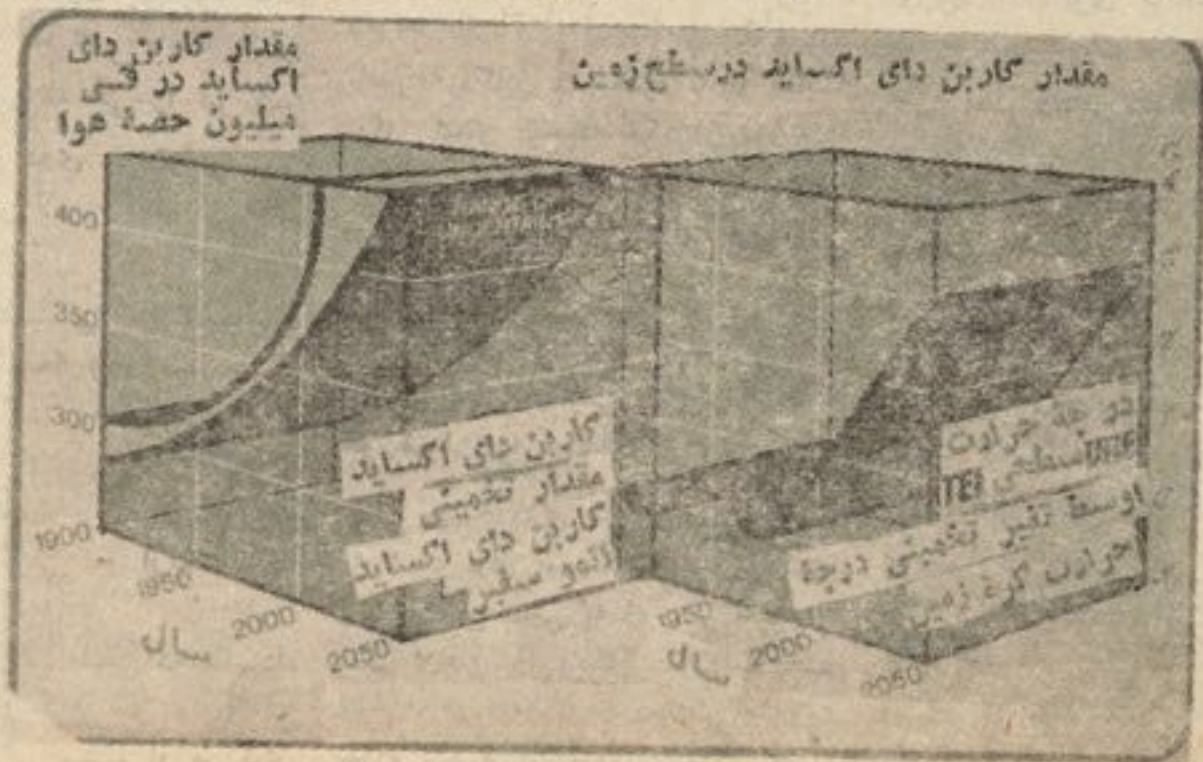
### خواهد داشت؟

بدون شك پیشگویی های قصیرالمدت اوضاع جوی تا اندازه زیادی قرین بسه واقعیت بوده و با استفاده از احصائیه های درجه حرارت ، شدت وزش باد و فشار هوا که با کمک اقمار مصنوعی ، شعاعات هوا شناسی ، وکمپو تر بدست آمده صحت پیشگویی اوضاع جوی برای دو روز ۸۵ فیصد بوده ولی صحت این رقم برای سه ماه به ۶۵ فیصد پائین میاید . اما پیشگویی های طویل المدت اقلیم طویل دلمت مستلزم جزئیات دقیق نبوده

تحقیقات ملی ایالات متحده امریکا حاکی از آن است که در سال ۲۰۵۰ درجه حرارت ۳ درجه سانتیگراد معادل نوره درجه فارنهایت نسبت به حالت فعلی ، در صورتیکه سوخت نفت و ذغال به عین تعداد دوام نماند ، بلند تر خواهد گردید . این از دید درجه حرارت تاثیر جدی بالای مناطق زراعتی میگذارد . البته این پیش بینی ها تا اندازه زیادی به اساس حد سیات صورت گرفته زیرا پیش بینی های طویل المدت اقلیم امریکاست مشکل .

برف باری ها و شدت سرمای سال ۱۹۷۷ در بعضی قسمت های امریکا شمالی این سوال را بمیان آورده است که آیا هوای تابناک روبه سردی می رود؟ متخصصین علم هواشناسی که نحوه تحول هوا را در طول چندین دهه ویا قرن تحت آزمایش قرار داده اند چنین نظر دارند که این تغییر اقلیم خیلی ها تا چیز بوده و نمیتوان از آن نتیجه گیری نمود . این نوع حوادث ضمنی نشان دهنده تغییر دورهوی جهان است .

اینکه این تغییرات بکجا خواهد انجامید هنوز معلوم نیست . اما بکن تعداد زیاد متخصصین علم هوا شناسی به ایسن منگوره اند که اتمو سفیر گرمتر میگردند نه سرد تر و دلیل عمده آن از دید روز افزون گاز زین رنگ و بوی کاربن دای اکساید میباشند . این گاز توسط نباتات جذب ، از آنها نپا متصاعد و به پسمانه وسیع از اثر سوختن نفت و ذغال به هوا بخش میگر دد این گاز در اتمو سفیر مانند آینه یسک جا نه اجرای عمل مینماید بدین معنی که این گاز اشعه آفتاب را بطرف زمین اجازه ورود داده ولی مانع انتشار حرارت سطح زمین در فضای خارج اتمو سفیر آن میگر دد چون مقدار کاربن دای اکساید اتموسفر بصورت مداوم روبه افزایش میباشند بکن تعداد زیاد متخصصین مربوط فکر میکنند که این منبع تشخیص سبب گرم شدن هموای جهان میگر دد . یکی از گزارشات مرکز



د(ان اوپټ لين افسو شل  
ديو لو پمټ) نومي کتاب څخه

د امين الله محک ژباړه

# په آسيا او افريقا کې د باداري نظامونه

دو همه بر څه

د تو ليدی وسايلو لړل ، دکار به ټولنيز ساز ما نو کی د یسوی طبقی رول د عایدا تو بر څه او د هغوی د گټو منابع هغه مشخصات وه چی یوه طبقه په بیژندل کیدل سر بیره پر دی طبقه د خلکو یوه لو یه ډله ده چی په اجتماعی تو لید کی د خپلی پلیکاه یعنی پر تولیدی وسا یلو باندی دهغو ی دواک چی معمولا دقانون له خوا په رسمیت پیژندل شوی وه) او همدا راز هغه رول چی یوه طبقه یی د کار په اجتماعی ساز مان کی لوبوی او له دی نه چی را تیر شو دهغه گټی چی دوی یی دټولنیسز شتمنی څخه تر لاسه کوی له مخی سره بیلیری .

طبقی داضا فسی محصوول دزا پیدا کیدو څخه ورو سته منځ ته راغلی . دا هغه مهال و چی د تو لیدنی قوا و وړاندی تک و انسان ته دا امکان برا بر کړ چی دخپل ژوند د لومړ نیو اړتیا وڅخه زیات تو لید وکړی .

د ولت دحکمرانی طبقی دستگاه وه . په استثمار گرو نظا مو نو کی دولت دطبقا تی ستم او مر ثیان کو لو دیوه پیژندل شوی دستگاه وه .

د بل خور و نکو دولتو نو تاریخی دو لو نه یو د بل سره تو پیرلری خو دټو لو ماهیت هما غه بر خوا- ریکشنانو باندی د یوه مفت خوره اقلیت حکمرانی وه .

### قبیلوی اتحاد یی :

قبیلوی اتحاد یی د دولت هغه ډیر لو مړ نی شکل و او ډیروباداری (مړی والا) دو لتونو نوموړی مړ- حله تیره کړیده .

گڼ شمیر لرو نکي او پیا وړی قبیلی دتو مو ړی اتحا دی زڼه جوړ ول .

باچا به دکلان د حکمرانا نو څخه ټاکل کیدی (پخپله حکمران بهزیاتره وخت دیوه جنک افسر په حیث انتخا بیدی ) دباچا واک مورثی و .

دباچا د کلان ټول لوړ رتبه رو حا نیو نو ته هغه مهم اوحساس پو ستو نه (وظیفی) ورسپارل کیدل خو قبیلی به د هغه موا فقی له مخی چی د دوی د مشرا نو له خوا به شوی وی یو ځای کیدی او کمز- وری قبیلی به یی به زور تر خپلی حکم لاندی را وستلی . داسی دو لتو نو به داووزر دوجگر وله لاری خپله سیمه از تول ، ځینی داسی کو جنی قبیلی هم وی چی هیڅ ډول دولت ته یی غاړه نه ایښو دل .

### داسیا او افريقا یو مړنی باداری دو لتونه :

دمړ یی لرو نکو دو لتو نو پیدا یښت د باداری نظام دتو لیدنی شکل ډیربالیوتوب نښه وه . لومړنی باداری دولتو نه په مصر ، دجله او فرات (بین النهرین) په وادی کی را څر گند شول . نو موړی دو لتو نه دسو مړی ، اکدی او بابلی امپرا طوری وی . دچین او هند باداری دو لتو نه د میلاد څخه مخکی د څلو رو څخه تر درو زرو کلو نو کی اوپه اټور کی د دوهم زړ په نیما یی کی منځ ته راغله . دا مهال و چی دوی اسیا په مرکزی دښت کی د (هیتی) یوه پیاوړی امپراطوری جوړه شول . (مینایی) امپرا طوری چی یو لر غو نی عربی دولت و د میلاد څخه مخکی پنځلسمه پیړی د اوسنی یمن پر سیمه یی بنسټ کښیښودل شو داو راتو (۲) باچهی د میلاد دمخه په اول زرم او په ماورای قفقاز کی منځته را غله . دخوا رزم پیا وړی پیا چهی په منځنی اسیا کی د میلاد دمخه له اتمی څخه تر شپږ می پیړی پوری څر گنده شوه . اوپه وروسته کی یی خپل ځای د کو شان و امپرا- طوری ته خوشی کړ د میلاد د مخه په اتمه پیړی کی ماوان اوورپسی باسان اودمیلاد د مخه شپږ مه پیړی کی دایران په لوید یزکی مخ ته را غله . د لر غونی یونان د باداری دولت د میلاد څخه د مخه له اتمی څخه تر شپږ می پیړی پوری او د لر غونی روم د میلاد د مخه په شپږمه پیړی کی منځ ته راغی . د مرکزی او جنو بی امریکا باداری دولتو نه کابو د(۱۵۰) څخه تر (۲۰۰) کالو پوری داسیانوی پرغلگرانو څخه مخکی ظهور وکړ خودا کار (مایانو) سره سر نه خو ری څکه دهغوی دولت ژښت پخوا نی دی .

د استبدادی مړنیوتوب صفتو نه او مشخصات د مړ جوده اسنا دو څخه په لاس راغلی دی ، دمصریانو یا پیرو س او نور لیکونه پر تیگو باندی د لر غو نو لیکوالا نو اونورو کسا نو خبرو نه چی پخپله گواهی ورکوی ، ډول ډول حماسی ، شعرو- نه او نور اسناد ټول د مطلب په رسو ښانه کو لو کی را سره مرسته کوی . دبابل باچا ، حمو رابی د قوا نینو مجموع په مړنیوتوب کی د ژوند کو لو دخپرنی دپاره زیات ارز ښت لری . دنوموړو قوانینو متن د میلاد څخه د مخه په اتلسمه پیړی کی په پایتخت کی د یسوی توری ډبری پرستون کیندل شوی دی نو موړی د قوا نینو ډیره پخوانی مجموع ه ده چی موړ ته راپاتسی شوی ده . دمړیتوب نظام د یوه انسان له خوا دبل گټه خوړل یی ښه توضیح کړیدی د حمو را یی د حکمرانی په وخت کی د بابل امپرا طوری دیوه باداری استبدادی دولت نمونه وه او باچا دمر کزی دولت یو کر غیر نه حاکم و چی ټول اجرا یی قانون نافذ ونکی ، قضا یی او مذهبی واک یی در لود . دظالمی باداری مسلطی ایدیالوژی د مشخصات- تو څخه یوه هم دا و چی باچا یی لوی حکمران اودځمکی خدای گاڼه او د هغه فر مان نازل شوی وهی (وحی) بللی . باچا د حکو مت کولو دپاره د یوی پیچلی بیور کرا ټیکي دستگاه څخه کار اخیستی . دمامو- رینو یوه بر څه دمر کزی دستگاه دبیلو بیلو شعبو متصدی وه په داسی حال کی چی نور د باچا دنما ینده په توگه پرمختللو ښارو او ناحیو باندی حکمرانی کول .

### دبا داری استبدادی دولتونه :

قبیلوی اتحاد یی پخپله دولت نه گڼل کیری او یوازی دهغه د پیدا- یښت لومړی پړاو دی . د حکمرانانو د تد ریجی واک د زیاتوالی اود دولتی دستگاه د پیاوړ توب په نتیجه کی قبیلوی اتحاد یواستبدادی مړی لرو نکي دولت ته تکا مل وکړ او په اسیا ، افريقا او امر- یکی کی د لر غو نو مړی لرو نکو دو لتو نو هغه معمول شوی شکل دی دبا داری دو لتو نو شکل په تاریخی او اقتصادی شرا یطو همدا راز په جغرافیای محیط پوری اړه

د استبدادی مړنیوتوب صفتو نه او مشخصات د مړ جوده اسنا دو څخه په لاس راغلی دی ، دمصریانو یا پیرو س او نور لیکونه پر تیگو باندی د لر غو نو لیکوالا نو اونورو کسا نو خبرو نه چی پخپله گواهی ورکوی ، ډول ډول حماسی ، شعرو- نه او نور اسناد ټول د مطلب په رسو ښانه کو لو کی را سره مرسته کوی . دبابل باچا ، حمو رابی د قوا نینو مجموع په مړنیوتوب کی د ژوند کو لو دخپرنی دپاره زیات ارز ښت لری . دنوموړو قوانینو متن د میلاد څخه د مخه په اتلسمه پیړی کی په پایتخت کی د یسوی توری ډبری پرستون کیندل شوی دی نو موړی د قوا نینو ډیره پخوانی مجموع ه ده چی موړ ته راپاتسی شوی ده . دمړیتوب نظام د یوه انسان له خوا دبل گټه خوړل یی ښه توضیح کړیدی د حمو را یی د حکمرانی په وخت کی د بابل امپرا طوری دیوه باداری استبدادی دولت نمونه وه او باچا دمر کزی دولت یو کر غیر نه حاکم و چی ټول اجرا یی قانون نافذ ونکی ، قضا یی او مذهبی واک یی در لود . دظالمی باداری مسلطی ایدیالوژی د مشخصات- تو څخه یوه هم دا و چی باچا یی لوی حکمران اودځمکی خدای گاڼه او د هغه فر مان نازل شوی وهی (وحی) بللی . باچا د حکو مت کولو دپاره د یوی پیچلی بیور کرا ټیکي دستگاه څخه کار اخیستی . دمامو- رینو یوه بر څه دمر کزی دستگاه دبیلو بیلو شعبو متصدی وه په داسی حال کی چی نور د باچا دنما ینده په توگه پرمختللو ښارو او ناحیو باندی حکمرانی کول .

### په مړیتوب کی تولیدی روابط :

تو لیدنی اړیکی دلته هم لکه د تو لید پر وسا یلو باندی دخصو- صی مالکیت دتولید په نور جریان کی ، دطبقو اساس او دمحصولاتو د توزیع شکلو نه په بر کی نیول . مړ ثیان او باداران - د حمو رابی قوا نین نه یوازی د تو لیدنی اړیکو مشخصات په بین- النهرین بلکی په عمومی ډول په هر باداری دولت کی راته ښی . دبا بلی دو لت حاکمه قدرت وپرو او منځنیو بادارانو تشکیلات وه او د حمو رابی به قوانینو کی د دولت او قوا نینو یو طبقا تی شکل له ورا په څرگند شوی دی خپلی گټی یی زیاتی سا تلی . د قوا نینو یوه برخه دبادا رانو له گټی څخه

په مستقیمه یا غیرمستقیمه تو گه ملاتړ کاوه . د قوا نینو سره سم چاچی به دیوه بل چا مریی د بدن کوم خای خوږ کړی دهماغه مجازا- تو چی خارو دپاره په نظر کسی نیول شوی وه دجریمی په تادیه کو لو مکلف و. هغه وخت چی به یی دبل چا مریی ووژنی نا چاره و چی خاوند ته یی بل مریی ورکړی دیوه مریی کو رنی په شمیر کی نه را تلل مرثیان یی په خپل واکسره پلورل یو او بل ته یی بخښل دنور مرثیا نوسره بدلول اودمیراث په شانی له یوه څخه بل ته پاتی کیدل . کوم وخت چی چا دبادارا نو دشتمنی دساتلو دپاره دنافذ شوو قوا نینو څخه سر لغاوه په سخته جزا سره محکومیدل . چاچی به مریی غلا کړی او یا به یی تبتیدلی مریی ته خای ورکړی حکم یی دمرگ و . هر مریی د خپل څښتن یوه ځانکړی نښه پر خپل بدن درلودل که کوم آزادسړی هغه . نښه ورڅخه لیری کړی وای هغه ته هم سخته جزا ورکول کیدل . مرثیان دتولیدی وسا یلو څخه لاسه کوی دپورو لومړنیو انسانو حقو قو څخه هم بی برخه و .

په دی ډول ، بادارانو به دتو- لید پر وسا یلو سر بیره زحمتکشان اومرثیان هم پخپل شته کسی را- وستل چی دا دمریتوب نظام دتولیدی روا بطو له خو یو نو څخه و . بابلی ټولنی تجاوز کارا نه او بی پایه جگړی ، دمرثیا نو لاس ته وروستلو دپاره سر ته رسیدی آزاد وگړی به یی دهمدی لاری مرثیان کول . دمریتوب په پیرو دولتو نو کی دبا دارا نوحاکم قدرت دآزادو وگړو او کاسبا نو دوری شتمنی څخه هم صرفه نکول .

په بابلی کی هم دغی وضعی په یو لږ تو پیر سره وجود درلود چی خپلوا کی وگړو په پیر ژر خپله آزادی د لاسه ورکول اود مرثیا نو په لښکر به گمیدل . دبا بل آزاد و وگړی پر داسی ډلو چی د مدنی حقو قو څخه به پوره برخه داره او داسی ډلی چی دحقو قو څخه به یی لږ برخه لرل او مسکینو بلل کیده ویشل شوی وه . څه وخت چی دلو مری ډلی وغړ و ته به چا تاوان ورساوه دیوه گناه کارسړی په شانی به یی جزا لیدل . که چی مری کوم مو سکینو ته به تاوان

ور سیدی ، مقصر به یی یوازی جریمه کړی که کوم موسکینو غلا کړی وای دلومړی ډلی د جریمه په پر تله به یی خو چنده جریمه تا دیه کول بیا چی کوم سړی مریی غلا کړی (چی دټولنی د اساس پرضد یوجنا یت گنهل کیدی) بیله دی څخه چی مقام یی په نظر کسی ونیسی حکم یی دمرگ و. هغه چی دپوره حقو قو څخه برخه لرل ، پردو ډلو شتمنو او بی وزلو ویشل کیدل . بی وزلان د دی دپاره چی خپل شتمن ژوند ته یایښت وړ کړی او دومره څه پیدا کړی چی له مرگ په راوگرځی مجبوره وه چی دشتمنو څخه پیسی وسایل او نور شیان پور کړی چاچی به خپل پور نه ورکاوه په بدل کی به یی مالو ته ور څخه اخیستل د کار طرز داسی و چی دیوالی (افلاس) شوی پوروی (معمو لاد کورنی دغړو سره) به دیوه ټا کلی مودی دپاره مریی کاوه او په دی کار کی به د ژوند تر پایه پوری پاتی و . پر مرثیا نو بانندی دسو داگری نوی شکل منځ ته راغی او هغه به داسی و چی چا به خپل ښاریان را نیول او هغوی به یی بیا هغو بادا را نو ته چی دکار قوی ته به اړو په اجاره ورکول .

**دمریتوب په دولت کی اشتراکی ټولنه :**

څخه به لرغونی با بل کی زیات شمیر آزادو وگړو دمرثیا نو سره په څنګ کی ژوند کاوه؟ دوی زیا تره دکلا نو غړی وه چی لومړنی اشتراکی نظام ته یی منځ اړولی و. د دولت منځته راتلو څخه مخکی په هغو مخکو کی چی د کرنی وړی او د سیندو نو دسیل له کبله خړو بی کیدی داو بو لگو لو یو پیچلی اوسا زمان لرونکی سیستم منځ ته راغی . که چی مریی مخکی او بو لگو لو شبکی د با دا را نو تر منځ ویشل شوی وای په پای کی داو بو لگو لو سیستمونه لیدل اودکره نیی درا ټیټیدو سبب کیدی څکه مرثیا نو دخپل کار له نتیجی څخه کومه گټه نه تر لاسه کول . له دی امله دولت پوه شوی و چی د کلان خو ندی کول وړ ته گټه لری . خودا نوره هغه پخوانی اشتراکی ټولنه نه وه چی هلته هیڅوک نه استثما ریدل او یوه دټولو او ټولو دیوه په خاطر کار کاوه په دی نورو

شرا یطو کی با دا ری دو لست کلان استثمار اود کلان غړی لکو لو دویا لواوکاریزو نوڅارنه کول چی دی کار ډله ایز انسانی کو ښښو نوته زیا ته اړه درلود دپخوا په شان یی کر نه کول خو اوس یی دمحصول زیاته برخه با چااو سپاهیانوله لاسه کښل. د پاچانماینده گانو سملاسی داو بوشبکی او د کلان د غړو دما لیو او جریمو سم تادیه کولو نظارت کاوه تولید ونکی یی په دی ډول دخپل کار د حاصل څخه بی برخه کول .

دلر غو نی مصر ، هند او چین او نورو هیوا دونو په استبداد ی- مرثیتوب کی هم د دا ډول شرا یطو وجود د با داری دولت علاقه چی د کرنی داشترا کی ټولنی په ساتلو کی یی لرل ورو ورو منځ پر کمزور تیا شول . باچا په خپله پیری مخکی په واک کی لرلی او سمد لاسه به یی دټولنی په نور مخکو په غصبو- لو سره پر خپل مالکیت زیا توالی را وستی . دسمی مخکو مرکز یست میندلی و اود دولت یوازی حکمران یعنی باچا اړه درلودل دجگړو دلاری به یی وړا ندی تک کاوه .

**دآسیا یی او افریقا یی لرغونی دولتو نو تولیدی قوا وی :**

دآسیا او افریقا لرغونی دولتو نو په پیدا یښت کی د تولید وړاندی تک دوام درلود . په کرنه دتولیدی او زارونو څخه گټه اخیستل په بابل کی رواج وموند کاسبا نو به هم او زا رو نه جوړول . دحمورا بی قوا نینو په مجموعه کی هغه وخت په ډول ډول کسبو نه لکه بتایی ، او بدنه ، پښی ، ترکانی ، کښتی جوړ و نه ، ودانی جوړ و نی او نورو نوم اخیستل شویدی .

په مصر کی هم کسبو نو وړاندی تک وکړی او په ټول هیواد کی خلک داو بد لو سره بلد شول . داو بدلو افقی څر خو نو خپل خای نسبتا بشپړ شوو عمودی څر خو نو ته خوشی کړی دمسکرا نو په کرو کی دخر منی بنیو څخه اخیستل پیل شول . یوی بشپړه شول او ښښه جوړول یو ځانکړی شغل سو او له دی نه ورو سته به یی څښتی هم په کرو کی پخولی .

سر بیره پردی کاسبان خپلواک وه خومرثیان هغو کارو نو ته چی مهارت ته یی دو مره اړتیا لرل او کراپ (سخت) به هم وه لکه ساختمانی کارو نه ، گمارل کیدل . لومړنی

میخا نیکی کار خانی جوړی شوی دلو یو ډبرو د پور ته کو لو دپاره چی د مصر په اهرام کی ور څخه کار اخیستل شویدی یوه ځانکړی میخا نیکی دستگانه اختراع شو .

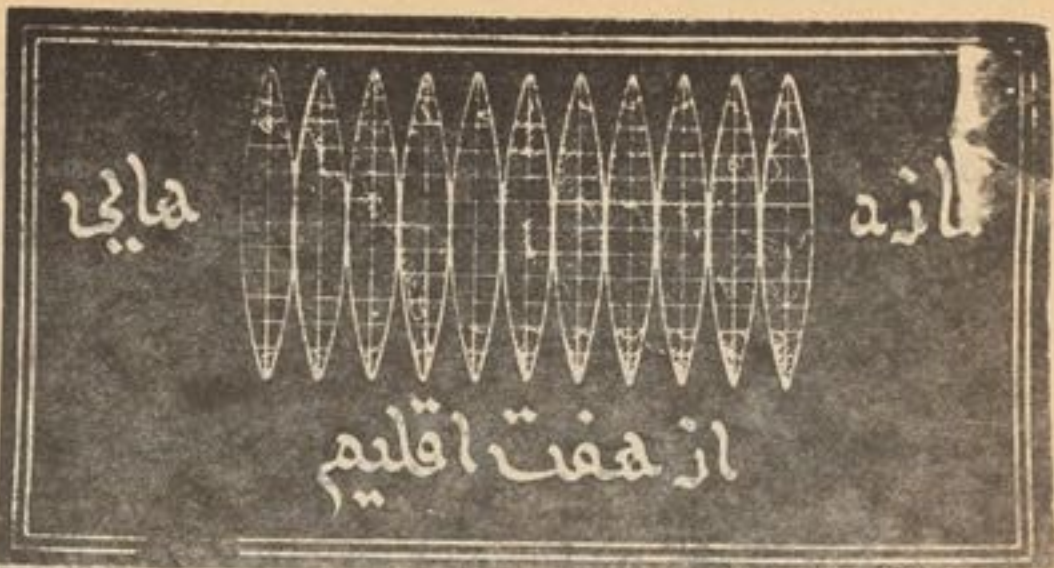
دآسیا او افریقا په او بو لگو لو سیستمو نو کی دوندو نو او ډنډ شوو او بو څخه گټه اخیستل تر مرثیتوب تر وخته د لومړنی تکنا لوژی د وړاندی تک نښه وه . داسوان بند چی د نیل پر سیند بانندی ودان شو خورا لو په طرحه وه او دا ډول بند ونه او وندو نه چی د ډبرو څخه جوړیدل دهما غه مهال د تکنا لوژی نښی وی . خومره چی سو دا گری دسیند له لاری وړاندی تک کاوه دبادی او پارووالا کښتیا نو ته اړتیا زیاتیده . لښکری صنعت وړاندی تک وکړی او په جگړو کی یی دجنگی ارا بو او جنگی کلا (ارگ) څخه پیره گټه اخیستل کیدل . لښکری کښتی په وسلو بانندی مجهزی شوی .

**دتجار تی مال (کالا) مبادله :**

په لومړنی اشتراکی نظام کی د مبادلی وړاندی تک د ارزښت دیوه عمومی معیار په پیدا یښت سره پای ته ورسید . په بیلو بیلو سیمو کی مختلف شیان لکه خاروی ، پوټکی ، څرم او عاج د ارزښت دیوه گډ معیار په ټو گه ټاکل شوی وه د مریتوب په نظام کی فلزا نو په تدریج سره د ارزش د معیار رول په غاړه واخیست . په اول کی اوسپنه او مس دادنده په غاړه اخیسته وه . چی په ورسته کی بیا سره زراو بیا سپین زر هم ور سره یوځای شول . پیسه دیوه بازار ښت گډ معیار او مبادلی د وسیلی په تو گه او یو ځانکړی مال چی د نورو ټولو مالونو په مبادلی کی یی برخه اخیستل ، په کار ولویدل په اوکی پیسه دمیلی په ډول وه او ورو سته پیسی دسیکی شکل غوره کړ .

دتجارت وړاندی تک دسو داگرو درا پیدا کیدو سبب شو ، دوی هغه خلک وه چی دتو لید په ساحه کی یی گپون نه درلود او یوازی به یی دما لو نو په مبادلی او سو داگری سره لاسونه اړوه اوځنی محصولات به یی تر لاسه کول سودا گران له یو خای څخه وبل خای ته تلل اوځنی وختو نه به یی هم لیری او اوږده واټنو نه وهل په دی ډول دتولنیز کار دریم ویش منځ ته راغی .

(نوریه)



ترجمه و تنظیم از : میرحسام الدین برومند

## با کیمیا و فزیک در جهت محو کامل سرطان

سرطان این مرض مدهش و جانکس و قومور های سرطانی پروبلم های زیادی برای متخصصین امراض سرطانی بیار آورده است. برای این مرض علاج ناپذیر ، وزمانی هم امیدواری هایی درزه پنه پیدا میشود . گاهی از طریق بکار گرفتن مواد کیمیایی برای محو این مرض متوسل میگرددند وزمانی هم به کمک فزیک میخواهند جلو پرور سرطان را از وجود انسانی بگیرند . درین او آخر دیده شده که از فزیک درجهت از بین بردن امراض سرطانی بیشتر استفاده بعمل می آید . در پنجاه سال اخیر تحقیقات دامنه داری برای نابودی کامل امراض سرطانی وطرق درمان آن ، صورت گرفته است . لکن بدین تا زگی ها گزارش گردید که عناصر را دیو اکتیف برای تنظیم امور مربوط به ارگان های داخلی انسانی بخصوص قلب ، مغز ، جگر و تریوش را ثابت و حتی حیثیت وقایه وجود را از امراض سرطانی میتواند داشته باشد . گرچه اقوم موارد استعمال زیاد دارد که در پهلوی استفاده از انرژی آن بعضا بحیثت وسابسل تخریب از آن کار گرفته میشود . روی همین اصل با استفاده از فزیک اتومی ، قوه های تخریبی انومرا در ارگان بطوری بکار می بندند که زخم ها سوتومورهای سرطانی را به محض رسانیدن بدن ، از پیشروی آن در وجود باز میدارد . بدین مفهوم که در پهلوی طرق تداوی از طریق جراحی ، میشود نظریه آزمایشات دقیق قومور ها وزخم و علاجیم و اثرات سرطانی را به کمک مواد اتومی از وجود دور ساخت و بطور حتم اشعه گاما و اشعه ایکس بکلی بی تاثیر نمیتواند باشد که مریضان زیادی را ازین طریق تحت مطالعه بار بار گرفته اند . اما متخصصین امراض سرطانی مدعی اند که مقدار بکاربرد اشعه لازم تا آن حد کم بوده که با آن مقدار میشود بطور قطع زخم و قومور های سرطانی را علاج کرد چه اگر مقدار اشعه گاما یا هم ایکس زیاد گردد درین صورت مرگ زود به

سراغ مریض مذکور می شناید از پترو تمام مریضانی که با اشعه ایکس و اشعه گاما تداوی گردیده اند ، موقتی بوده و فقط چند روز بعد مرض پیشرفت زیادی نموده است . پس چه باید کرد ، باید مقدار اشعه هارا بالا برد ؟ در آن صورت با تخریب انساج سرطانی انساج سالم وجود نیز همزمان با آن تخریب میگردد . بهمانسان که پروتون ها و آیون ها قسمت های زخم را روشن میدارد عملیه های هستوی یعنی انرژی اقوم نیز بسوی انساج سرطانی شتافته و بر قومور ها حمله میکند و از بزگی آنها لحظه به لحظه میکاهد .

در سال ۱۹۶۷ در یکی از استیتوت های طبی اروپا يك «اشعه پروتونی» برای اهداف درمانی بکار گرفته شد . همزمان با آن يك اشعه دیگر بنام اشعه پروتونی نوم کشف گردید وسومین اشعه پروتونی که نام «اشعه درمانی» نیز یاد میگردد به کمک فزیک اتومی در سال ۱۹۷۴ از طرف استیتوت هستوی لیننگراد بدست آمد . یکتونوع درمان دیگر امراض سرطانی تو سط اشعه های مخصوصه که در تولید همچو اشعه درمانی از کیمیا و فزیک علمی المویه استفاده بعمل آمده ، در جهت صحتیابی مبتلایان سرطان فعالیت میکند . گرچه از یکطرف کثرت امراض متعدد سرطانی ، مایه نازاحتی بشر میگردد لکن با آنها امیدواری های زیاد کنونی از طرف اکادمی های امراض سرطانی برای کشف طرق تداوی آن ایجاد گردیده است . از طرفی میتود های جدیدی که ، در اثر حرکت پروتون های سریع اقوم در جسم مریض عمل میکند ، نیز تدارک دیده شده است . اشعه های جدید که در نتیجه سه سال کار خستگی ناپذیر کشف گردیده علاوه اینکه امیدواری برای تداوی مبتلایان امراض سرطان می بخشد ، در شناخت نوعیت زخم ، موقعیت قومور ها وزخم های سرطانی در وجود تاریخ پیدایش ، اندازه پیشرفت ورشد مرض ، خاصیت های فردی مریض را نیز بر ماسلا

میسازد ، ازینرو با نظر داشت مطالبی که گفته آمد ، اشعه جد ید درمانی برای امراض سرطانی در مجموع در راس همه تداویر دیگر حیایوی مریض از مرگ که تاکنون صورت گرفته میتواند بحساب آید که این میتود در نوع خود از سایر میتود ها برتری تام دارد ، البته این ادعائیت که متخصصین امراض سرطانی مینمایند اما يك مطلب را نباید فراموش کرد که اشعه ایکس در تشخیص مرض سرطان و چگونگی نوعیت آن معجزه میکند و چه زود کار تشخیص مرض را آسان میسازد اما مساعی که در زمینه تولید چنین يك اشعه در مانی که در هر يك از علم کیمیا و فزیک تدارک دیده شده است . سرعت بختیدن پروتون های اتومی در وجود ، محض از طریق کمپوتر های مخصوص برای اینکار عیاسر شده میتواند و پس . این اشعه ها در شناختن ها از طریق يك سیستم کانالی در اتاق ها تقسیم وبوسیله کمپوتر هر شاخه علیحدده فعالیت نموده وبانظر داشت خصایل فزیولوژیکی مریض ، به وجود مریض خاصتا در قسمت های که غدوات سرطانی فعالیت دارند ، در بر طرفی مرض وقتلیل در دوکاهش انرات

## هم فزیکدان هم هنر همیشه

کمین کرده بود . گرچه مسابقات تلویزیونی مزبور در ۱۹۶۲ انجام پذیرفت لکن با وجود کار های علمی «زرگی نیگین» کتون صد آهنگ خوب دارد که موضوعات و محتوی آهنگ ها و کمپوز های او رزمی ، حماسی و دراماتیکی بوده است . اشعار و آهنگ های وی بیشتر مورد توجه همگان قرار میگردد وی



زرگی نیگین با گیتارش در حال هنرنمایی

شام ها با گیتار خود روی سن ظاهر میشود و همراه آن با آن پنجه های ظریفش ماهرانه روی تارهای گیتار به وبالا میدوند . آواز گیتارش شور و شغف خاصی به نوای گیتار او میدهد و چه مشکست باور کردن اینس مطلب . مذکور صبح ناشام چه مشکست و خستگی هایی را که در مرکز علمی کسار خود متقبل شده است منظور ما (زرگی - نیگین) یکتن از فزیکدانان وارد و جیره - دست است ، مردیکه روی مالیکول های سفید تخم مصروف گشته وبطالعاتی انجام داد و چند ساعت بعد آن بدون آمادگی قلبی در فلم کمیدی (جشم سر نوشت) آواز خواند که کمپوزشر آن از (میکائیل تاری فردی) بود . این فزیکدان که در کیمیا نیز وارد است در ساعات فراغت از کار های مربوطه به شعبه اختصاصی اش یعنی فزیک ، کمپوز مینماید . آواز خوان مذکور با گیتار خود و آواز خود در رادیو ، تلویزیون و تالار ها ظنین می اندازد با آنها پیروزی او تا آن حد است ، که از محصلان گرفته تا جوبولوجست و کارگران معدن ، آهنگسپایش را منحیت آهنگ روز زمزمه میدارند . وی خودش می گوید که قبل از آنکه آواز بخواند و در محافل هنری راهش را بساز نماید ، يك فزیکدان بوده است که در مکتب ، اود فزیک بیشتر از هر چیز لیاقتش را توانسته بود بشکل قابل توجهی تبارز دهد ، گیتار را فقط در مکتب فرا گرفت و خود به تنهایی به کمپوز اشعار دست یازید . وی خودش را درین راه بیشتر مدیون شرایط بهتر گواری کشورش میداند چه در پرتو همین شرایط مساعد بود که «زرگی» در مسابقات تلویسز یونی (هلو، ما - استعداد های شگوفان را سراغ وشگوفاتر میسازیم) يك پیروزی غیرمنتظره در برابر او



دوگرم وزن داشت پس از چند دقیقه دفعتاً صد برابر بزرگ و سنگین میگردد . بدین تازگی ها محققین و پژوهشگران نباتی یکنوع سماری را کشف و مطالعه کرده اند که هر کدام آن در حدود هفت کیلو گرام وزن و ۵۸ سانتی متر ارتفاع داشت که قطر کلاه آن ۴۶ سانتی متر محاسبه گردید و تنها ساقه آن ۲۲ سانتی متر اندازه شد . یک شاخه دیگر از نوع سماری سنگی بنام سماری ناکی شناخته شده است که زود رشد میکند . سماری های ناکی فقط چهارونیم سانتی متر قد میباشند باشد که البته در نوع خود نظر بشکل ظاهری فرق فاحشی از ساختمان سایر سماری ها



این هم از جمله سماری های شفا بخش است

داشته و زیاد جالب میباشد ، سماری های مذکور دارای انرژی فوق العاده زیاد بوده و اما زود فاسد شده ، در روز سوم و چهارم چیدن از خوردن می افتد . «سماری شگوفه یی» که دارای کلاه سرخ میباشد از سایر انواع سماری ها بسادگی فرق میگردد اما اگر شخص آنرا از قسمت زیر کلاه آن قطع نماید،

حصه قطع شده کبود مینماید . یکنوع دیگر که بانوع سماری «شگوفه یی» شباهت نزدیک دارد، برگهای نازک سبزه کنارش می روید و به اسرع وقت یعنی در ظرف یکدقیقه دفعتاً

چنان نمو میکند که هر دانه آنرا بشکل میتوان در یک سبد گنجانید . سماری عجیبی که کلاه سرخ و قسمت پائین کلاه و یا عباره ساقه آن دارای رنگ زرد یا پسته یی میباشد نظر به نظریه محققین نوع مذکور گرچه زهر آکین نمیشد، لکن صرف کردن آن نیز مطلوب نیست . باری در نزدیک سرایشی یک کوه که با درختان غوش ، کاج احاطه گردیده و کوه مذکور را همین درختان سبز با جنگل سمت دیگر مرتبط میساخت . گرچه گرمک، خرمس و خوگ جنگلی آنجا زیاد بود ، با وصف آن برای تماشا و ملاحظه سماری های متعدد و انواع آن بی حد و حصر ذوقزده شده بسو دم

در جنگل گرچه بادلهره به پیش گام میزدم بایک نوع سماری دیگر برخورددم ، سماری که غیر از سماری سنگی ، ناکی مسکه داورویگی که بیش از دو کیلو گرام وزن داشت این نوع سماری نظر به تحقیقاتی که نسبت به آن بعمل آمده ، میتوان آنرا سماری شفا بخش خواند بدین مفهوم که این سماری در شفا بخشیدن بسیاری از امراض و گرداندن سلامتی مریضان یقین معجزه میکند . سماری بقیه در صفحه ۴۸

بعضی از انواع آن . من که سماری های فراوان را با انواع آن بلد بودم، کنجکاوای من تحریک گردید تا بدانم شمار انواع این خسو را که به چند میرسد . بسو جب آخرین تحقیقات در مورد چگونگی ، مزه ، مواد و مقدار نوع، سماری را لازمست قبل از همه یاد آور شد که تا کنون دانشمندان بیش از (۸۰۰۰۰) نوع سماری را شناخته اند که با تاسف باید متوجه گردید که فقط مقداری کمی از اینهمه انواع آن قابل استفاده و خوردنست، تقریباً دوسد نوع آن. در حالیکه از جمله این دوسد نوع محض (۱۵-۴۰) نوع خالص قابل استفاده بوده و متباقی دارای مواد است

که امکانات مسموم ساختن صرف کننده را دارایی باشد در تشخیص سماری های مورد نیاز از ملاحظه کامل کار گرفت چه سماری ها دارای تلایم خاص و مشخص میباشند . یکنوع سماری که بنام «سماری سنگی» موسوم است که نسبتاً قوی و از جمله انواع سماری های طرف استفاده، بحساب می آید . بعلاوه بهترین نوع سماری هاراکه بایستی چید بعلاوه سماری سنگی .



از نوع سماری های بال دار

سماری های نوع محرك، سماری سرخ و سماری مسکه دار نیز دارای مواد بهترین نسبت به سایر اقسام سماری ها میباشد .

همچنان نوع دیگر از سماری ها ، بنام «سماری بالدار» نیز در قطار سماری های مفید می آید . محقق مذکور میگوید : حین چیدن سماری ، یکی از دوستانم که بصورت خودش تمامی انواع سماری ها را میتوانست از هم تفکیک بدارد در آن محلیکه تاجشم کار میکرد سماری بود بدینیکه چشمها از دیدنش خیرگی میکرد بمن مشوره داد که فقط چند دانه و محدود سماری ها را از جمله آنهمه سماری ها بردارم و بس . دوستم در مورد شناخت سماری ها برایم تشریحات داده گفت مثلاً کدام نوع سماری اگر دارای چگونه کلاهک باشد و چگونه روئیده باشد قابل استفاده است و کدامش برخلاف زهر آکین و مسموم کننده میباشد . من در اواخر نومبر در ریگستانی به یکنوع سماری برخورددم که بسان سنگ سخت بود و با کوبیدن انگشت صدا میداد بی بردم که حتماً سماری سنگی است که دفعتاً روئیده و سر میزند . این نوع سماری که در ابتداء یعنی لحظه سر زدن فقط



هنریشه جوان در یکی از لابراتوارهای فریک .

است زیاد دوست دارد اکثر وقتش را با طرفداران هنرش بگذراند . گرچه خودش بدین عقیده است که صدای او زیاد دل انگیز نیست لکن دیگران درین مورد که او صدای نا شنجاری دارد همراهش هم عقیده نیستند . در همین تازگی ها این فریکدان

صاحب نام اشعار کمیدی سرود و آهنگهای را در قید فوت در آورد . کثرت او سرو - صدایی در میان خواستاران صدای گرایش ایجاد کرد . او میخواست به کمک علم فریک احساسات علاقمندان هنرش را سرعش گردانیده ، تحریک بدارد . از نگاه او فریک و موزیک دو علمی اند که هر دو به انسان وسایل خوشی می آفریند .

میخواهد هر کجایی رنج دیده و مستعدیده است بایست به کمک او شتافت ، برای او شعر گفت، پس شعر او شعر زمانست، او که از طبیعت الهام میگیرد ، برخوردار از یک جهانی کامل بوده و بیشتر از اشعار یفگیینی یفشکو ، میخائیل زفتلوف ،

زفتلوف، یونامورتیس، جوزف اوتکین و ایلینا ایرنیورگ خوشش می آید . وی طرفدار آست که ادراک و احساسات انسان میشود از طریق موسیقی و شعر خوب بسایرین انتقال یابد . او با این نظریه جوامعی را که آنجا که طبقات وجود دارد تلذیر نیز بصراحت چشم میخورد . او که مرد مریض و شوخی

## بموجب تحقیقات گسترده یی بیش از هشتاد هزار نوع سماری وجود دارد

دانشمندی افندیم که در یکی از یادداشت هایش متذکر گردیده بود: یکی از صد هادردی که به جان بعضاً لانه میکند وجه درد جانگاهی است این درد از نزدیکی و عطر ناخوشا یند سماری ها ناشی میشود البته در اثر نزدیکی



سماری شفا بخش

بموجب تحقیقات گسترده یی، بیش از هشتاد هزار نوع سماری وجود دارد . اینک سماری چگونه خوراکی است و چه مفاد و مضاری در خود نهفته دارد در زمینه ، یکی از آنانیکه بخوردن سماری میل فراوان دارد با ارتباط بموضوع فوق یکی از جمع کننده های سماری ها، خاطراتش را چنین خلاصه میکند: هنگامیکه تعطیلات تابستانی ام را باید سپری میکردم بدهدکده پدری رفتم، شفق تازه دمیده بود و من با سیدی راهی جنگل شدم تا سماری جمع کرده باشم ، تاجنگل دو کیلو متر راه بود ، راهی را که من پیش گرفته بودم، راه یک مزرعه بود که به یک باطلاق کوچک منتهی میگشت و اما در سمت دیگر ، گویسی کله باوسبزه های گوناگون فرش شده بودند که استنشام آن فرحت انگیز بود در حین جمع آوری سماری در حالیکه بشکای رنیز می اندیشیدم بیاد گرفته های سماری شفا بخش



فضا نوردان در لباس فضا نوری شان دیده میشوند

ترجمه از احمد شاه

## ریکار دبو دو باش در فضای کیهانی

همه چیزها ما نند همیشه بود مانند چندین پروازهای کیهانی گذشته و در ضمن همه چیزها غیر عادی بود. هنوز دو کیهان نورد اتحاد شوروی و آمریکا - دیمر لیا خوف و والری ریو میس در زمین بودند اطلاع یافتند که به یک سفر دور و دراز به فضای کیهانی میروند. قبل از اینها ریکاردو مدامت پرواز در فضای کیهانی یکصد و چهل شش روز بود. در شام بیست و پنج فبروری سال جاری سفینه فضا (سیوز-سیودو) با دو کیهان نوردان لیا خوف و ریو مین به مدار پر آمد. هنوز قبل از عزیمت به فضای کیهانی این نکته تثبیت گردیده بود که در استیشن تحقیقاتی (سالت شمش) یعنی در جاییکه دو کیهان نورد نیز به تحقیقات ادامه می دادند یکصد و نفا یص جدی موجود است. سر نوشت کارهای تحقیقاتی دو کیهان نورد و استیشن «سالت شمش» مربوط به موفقیت کیهان نوردان متذکره در قسمت اصلاح نقایص استیشن مذکور بود. این دو کیهان نورد باید یکی از مخزنهای محروقاتی دستگاه موتور استیشن را متوقف می ساختند و آنرا از مایعات مضره تصفیه می ساختند.

لیا خوف و ریو مین این وظیفه را به بنیاد مو فقا نه به پایان رسانیدند. هفته اول مانند پروازهای سابق کیهان نوردان روزهای سخت را سپری کردند زیرا ازود ترخسته میشدند و احساس درد های شدید میکردند ضروری بود تا تحمل کنند اما در پهلوی مشکلات کارها بطور عجیبی پیش می رفت. در اکثران در دستگاه رهبری زمین از این نکته به تعجب شدند و وقتیکه در روز سوم پرواز لیا خوف و ریو مین پیشنهاد کردند تا در تقسیم اوقات روز مره آنها ورزشی گنجانیده شود قبل از اینها این نوع پیشنهادات بعد از روز پنجم به دستگاه رهبری مخابره می شد. ماه اول پرواز را در تر میس استیشن سپری کردند. کیهان نوردان سیستم اثر ژیک استیشن آلات را غرض از قباط را دیو بی و تلویزیونی، لباس کیهانی را غرض کار در خارج در استیشن تجدید کردند حتی ششها و نیز سر از نو ساختند. قبل از پرواز لیا خوف و ریو مین استیشن (سالت شمش) یکتیم سال به کار خود ادامه داده بود، شش دسته کیهان نوردان به آنجا سفر کرده بودند. بعد از پرواز لیا خوف و ریو

یومین استیشن «سالت شمش» در طول شش ماه سه سفینه با ربریک سفینه بیدون پیلوت (سیوز-سی و چهار) رانیز پذیرفت از بیاز و باد رنگ که در سفینه کاشته بودند استفاده میکردند اگر چه در سفینه همه چیزها خوبتر نمی روئید مگر با هم در وقت صرف طعام تا انداز از آن استفا ده میکردند. لیا خوف و ریو مین با دستگاه رهبری در زمین رابطه ثابت داشتند و از سفینه اطلاعات تلویزیونی ارائه میکردند. در اواخر ماه دوم سفر اطلاعات تلویزیونی در زمین در تلویزیون ظاهر شد. درین دو ماه اطلاعات تلویزیونی تنها به یک جهت یعنی از حاشیه (عرشه) سفینه فضایی به زمین داده میشد و ارتباط تلویزیونی دو طرفه نظیر به یک سلسله علل تخنیکی برقرار نکرده بود.

از جانب دیگر این نکته برای آنها نیز مهم بود که نه تنها با اقارب خود ارتباط مخابرایی بگیرند بلکه باید آنها را ببینند. درین مدت دستگاه رهبری زمین توانست که یک سلسله اطلاعات را به شکل گرافیکی و اشکالی به آنها برساند این کار از اصراف وقت جلوگیری نمود و از طرف دیگر ارتباط مداوم را بین زمین و فضا آسانتر ساخت. هنوز یکتیم ماه را در فضا سپری نکرده بودند که به استقبال مهمانان باید آمد. سفینه فضایی سیوز سی و سه به رهبری فضا نورد اتحاد شوروی نیکلای رو کوف - یشتیکوف و فضا نورد بلغاریا یسی کیور کیا ایوا نوف نزد آنها فرستاده شد. متاسفانه در فضا همیشه تمام کارها مو فقا نه صورت نمی گیرند زیرا نظر به علل سیوز سی و سه نتوانست به سالت شمش ملحق شود و دو باره بزمین برگشت در نتیجه یکتعداد تجاری را که سیوز سی و سه باید انجام میدادید و شش لیا خوف و ریو مین اقتصاد تعداد تجاری به حدی رسید که حتی محاسبه آنها مشکل است. این دو کیهان نورد در طول مدت اقامت خود در سفینه بطور منظم از زمین عکس برداری میکردند زیرا امروز بدون نقشه برداری کیهانی جیو لو جست ها، کارکنان زراعت، طراحان ساختمانهای بز رنگ ها ویدو تخنیکی کارهای خود را بطور مو فقا نه پیش برده نمیتوانند. نقشه های که برای آنها ترتیب می شود چند سال بعد مجددا نقشه برداری میشود. در طول مدت اقامت خود کیهان نوردان به مایعی گیران، کشتی رانان کمک های بسیار جانیه میکردند و اطلاعات بسیار ارزنده را به آنها میدادند. برای تحقیقات اتمو سفیر زمین و عکس برداری ذخایر طبیعی زمین کیهان نوردان از کمره عکاسی استفاده می کردند که قبلا در استیشن سالت شمش موجود بود و توسط علمای بلغاریا طرح ریزی شده بود. لیا خوف و ریو مین درین پرواز در عرض استیشن برای اولین مرتبه در جهان رادیو تلسکوپ را نصب کردند که

بقیه در صفحه ۶۷



فضا نوردان در حال صرف میوه جات دیده می شوند

اوقیانوس اطلس وساحات انگلیند جدید  
مشاهده شده به سرعت سی میل فی ساعت  
سرعت داشته خسارات ناشی از وقوع چنین  
حوادث ناگوار که در بعضی قسمت های از  
چپان گذارش یافته شکل افسانوی را بخود  
اختیار نموده است چنانچه طوفان که درسال  
۱۹۰۰ در ایالات متحده امریکا بوقوع پیوست  
منجر به نابودی شش هزار نفر گردیده است .

طوفان سالهای ۱۹۰۰ تنها در شپرنیویارک  
ایالات متحده منجر به قتل دوهزار نفر گردیده  
واضافه از هفتصد میلیون دالر خساره مالی در  
بیکراقتصاد ملی آن کشور وارد نمود اما  
طوفانیکه در سال ۱۹۷۲ در آن کشور بوقوع  
پیوست در مدت دوازده ساعت ۱۱۷ نفر را  
به قتل رسانیده ودر حدود سه بلیون دالر  
خساره مالی وارد نمود .

حوادث سال ۱۳۰۷ در کشورماافغانستان  
که بارندگی های شدید را در قبال داشت در  
اکثر ولایات ضربات کوبنده ومدهش را به  
دببال داشت که کمتر نظیر آن را می توان  
در چندین دهه های گذشته جستجو نمود  
درین سیلاب در حدود ۱۲۰ نفر یکم امریک  
کشیده شد ودر حدود ۷۱۲۰۰ فامیل به مشکل  
بی سر پناهی وآواره گی مبتلا شدند .

نظریه احصائیه وارقام که در دست است  
گفته میشود که این طوفان مدهش در حدود  
۹۳۰۲۲ جریب زمین را کاملا ازین برد و  
خسارات مالی وجانی نیز با آن همراه بوده  
که در حدود (۱۷۳۳۴۷۶۲۲۰) افغانی مجموعا  
خسارات آن را میتوان ارزیابی نمود .

امروز دانش بشری به چنان مقام رسیده  
است که بخوبی وبه آسانی میتواند وقوع  
چنین حوادث ناگوار وتباه کن را پیش بینی  
نموده وآلات ووسایل دقیق تخنیک که قدرت  
پیش بینی دقیق حالات اقلیمی را در بدترین  
شرایط دارد بواسطه زحمات وتلاش های  
خستگی نا پذیر دانشمندان بوجود آمده و  
میتواند زندگی مصون تری را برای انسانها  
تدارک نماید .

طوفان ها امروز آن چنان عامل کشنده و  
خطر ناک که در گذشته شمرده می شد به  
بقیه در صفحه ۴۹



چند وند اوقیانوس ها باعث ایجاد طوفان ها وحین حالات درخشکه هادیده میشود

ترجمه ج. آمنگر

# چگونه مبارزه با حوادث حیات آدمیزاد را مصونیت می بخشد

سالیان اندیشه های عبادت از آنها را در  
ذهنیت انسانهای آن زمان ایجاد نمود .  
اما هر قدر از زندگی آدمیزاد در روی  
زمین میگذشت نیرو های مولده رشد وتکامل  
می نمود همای رشد وتکامل نیرو های مولد  
شعور وافکار آدمیزاد نیز در پروسه رشد  
وتکامل طی طریق نموده تا به تدریج انسانها  
توانستند وسایل جهت جلو گیری از ضربات  
کوبنده طوفانها ایجاد ومصونیت برای خود  
واحضای شان ایجاد نمایند .

بعضی از طوفان ها که در قسمت های

سالیان اندیشه های عبادت از آنها را در  
ذهنیت انسانهای آن زمان ایجاد نمود .  
اما هر قدر از زندگی آدمیزاد در روی  
زمین میگذشت نیرو های مولده رشد وتکامل  
می نمود همای رشد وتکامل نیرو های مولد  
شعور وافکار آدمیزاد نیز در پروسه رشد  
وتکامل طی طریق نموده تا به تدریج انسانها  
توانستند وسایل جهت جلو گیری از ضربات  
کوبنده طوفانها ایجاد ومصونیت برای خود  
واحضای شان ایجاد نمایند .

امروز دانشمندان ومتخصصین اقلیم شناسی  
توانسته اند وقوع چنین طوفانها سیلاب ها  
و غیره را که امروز به اصطلاحات علمی بنام  
سایکلون ها - هریکن وغیره یاد میشود  
پیش بینی نموده واز وقوع آن قبلا اطلاعات  
لازمرا در اختیار جامعه بشری قرار بدهد  
تا به اساس آن بتواند قبلا در جساهای  
مصون بود وباشد اختیار نمایند و مواضع  
ومحل را که در آینده مورد حملات وتهدید  
طوفانها قرار میگیرد به مردم معرفی نموده تا  
از اعمار منازل رهاش در آنجا خود داری  
واجتناب بعمل آرند .

طوفانها یکی از خطر ناک ترین حوادث  
است که خسارات مالی وجانی را به جامعه  
بشری بوجود میاورد سرعت طوفان وگردباد  
ها که تا کنون اندازه گیری شده در حدود  
۷۴ میل فرساعت وزیاد تر از آن است وهم

از زمانیکه آدمیزاد در روی زمین اساس  
زندگی را گذاشتند از همان آوان آنها دچار  
مشکلات وتکالیف زیاد بودند واین تکالیف  
زیاد تر از ناحیه طوفان ها ، سیلاب های  
مدهش وسایر آفات طبیعی وسماوی بود، در  
آن زمان که سطح زندگی نازل بوده وهمین  
محدودیت های محیطی وجغرافیای در تعیین  
شعور وافکار اجتماعی نقش مهم داشته زیرا  
هر قدر زیر بنای زندگی مادی پهنا ووسعت  
داشته باشد به همان اندازه شعور وافکار  
داشته باشد به همان اندازه شعور وافکار  
اجتماعی نیز همای آن رشد وتکامل می نماید .  
روی همین لحاظ بوده که در گذشته ها

با وجود محدودیت های زیر بنای مادی زندگی  
افکار آدمیزاد نیز رشد کافی نه نموده و  
نمی توانستند علل وموجبات ایجاد وبیدایش  
طوفانها گرد بادها ، رعد وبرق وغیره را در  
یابند بنا برین از وجود آن ترس وهراس  
داشتند وبرای جلو گیری از آن دست به  
تصرع ، توبه واستغفار میزدند تا به این طریق  
توانستند باشند نیرو های مدهش وخطر ناک  
را که به اساس قانونمندی های درونی  
علی پدیده ها وقوع آن جبری وناگزیر بوده  
مطیع وآرام سازند همین نیرو های مسادی  
ونرس از آنها بوده که بعد ها با گذشت



ماهورین نجات در کمک آسیب دیدگان رسیده اند

زما نیکه نیکیتا بیدار شد آهسی کشید و چشمها نشی را باز کرد، از سطح یخ زده کلکین، ازلا بلای ستاره ها بیکه طور عجیب رنگت شده و از بین شاخ و پر کها بیکه به نمونه غریبی نقشه شده بود ند شعاع آفتاب می تا پید. در دا حل اطاق: اشعه خورشید ما نند برف سفید می در خشید. انعکاس شعاع آفتاب از دست شو یی بر دیوار در حال لرزه بنظر می خورد. با کشودن چشمها نشی بیاد وی آمد که شام گذشته (پکون نجسار) برای یش گفته بود:

«حالا من رنگش خوا هم کردو بالایش آب خوا هم ریخت و وقتیکه صبح از خواب بر خاستی می توانی روی آن بالا شوی و بر وی».

شام گذشته پکون با ساس خوا هس جدی نیکیتا یک تخته برفی برا یش سا خته بود، تخته چنین سا خته شده بود: در حالیکه پکون در وسط جای تراش کردن پهلوی میز کار نجار در گاراج ایستاده بود دو تخته و چار پایه تراشید، کنار های عمده تخته پائینی طموری اوریب تراشیده شد بود که در برف فرو نرود، پایه ها نهایت نازک سا خته شده بود، در تخته با لایی دو فرو رفتگی برای پایه ها وجود داشت تارا ننده خود را محکم کرده بتواند. تخته پایینی باکود گاو رنگ شده و آب بر آن ریخته می شد و در بیرون در هرای سرد گذاشته میشد تا آنرا یخ بزند، این عمل سه بار تکرار شد بر تخته بالایی یک ریسمان نصب شده بود تا تخته برفی توسط آن کشش شود و در حال را ندن سمت حرکت آن در اختیار راننده قرار گیرد.

تخته برفی با ید حالا آماده و نزدیک در استاده باشه «پکون چنین یک آدمی بود، او می گفت اگر من چیزی را وعده کنم، کلام با اندازه قانون راسخ خوا هد بود و انرا انجام خواهم داد».

نیکیتادر کنار بسترش نشست و گوش داد، خانه خاموش بود هیچکس هنوز از خواب بیدار نشده بود. اگر او لباس ها یش را در ظرف یکدقیقه می توانست بپوشد بدون اینکه رویش را بشوید و دندانها یش را بر سس کند، قادر خوا هد بود از دروازه عقبی بسه

حویلی دا خل شود و از حویلی تا دریا، جائیکه توده های برف در کنار نشیب انباشته شده بود یک سنگ انداز فاصله بود. نیکیتا از بسترش برخاست و با نوک پنجه هایش در چار گوشه خانه که آفتاب آنرا گرم کرده بود حرکت کرد. در همین هنگام در باز شد و یک کله با عینک، ابرو های سرخ و پر جسته و ریش سرخ تیز نمایان گشت. کله چشمک زد و گفت:

«تو دزد کوچک، از خواب برخاستی»  
ارکادی - ایوانو ویچ  
آدمیکه ریش سرخ داشت معلم خصوصی نیکیتا بود - ارکادی ایوانو ویچ از شام گذشته در تجسس بود و صبحگاهان عمدا وقت

حتی گردنش بشوید. بعد از این ارکادی ایوانو ویچ از شام گذشته ها پیش گرفته او را بطرف اطاق نان به ما ر شپرد، ما در ش که لباس خاکی پشمی بر تن داشت کنار سما وار نشسته بود در حالیکه روی نیکیتا را در دست ها یشس گرفته بود با چشمان روشن و درخشان بطرف او دید او را بوسید. «نیکیتا، آیا خوب خوابیدی؟» بعد او به ارکادی ایوانو ویچ دست دراز کرد.

«خواب خودت چطور بود؟ ارکادی ایوانو ویچ؟» او با دلجو یی بر سید: بروت های سرخس خندیده پهلوی میز نشست به چایش شیر ریخت، پارچه قندی را در دست

در عوض اینکه ترجمه آلمانی اش را تکمیل کند برای دو ساعت پهلوی میز پکون نشست و قشش را تلف کرد.

ارکادی ایوانو ویچ هیچگاه شکایت نمی کرد، این حقیقت است اما نیکیتا همیشه مواظبت می بود. ما در ش در وقت ناشتا گفت که شب هنگام سرهای بسیار شده بود و مجرای بیلر آب را یخ زده بود و قتیکه نیکیتا میخواهد بیرون برود با ید روپوش عسکری اش را بر تن کند اما نیکیتا گفت: «صافا دقانه می گویم که بسیار گرمی است».

«لطفا روپوش را بر تن کن» - این سخن را ما در ش بر زبان آورد.

«این روپوش رخسارم را فشار میدهد و مرا خفک میکند. مادر! این روپوش مرا بریزش گرفتار میسازد».

مادر به ارکادی ایوانو ویچ و نیکیتا دید و وقتیکه گپ می زد آوازش لرزان بود.

«تو باین حدنا فرمان هستی که نمی دانم بکه می مانی».

ارکادی ایوانو ویچ گفت: «بیا که بدرس های خود شروع کنیم» دست هایش را طوری می مالید که گوپی خوشی بزرگتری از حل مسائل ریاضی دکنه کردن ضرب المثل ها و یا سخنانی که آدم را بخواب ببرد (خسته کن - مترجم) وجود ندارد.

نیکیتا در اطاق سفید بزرگ بیکار که نقشه دو نصف کره در دیوارش آویخته بود پهلوی یک میز که باداغ های رنگ و تصویرهای عریان پوش شده بود نشست و ارکادی ایوانو ویچ کتاب ریاضی را کشود.

«تا کجا خوانده ایم؟» با تندگی گفت. بایک پنسل نوک تیز برا بلم درسی را نشان داد.

«تاجری چند متر تکه آبی را فی متر سه رو بل و ۶۴ کو پک و یک اندازه تکه سیار را» بخوان نیکیتا. همزمان بان، طور معمول، اوراجع تاجر کتاب ریاضی اش تصور می کرد. او در یک بالا پوش گرد آلود دراز در نظرش می آمد که رنگت پریده و تر شرو بود - یک مرد سنگین، مدور و خاموش، دو کان

الکسی تو لستوی

طفولیت نیکیتا

یک

صبح

آفتابی

مترجم: دکتر خدایداد بشرمل

هدا به پسر نیکیتا الکسی ایویچ تو لستوی با عشق عمیق موف

گرفته میان دندانهای سفیدش قرار داد و از پشت عینک ها یش به طرف نیکیتا چشمک زد.

طور ساده اگر گفته شود ارکادی ایوانو ویچ غیر قابل تحمل بود: او همیشه سرخوش بود، پیوسته چشمک میزد، هیچگاه چیزی را روشن نمیگفت بلکه همواره جملات مرموزی استعمال میکرد و شخص را به تشویش میگذاشت طور مثال وقتیکه مادر بسیار ساده پرسید که خوابش چطور بود؟ او جواب داد: (اگر منظور خواب باشد، بد نبود، خوب خوابیدم) از همین جمله باید فهمید ه شود اما نیکیتا می خواست از ناشتا بگریزد و بسه در یا گوش دهد. دیروز نیکیتا

تراز خواب برخاست، ارکادی ایوانو ویچ یک آدم عوشیاریوزیرک بود او با طاق نیکیتا در حالیکه خنده معنی داری در چهره اش نمایان شد و به طرف کلکین رفت، به آئینه تنفس کرد و وقتیکه یخ آن آب و آئینه صاف شد عینک ها یش را مرتب نموده از کلکین بطرف حویلی نگاه کرد.

«در آنجا نزد یک در» او گفت: «یک تخته بر فی مقبولی استاده» نیکیتا چیزی نگفت و تنها کمی تر شرویی کرد. او مجبور شد لباس سس ببو شد، دندانها یش را پاک کند و روپوش را با گوشها یش و

## نگاهی به اوضاع...

مرتب نمود.

«ام - ام» تمام حیوانات روی زمین مطیع و ساعی اند... چرا خنده می کنی؟ نوشتی...؟ ضمنا حالا تفریح کو تا می خواهم داشت... ارکادی ایوا نوویچ در حالیکه لبهایش را روی هم فشار می داد، انگشت وسطی دستش را که مانند پنسل معلوم می شد بحرکت داد و باز اطاق در سسی خارج شد، در را هرو با ما می صحبت کرد:

«الکساندر را لیبو نیتفنا، آریا نامه دارم؟» نیکیتا حدس زد که او - از که انتظار نامه را داشت - اما فرصت زیاد نبود - نیکیتا یک جا کت کوتا پوست گوسفندی را بر تن کرد، بوت های نمادی و کلاهش را پوشید، و رویوش را پشت المازی انداخت تا از نظر پنهان شود و بطرف دالان دوید..

### توده برف ..

حویلی پهناور از برف نرم سفید و براق پوشیده بود و جای پای های عمیق آبی رنگ انسان ها در رد پله های متعدد سک ها در آن مشا عده می شد - هوا تند و بسیار سرد بود. بینی اش را غفلت می داد و خسارش را مانند سوزن نیش می زد - گاراج، چتری ها و طوپله و کلاه های سفید سنگینی پوشیده بودند و به زمین نزدیک معلوم می شدند که گواهی از میان برف روئیده اند - رد پاها نیکه از راندن قایق های برقی مانده بود مانند دو تریسه شیشه بامتداد تمام حیاط بنظر می رسید - نیکیتا از دالان از راه زینه ها نیکه آواز می کردند پائین شد - درپائین یک تخته برقی کاملاً نو از چوب کاج ایستاده بود و یک حلقه ریمانی که از الیاف نیا تی ساخته شده هم بالای ایش قرار داشت. نیکیتا بطرف آن دید، محکم ساخته شده بود، آن را امتحان کرد تا با سانی فلغزد - تخته برقی را بالای شانه انداخت، بیل را هم که فکر می کرد بدرش می خورد با خود گرفت و بتمام طول باغ تا نزدیک بند دوید. در آنجا درختان بزرگ بید ایستاده بودند همه شبم یخ زده پوشیده شده بودند و ساخته های شان طوری معلوم شد که از برف ساخته شده باشد.

ناتمام

مانند یک مغازه تاریک بود، بالای یک اطاق هموار غبار آلود دو پارچه تکه گذاشته شده بود - تاجر دستش را در راز کرده، تکه هارا از اطاق برداشت و با نگاه آرام بطرف نیکیتا دید.

خوب نیکیتا، چرا اینقدر فکر میکنی؟ ارکادی ایوا نوویچ پرسید: بصورت مجموع تاجر ۱۸ متر تکه فروخت. چند متر تکه آبی و چند متر تکه سیاه فروخته خواهد بود؟ نیکیتا عصبانی شد، تا جگر ساکت و دو پارچه تکه در دیوار ناپدید و در گرد و غبار بالای هم انباشته شد... ارکادی ایوانوویچ گفت - ای - ای - ای. و به توضیح پرداخت، اعدادی را با پنسل به سرعت نوشت ضربه و تقسیم کرد و با خود تکرار میکرد، «ده بریک»، «ده بردو» - به نیکیتا چنین معلوم می شد که در جریان ضربه ایسن «ده بریک»، یا (ده بردو) از کاغذ به کله او مغزش را تکان داد طوری که دیگر فراموشش نخواهد کرد و یک احساس بسیار ناخوش آیندی بوجود آورده. آفتابیکه بر روی کلکین در سخا نه که توسط یخ با هم وصل شده بودند می تابید - همیشه او را صدا می زد: «بیا بدریا»، بالا خزه درس ریاضی به پایان رسید و املا شروع شد. ارکاد ایوانوویچ بامتداد دیوار بالا و پائین قدم می زد بایک آواز مخصوص خواب آلود، آوازی که هیچکس برای سخن زدن بکار نمی بردند املا گفتن پرداخت -

تمام حیوانات روی زمین دایم در مشقت هستند و کار می کنند - شاگرد مطیع و ساعی است... نیکیتا در حالیکه نوک زبانش را بیرون آورده بود به نوشتن آغاز کرد، قلم بر روی کاغذ کش شد و ترشح کرد.

ناگهان آواز بستن دروازه بلند شد و او صدای تماس بوت ها را با ریخ می توانست از راهرو بشنود - ارکاد ایوانوویچ کتبايش را پائین آورد کرد و گوش داد، آواز خوشی می از نزدیکی هاشنیده می شد... - پوسته را آوردی؟

نیکیتا سرش را بطرف کتاب ترمینش فرو برد، دو خند اشس را خفه می ساخت. او به آواز یکنواخت تکرار می کرد. «ساعی و مطیع» «ساعی را نوشته ام». ارکادی ایوانوویچ عینکهايش را

در نهمین مجمع عمومی موسسه ملل متحد که در بیست و دوم نومبر سال (۱۹۷۴) صورت گرفت. احترام به حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین بدست خود شان و از آزادی ملی خلق عرب فلسطین دفاع بعمل آمد. فیصله نامه ای مجمع پیرامون داعیه فلسطین بزرگتری موقیت بین المللی سازمان رهایی بخش فلسطین بشمار می رود.

بعد از این تاریخ پرستیژ بین المللی سازمان آزادی فلسطین (پ، ل، او) بطور روزافزونی به سطح عالی روبرو فزونی نهاد. همچنان یک کمیته بررسی نامین حقوق مسلم خلق فلسطین در چوکات موسسه ملل متحد تاسیس گردید.

سهم گیری نمایندگان موسسه آزادی فلسطین در فعالیت های موسسه ملل متحد و ارگان های آن اکنون به معیار قبول و پشتیبانی خلق های سراسر جهان ارتقا نموده است. نمایندگی های این سازمان در بیش از صد کشور جهان تاسیس گردیده است. ستراتیژی صهیونیزم اسرائیل ادامه اشغال مناطق عربی، لبنان، سوریه و حتی تمام شبه جزیره عرب رادر بر دارد. چنانچه اسرائیل هم اکنون برای تحقق این مقاصد شوم خود، اوضاع رادر جنوب لبنان فوق العاده وخیم ساخته است و این کشور را به کمک ارتجاع سیاه لبنان و تجزیه طلبان این کشور به کانون جنگ و تبرد قوای متخاصم مبدل نموده است.

قوای بحری هوایی و زمینی اسرائیل که با انواع سلاح مدرن و عصری مجهز می باشد همواره به کمپ های مهاجرین فلسطین و قصبان جنوب لبنان کلوله باری می نمایند صهیونیزم اسرائیل همچنان خیال واهی نابودی، نفیست مقاومت فلسطین را که نیرومندترین قدرت ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه شرقیانه استنداشت می شود نیز در سر دارد. درین مورد بیگن اظهار نموده است «که در اسرائیل، جنبش مقاومت فلسطین را در همه جا، در زمین، در هوا، ویا اقیانوس ازین می برد» این گفته بیگن می تواند برای امپریالیزم و ارتجاع بین المللی امید بیاورند. ولی در واقع این گفته شکست و نابودی ارتجاع حا که اسرائیل را باز گو می کند. ایجاد حکومت اسرائیل به ارتباط اسناد تاریخی جز از نقشه شوم امپریالیزم و استعمار چیزی دیگری نیست.

رژیم جنایتکار اسرائیل اگرچه ظاهراً با دست داشتن آبار خانه های سلاح فراوانی که امپریالیزم و استعمار سخاوتمندانه آنرا در اختیار آنها قرار داده است قدرتمند به نظر می رسد. ولی در حقیقت پایه های عینی این رژیم بحد کافی بی ثبات و لرزان می باشد. امواج نیرومند مبارزات سرسختانه خلق های انقلابی فلسطین سر انجام پیروز خواهد شد. همانطوری که ویتنام قهرمان امپریالیزم

بین المللی راه زانو در آورد... ارتجاع عرب وداعیه فلسطین: امپریالیزم و انحصارات ممالک پیشرفته کاپیتالیستی از دیر زمانی برای غارت منابع سرشار نفتی ممالک عربی، و برای تسلط و نفوذ اقتصادی و سیاسی خود بالای این ممالک و تکمیل داشتن آنها در مدار کاپیتالیستی، دولت تجاوزکار اسرائیل را موظف تطبیق اعمال خود قرار داده است. ولی در سالهای اخیر در اثر تعقیب و توسعه مبارزه سازمان آزادی بخش فلسطین امپریالیزم برای کشتادن ممالک عربی در پروسه ضد فلسطین و ضد حل عادلانه معضله شرقیانه مساعی زیادی بعمل آوردند. ارتجاع عرب در قدم نخستین رژیم سادات

بعد از مرگ جمال عبدالناصر فقید، تلاقندی خاص برای جلب کمک ها و مساعدت های نظامی و اقتصادی امپریالیزم از خود نشان داد. و در های اقتصادی خود را بی مهابا بر روی جیولگران استعماری گشود. ارتجاع عرب باز دریند های که با امپریالیزم داشتند به نحو از آنها از مساعی برای حل عادلانه داعیه فلسطین و برایم های منطقه شرقیانه سرباز زدند. و در صدر همه آنها رژیم سادات قرار گرفت. ارتجاع عرب با مبارزات آزادی خواهی

و روحه انقلابی سازمان آزادی فلسطین کینه می ورزند. و اغلباً از کمک های مالی با آنها ابا می ورزند.

ارتجاع مصر در مقابل اشاعه این شعار اسرائیل که «اسرائیل بزرگ از یوفرات - الی نیل» هم عکس العمل از خود نشان ندادند. این شعار را سادات شخصاً هنگام مذاکرات ماه نومبر سال (۱۹۷۷) خود نیز تماشاً نموده بود. بعد ازین تاریخ رژیم سادات همواره

تقاضای کمک های نظامی و اقتصادی اسارت بار را از ممالک غربی و امپریالیستی می نماید. چنانچه قرا نوشته مجله «افریقا و آسیای امروز» رژیم سادات از ممالک غربی بیست میلیارد دالر قرضه را تقاضا نموده است.

چاکر منشی رژیم سادات در استان امپریالیزم و صهیونیزم اسرائیل بحدی ارتقا نموده است که رژیم وی وظیفه پاسبانی منافع امپریالیزم رادر منطقه شرقیانه و حتی قاره افریقا بعهده گرفته است هم اکنون قوای مصری در بیش از ده کشور افریقایی مداخله نظامی می نمایند. رژیم سادات همچنان برای تشویق ممالک دیگر عربی در سازش های جداگانه با اسرائیل نیز مبادرت می ورزد. در اثر تعقیب پالیسی درهای باز مصر میزان انفلاسیون درین کشور پانزده فیصد افزایش نموده است. وضع سیاسی درین کشور آشفته بوده و بحران اقتصادی شدید ی دامنگیر جا معه مصری باشد.

بقیه در صفحه ۲۵

از زمانیکه بساط ترور و اختناق را اعمال امیرالیزم در کشور ما گسترده بودند در چنان لحظات فضای شادی و سرور در همه اطراف و اکناف در شهر ها و دهات افغانستان مکدر شده در کلبه های زحمتکش و بیچاره گان آوای (غم) و اندوه - نجوا و بیقراری طنین داشت - در فابریکه ها و کستزارها کارگران و دهقانان و تمامی زحمتکش و وطنپرستان در هر کجایی که بودند تغیر - تعقیب - توهین روانه زندان و اعدام می شدند - استادان مکاتب و پوهنتو نهاد دانشمندان دکتوران و پرفیسوران بابتی حرمتی به باستیل بلچرخگی کشانده می شدند خلاصه هر آنکه سر وطنپرستی و تعالی مبین و آزادی انسان داشت در دردیفکسانی قرار میگرفت که بنوبه یکی بی

و برای آخرین بار دست ساطور بدستان در هوا قطع شد و خوشبختانه عده ای از زحمتکش و وطنپرستان از خشم آن دژخیمان نجات یافتند که این آزاد شدگان از جنگال مرگ کسانی بودند که افرایشان فاتحه آنها را خوانده در مرگ شان اشک نومییدی ریخته بودند ، چه در کشتار گاه بلچرخگی هر که را میبردند دیگر هیچ امید بی زنده بودن او نبود سازمان ترور این ستمگران درست همانند باند تروریستی امیر عبدالرحمن (پادشاه ظالم) بود که در آن روز کاران بنام (نام گیرگ) یاد می شد نام گیرگ یاسازمان تروریستی امیر عبدالرحمن چنان رواج داشت که شب هنگام درب بیچاره ای رابه امر امیر میکوبیدند و آنرا به زندان برده به سیاه چاه

کریمداد \*

# نجات از جنگال

## دژ خیمان طاغوت مشرب

دیگر با ساطور جلاخان ناپود می شدند . در چنان روزگار غم آلود که گمانتگان امیرالیزم (بالد فاشیستی امین) مذبح خانه تلاش داشتند که انقلاب شکوهمند تور را از سیر اصولی و اصلی آن به بیراهه بکشند ، یکبار دیگر آن همه غم و اندوه ، آنهمه رنج و محنت ، آنهمه نجوا و فریاد های کودکان ، زنان ، مادران پدران ، دانشمندان ، مبارزین و تمامی زحمتکش بهم گره خورده و چون گرز کوبنده ای فرق بی مغز سردار ستم را چنان پاشان ساخت که امروز خنجره امیرالیزم در مرگش نوحه سرایی دارد \*

هامی انداختند زنده بگور نموده ، تیل داغ ، واسکت بریدن و نشتر زدن چشم ها و غیره ظلم ها و اعمال ضد کرامت انسانی را روا می داشتند . امیرحافظ خان نیز باند تروریستی داشت که مرکز ادره آنرا شخصا بنام (کام) نامگذاری نموده بود و گمانته های امین هم همین باند آن ددصفتانی بودند که شبانگاه در حالی نشه چون مرگان درنده در منزل شخصی افراد به درو دیوار بام حویلی و اتاقهای آن حمله نموده بدون کوچکترین احساس مسوولیت بالای آن فامیل قیامتی را برپای کردند آن ددصفتان آدم صورت که با تفنگچه و ماشیندار ارباب خود مسلح می بودند منزل مذکوره را تلاشی میکردند و اجناس قیمتی

و با ارزش آن منزل رابه سرقت برده و بالاخره هر که از افراد آن منزل در جنگ ایشان می افتاد اکثر آنها (بجرم) وطنپرستی ، بشکل وحشیانه با دست و چشم بسته بصوب نامعلومی کشانده می شد ندواین همانند سازمان (نام گیرگ) امیر عبدالرحمن بود که هیچ کسی را این جرئت نبود که افلا ببرد که آن بیچاره رابه کجا میرند ، و گنا هاش چیست؟

به این صورت با کمال جرئت میتوان این باند فاشیستی رایک باند سیاه وحشی تنگ زمان نامید زیرا چه وحشت و ستمگریایی نبود که از آنها سر نزد به آبرو ، حیثیت و شرافت مردم بازی کردند از کشته های پشته ها ساختند کشتند ، بستند ، برق دادند ، سوختانند ، ناخن کشیدند ، پنجه دست و پا را قطع کردند و حتی زنده بگور نمودند .

امیر حفیظ الله خان امین مبتکر و حامی باند فاشیستی و تروریستی مخصوص تپ خودش (فاشیست انقلابی نما) در افغانستان که برای سالیان متمادی توانسته بود خود را به لباس مردم جازده سخن پرانی و پررویی نماید برای اولین بار پس از قیام مسلحانه ششم جدی اعمال ضد مردمی و ضد انسانی او بشکل آفتابی افشاء شد .

گر چه ازین امیر نابکار و مرد فریبکار و این فیودال خونخوار عناصر روشنفکر و مترقی جامعه مانساخت قبلی هم داشته و هم دارند تنها و تنها چند نفر اعضای فامیل او و وابسته های باند اوشان لفاظی و پررویی این فاشل عزاران و وطنپرست را تانید و برایش کف می زدند و بس : چه روشنفکران انقلابی ما آگاهانه و برویت استاد و مدارک میدانستند که امین از نگاه سیاسی هم تربیه یافته دامان ننگین قدرت بزرگ امیرالیزم است و این وفاداریه امیرالیزم از همان دوره تحصیل خویش توانسته بود که موفقانه فعالیت سیاه سیاسی اش را پیش ببرد و حتی در مراکز امیرالیزم جهانی توانسته بود که به کرسی ریاست اتحادیه محصلین دربار نماید . و این مستدریاست به کسانی داده می شد که او عضو سازمان سیاه (سی سی ای) می بود و این بهترین دلیل وابستگی این فاشیست با محافل امیرالیستی میباشد .

در داخل کشور نیز این امیر نابکار دژخیم صفت که با عوام فریبی مختص بخودش زمام امور را بدست گرفت عملا به اثبات رساند که او یک فاشیست و سر دسته تروریستان بوده زدوبندش را با محافل امیرالیستی ما هرانه حفظ نموده بود . این گفته ها روی سخن نیست بلکه حقایقی است که دانهای قلوب هر هموطن مادفتری از بس رویدادها میباشد در دوره سیاه همین امیر امین بود که بهترین جوانان و وطنپرست در زندانها و مخفیگاهها انباشته شده بشکل وحشیانه

مجازات و به صورت دستجمعی کشتار شدند . شهرها ، قریه ها ، منازل ساختمانها بمباردمان ویران و با خاک و خون کودکان ، جوانان و پیر مردان بی دفاع یکسان شد و اجساد بهترین و وطنپرستان بی گور و بی نشان در گودالها و خند فبا پرتاب شد . و امروز هیچ کسی نیست که در ناپودی این باند جنایتکار خوش نمده باشد چرا که هیچ فامیلی سراغ نمیشود که به نحوی از آنحاء داغی از ظلم و ستم این باند رانندیده باشند .

آنطور یکه امیر حفیظ الله امین بطور کل قهرمان ترور و آدمکشی ، دزدی و ویرانگری بود . بهمان ترتیب والا حضرت سردار اسد الله امین نیز قومانده باند تروریستان مشخص رابه عهده داشت که مردم ستمکش اعم از دهقانان ، کارگران مزدوران ، جوانی ها ، کراچی رانها ، کپنه فروشان دختران ، پسران ، اطفال و بزرگسالان ، ملاحا ، روحانیون محصلین و معلمین را مورد تعقیب تحقیق توهین ، اذیت ، شکنجه و انواع ستم قرار داده و بالاخره پس از مدتی در حالیکه مست می بودند در صحن زندان و یاد ر پو لیگون آنها را با تفنگچه و ماشیندار خود بقتل میرسانند .

رو به پرفته والا حضرت عبدالله امین که در طول عمرش بسوی علم و معرفت ، اخلاق و شرافت یک نگاه هم نکرده و چون (امیر بزرگ) عقده بر دانش داشت با چنین بی حیثیتی به امر همان برادر مهربان و بزرگوارش اوالی والیان سمت شمال مقرر شد این بی فهم و جاهل فکر میکرد که حکمروایی یعنی آدمکشی ، چورو چپاول ، کشتار های دستجمعی و شهر سوزی میباشد بهمین اساس ستم عبدالله امین بدل هر یک از هموطنان ما بخصوص در سمت شمال چون لاله های صحرا داغی گذاشته فراموش نشدنی چه این مرد نابکار بهترین جوانان و نو جوانان را کشته خانه های ایشان را حریق نموده کودکان معصوم و خانم و مادر و پدر شان را در زندان می کشیدند ، شهر ها و قریه ها را یکجا با انسانها ، حیوانات اهلی اشجار و غله چان آن با پرتاب بم ها و اعمال تروریستی خود حریق و نابود میکردند .

در آن فضای اختناق و ترور که هر وطنپرست را روانه زندان می نمودند و گاهگاهی که در زندان جایی برای زندانی نمی بود بدستور شخص والا حضرت عبدالله امین دستهای زندانی ها را بسته نموده آنها رابه دریای اموو به دریای کوچک پرتاب میکردند . بهمین ترتیب هر عضوایی باند سیاه به نوبه خود بالای مردم ظلم و ستم نموده بیرحمانه کشتار کردند این یک واقعیت انکار ناپذیر است که هر فردی از افسراد افغانستان در شمال و جنوب در شرق و غرب به نحوی از آنحاء مورد ضرب و آزار باند ترور و ارباب ستم قرار گرفته بودند . خوشبختانه که آن باند جنایتکار به سر نوشتی که باید مبتلا می شدند و خواست مردم ما بود دچار شدند .

افتخار به مردم و وطنپرست و مبارزین انقلابی افغانستان که دشمنان بشریت و وطن خود را از مسیر انقلابی شان چون پرگاهی نابود ساختند .





بر گردا ننده نصیر ابوی

از منا بع خار جی

## جراحی روانی شیوه خطرناک

### باباز تاب امیدوار کننده!

مطالبت و اطلاعات را در خود جوار از آن استفا ده بکند که برای همه افراد يك نسل قبل دشوا رمسی نمود. سنگینی در مغز و حا فظه یکی از زیاد نا را حتی های عصر مسا است و در سرا سر جهان ملیونها نفر از سنگینی بارفکری و خستگی های روحی و دماغی رنج میبر ندا آنچنان که در بالا گفته آمدخطر اتی که در کمین مغز انسان خوا بیده اند سخت نگران کننده اند. بنسا مغز انسان برای اینکه خود را با شرا یط نو تطبیق دهد تحت فشار قرار میگیرد و از طرف دیگر شیوه های نو جراحی روانی نیز ممکنست بهتر ین یا بدترین شیوه با شد. بهر حال نگران کننده اند.

مغز انسان به ما نند يك خـسازن بر قی است با ده ملیارد سلول که مهم ترین عضو بدن است پروفیسور سرجان الیکلز دانشمند آسترلیایی و بر نده جا یزه نو بل می گو یند: اگر قشر خار جی مغز گسترده شود صفحه ی بد ست می آید با طول پنجاه سا نتمتر سه ملی مترس ضخامت سلول عصبی نشینگاه همه تجر بیات در سرا سر طول زند گی هستند با احسا سات عواطف، ادراکات خا طرات و عکس العمل های ما، اندا یشه های ما همه و همه از همین ده ملیارد سلول سرچشمه می گیر نند در جهان هیچ پدیده

وجود ندارد که پیچیده تر از قشر خار جی مغز باشد در زبان علمی این سلول ها را نیو رون گو یند هر نیو رون میتوا ند با سلول های همجوار خود پنجاه هزار را بطه برفی

مندی انسان به فرد مقا بلش نیز افزا یش می یا بد. در عین حال انسان امروزی محکوم به سر خورگی و دگی و تصا دمات روز مره عا طفی اند، زیرا در طول دوره زند گی نیازمندی عاطفی افراد غیر ار ضا کننده است. پس چنین حالت یعنی کثرت نیازمندی های زیاد و روان پر سشی ها و اضطرا بات و انواع واقسام آن اسامی برای اختلا لات روانی پلائی ریزی می کنند.

دا کتر کوردل معتقد است مغز يك انسان امرو زی مجبور است آنقدر

مغز انسان که از ده ملیارد سلول سا خته شده بز رگتر ین معمای آفر یش است.

با جراحی مغز میتوان جنا ینگاران و معتا دان را معا لجه کرد.

با این شیوه جلو گیری از خشونت های جنسی امکان پذ یر است.

هم اکنون با جراحی روانی هوش، حافظه و استعداد های گونا گون افراد رادستگاری میکنند.

سرعت و شتاب زند گی مدرن، واضطراب های درونی و دهمها عامل تحول سریع جامعه بشری که دیگر مغز انسان امروزی را در باعث میشود هر روز فشار بیشتری معرض خطر شد ید قرار داده است بر مغز ما وارد آید بر خورد های هر چه تمدن بشری انسانها را با نا مطلوب و نا راحت کننده، دلهره فور مول پیچیده در هم می تند نیاز-

ایجاد کند مغز مادر هر لحظه هزاران اطلاعات را به شکل امواج بر قی دریافت می کند. سر چشمه علامت و سنگنال ها مواد کیمیایی هسته که در سلول ها مغزی پنخس شده اند اطلاعات در یا ذت شده به حسب نوع آنها حا فظه ما را تشکیل مید هند (به تاز گی کشف شده است که حا فظه سا ختمان ما لیکولی دارد) بر رسی و مطالع مغز بو سیله مکرو الکتروود نشان داده است که در مغز، برای کنترل اعمال ما مراکز بخصوص وجود دارد مرکز سنگی، عطفی و تشنگی،



مرکز خوشونت، مرکز غرا یسز جنسی و بالاخره مرکز رو یا. درین اواخر مرکز درد و لذت نیز تشخیص شده اند و حتی دانشمندان توانایی آنرا داشته اند تا با وسایل برقی در مرکز اخیر الذکر را به تحریک بیاورند و بطور مصنوعی ایجاد درد و لذت نمایند. مهمترین پدیده مغز ما حافظه است و چنین به نظر میرسد که ضبط خاطرات دیدنیها و شنیدنیها عمل پیوسته شیمی است که بکمک برخی از مواد ساخته شده از مغز انجام می پذیرد. تنها شاک میتواند این دستگاه پیچیده را از هم بپاشد. شاک های روحی نیز می تواند کار حافظه را دچار اختلال و دگرگونی نماید. «زیگموند فروید» ثابت ساخت که حافظه برخی از خاطرات تحمل ناپذیر خود را به صورت خودی بدست فراموشی می سپارد و هم ثابت ساخت که ضمیره نا آگاه شخص خاطرات را طرد میکند. امار و احصائیه های یونسکو در مورد افراد یکه از درگیری های روحی رنج می برند جالب است طی خبر آخرین این موسسه تعداد کسانی را که در حال حاضر به کارهای علمی و فکری مشغول اند نمود فیصد و نمود کرده است.

کارشناسان اعلام کرده اند که کشف اسرار مغز انسان البته باعث درمان و معالجه بسیاری از بیماری هادر سال های دو هزار و فوق آن خواهد بود. اما آنچه مسلم است شاید انسانها بحدافرا طی به جراحی روانی رو ببرند و با دادن الکترو-شاک هاویا دهها وسیله دیگر مغز انسانها را تغییر دهند. دانشمندان نباید به استفا ده های احتمالی از کشفیات خود شان بیندیشند زیرا از هر پیشرفت یا کشف علمی ممکنست روزی به قصد غیر اخلاقی استفاده بشود. اما این وحشت از آینده نباید مانع کار هردانشمند باشد. جراحی روانی از هنگامی پدید آمد که یک داکتر پر تکالیف بنام آگاس لوئیز شیوه معالجه مخصوص را برای بیماران روانی پیشنهاد کرد این شیوه لوبو تو می نام دارد. مطابق این اصل برخی از انسان را که از ناحیه پیشانی (محل تفکر) به سوی مغز می روند قطع می نمایند. ظاهرا عمل ساده هم است. بیشتری را در سر

بیمار فرو می کنند. و چند نسج را می برند. اما عملا معلوم شد که این بهبود یا فتکان به انسانهای تبدیل شده اند گیسج و بی ارا ده تغییرات روانی آنها چنان شده بود که حتی نزد یگان شان به شناخت آنها موفق نشدند. اما امروز شکل تکامل یافته تری از جراحی روانی مغز در آلمان، امریکا از آزمایشگاه ها به شفاخانه ها یافته است با این شیوه جراحی بعضی از صفات خشونت آمیز و انحرافات جنسی بیمار را از بین می برند. یک کمیسیون جهانی شامل پروفسوران بین المللی مأمور بررسی درباره این مسند جراحی شد. اعضای این کمیسیون صریحا اعلام داشتند که میتر سنند در مورد اینگونه جراحی افراد بشود و از این روش استفاده های غیر انسانی نمایند با این هم رئیس کمیسیون داکتر رایان اعلام داشت: جراحی روانی مغز تا حال به بیماران زیادی کمک کرده بدون اینکه هوش و فراست آنها از بین برود و یا به زندگی عاطفی شان لطمه وارد شود. از سال ۱۹۷۰ به اینسو جراحی روانی پیشرفت زیادی کرده است اما جراحان بخش مغز سعی می کنند که برای عمل خود حدود قاطعی تعیین و برای آن جامعه قانونی در بر کنند تا کار به افراط نکشد. ها کسلی متفکر بزرگ پیش بینی کرده بود که اگر این شیوه از آزمایشگاه های علمی به جامعه سرایت کند. جامعه انسانی دچار سقوط خواهد شد. این بحث و منا قشات علمی، انتقاد و طرفداری، طی سالیان دراز ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۷۴ کنگره جهانی عصب شناسی ادامه تحقیق کنترل عادات روانی را تا سال ۱۹۸۴ اعلام کردند. یعنی این کنگره در مرحله اول شیوه را تا سال ۱۹۸۴ و فوق آن بوسیله جراحان مغز تضمین نمود. و دست اندر کاران و کارشناسان آزمایشگاه را صلاحیت قائل

نونی داد و مطابق به اجرا آت این کنگره پیاپی ده ساختن عمل روی بیماران روانی زکاتانیان و اطفال قبول گردید. و این وسیله همانندی که پیشگویی میشد میرفت تا داغ ترین موضوع علمی روز را بر

سر زبانها بنشانند اما به یقین اساس این روش در سال ۱۹۳۵ گذارده شد. در گردهم آیی دانشمندان بین المللی که در همان سال منعقد گردید. اساسات آن برای نخستین بار توسط داکتر کار لیل و داکتر جان فولتن بازگو گردید و یکی بعد دیگری چاقوی جراحی را روی انساج دماغ خوا با نیدند. در اوایل ازین طریق به عنوان یک فن تری

بقیه صفحه ۲۱

## نگاهی به اوضاع...

به اساس نوشته لوموند چاپ پاریس عرصه زندگی کارگران، دهقانان و غیره طبقات پایین و زحمتکش پیوسته تنگتر می گردد. سازش های مصر و اسرائیل مورد نفرت همه جهان مرقی قرار گرفت. و متوجه پروسه ضد سازش های خائنانه مصر در کنفرانس ماه مارچ بغداد که به اشتراک (۱۸) کشور عربی انعقاد یافت بخوبی تجلی نمود. از مواد ترجمه و فیصله نامه این کنفرانس که به اتفاق تمام اعضای شرکت کننده به استثنای سومالی و عمان بتصویب رسید مواد آتی را می توان ذکر نمود.

۱- وضع تغذیرات اقتصادی با حکومت موجوده مصر.  
۲- قطع روابط دیپلماتیک با حکومت مصر.  
۳- اخراج مصر از عضویت کانگرس جهانی اسلامی.  
۴- اخراج مصر از تمام سازمانها و اتحادیه های منطقه عربی.  
۵- قطع صدور نفت به مصر.  
همچنان در اجلاسیه سوم کانگرس خلقهای عرب که در ماه می ۱۹۷۹ در عدن به اشتراک هفتاد حزب و سازمان های سیاسی و یکصد و چهل و دو اتحادیه کارگری و سازمان های زنان و غیره سازمان های اجتماعی از هفده کشور عربی انعقاد یافت به وضاحت اعلام نمود. که آنها بر ضد سازش های مصر و اسرائیل مبارزه خواهد نمود آنها ضرورت تحکیم همکاری خود را با تمام ممالک مرقی و بطور اعم با کلیه کشورهای جامعه سوسیالیستی تاکید نمودند. کنفرانس ژنوب و خواست عادلانه فلسطین: در آغاز ماه نومبر سال ۱۹۷۹ در لسزین مرکز پرتگال کنفرانس تساند و همبستگی با خلق فلسطین انعقاد یافت. درین کنفرانس اعلام گردید که اسرائیل حالت وختناک را برای کلیه خلقهای شرقیانه و بخصوص خلق فلسطین ایجاد می نماید. سخن گویان این کنفرانس تاکید نمودند که معاهده نام نهاد کمپ دیوید و سازش های خرابکارانه مصر و اسرائیل حقوق انسانی و ملی مردمان عرب فلسطین را زیر پا می نماید. و سالیسی سوسیالیستی اسرائیل عمده ترین تهدید کننده صلح و دینات در منطقه شرق میانه و سراسر جهان پنداشته می شود. همچنان در این کنفرانس پیرامون ستراژی های امپریالیزم ارتجاع عرب و ارتجاع حاکم اسرائیل که حال

یا دهانی میگردند، نه یک اصل علمی اما بعدا آزمایشات عکس مناسقه را ثابت ساخت. در دهه پنجاه دو فکتور (عامل) عمده تداوی کیمیا یی و استفا ده از الکتروشاک باعث پیشرفت وسیله فوق گردید زیرا تا ثیرات جانبی و مخالفت های زیاد حلقه های علمی بیشتر از پیش سد پیشرفت

بقیه در صفحه ۲۶

در زدوبند و اتحاد نامقدس با هم تشریک مساعی می نمایند بحث صورت گرفت. نمایندگان حلقه های سیاسی مرقی اروپای غربی نیز پلان های امپریالیزم را در قبال داعیه عرب و تمام پرابلم های ناشی از تشنجات بین اعراب و اسرائیل. را مورد تکووش قرار دادند. اهمیت این کنفرانس با حضور یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین و بیانیه های پرتحرکی بیشتر گردید.

یاسر عرفات رهبر خلق فلسطین پیرامون مبارزات قهرمانانه آزادی خواهی خلق عرب فلسطین سخنرانی نمود. و او همچنان از کمک و پشتیبانی بیدریغ تمام کشورهای جامعه سوسیالیستی و بخصوص از مساعی اتحاد شوروی برای حل عادلانه شرق میانه اظهار خرسندی نمود.

تمام شرکت کنندگان این کنفرانس قاطعانه اعلام نمودند که با بد تمام قسوی اشغالگر اسرائیل بدون قید و شرطی از مناطق اشغالی که در سال (۱۹۷۶) متصرف نموده است خارج شوند و حقوق طبیعی و مسلم فلسطین را مبتنی بر تشکیل نمودن دولت آزاد فلسطین مورد احترام قرار دهد.

درین کنفرانس به آئنده از کشور های که تا هنوز موسسه آزادی فلسطین را به رسمیت نشناخته اند خاطر نشان گردید ناهر چه زودتر این موسسه را به رسمیت بشناسند. در خلاصه تحلیل و بررسی اوضاع سیاسی در منطقه شرق میانه این نتیجه گیری حاصل خواهد شد که پرابلم های شرق میانه مسئله فلسطین در صورتی میتواند عادلانه حل گردد که همه جوانب ذی علاقه بشمول نماینده سازمان رهایی بخش فلسطین به اساس فیصله نامه های موسسه ملل متحد عمل نمایند. زدوبند ها و معاهدات که در خفای خلق عرب و بدون اشتراک موسسه آزادی فلسطین صورت گیرد جعلی و سطحی خواهد بود. و در امر صلح هیچگونه تأثیری مثبت نخواهد نمود.

حل عادلانه مسئله شرق میانه قدم بزرگتری خواهد بود در راه تعمیم دینات و امنیت بین المللی.

# پلان اعمار شهری برای اسپ سواران



مشق و تمرین های ورزشی در ستند یو می که برای المپیا ۱۹۸۰ ساخته شده است .

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یک ستند یوم بوده زیرا مردم به که در آن در سال ۱۹۸۰ مسابقه آسانی میتوانند از هر نقطه شهر او المپیا جهانی دایر میگردد شهری به آن جا رسیدگی نموده وهم برای اسپ سواران و مسابقه اسپ در پهلوی مناظر طبیعی خوش دوانی در منطقه بیستا که در حد و آب و هوای قرار دارد . این ستند یوم بیست و شش کیلو متری مرکز در حدود چهل و پنج هکتار زمین قرار دارد در نظر گرفته شده را در بر میگردد .

یک گروه مهندسین و انجینیران اما مهندسین در مورد تعیین موقعیت ستند یوم مذکور دچار تردید و سردرگمی های میباشند آورند . خشت پخته و چوب مادی اما عمده به این نظر اند که این منطقه محل مناسب برای اعمار با آن اعمار نموده اند که رنگ نمای

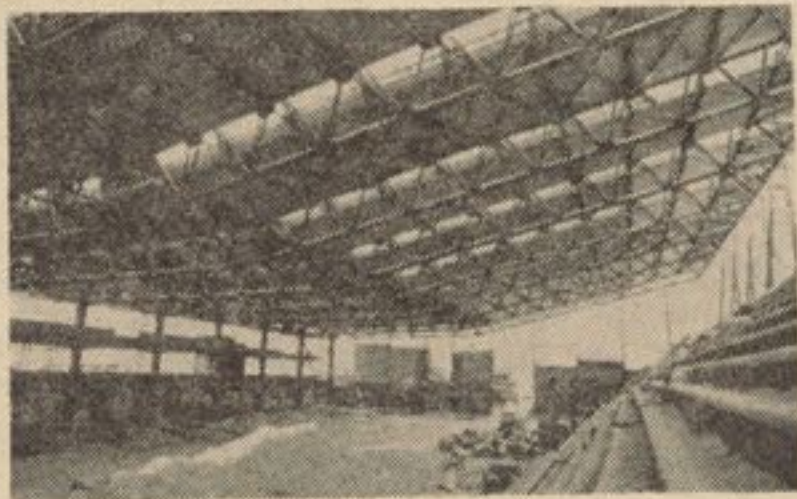


مدل و نمونه ساختمانی ستند یوم ورزشی برای اسپ سواران در منطقه بیستا .

خارجی ستند یوم مذکور با رنگ طبیعی طبیعت همگونی را وانمود می سازد . عمده ترین قسمت این ستند یوم را محل جست و خیز و تمرین تشکیل میدهد در حدود دوازده هزار چوکی در روی زمین ساخته شده که در سه قطار قرار دارند هر قطار آن نود تا یکصد و پنجاه متر می باشد .

قسمت های درونی ستند یوم از چوب و مواد نرم ساخته شده است اما محل و یا اتاق که برای تمرین فراخنا دارد که در درون حلقه های دو شش محل برای تمرین و آما دگی برای مسابقه در نظر گرفته شده است .

تعداد زیاد مردم بدون داخل شدن در ستند یوم مذکور نمیتوانند از نقاط دور از مراکز زمین های هموار نیز مسابقه راتماشای نمایند . در ستند یوم مذکور دو محل مرکز گرمی نور و روشنی کافی و



یک ستند یوم سقف دار برای مسابقه اسپ دوانی در اتحاد شوروی

برای پوشیدن و تبدیل کا لا وجود دارد یکی از این محل ها که سر کشاده بوده دارای یک هزار و پنجاه چوکی بوده و دیگری آن دارای دو هزار چوکی است این محل که دارای دو هزار چوکی است سقف آن کاملاً پوشیده است و طوری دیزاین و طرح ریزی گردیده که اشعه سقف آن در هجده متری طرف دیگر تا بیده و قسمت با لایی در تبدیل هوای آزاد کمک میکند .

حمام می باشد که در مجاورت آن کلنیک حیوانی و بیتا ران نیز قرار دارد . بی لی نا قهرمان جهانی او - لمپیک در مورد این ستند یوم چنین اظهار عقیده نموده است این ستند یوم شگفتی انگیز که در اتحاد شوروی سوئیا لیستی اعمار میگردد نه تنها یک طرح و دیزاین زیبا برای اعمار یک ستند یوم بزرگ مسابقه بقیه در صفحه ۵۰

# باشتر اک در روز نامه ها و مجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

شرح اشتراک روزنامه ها  
و مجلات در خارج کشور:

وجه اشتراک روزنامه حقیقت -  
انقلاب نور، انیس، هیواد و کابل -  
نیو تایمز در خارج کشور، هوایی  
صد دالر و زمینی سی دالر.

برای محصلین، هوایی هفتادوپنج  
دالر، زمینی بیست و سه دالر.  
وجه اشتراک مجله ژوندون در  
خارج کشور هوایی صد دالر، زمینی  
سی دالر برای محصلین، هوایی  
هفتادوپنج دالر، زمینی بیست و سه  
دالر وجه اشتراک مجله کمکیانوانیس  
در خارج کشور، هوایی پنجاه دالر،  
زمینی بیست و پنج دالر.

وجه اشتراک مجلات پکتیا، کندهار،  
ننگرهار، بلخ، کپول، آواز، فرهنگ  
خلق، هنر، کتاب، کو شانی و  
جراید یو لندوز، گوراش و سوب  
در خارج کشور هوایی پانزده دالر،  
زمینی پنج دالر برای محصلین،  
هوایی دوازده دالر و زمینی چهار  
دالر.

وجه اشتراک مجله آریانا در خارج  
کشور، هوایی دوازده دالر، زمینی  
پنج دالر برای محصلین، هوایی نه  
دالر، زمینی چهار دالر.

مدیریت عمومی توزیع روزنامه  
ها و مجلات از آغاز سال نو با وسایل  
بیشتر وجدی تردد خدمت علاقمندان  
روزنامه ها و مجلات است تا آخرین  
اطلاعات روز و داغ ترین حوادث روز  
را بشما برساند و مجلات و جراید  
محبوب خانواده هارادرمو قشش  
برای آگاهی و سرگرمی تان تقدیم  
کند.

وقت گرانبهاست، از زودترین  
فرصت استفاده نمایید تا کلکسیون  
تان از آغاز مرتب باشد. زیرا با ختم  
سال جاری میعاد اشتراک پایان  
میابد.

مرجع اشتراک:

مدیریت عمومی توزیع روزنامه ها  
و مجلات.

در بدل یکصد افغانی و اگر شاگرد  
و محصل باشد در بدل هفتادوپنج  
افغانی یکسال روزنامه در خدمت  
شما است.

کابل نیو تایمز:

اگر روزنامه کابل نیو تایمز  
را انتخاب کنید در  
هر نقطه کشور که باشد با پرداخت  
یکهزار و شصت افغانی و اگر شاگرد  
و محصل هستید با ارائه تصدیق و  
پرداخت دوسدو پنجاه افغانی  
یکسال شما مشترک ما هستید.

مجلات و جراید ما نیز حسب زیر  
یکسال در خدمت شما خواهد بود:  
مجله ژوندون:

سالانه پنجمند افغانی برای متعلمین  
و محصلین با ارائه تصدیق چهار -  
صد افغانی.

کمکیانوا نیس:

سالانه یکصد و بیست و پنج افغانی.  
مجلات پکتیا، کندهار، ننگرهار،  
بلخ، کپول، آواز، فرهنگ خلق،  
هنر، کتاب، کو شانی و جراید  
یولدوز، گوراش و سوب در داخل  
کشور سالانه شصت افغانی برای  
متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق  
چهل و پنج افغانی.

سجله آریانا بزبان انگلیسی:

سالانه یکصد و شصت  
افغانی برای متعلمین و محصلین با  
ارائه تصدیق یکصد و سی افغانی.  
شما میتوانید در مرکز همه روزه از  
اول تا آخر حوت بمدریت عمومی  
توزیع روزنامه ها و مجلات در جوار  
عمارت مطابع دولتی، انصاری وات  
مراجعه و اشتراک نمایید و یا وجه  
اشتراک تا ترا از مرکز و ولایات  
بحساب ( ۶۰۰۱ ) و ارداد  
دولت تحویل و اویز آنرا مستقیماً  
عنوانی مدیریت عمومی توزیع  
روزنامه ها و مجلات انصاری وات  
کابل بفرستید.

اطلاعات و کلتور با فرور یختن مرز  
تفاوت وجه اشتراک شپروده در  
خدمت بیشتر علاقمندان روزنامه ها  
جراید و مجلات است.

بخط اینک در سال نو کلیه  
روزنامه ها، جراید و مجلات بتوانند  
دروازه های تمام مشترکین را صرف  
نظر از شهری و روستایی یکسان  
بگویند، مدیریت عمومی توزیع  
روزنامه ها و مجلات وجه اشتراک  
علاقمندان را در کلیه نقاط کشور  
یکسان میپذیرد.  
دوستداران روزنامه ها، جراید  
و مجلات:

شما که بر قلل شامخ و پر برف  
زندگی میکنید و یا در دشت های  
گسترده و وسیع حیات بسر  
میبرید....

شما که در کابل هستید و یا در  
دره های پرخیم و پیچ میتوانید با  
پرداخت وجه اشتراک یکسان در  
جمله مشترکین روزنامه ها، جراید  
و مجلات ما با شید از داغ ترین  
رویدادها، خبرها، حوادث آگاهی  
بیابید و ساعت ها سرگرم شوید.

روزنامه حقیقت انقلاب نور:

اگر خواهان روزنامه حقیقت  
انقلاب نور میباشید در هر جای  
کشور که هستید در بدل دو صد  
افغانی و اگر شاگرد و یا محصل  
باشید با ارائه تصدیق در بدل ۱۵۰  
افغانی یکسال بشما روزنامه  
میفرستیم.

انیس:

اگر انیس میخواهید در  
هر گوشه میهن که باشید با پرداخت  
دو صد و بیست افغانی و اگر  
شاگرد و محصل هستید با پرداخت  
یکصد و پنجاه و پنج افغانی یکسال  
روزنامه رسان درب منزل شما را  
میکوبد.

هیواد:

اگر روزنامه هیواد را  
بخواهید در هر کنار وطن که هستید



انجیلا وفا نثار

## زن و شناخت مسوولیت هایش در فامیل

همانطور که مردان در مقابل فامیل و اجتماع خود مسوولیت های دارند و شناخت مسوولیت های شان باعث خوشبختی و سعادت آنها میگردد. زنان نیز درحالی که نسبت به مردان حقوق مساوی دارند، در مقابل خانواده و اجتماع مکلفیت های قابل شناخت دارند که به شناخت و ایفای وظایف خویش میتواند از بسیاری مشکلات و نارسایی های فامیل بکاهد. بطور مثال: اگر خانمی با وجود داشتن مصروفیت رسمی روزانه در محیط کار شش کمتر در امور منزل سهم و علاقه گرفته و منتظر آن باشد تا پسر، دختر و یا شوهرش هفت ساعت در دفتر کار مینماید، دیگر از همه کارهای منزل معاف است، واضح است که، وظایف خود را آنطوریکه لازم است نشناخته، شوهر و یا دیگر اعضای فامیل بخاطر گذشته که دارند، شاید بعضی کارهای محوله او را تا اندازه انجام دهند و یا شاید نتوانند قسمی که لازم است به ترتیب وانسجام امور منزل سپیم گردند. زیرا یک مرد نمیتواند، طوریکه

موفق باشد. با وجودیکه مرد در این قبیل کارها مبادرت ورزد باز هم نتیجه مطلوب نخواهد گرفت و دیری نمیگذرد که از زندگی خسته شده و ناراضا پتی از خود نشان میدهد. برای جلوگیری از خلق شدن چنین روحیه، در صورتیکه مرد و زن هر دو با داشتن هدف واحد و خلوص نیت در کارهای منزل سهم بگیرند. ممکنست نتیجه این اتحاد بسیار عالی و سودمند باشد. در بادی امر با وجودیکه آنها خوب شناخت شده و بدون مشکلات زندگی مینمایند، در آیه زندگی نیز اتحاد نظر عمل و همکاری متقابل آنها باعث جلوگیری از نارضایتی ها و مشاجرات گردیده و هیچگاه ضرورت احساس نمیشود که برای حل مشکلات فامیلی شان شخص دیگر از اقارب میانجی شده و فرو گذاشت هر یک را بر شمرد و بعدا به آنها بگوید که در آن قسمت کی ملامت و مقصر است؟ از این چه بهتر خواهد بود، قبل از آنکه موضوعات خورد و ریزه خانوادگی کسب و خا مت نموده به درازا بکشد، خانم و شوهر شش بیک نگر شش همه جا نبه، مسو- ضو عا تی را که نزد آنها لاینحل و معشوش است، بررسی نموده

موفق باشد. با وجودیکه مرد در این قبیل کارها مبادرت ورزد باز هم نتیجه مطلوب نخواهد گرفت و دیری نمیگذرد که از زندگی خسته شده و ناراضا پتی از خود نشان میدهد. برای جلوگیری از خلق شدن چنین روحیه، در صورتیکه مرد و زن هر دو با داشتن هدف واحد و خلوص نیت در کارهای منزل سهم بگیرند. ممکنست نتیجه این اتحاد بسیار عالی و سودمند باشد. در بادی امر با وجودیکه آنها خوب شناخت شده و بدون مشکلات زندگی مینمایند، در آیه زندگی نیز اتحاد نظر عمل و همکاری متقابل آنها باعث جلوگیری از نارضایتی ها و مشاجرات گردیده و هیچگاه ضرورت احساس نمیشود که برای حل مشکلات فامیلی شان شخص دیگر از اقارب میانجی شده و فرو گذاشت هر یک را بر شمرد و بعدا به آنها بگوید که در آن قسمت کی ملامت و مقصر است؟ از این چه بهتر خواهد بود، قبل از آنکه موضوعات خورد و ریزه خانوادگی کسب و خا مت نموده به درازا بکشد، خانم و شوهر شش بیک نگر شش همه جا نبه، مسو- ضو عا تی را که نزد آنها لاینحل و معشوش است، بررسی نموده

تجاوزات آلمان هلری و نیروهای تبهکار و بیرحم فاشیزم، صفحات تاریخ از خودگذریهای ملل آزادخواه و با شهامت اروپای جنوب شرقی را بر رنگ و زین ساخته است. البته در بهلوی سایر انکشافات آنجا، مساله تامین تساوی حقوق زن و مرد هم مورد نظر بوده است که یکی از آنجمله سهمگیری زنان در امور نظامی و دفاع ملی میباشد.

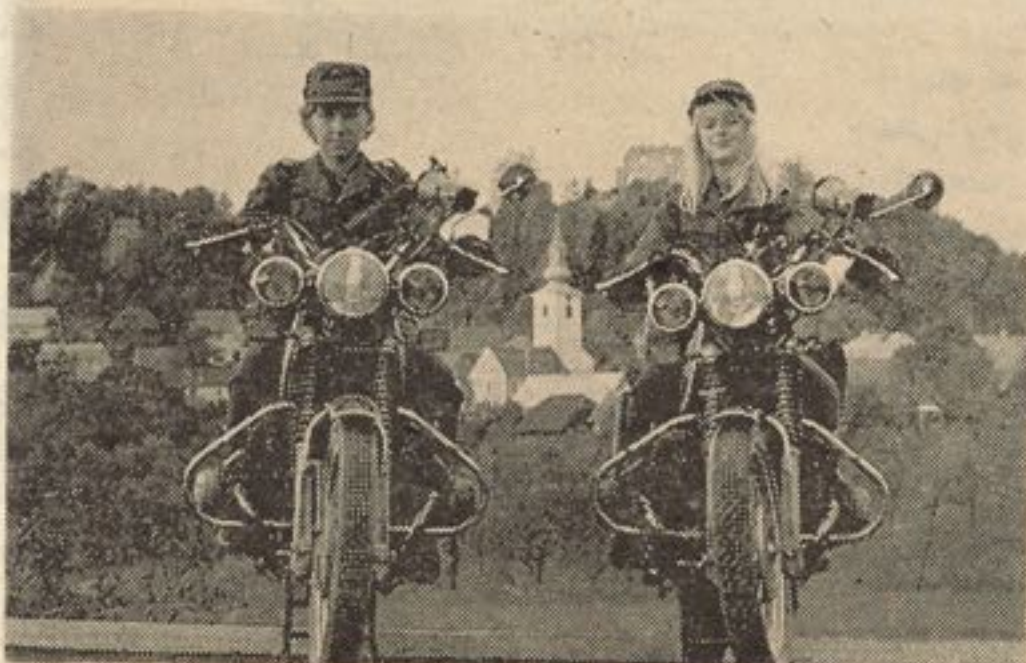
عبدالله «محب حیرت»

ترجمه و نگارش

## زنان یوگوسلاویا و سهمگیری شان در امور دفاع ملی!

نخست بایست یادآورد شد که جمهوری فدرالی سوسیالیستی یوگوسلاویا بعد از جنگ عمومی دوم جهانی، بتا ریح ۲۹ ماه نوامبر ۱۹۴۵ در ردیف کشورهای مستقل گیتی عرض وجود کرد و در ۲۴-اکتوبر ۱۹۴۵ عضو موسسه ملل متحد شده و تاریخ سرویکم جنوری ۱۹۴۶ تاسیس فدراسیون مردم یوگوسلاویا سروسامان گرفت و بجهت یک کشور آزاد غیر منسلک تحت زعامت مارشال جوزف بروز تیتو بسوی پیشرفتهای گوناگونی طور بیگیر گامزن شده و بوقتیتهای مطلوبی نایل آمده است که مظاهر آن در هر گوشه و کران آن سرزمین بخوبی پیداست.

قبل از توصل به آنچه بیرونیها و حصول آزادی کامل، مبارزات دلیرانه و رهایی بخش باشندگان حریت طلب این کشور در مقابل



دوتن از دختران وطنپرست یوگوسلاویا مربوط به گروه پار تیزا نان هنگام تمرینات به سواری موتورسایکل.



عسکر دوشیزه‌یی از دسته های پارتیزانی بالباس وساز ویرگ ستر واخنا



دسته از دوشیزگان سر سپرده پارتیزانی که بخاطر آموزش عملی و نظری تعلیمات عسکری در دشت و دهن به تمرین و مشق می پردازند .

میباشد که محتوای این مبحث ، صحنه‌نویسی از آن دگرگونیهایی مرفقی را بصورت نمونه بیانگر میتواند شد .

تاریخ ۲۵ می ۱۹۴۴ دستهای سر بازار آلمان در شهر کوچک «دروار» واقع ایالت پوسنیا (پوسنی) سرازیر شده و بهتصدد عملیات دستگیری واز بین بردن بزرگترین سران ورهبران نیروی آزادیخواه یوگوسلاویا دست به اقدامات شدیدی زدند، چنانچه مارشال تیتو را زندانی ساختند . درین وقت گروه های متعدد وبیشماری از پارتیزانان کشور با قوای مهاجم سخت در آویختند ،

بنحویکه ساحة جنگهای پارتیزانی بهرگزومه وکنار یوگوسلاویا قدم بقدم گسترش یافت. پارتیزانان با یک عدد تانک کوچک و وسایط محدود دستداشته میکوشیدند تا در قبال مبارزه مداوم وبیگیری بردشمن متجسساز ضربات سنگین ومهرگباری را وارد آورند، هنگام با عملیات تدافعی پارتیزانان و تهاجم دشمن، سربازان آلمانی طی یک لحظه کوتاه موفق شدند تا در نقطه دریچه پیشروی تانک که محل دید و تشخیص تانکران است، برده رابینگنند وسربازان داخل تانک را ازمشاهده وترصد ماحول شان محرومکنند . بدینترتیب یگانه وسیله نلیه پارتیزانان درعالم نابینایی ومحیط درمانده حرکت کنان بجلو میرفت تا اینکه بدیوار محکم سنگی یی تصادم کرد

واز حرکت بازماند . درین اثنا یکتسن ز سربازان مهاجم آمادگی گرفت تا نارنجکی راکه یکتوع آن محترقه ومخرب است از روزنه تانک بداخل آن پرتابکنوداوسیله آنرا باسرنشینان پارتیزانی اش ازین ببرد ولی همزمان باچنین رویدادی، یکرن جوان یوگوسلاوی که مترصد ومراقب آن صحنه بود، خردرا از میان یک گسروب اسیران وطهرست که بدست سربازان مهاجم افتاده بودند، برق آسا کشیده وبست تانک یساده شده پیشرفت وبا شجاعت وتهورحیرت آوری بارچه افتاده پیشروی نقطه دید تانک را پس زد وآترا روی زمین پرتاب کرد ولی درازای این عملیه وطنپرستانه، یکسسر لطیفش در برخورد با فیر های مسلسل ماشیندار دشمن تکه تکه وسوراخ سوراخ شد و تسانک پارتیزانان دو باره عملیات تدافعی ومجاریوی خودرا از سر گرفت .

باثر فداکاری ییغله «میکابوسنیک» آن دوشیزه شجاع اسمش دردریغ قهرمانان ملی کشور یوگوسلاویا اعلام شد وییاد بود و ی ودیگر همزمانش بزرگداشتهایی بعمل آمد. همچنان موصوفه نقش هیرویین رادر فلم مستندی بنام «اوپاتودهم بود» موقفانه بازی کرده که بر شهرت قهرمانیش افزوده است.

در اثنای جنگ آزادیبخش ملی که از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ در یوگوسلاویا تحقق پذیرفت ، در حدود یکصد هزار زن بحیث پارتیزان علیه مهاجمان سهم گرفتند و از خود عملیات فوق العاده را بر ضد دشمن تبارز دادند . آنان رزمندگان وجنگجویان ، کمیساران سیاسی، پرستاران و نرسمان و آمران بررسی امور معالجه زخمیان و تدای مجروحان درمانده بودند که لمحی از تداوم وظایف مقدس شان باز نتشستند . بدینترتیب از زمرة یکبزار و هشتاد تن رزمندگان «چهارمین دسته متشکل پرولتاریان» بتعداد دو صد نفر شان زن بودند . در «سلووینا»

مارشال تیتو قوماندان عالی جبهه آنزمان در اثنای وقوع یکی از وقایع رزمی وقتش گفت : «من بختیار ومقتضرم که قومانده و رهبری چنان قشون سر سپرده را در برابر دشمنان مهاجم بعهده دارم که شماربزرگ آنرا زنان در بر گرفته است، لذا من گمانه میتوانم که آنان با روحیه شهنات و قهرمانی خویش درین مجادله بخاطر امجای دشمن نقش وسهم بیشتر وقابل ملاحظه داشته اند ، بنحویکه آنان در مقامهای پیشرو و مقدم قرار دارند ، از آنرو این انگیزه افتخار آمیز و آبیخته بانرور ملی مردم یوگوسلاویا برشمرده میشود که ایشان چنین دخترانی دارند .....»

بعد ازایان جنگ، شمار ثابت و معینی از زنان مبارز ورزمنده، بهتصدد انجام خدمات نظامی در قوای مردم یوگوسلاویا ، بحیث کارمند ومحاسب، نرس ودکتور طب، بدون مقید شدن یاملبس مسردیدن با یونیفرموم مخص نظامی، وظایف محوله شانرا اداسه دادند. بدینترتیب در یوگوسلاویان خدمات نظامی را بصورت اجباری در جبهه عهده دار نمیشودن اما زنان مستعد یکه جسما و روحا در مواقع ضرورت برای اجرای وظایف مورد نظر در ساحة دفاع ملی ودفاع ازوطن آماده فداکاری و سپهگیری میشوند ، یاداوتلب میگرددند بشمول طبقه ذکور (مردان) طسور عموم از سنین شانزده تا شصت وبجسماله، اعضای چنین نیرویی را متشکل میسازند و وارد صحنه عملیات رزمی میگرددند .

فعلا در قشون یوگوسلاویا ، دکتورمیرمن «روزایا» بحیث یک جنرال زن ورزیده از طبقه نسوان مصروف خدمتگذاراست که هنگام جنگ دکتور پارتیزانان همین خود بود ودر قبال ارزیابی وقدرتانی از کارگزاریهایی متداومش توانست تا درسال ۱۹۷۳ بمقام و رتبه «میجر جنرال» نایل شود . وی در عین حال پروفیسور اکادمی طبی نظامی در بلگراد بوده وتاحال بیش از شصت اثرعلمی او بر اعتبار وشخصیت علمی اش افزوده است . همچنان چندین زن ودوشیزه دیگر بهصفت کلونل در اکادمی طبی عسکری و سایر انستیتوهای اختصاصی بلگراد و سایر ایالات وشهر های یوگوسلاویا شامل خدمت اند . به تعقیب روشها، سنن وطرز العملهای جنگ پارتیزانی وتداوم معائل رفتار و شیوه های بازمانده نسل کهن وبیشین، کلیه واحد های زنان وگروههای رزمی نسل معاصر نسوان بشکل پیشرفته آن در یوگوسلاویا تاسیس گردیده وفعال است . بطور مثال بقیه در صفحه ۴۹

زیاد را مارکیت های بین المللی جلب میکند و تقریباً هشتاد و پنج فیصد تولیدات ما را پوست کبود تشکیل میدهد در حالی که افریقای جنوبی بسیار کوشیده تا تولیدات کبود خود را بالا ببرد ولی تا هنوز نتوانسته که از بازده فیصد، مجموع تولیدات خود را بالا ببرد و مجموع تولیدات پوست کبود اتحاد شوروی کمتر از بازده فیصد می باشد لطفاً بگویید که امسال یعنی ۱۳۵۸ و تسع قره قل از نگاه تجارت و بازاریابی چطور بود؟

- امسال از نظر تجارت پوست قره قل افغانی خیلی خوب بود در ایلام های امسال تنها هشتاد و پنج فیصد پوست کبود بفروش رسید. پوست قره قل که در چند سال اخیر

راضی و متیقن شدند که تجارت ما بحالست عادی جریان خواهد داشت. تبلیغاتی که در قسمت کیفیت و جنسیت قره قل افغانی به عمل آمد بالای کمپنی های خریدار و فروشنده تاثیر فوق العاده نمود.

پرسیدم سالانه چه تعداد پوست در مارکیت های بین المللی عرضه می گردد و مشتریان پوست های افغانی کدام ممالک اند؟

گفت: مجموعاً در حدود هشت میلیون پوست در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می گردد. مشتریان و مصرف کنندگان پوست افغانی را آلمان فدرال، ایتالیا، فرانسه و امریکای شمالی تشکیل میدهد که بریتانیا و ممالک اسکاندرنوی در قدم دوم قرار دارند.

# پوست قره قل افغانی در بازار های بین المللی



دو شیزه افغانی با کلاه و بالا پوش زیبای قره قل

از رئیس انستیتوت قره قل پرسیدم که مهمترین صنایع تولید کننده قره قل کدام کشورها اند؟

در پاسخ گفتم: افغانستان، اتحاد شوروی و افریقای جنوبی در تمام دنیا سه منبع تولید کننده پوست قره قل می باشند که در بازار های بین المللی پوست قره قل عرضه می کنند. بصورت عمومی تعداد پوست اینکه در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می گردد چهار میلیون از افریقای جنوبی، سه میلیون از اتحاد شوروی و یک میلیون و سه صد هزار از افغانستان میباشد.

پوست قره قل افغانی برتری و امتیازیکه دارد اینست که پوست کبود قسمت زیساده تولیدات را تشکیل میدهد که با داشتن رنگ طبیعی و گلپهای مقبول و بی نظیر خریداران

از مد افتاده بود. مخصوصاً در سالهای ۱۹۶۷ و ۶۸ قیمت پوست قره قل بحری پایین آمده بود که حتی بکتهاد تاجر اورشکتس نموده بود و در جمله پوست باب ارزاترین آن پوست قره قل بود در حالیکه چند سال قبل قیمت منک و پوست قره قل یک برابر بود مگر فیلا قیمت پوست قره قل چهل فیصد قیمت پوست منک را تشکیل میدهد.

در طول امسال مادر پنج ایلام که سه آن در لندن و دوی آن در لینگراد شوروی صورت گرفت مجموعاً یک میلیون و سه صد هزار جلد پوست عرضه نمودیم که محصول آن به بیست و هشت میلیون دالر رسید.

- عوامل بلند رفتن قیمت پوست قره قل در بازار های بین المللی چه می باشد؟

بقیه در صفحه ۵۱

نگاهی تجارت تقریباً بی سابقه می باشد. در ایلام لینگراد (۴۸۵۳۵) جلد پوست کبود (۳۵۹۲۱) جلد پوست سیاه و (۲۳۴۲) جلد پوست تتر کبود و سیاه شامل بود که صرف یک هزار و دویست و بیست و شش جلد از فروش باقی مانده است. در سابق اتفاق می افتاد که بکتهاد پوست از یک ایلام تا ایلام دیگر باقی می ماند و حتی دو باره به کابل آورده می شد. مگر در ایلامهای اخیر طوری مارکیت را آماده ساختیم که پوست تازه ارسال گردد و همه بفروش برسد.

وی افزود: رژیم جدید افغانستان که چشم دشمنان ماراکو و نموده بالای مؤسسات تجاری که با افغانستان ارتباط داشتند تاثیر سوء نموده بود که خوشبختانه در مشاهده اینکه در ایلام لندن با آنها صورت گرفت کاملاً

در هشتاد و چهارمین ایلام قره قل افغانی که در لینگراد اتحاد شوروی به تاریخ ۲۴ جنوری آغاز و مدت پنج روز دوام نمود مجموعاً (۸۶۷۸۶) جلد پوست قره قل به قیمت مجموعی یک میلیون و ششصد و پنجاه و دو هزار دالر امریکایی بفروش رسیده.

مابیرامون موضوع فوق با رئیس انستیتوت قره قل، عبدالنسی پایا که چندی قبل جهت تنظیم و رسیدگی امور ایلام پوست قره قل افغانی به لینگراد رفته بود مصاحبه ای بعمل آورده ایم که جهت معلومات بیشتر برای خوانندگان مجله زوندون تقدیم می گردد. وی در جواب سوالی گفتم: مطلب مهم و باارزش در قسمت ایلام پوست قره قل اینست که امسال هر اندازه پوست تازه که در مارکیت های بین المللی عرضه شد بفروش رسیده البته با قیمت های مناسبی که از



# ز شب رفتگان یاد کن!

این پارچه منظوم خواست قربانیان را انعکاس میدهد که زیر ساطور امین جلاد، جان سپردند. مطلع از سیمین بهیبا نیست. بخاطر تهر فیکه در مطلع آورده ام از شاعرۀ بلند پایه آن پوزش میطلبم.



۱۳۵۱: به قربانیان فاشیزم

## درس و گان آن شهید

صد بار آن پرنده غمناک  
زین غصه گاه گوشه قلبم  
روسوی آن طلیعه بیدار  
اندوه بال و پرزدن آموخت  
• • •  
با قلب گرم فاجعه را دیدم  
تودر شط شقاوت خونین

سخریق نام

۱۴۱

«ما انبوه کرگسان تماشا»  
درسولا آن سپید عزیز، آن غرور پاک  
آن دشت آفتابی پرگل

تنها گریستیم

• • •

گفتند:

قلب هزار ماهی مرجانی  
دوبر که های زنده گی افسرد  
اکنون به سایه در شب آن هول  
هول عظیم فترت

دیگر چه اعتباری؟

• • •

نام شعا عزیز تران، دانم  
چون مرده ریگ هستی همراهان  
«تبت است بر جریده عالم»

۱۴۱-

داغ جبین آن که ترا گشت  
یا استخوان هستی ما را

بشکست

در بولگون فاجعه تاریخ  
تاریخ رنج، اشک، مصیبت  
هواره تیره است و سیا هست

• • •

اکنون تو نیستی که بینی  
ملت به سوک یاد تو در خونست

در اشکهای آینه میبینم  
تصویر توبه خانه هر چشم  
در قلب هر شرافت معصوم

گلگونست -  
در جستجوی گور تو همسین

د رناکجای این شب تاریک  
گل بگذارم؟

زیرا .

حتا .

با سنگ ایستاده خالی  
دیوان بی شرافت، بدنام  
نام ترا چوقامت آن دار

- سوی اوج  
برپانکرده اند

رویین

« ز شب رفتگان یاد کن شبی آرمیدی اگر  
سلامی هم ازمارسان بصبحی رسیدی اگر »  
یکی شمع روشن بیاد رفیقان بیصبروز  
ازین گور تاریک شبها رهیدی اگر  
غم مرگ ما را نشاید فراموش کردن  
بدو گ شپیدان گریبان دریدی اگر  
بفروز توری درین تیره صحرای وحشت  
بسر چشمه نو و فردا رسیدی اگر  
به انسان آگاه فردا بگو راز ما را  
ازین نره غولان و حتمی جهیدی اگر  
بیاد عزیزان بنوش آذرین جام تلخی  
گهی بساده تلخ مردی کشیدی اگر  
بتوفان تن و قوشه بسیار چون سرخ توفان  
ازین لاشخواران مملخ بریدی اگر  
بیاد آر ما کشتگان جدلهای خو این  
سخنهای پیکار خو این شنیدی اگر  
بیاد آر شبهای مرگ آور آزمسون را  
ازین میل خونین قاتل پریدی اگر  
بیاد آر شنیدایی خفته در خاک ما را  
گل سرخ و حتمی کجایی شنیدی اگر!

سلیمان لایق

۱۳۵۸/۳/۱۰



## عالم و عابد

صاحب دلی به مدرسه آمد ز خانقاه  
بشکست عهد صحبت اهل طریق را  
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود  
نا اختیار کردی از آن این فریق را  
گفت آن گلیم خویش بدرمی بردموج  
وین جهد می کند که رهاند فریق را  
سعدی



## شهیدانو و روڼو

ما چی دعا در ته کو له  
یا می حق خبره کړ له  
سترگو اوښکه تویو له  
زړه کی مینه پاریدله

چی زندان ته په در تلمه  
په سرو سترگو ژپیدمه  
گو نکه خوله به در ید مه  
له یخنی به ریید مه

په ژړا وی خو یندی میندی  
ور سره دکا کو پنهایی  
بری وهلی یی ملنهایی  
ډکی مرو خنی کندی

په کو رو ننو تل به  
ما شو مان یی ډارول به  
هم بکسو نه یی ماتول به  
دغلو پشان یی وږل به

ما به ته خنی غو بستلی  
دوی به سترگی برگولی  
او ویل به یی فرار دی  
زړه دی ولی بری پرهاردی

نه یی رحم و په زړو کی  
نه یی پوهه وه مغزو کی  
هسی خوشی شان وحشیانو  
بس زموږ غوښو لیوان و

دوی ته ښه چوکی موپرو  
هم ولاپورته نو کر و  
خوله پوهی نا خبر و  
د ټولنی په ضرر و

دخمو دجمود دوره وه  
عجیبه شان ننداره وه  
توره شپه وه توره شپه  
خو نړی شان سلسله وه

زما ورو ښو شهیدا نو  
په ریښتنی مینا نو  
«افغا نیار» درنه قربان شه  
با غیر ته افغا نا نو

ظا لما نو ډا ر ولم  
په بر چو به یی وهلم

خوانخوار انو ټیل وهلم  
په بر چو به یی وهلم

تاته یی کله پرینولم  
په بر چو به یی وهلم

په ټیلو به یی ویستلم  
په بر چو به یی وهلم

پدی شان یی غو لو لم  
په بر چو به یی وهلم

شپه اوورخ به خور یدلم  
په بر چو به یی وهلم

تل غمو نو کړو لم  
په بر چو به یی وهلم

دشپنی کله ویدیدلم  
په بر چو به یی وهلم

کار نامی به مو تل لولم  
ولولی به مو تل لولم  
«در محمد افغا نیار»

## حانه رعیت

غافلې را شنیدم که خانه رعیت خراب کردی  
تاخراته سلطان آباد کند بی خبر از قول  
حکیمان که گفته اند :  
هرکه خلق خدای عزوجل را بیازارد نادلی  
بدست آرد، خداوند تعالی، همان خلق را  
برو گمارد تا دمار از روزگارش برآرد .

آتش سوزان نکند با سپند  
آنچه کند دود دل مستمند

سر جمله حیوانات گو یند که شیرست  
واذل جانوران خرو با تفاق خرابر بر به که شیر  
مردم در .

مسکین خر اگر چه بی تمیزست  
چون یار همی برد عزیزست  
گداوان و خران یار برادر  
به ز آدمیان مردم آزار

باز آمدیم بحکایت وزیرغافل . ملک را  
ذمائم اخلاق او بقراین معلوم شد . در شکنجه  
کشید و بانواع عقوبت بکشت .

حاصل نشود رضای سلطان  
تا خاطر بند گمان نجو یی  
خواهی که خدای بر تو بخشد  
با خلق خدای کن تکوی

آورده اند که یکی از ستم دیدگان بر  
سر او بگذشت و در حال تباه او تأمل کرد  
و گفت :

نه هرکه قوت بازوی منصبی دارد  
بسلطنت بخورد مال مردمان بگزارف  
توان به خلق فرو بردن استخوان درشت  
ولی شکم بدره چون بگیرد اندر ناف

نماند متمکار بد روزگار  
بماند برو لعنت پایدار

سعدی



یادونه :

در لولوستونکویه اته خلویښتمه گنه کی دشفق

زړه تر عنوان لاندی شعر دخوان شاعر

«منگر وال» شعر دی

## از گلستان برچیده ایم

از این بعد، هر چند گاهی وزمانی یابوسته  
ودایم ، سیر و گشتی به دیوانهای اشعار  
بزرگان ادب و شعر می کنیم و خوشه های  
از خرمن پرفیض آن بر میگیریم و به شما  
نوقمندان شعر و ادب پیشکش مینماییم .

اینبار گلستان اوراق زرین سعدی را به توری  
گرفتم و صفحه گلهای سرخ را با مقالات او  
که بر مقالات او، بقولش، «هفت کشور نمیکند  
انجمنی»، آذین می بندیم که از سوی نشان  
ونامی و تجدید یادی باشد از ابر مردان  
میدان شعر و ادب .. و از جانبی بر انگیزنده  
فکر خوانندگان این صفحه به مکاشفه  
و مراقبه در ادب و فرهنگ پر بار ما ...



## بنیاد ظلم

آورده اند که نوشیروان عادل را در  
شکارگاهی سید کباب کردند و نمک نبود .  
غلامی بروسارفت تا نمک آرد . نو شیروان  
گفت : نمک به قیمت پستان تا رسمی نشود  
وده خراب نگردد . گفتند : ازین قدر چه خلل  
آید ؟ گفت : بنیاد ظلم در جهان اول اندکی  
بوده است هرکه آمد برو مزیدی کرده  
تا بدین غایت رسیده .

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی  
بر آورد غلامان او درخت از بیخ  
پنج بیغه که سلطان ستم روا دارد  
زند لشکریانش هزار مرغ بیخ  
سعدی

و نیز همه اضافه گی ها و جریانات بعدی باین تهاداب ها علاوه می شود تا لیر این کار ها و شیوه ای که آنها به سلوک انسانی تعبیر می گردند طور قابل ملاحظه به تهاداب های ارتباط و بستگی دارد که توسط فامیل گذارده شده اند . همین است علتی که می گویند فامیل ، نه کمتر از هسته های فعال اجتماعی اندازه جوهر ایدئولوژیکی و فکری جامعه را تعیین می نماید . این در داخل فامیل است که روابط خاص در حیات انسان بمیان می آید و در آن صورت وقتی که خود ما بوالدین مبدل گردیم می توانیم از برخورد و تماس خوب خویش با دیگران به حیث یک ایده آل عالی آگاهی حاصل نماییم . بلی اطفال در حیات اجتماعی نقش ارزنده و مهمی دارند و از سبب دخیل بودن آنها در سیستم مناسبات انسانی این بخش جوان نوع بشر - بسزراگان خود را در عوقنی قرار می دهند که در آنها ملکان عالی انسانی بوجود آمده و شخصیت صالح خود را در جامعه حفظ می نمایند .

(بایان)



مواظبت طفل عمدتا با یداز طرف والدین صورت گیرد .

روانی پرورش دهند و باین صورت می توانند به پیروزی و موفقیت نایل شوند .

باید متذکر شد که فامیل از نگاه کار و مسائل اجتماعی یکی از اساسی ترین هسته ها است و این یک تهادابی است که در رشد و ارتقای اجتماعی نقش مؤثر حیاتی دارد . غفلت درین ساحه جز علم تناسب و ایجاد تضاد ها در رشد جامعه چیزی به بار نمی آرد . آری این فامیل است که تهاداب اصلی شخصیت ها را گذاشته و برخورد او را برابر دنیای ماحولش تعیین و تثبیت می دارد .

میر نعمت الله فاروق استاد اداره انستیتوت صنعت

## وظایف و مسوولیت های والدین و معلمان در رشد ذهنی و اخلاقی اطفال

تولید قرار میدهند . ما نمیتوانیم چنین روحیه را در تمام شاگردان بیک نسبت به وجود بیاوریم بعضی از آنها تا یسل بیشتر به همکاری دارند و عده به علت تجارب بعدی که از اقتدار و تسلط بزرگان داشته اند مایل به همکاری نبوده و دا یمایند مزا حمت میسایند .

در مدارس و فعیتهای مناسبی برای نشان دادن رعایت حال دیگران به کودکان و وجود دارد و وجود یتدسپلین مدارس خود نمونه با رزی است در بعضی

طوری که همه میدانند اطفال در صنف سر مشق قرار دادن معلم خود البته نه به علت ترس و انضباط خشک و خالی افراد دقیق و قابل اعتماد میشوند معلمینیکه حتی در مورد تا خیر صفتش ساکت و آرام است معلمی است که برای اداره صنف از همکاری و تعاون شاگردان خود استفاده میکنند و با آنها رفتار دو ستانه دارند . معلم برای ایجاد چنین روحیه در شاگردان خود با آنها همکاری میکند و خود را با آنها وابسته نشان میدهد بسعدما شاگردان نیز رفتار معلم خود را مورد

نویسنده : یوری ریوریکوف مترجم : دیلاشومل

## مواظبت جسمی و روانی طفل

کاملا جدیدی صورت گیرد ، بالخاصه با اساس ضرورتیکه انقلاب علمی و تخنیک بیساعت آورده باید کودکان رشد همه جانبه نمایند . از همین دلیل است که تنویر علمی وسیله بسیار مهمی است در بهتر ساختن تماس شرایط فامیلی و اجتماعی ساختن بیشتر هر نسل جدید - باید تدابیر وسیع و متین به یمانه سرتاسر ملی برای چنین تنویر اتخاذ شود و همین اصل باید در پروگرام درسی مکاتب ثانوی گنجانیده شده و برای والدین جوان هم کورس های آموزش و تدابیر مشابه اتخاذ گردد .

در عصر ما تربیه طفل بمراپ نظریه زمان های گذشته ، که عمدتا کودک از نظر جسمی مواظبت می شد مشکل تراست . در مراحل اولیه حیات بشری بخش روانی طفل منسل جنبه تکامل خود بخودی را داشت .

مواظبت دقیق و درست والدین از طفل نه تنها به توجه جسمی بلکه به مقدار قابل ملاحظه توجه دماغی و روانی نیاز دارد - قابل تاسف است که بیشتر والدین تنها در بخش جسمی نموی اطفال مانند غذا خوردن ، شستن لباس و سایر خدمات همانند توجه خود را مبدول میدارند . و جنبه تعلیمی آن را به مسجد ، مکتب ، کودکستان منحصر می دانند و از نقش پراهمیت و با ارزش خود درین بخش اطلاعی ندارند . آنها پدر بودن و مادر بودن را یک کار شاق و یک بار خسته کن دانسته و خود را نوکر اطفال خود تصور می نمایند . آنها همچنان یک اسلحه نیرومندی رشد خودی را نیز از دست داده مخصوصا رشد اخلاقی و انسانی و این نیروی خلاقه را ضایع مینمایند . اما نشو و نما ی مثبت و صحیح کودکان باین کار نیاز دارد که والدین برای تربیه خود بذل مساعی نموده و کیفیت پدر بودن یا مادر بودن را در خود از نظر اخلاقی ، ذکایی

ضرورت اینکه نموی فکری و دماغی طفل باید رهنمایی و مواظبت شود در زمان مابیشتر احساس می گردد . این حادثه تربیه طفل راهنوز هم مشکل ترمی سازد . مخصوصا با انقلاب علمی و تخنیک پیشرفته و آرزو هاییکه این انقلاب بوالدین در تربیه طفل ایجاد میکند . اکثر والدین برای چنین فعالیتی آماده نیستند ،

فقدان دانش درین ساحه یک مشکل حاد اجتماعی است - دکتر ها مشاهده نموده اند که در حدود پنجاه فیصد والدینی که فارغ التحصیل پوهنتون هستند نمی دانند چطور باید زندگانی طفل مرتب شود . در ساحات تربیه اخلاقی ، ذکایی و روانی حالت

هنوز بدتر ازینهاست . چنین غفلت غیر قابل تحمل است ، چه مابه کار همیشگی و فعالیت وسیعی نیاز داریم تا کلتور اصیل تربیوی که با اساس دست آورد های جدید علوم بنیاد گذارده شده باشد جای کلتور کهنه را بگیرد .

در نتیجه انقلاب علمی و تخنیک در نیوری و عمل تربیه طفل تغییرات جذری بوجود آمده . در شرایط مدنیت امروز که به تربیه روانی و عصبی بیشتر از مواظبت جسمی نیاز احساس میشود - باید در نموی اطفال یک برخورد



کودکان در اطراف مربی شان خود را خرسند بکر میکنند

افراط پیموده شود از صورت نیک و پسندیده خود خارج میشود. احساس مسئولیت در دختر و پسر فوق العاده و ظیفه شناسی که به علت ترس از کثیف کردن لباس ها و یا شکستن اشیاء با زیاده روی ناشی می شود تا آنقدر ریزه کاری میخواند با زیاده کاری خفیه زیاد رشد کرده است و رشد فوق العاده احساس مسئولیت در چنین کودکان به علت تاکید آن توسط اطرافیان است قسمی که از ارتکاب اشتباه کوچکتری خفیه نا راحت میشود - کما نیکه به خاطر مطالب فوق العاده جزئی و بی اهمیت متحمل زحمات فراوان میشود در همین قماش اند - بعضی از کودکان نیز هستند که واقعا و ظیفه د شواری دارند اینها کودکانی هستند که عصبانیت پدر و یا مادر خود را از دست داده اند و در نتیجه غفلت و یا نادانی بزرگتر اینچنین تصور میکنند که با نیمی در زندگی مسئولیت پدر و یا مادر فوت شده را بدوش بکشند برای اینکه بتوانیم تشخیص دهیم که آیا واقعا احساس مسئولیت فوق العاده مانع بازی و سازگاری کودکان است یا نیمی این احساس مسئولیت را در سایر موارد و کارهای که کودکان انجام میدهند مشاهده می نمایم بعضی از کودکان دارای احساس مسئولیت فوق العاده هستند ولی در عین حال خیلی هم خودمانی و برحرا رت و اهل بگو و بخند هستند بیک عده دیگری از کودکان که حاضر نیستند بار هیچگونه مسئولیت را بدوش بکشند یا از انجام انتظارات دیگران ناراضی اند و یا از آنچه از خود توقع دارند چندان را نمی بینند .

به ایجاد احساس مسئولیت در کودکان کمک کنند این امر هم در مورد کودکان خود سال و هم کودکان بزرگسال صدق میکند - در این دوره که ما آنرا (دوره اصلاح) می نامیم اگر متوجه شدیم که کودک علاقه زیادی به فعالیت دارد باید نیمی به او فرصت بیشتری داد که در این مورد «اصلاح» وقت بیشتری صرف آن فعالیت کند، بگذارید با اینکار کودک احساس کند که شما با توجه به علاقه زیادی دارید - بگذارید کودک احساس کند که شما حتی موقعی که خسته نیستید به فکر او میباشید بعداً به تدوین شما میتوانید با احساس علم مسئولیت فرزندتان خود مبارزه کرده و او راه تدوین را دار به قبول مسئولیت بیشتری بنمایند شما بتدریج میتوانید به فرزندتان یاد دهید که چگونه مسئولیت را بر عهده بگیرد یا سایر کارها یک شما فکر میکنید فرزندتان با آن احتیاج دارد فراموش کنید از تطبیع کودک در چنین مواردی با نیمی به شدت خود داری شود و نیمی بعضی وقتها برپا ساختن چنین به خاطر کودک میتواند به پیشرفت او کمک نماید ممکن است منظور از این چنین اینست باشد که به کودک اجازه دهیم یک روز قدرت انتخاب غذای مورد علاقه را پیدا نماید و یا اینکه یک شب به پروگرام تلویزیونی که مورد علاقه او است توجه خاص داشته آن مسئول دارید .

آیا ممکنست کودکی دارای احساس مسئولیت فوق العاده باشد ؟ - هر صفتی هر قدر هم پسندیده و مطلوب باشد شکی نیست که اگر در آن را

دارند پس او ممکنست که در جلب توجه پدر و مادر بخود که به آن احتیاج دارد خسته - نا امید شده است و یا اینکه به علت اشتباهات واقعی یا غیر آن خود را متصرف بداند .

ممکنست کودک در شرایط مخصوصی که علاوه بر مسئولیت با شد و لی در وضع دیگر ، دارای احساس مسوولیت نماید همینقدر که فراموش کرد که کی از لحاظ جسمی ضعیف یا شده دیگر کوشش برای مسئول بار آوردن او چندان مشرب نخواهد بود .

آیا مسئول بودن طفل میتواند به تنهایی ناشی از عقب افتادگی او باشد ؟ آیا بجز این راه راه دیگری برای شناسایی عقب ماندگی کودکان در دست است ؟ اگر کودک علاوه بر غیر قابل اعتماد بودن - خونسرد و بی عاطفه و بی حال نیز باشد و یا دایما با دیگران دعوا کند یا نتواند با دیگران کنار بیاید یا از چیزهای موهم ترس داشته باشد اشکال چنین کودک کی علت روانی عمیقی دارد - مراجعه بشما و برین اطفال در مورد اینگونه کودکان لازم و ضروری است حال اگر عدم مسئولیت کودک کی علامتی غیر از آنچه گفته شد داشته باشد به نظر میرسد که کودک به رشد خود به طو در رشایت بخش ادامه میدهد .

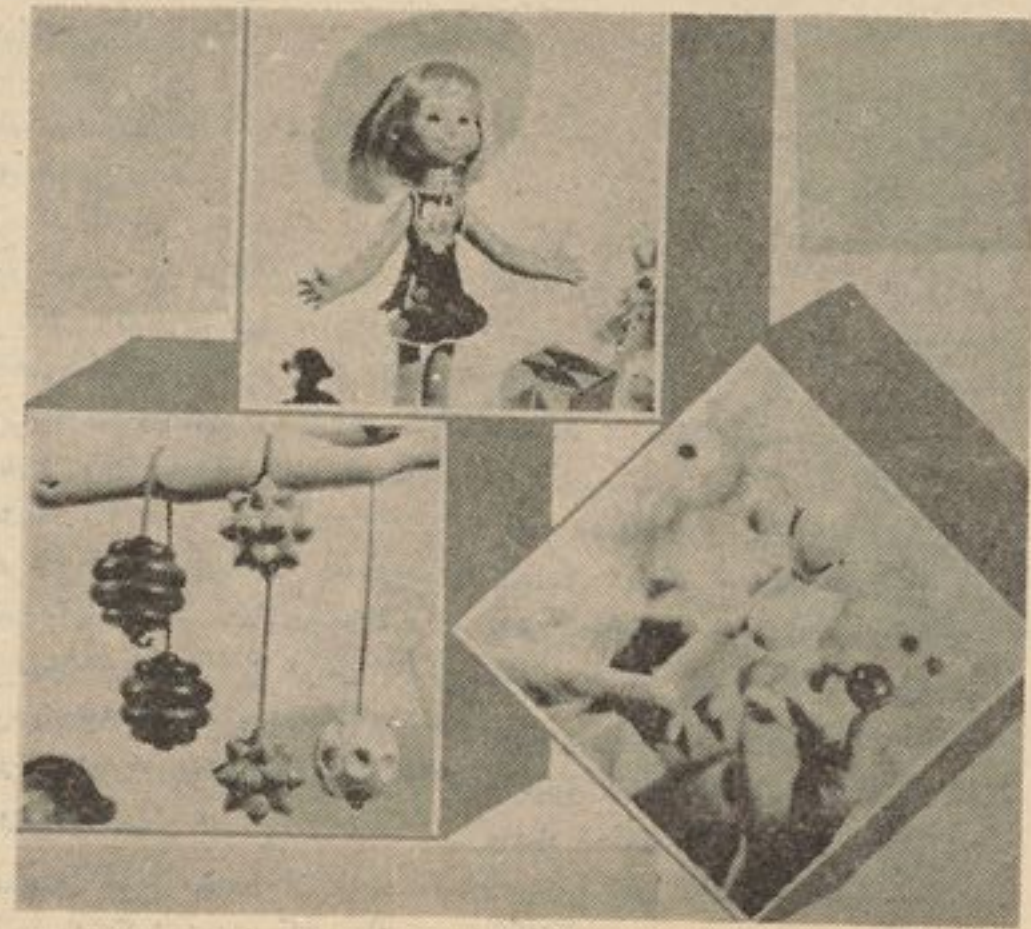
و در اینصورت کمک های اولیه معلمین یا والدین کافی به نظر میرسد اگر نتیجه مثبتی از روش های قبلا متذکر شدیم حاصل نشد ما میتوانیم با مطالعه و وضع عمومی کودک قدم های موثری در این راه برداریم .

صحبت در تنهایی با پدر و مادر ، انجام دادن بعضی کارها از روی تفنن میتوانند

از مدارس متوسطه مدبران و امر پس حتی یا را از این دایره فراغ تر نمانده اند آنها چند دقیقه قبل از اینکه مدارس تعطیل میشود چند نفر از شاگردان خود را به کوچه ها و یا به دهن دروازه مکتب می فرستند تا آنها به اطفال کودکان در پوشیدن لباس های گرم کمک کنند و یا اینکه در دهن دروازه مکتب اطفال خود را به والدین شان سپرده و یا از مسیر ترافیک آنها را عبور دهند - چریان این عمل شاگردان بزرگسال را موقع میدهند تا دوا طلبانه و به نوبت در انجام آن سهیم شوند و علاوه بر پاک نگه داشتن صنوف و واحده با زنی مرتب ساختن کتابخانه - کارکردن در سالن ، غذا خوری اینها همگی به ایجاد حس مسئولیت اعتماد بودن و کار دانی کودکان کمک فراوان میکند .

این نکات مذکور بیان گران روشی است که در مقابل کودکان که احساس مسئولیت مینمایند پس سوال مطرح بحث قرار میگیرد که با کودک که در خود احساس مسئولیت نمیکند چه باید رفتار شود ؟ وقتی که کودکی علی الرغم سعی و کوشش دیگران حاضر نیست وظیفه خود را انجام دهد ما با نیمی فوراً تشخیص دهیم آیا عدم انجام وظیفه این کودک ناشی از توقع زیاد است یا نه چون گاهی شده است که یک کودک غیر مسوول را با کودک فوق العاده کار دان و قابل اعتماد مقایسه میکنیم .

غیر مسوول بودن دایمی کودک در بعضی مواقع ممکنست ناشی از اوضاع و احوال خاص باشد و یا اینکه ممکنست کودک غیر مسوول فکر کند که پدر و مادرش به برادران و خواهران او توجه بیشتری



چند نمونه از بازیچه های تجزیوی که توسط انستیتوت بازیچه هادر اتحاد شوروی پیشهاد شده اند

# جلو گیری از سوء تغذی و عوارض ناشی از آن



طفلی که در اثر سوء تغذی به این حالت در آمده است .

سوء تغذی عبارت از تغذی غیر نور مال و غیر طبیعی (فرط یا تفریط تغذی) بوده که باعث يك سلسله تشوشات فزیکمی و روحی میگردد. البته باید دانست که فرط و تفریط تغذیه بصورت جدا گانه باعث امراض گوناگون میگردد .

## اول - فرط تغذی :-

فرط تغذی و امراض گوناگون حاصله از آن عموما نزد کسانی دیده میشود که نظر به وضع اقتصادیشان قادر اند تا مواد غذایی گوناگون را اضافه از ضرورت روز مره شان صرف نمایند . و امراض ناشی ازین پرو بلم بیشتر در ممالک انکشاف یافته دیده میشود . ولی وقایع آن در ممالک رو به انکشاف خیلی محدود است .

امراض ضحیکه ناشی از فرط تغذی بوجود میآیند قرار ذیل اند :

- ۱- چاقی ۲- اتیرو سکلیروز (حالتی که با استحاله سختی و تصلب جدار های روعیوی و گاهی اجواف قلبی مشخص میشود).
- ۳- امراض قلبی و عایی ۴- دیابت (مرض شکر) ۵- فرط فشار خون
- ۶- تسممات مواد غذایی مختلفه از اثر فرط استعمال شان .

## دوم - تفریط تغذی :-

تفریط تغذی یکعده از پرو بلمهای عمده حیاتی را در کشور های روبه انکشاف تشکیل میدهد سوء تغذی ناشی از تفریط تغذی ابتداییترین و اولین سبب مرگ و میر در ممالک رو به انکشاف قبول شده . و از همه امراض بیشتر حیات اطفال را درین کشور ها بمخاطره انداخته از همین سبب است که در اکثر کشور های رو به انکشاف فیصدی مرگ و میر در اطفال خورد تر از پنج ساله بمراتب بیشتر از ممالک انکشاف یافته است .

آنچه اطلاقا لیکه با وجود مصاب بودن با سوء تغذی زنده میمانند

پرو تینی :  
۱- مرض مرسموس : يك مرض اطفال بوده با لخاصه اطفال خورد تر از یکساله و اطفال غریب

نشو و نمای فزیکمی ، عقلی و روحی شان ناقص بوده و از همین باعث است که در هنگام کپولت قدرت اخذ سهم بارز و فعال رادر امور اجتماعی نمیداشته باشند و به این ترتیب بار دوش فامیل و اجتماع شان میگردد .

سوء تغذی مادران نیز يك مسئله مهم و ارز شمنده بوده زیرا مادران نیکه در زمان حمل مصاب سوء تغذی میگرددند از يك طرف صحت و حیات خود شان بمخاطره افتاده و از جانب دیگر اطفال پریما چور (قبل المیعاد) و کم وزن بدنیا میآورند .

سوء تغذی با انتانات رابطه مستقیم داشته و موجودیت یکی شان باعث ایجاد دیگر شان می گردد .

چون سوء تغذی مقاومت عضویت را تنقیص میدهد لهذا برای مبتلا شدن عضویت به امراض انتانی زمیننه را مساعد میسازد . یا بعباره دیگر سوء تغذی حساسیت عضویت را در مقابل امراض گوناگون انتانی بالا میبرد .

چون تغذی خوب زمیننه صحت بهتر را در تمامی مراحل حیاتی تضمین میکند لهذا باید در مورد تغذی تمام مردم مان با لخاصه اشخاص حساس یعنی مسادران حامله و شیرده ، اطفال نوزاد تا سن پنج سالگی و اطفال قبل از مکتب توجه خاصی مبذول گردد ، تا از سوء تغذی و عوارض جانبی ناگوار حاصله از آن جلوگیری بعمل آمده باشد .

اینک بطور مثال از یکعده امراض ضحیکه ناشی از تفریط تغذی بوجود میآیند نام میبریم :

الف :  
امراض ناشی از کمبود مواد پرو تینی :

۱- مرض مرسموس : يك مرض اطفال بوده با لخاصه اطفال خورد تر از یکساله و اطفال غریب

شهری و دهاتی مصاب آن میشوند و دایمی میباشند . اسباب عمده این آفات عبارت از فقدان پرو تین و کالوری ، انتانات معدی معایی و اسهالات متکرر توپر کلوز (سل) ، سیاه سرفه تغذیه مصنوعی ، تغذی توسط شیر مادر بصورت دوا مدار و بدون غذا های متممه ، گر سنگی پی در پی ، شیر ابگین و غذا های متممه نا مکمل و قبل از وقت معین میباشد .

اعراض این مرض نظر به درجه وخامت آن از هم متفاوت بوده و از نظر درجه وخامت این مرض به سه شکل (درجه خفیف ، درجه متوسط و درجه شدید پیشرفته) دیده میشود .

همچنان نوع مختلط آن بنام سر سمیک کوا شیور کور یاد می گردد نیز موجود است . واعراض درجات مو صوف بصورت موقتی

اعراض مو قتی آن عبارت از تغییر مو ها برنگ خرمایی جلادار لشم و در خشنده بوده که اعراض او لیه مرض را نشان میدهد بر علاوه اعراض فوق الذکر اعراض کمبود ویتا مین های مختلفه بالخاصه ویتامین (آ) نیز بمشاهده میرسد . اعراض دایمی مرض عبارت از تاخیر نشو و نمای فزیکمی از بین رفتن عضلات و نسج حجروی تحت الجلدی شحمی ، عضلات ضمو ری باختن وزن و تغییرات بسیار خفیف روحی و حرکی ، کم خونی ، دیها یدریشس ، تغییرات در احشاء و غیره که در ینصورت طفل مریض مانند شخص پیر معلوم میشود .

و چهره اش شکل شادی را اختیار میکند .

۲- افت یا مرض کواسیور کور : این مرض در حقیقت يك سندروم

شهری و دهاتی مصاب آن میشوند و دایمی میباشند . اسباب عمده این آفات عبارت از فقدان پرو تین و کالوری ، انتانات معدی معایی و اسهالات متکرر توپر کلوز (سل) ، سیاه سرفه تغذیه مصنوعی ، تغذی توسط شیر مادر بصورت دوا مدار و بدون غذا های متممه ، گر سنگی پی در پی ، شیر ابگین و غذا های متممه نا مکمل و قبل از وقت معین میباشد .

اعراض این مرض نظر به درجه وخامت آن از هم متفاوت بوده و از نظر درجه وخامت این مرض به سه شکل (درجه خفیف ، درجه متوسط و درجه شدید پیشرفته) دیده میشود .

همچنان نوع مختلط آن بنام سر سمیک کوا شیور کور یاد می گردد نیز موجود است . واعراض درجات مو صوف بصورت موقتی

۲- افت یا مرض کواسیور کور : این مرض در حقیقت يك سندروم

(مجموع الاعراض) است و عموماً در دهات دیده شده و اطفال را مصاب میسازد که بالاتر از يك سال عمر دارند. و عوامل ذیل باعث بوجود آمدن آن میگردند.

۲- کمبود ویتا مین (دی) : در اطفال استخوان ها نرم شده و مقاومت خود را از دست میدهند. بالآخره تغییر شکل اختیار می نمایند. در نزد گا هلین سبب تلین عظام و نرم شدن استخوانها که مترافق با او سیتو پوروز (تخلخل غیر طبیعی استخوان بعلمت عدم توانایی استیو بلاستها در ته نشستن در متر یکس استخوان) ظهور میکند. همچنین نشو و نما

جوانان نشو و نما تشو شات عمیق تشکل عظام رونما میگردد که زیاده تر در نهایات و نقاط نشو و نما عظام تصادف مینماید.

دادن شیر مادر بصورت دوا مدار ولی غیر کافی و ضمیمه ساختن بعضی از غذا های غیر پروتینی عادی و معمولی خانواده گوی به اندازه ناکافی و غیر متوازن رسم و رواجهای نامناسب بعضی از فامیلها که از غذا های مفید حیوانی و نباتی مثلاً: گوشت شیر، تخم، میوه جات، حبوبات و غیره تنها کاهلان فامیل حلق استفا ده دارند. و به اطفال شان یا اینکه هیچ نمیدهند و یا اینکه بمقدار جزئی و غیر مکفی میدهند. استعمال مقادیر زیاد غله جات که حاوی مقادیر زیاد مواد قندی اند. گذشتن امر اض تب دار مانند: ملاریا، توبر کلسوز، سرخکان، سیاه سر فیه و غیره که احتیاج روز مره عضویت را بغذا های متنوع زیاد میسازند. وضع نامناسب اقتصاد دی و اجتماعی: بیسواد دی، غربت والدین اقتصاد خراب و عدم توانایی خرید غذا های متنوع و مفید. حفظ الصحه خراب غذا و استعمال غلط طرق پخت و پز و غیره.

همچنان تشکلات جدیده عظام و نشو و نما دندان متوقف می شود. بر علاوه در فقدان این ویتا مین مقاومت عضویت پائین آمده و افات انتانی بخوبی شفا نمیشوند.

۴- کمبود ویتا مین (ب یک) : از فقدان این ویتا مین عوارضی بوجود میآیند که تحت عنوان بری بری یاد میشوند، ضعف، بی اشتها یی، باختن وزن، تشوشات

عضوی و سیستم عصبی نظاً هر مینماید و تحت نام پلاگرا مطالعه میگردد. وجود میآیند که عبارتند از بوجود آمدن يك نوع احمرار و اذیما در نواحی مكشوفه جلد که معروض به اشعه افتاب میباشند، خشك و تفلصی شدن جلد و تظاهر يك نوع تفرحات در نواحی فوق الذکر، عدم اشتها، تنقیص اسید یسی معدوی، قبضیت و اسهالات، بی خوابی، خستگی سر چرخ، سر دردی، تشوشات عقلی که بالآخره منجر به دیوانگی میگردند.

۶- کمبود ویتا مین (ب ۱۲) :- از اثر فقدان این ویتا مین يك کمخونی خبیث بوجود میآید که درین کمخونی لوحه خون تغییر نموده و مقدار همو گلو بین نور مال خون تنقیص مینماید. بر علاوه اعراض و تشوشات هضمی و عصبی نیز در نزد این مرض یضان دیده میشود.

ج: کمبود مواد معدنی :-  
۱- کمبود آهن : کمخونی ناشی از کمبود آهن بوجود میآید.  
۲- کمبود مواد ایو دیسین دار: جاغور اند یمیک (در مورد بیماری گفته میشود که کم و بیش پیوسته در يك محل وجود داشته باشد)  
۳- امراض ناشی از افسراط و تقریط فلورین.



سوء تغذی اطفال را باین روز می نشاند:

در صورت تقریط: کرم خورده گی دندانها را سبب واز همین باعث است در مناطقی که آبهای شان از مقدار کافی فلورین فقیر اند دندانهای اطفال بیشتر کرم خورده گی میداشته باشد.  
- در صورت افسراط: فلوروزیس بوجود میآید.

۴- کمبود کلسیم و فاسفورس : در اثر کمبود و قلت این دو عنصر استیو مالا سی (نرمی استخوان) بالغ بعلمت اهکی شدن ناقص و جذب اضافی کلسیم و فاسفورس از آن) و استیو پورس (تخلخل غیر طبیعی استخوان) بوجود میآید.

حال که معلوم است کم و بیش راجع به سوء تغذی کسب نموده ایم بهتر است تا نخست نکات چند راجع به اسباب و عوامل سوء تغذی ارا نه نموده و بعد از آن تدابیر لازم و وقایعی را تحت بررسی قرار دهیم.  
بقیه در ص ۴۸

دندانها به تاخیر افتاده مقاومت خود را از دست داده و بزودی فرسوده میشوند.

۳- کمبود ویتا مین سی :- از قدیم دانسته شده بود که کسانیکه از میوه و سبزیجات تازه محروم میشوند به مرض سکار بوت مصاب میشوند. درین مرض به تعقیب متضرر گردیدن اندوتیل سرعیه نرف به اشکال مختلف در اکثر نقاط عضویت دیده شده بیره ها به التهاب دچار شده و متورم میشوند.

۵- کمبود نیا سین :- از اثر فقدان این ویتا مین يك دسته عوارض که معمولاً در جلد جهاز

و اعراض این مرض عبارت از تاخر و از بین رفتن نشو و نما، ازیما (پندیده گی)، ضیاع عضلات و تجمع شحوم در تحت الجلد تغییرات روحی و عقلی، کسالت و سستی، تغییرات موهای نازک، باریک، صاف پیرنگ سست و جلا دار میگردد. و از بین رفتن رنگ جلد، تغلس جلدی جروحات مختلفه جلدی، و جه مهتابی مانند (که سبب آن معلوم نیست) کبد ضخاموی و شحمی، طحال ضخاموی، کمخونی و اعراض و علائم کمبود ویتا مین های مختلفه میباشند:

ب: ویتا مین ها :

۱- کمبود ویتا مین (آ) : از فقدان ویتا مین (آ) بر علاوه توقف نشو و نما بطور مقدم شب کوری ظهور نموده و به تعقیب آن کوره عین خشك شده و به کوری تمام منجر میگردد. همچنان در اطفال فقدان این ویتا مین حجات اپتیل در اکثر نقاط عضویت تغلص نموده



اگر کودک نتواند از پدر و مادر معلم خود پاسخ مثبت و معقول که بتواند او را قانع سازد بشنود، این سوال ها در آینده برای او عقده های تولید خواهد کرد که شاید تا آخر عمر او را در رنج و عذاب قرار دهد.

بنا پاسخ به سوال کودک آنهم بشکلی که کودک را قانع و مطمئن بسازد از جمله وظایف اساسی و مهم برای والدین جوان و معلمان جوان است.

آزاد گذاشتن کودک در بعضی از مسائل زندگی البته تحت نظر والدین و معلمان به کودک موقع خواهد داد تا در زمینه های مختلفی زندگی بخود متکی گردد و در آینده این اتکاء بخود، او را جوان با کفایت و برومند بار خواهد آورد.

پس ای جوانان، شما که مسوولیت بزرگ پدری و مادری را بدوش دارید با کودک خویش طوری رفتار نمایید که شایسته اوست.

اگر به آینده او می اندیشید، و اگر می خواهید که فرزندتان جوان آزاد، با دانش و معقول بار آید از حالا به تربیه او کوشش بعمل آورید و این کار را یک بازیچه نه بندارید و نباید آینده او را به تقدیر و سرنوشت بگذارید.

و برداشت او از وطن و مردمش معقول و مثبت باشد.

مادر فهمیده و معلم آگاه و پدر دور اندیش همیشه به این اندیشه اند که چگونه طفل را تربیت کنند تا فرد صالح بار آیند.

در عکس شما مادر جوانی را مشاهده میکنید که چطور مشکل و پرابلم کودک را بر رسی میکند و او را در کارش یاری میدهد. این طرز پیشی آمد به کودک موقع میدهد تا آزادانه مشکلات خود را به پدر و مادر و معلمش در میان نهد و از سوال خویش که برایش ارزشی خاصی دارد نهراسد.

مناسفانه بعضی از پدران و مادران خلاف پرنسیب های قبول شده امروزی با اطفال و کودکانشان رفتار مینمایند.

مثلا بعضی از این پدر و مادران خستگی های روزمره ناشی از کار را بهانه قرار داده هینکه طفل و با کودک شان از آنها سوالی در موارد مختلفی مینمایند والدین به قهر شده او را از سوال کردن باز میدارند در حالیکه این طرز پیشی آمد مخالف طرز تربیت امروزی است.

نباشند. در این شکی نیست که هر جوان چه دختر باشد یا پسر آرزو دارد که جوان مورد علاقه اش واجد چنان شرایطی باشد که اومی خواهد.

اما این مشکل است که انسان تمامی صفات دلخواه خود را در وجود یک شخص بیابد. هیچگاه انسانی یافت نخواهد شد که تمام صفات خوب در وجود او نهفته باشد. پس با این ترتیب جوانان در این قسمت باید یک کمی گذشت داشته باشند و زیاد سخت گیر نباشند و مخصوصاً دختران.

خوشبختی و بدبختی آینده را هیچکس نمیتواند پیش بینی نماید و به همین ترتیب هیچکس قادر نیست که آینده را تعیین کند پس جوانان ماکه واجد شرایط ازدواج اند و می خواهند آرزو دارند زندگی مشترک خانوادگی را بسازند از یک سلسله مسائل کوچک صرف نظر کنند و به بحث و خوشبختی خویش پشت بمانند.

در آینده بعضی ناراحتی های خلق گردد که باعث بدبختی دو جوان گردد.

خوب اگر این سخن را بپذیریم و باید هم قبولش کنیم تکلیف این همه جوان که آماده برای ساختن یک زندگی مشترک خانوادگی اند چه میشود؟

آیا بگذارند همینطور روز ها و سالها به مطالعه در این زمینه بگذرد؟

در این جای شکی نیست که تحقیق و مطالعه در هر زمینه، معقول و خالی از فایده نیست اما در بعضی مسائل نباید مانند ازدواج زیاد وسواس و دلوایسی نشان داد.

زیرا آینده راهیچکسی قدرتیست پیشبینی نماید و اگر قرار باشد که روی بعضی مسائل خرد و ریزه زیاد پیچیده شود پس هرگز موفق به تشکیل خانواده نخواهیم شد.

امروز که زمینه های بهتری زندگی برای جوانان ما از هر وقت دیگر مهیا گردیده است و میتوان با خیال راحت زندگی مستقل و بدون تشویش را بسازند باید جوانان مانند قدر خرده گیر در این مساله حیاتی

نوشته شیرمحمد «هاج»

## مسوولیت پدر و مادر در برابر کودک

### جوانان و راه و رسم

#### زندگی جدید

دادند و به قدرت چابراه آنان خط بطلان کشیده شد. امروز خلق مآتوده های هنر آفرین مادر تحت درفش انقلابی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت عنا و یمن مختلف تقیر نمیشوند. پیروزی انقلاب نجیب شکن، گذشته از اینکه به آنها به بی عدالتی ها و تعصبات قومی و لسانی خاتمه داد در بارور شدن استعداد های خلاق خلق و جوانان ما نیز توجه بس عظیم دارد.

امروز دولت انقلابی مآتحت پروگرام های اکتشافی و اقتصادی که بزودی ممکنه در معرض اجرا گذارده میشود، با روحیه انقلابی از انرژی سر شار آنان استفاده مینماید و به زودی جامعه را اعمار خواهد کرد که در آن هیچ نوع مشکلی سراغ نگردد.

جوانان کشور انقلابی ماکه با اتکاء بر ایمان و وجدانی که دارند و با ابتکارات و بیکار

انقلابی در تحقق بخشیدن ارمانهای توده های ملیونی رنجبران، زحمتکشان هنگام با دولت انقلابی و مردمی خویش برای بلند بردن سطح تولیدات و امحای کامل بیسواستی کار مینمایند، در تهیه و ترتیب ضروریات همه جانبه خلق خویش نیز مصروف کار و بیکار انقلابی اند.

پس با درک این واقعیت میتوان گفت: جوانان امروز از هر نگاه آماده خدمت به مردم بوده و با در نظر داشت راه و رسم زندگی جدید برای نوسازی جامعه خویش گام بر میدارند و به صفت انسان ایده آل، مبارز طوریکه از آنان آرزو می رود در بیکار با نابرابری ها، بی عدالتی ها در سنگ نبرد قرار دارند.

در این عصر جدید که نیرو های مترقی راه تکامل را مینمایند و در جریان آن عناصر ارتجاعی راه زوال را مینمایند وظایف و مسوولیت افراد جامعه خاصاً جوانان انقلابی بس سترگ است.

در افغانستان انقلابی با در نظر داشت شرایط اجتماعی و اقتصادی و بنابه خواست تاریخ تحول عمیق کیفی و بنیادی در حیات خلق ما وارد شد و به همان اندازه وظایف و مسوولیت جوانان عاراستگین تر ساخته است. جوانان بسا نیروی سر شار و انرژی پر توان در تحکیم حفظ و نگهداشت انقلاب ثور رول بسزا ایفا مینمایند. پس باید با جرأت اظهار نمایم که: جوانان انقلابی ماکه مجهز با دانشی بیکار انقلابی اند، و با درک خصوصیت های طبقاتی، به صفت انسان نیرومند و انقلابی کار و بیکار مینمایند.

زیرا بعد از پیروزی انقلاب نظر آفرین ثور جامعه عقب نگه داشته شده ما تحولات عمیق در همه شئون حیات خلق ما رونما گردید، حقوق انسانی ایشان عاده شد جوانان ما نیز از قید محرومیت ها رهایی یافتند. در گذشته ها خصوصاً در زمان فرماقرمائی خسانواده فاسد نادری، خلق ما در زیر شلاق چابراه آنان جان می سپردند و حتی آنان جزئی ترین ارزشی هم در برابر شخصیت آنان و حیات خلق های رنج دیده ما قابل نبودند.

ولی خوشبختانه با پیروزی انقلاب نظر مند ثور خلق ما از آن بدبختی ها نجات یافتند و با آنها به بی عدالتی ها و تعصبات گذشته خاتمه



اما یک چیز که همیشه مدنظر بوده و همه دانشمندان بدان متفق القول اند اینکه کودک باید مطابق به محیط و زندگی مردمش تربیت گردد. این امر می رساند که باید هر پدر و مادر و هر معلم جوان و فهمیده کودک را طوری تربیه نماید که برای وطنش و برای مردمش مفید باشد. یعنی تربیت او طوری باشد که کودک در آینده چون به جوان برومند مبدل خواهد شد از محیطش بیگانه نباشد.

هر پدر و مادری حق دارد فرزندش را تربیه نماید، اما چه نوع تربیتی؟

این سوال برای آینده کودک که مرد و زن فردا خواهد بود خیلی ها با اهمیت است. تربیت کودک از طرف والدینش یک مساله حیاتی برای کودک شمرده میشود، و اولین خشت های زندگی او را میسازد.

در مورد تربیت درست و معقول کودک امروز جروبخت های مختلفی بسن دانشمندان و متخصصین امور تربیت کودک صورت گرفته

این ستاره را می‌شناسید؟



به این چهره جذاب خوب متوجه گردید آیا میدانید که او کیست؟ واز کدام کشور جهان است؟ اگر موفق به شناختنش شدید برایتان چند جلد کتاب جایزه میدهم.

این چشم هاز کیست؟



این چشم های زیبا را که بدون صاحب چاب نمودیم مربوط یکی از زیبا ترین ستارگان سینمایی میباشد خوب اگر به شناختن آن موفق گردید اسم آنرا برای ما بنویسید.

این عکس چیست؟



چه فکر میکنید آیا کدام تبه است ویا کدام حصه از پوست کجا لو اما بدانید که هیچک از این ها نبوده بلکه مربوط چیزی دیگری است اگر به شناختن آن موفق شدید باید تنها اسم او را با اسم لکه های سیاه ای که بروی آن معلوم میشود برای ما بنویسید.

زوندون

# سرگرمی ها و مسابقات

تیه و تنظیم از صالح محمد کبصار



## جدول کلمات متقاطع

الفی :-

بسیار میباشد ، حاصل نیشکر ، ۷- تون بی تون ، یک حرف و دو خانه ، ضمیر اشاره ، ریگزار ، ۸- درین بلبل ، خودم ، کلمه ربط ، انفجار آن بسیار خطر دارد ۹- از آن طرف ضمیر اشاره

ضد درد ، پراکنده ۱۰- خطر میدهد ، درد ، محل ، دروضو میباشد ، ۱۱- نمد نامکمل ، رفیق سوزن است ، از جمله تبه های موادمخدره ، ایستگاه بزبان پشتو ، بازم حرف ربط است ، ۱۲- چیزی که پیدا

نشود ، نصف وداع ، خودم میباشم ، لباس ندارد ، ۱۳- بال شکسته ، طرف ، حشره مفرجه به زبان پشتو ، مریض بسیار خطر ناک ، ۱۴- مات شد اما بی آغاز ، صنم ، دو پنج ۵ در

پشتو ، ماده حیاتی ، ۱۵- مرگ نارسیده ، درین غبار ، مادر عرب ، در پستان گاو است ، ۱۶-

دویک راجع نمایند ، با آواز یکجا میباشد ،

کندم به زبان پشتو ، از خزندگان ، ۱۷- پوش بردگان است ، از تسکیلات عسکری ، نیز ردیف آن است ، ناقل آب ، ۱۸- با ادویه آنرا درمان کنید ، گردنبند ، ۱۹- فصل آن رسیده است ، نوعی از موسیقی ، طرف ، ۲۰- دونیم ، سماخ را نصف سازید ، زیاد نیست ، جام پر سر ، پام ناکمیل ، ۲۱- آرامی ، عکس روز ، وظیفه سپهسالاران

میباشد .



این دو چهره کی هاند؟

این دو چهره را که میبینید از پدر و دختری میباشد که برای آزمایش ذهن شما چاب نمودیم این دختر از دختران بزرگ و گت پدر خود است در راه پیش رفت و معروفیت میباشد . یکی از فلصهایش بنام (میخواهم دستبایت را بگیرم) است حالا از شما میخواهم که اول اسم پدرش را و بعد اسم دخترش را برای ما بنویسید .

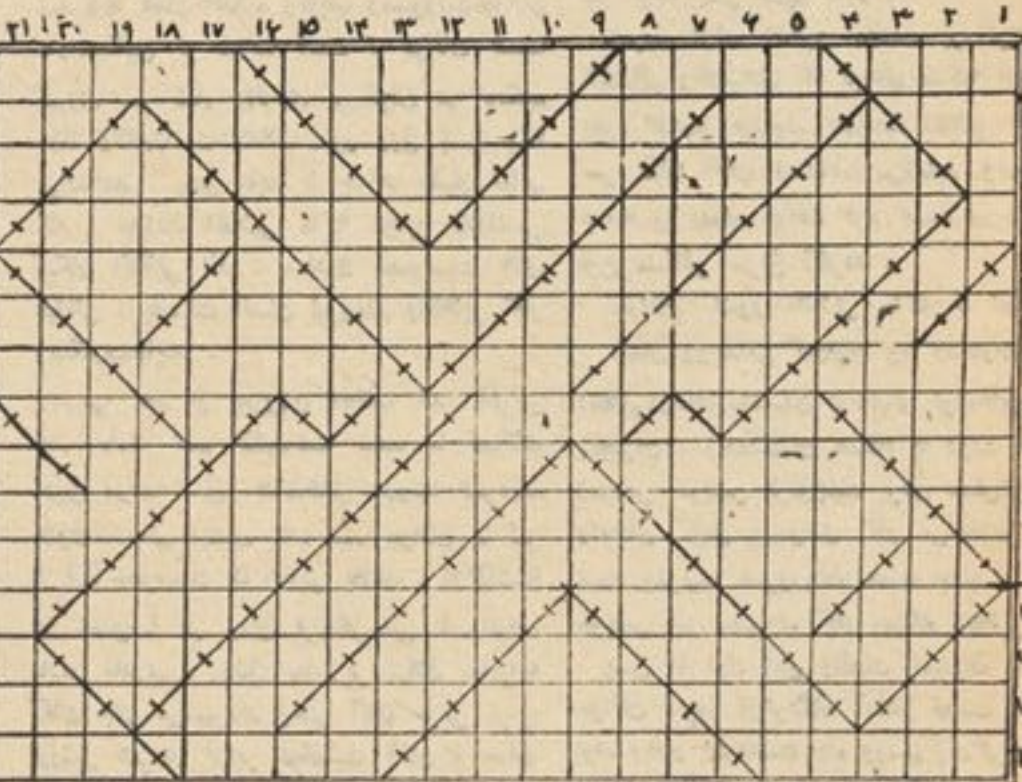
از آن طرف ناز است ، ۱۱- صحرا به زبان

پشتو ، از ولایات باستانی کشور ما ، فریب به زبان پشتو ، سبب به پشتو ، از فلزات ، ۱۲- برگ نامکمل ، میسوزد ، ضمیمه پشتو ، در مقابل این مرض مجادله بزرگ آغاز شده است ، از آلات دهقانی ،

۱۳- بارخ خون است ، گنگ نشده ، ایستگاه پشتو ، چست نشده ، کندوی آرد ، چهره ، ۱۴- مادر عرب ، دروازه بزبان عوام ، دوده حاصل آن ، لام کوتاه ضمیر اشاره ، بید نارسیده ، ۱۵-

ممشوقه یوسف ، بسیار مشکل است ، مساوی به دو صد لیتر است ، آتش پراکنده - عمودی :-

۱- جدید نیست ، تحریری نیست ، از پرندگان ، ۲- باده لوده است ، آرت ، و پای نا تمام نصف پارچه ململ ، ۳- خوب نیست ، کمک ، چهره ۴- از حیوانات ، در حال دیدن ۵- نه میشوند ، برادر به پشتو ، عاشق شیرین ، داغ نشده ، ۶- ردیف اخلاق ، میدان بوکس ، در چایجوش



طرح از :- ملکه سلیمیا نخیل از لیسه سید نور محمد شاه مینه . یادآوری : به علاقمندان و همکاران این صفحه مزه میدهم که هرگاه تا اخیر سال جاری ، جدولی به مناسبت سال نو با محتوای ارزنده طرح و به ما بفرستند به بهترین آن جایزه میدهم و بقیه آنرا به نوبت با اسم و فوتوی طراح بجا میسازیم .



	ح	ز	د	د	ج	ب	ا
۱	+	●	*	●	■	▲	*
۲	■	○	*	△	*	●	+
۳	*	△	+	○	■	○	●
۴	△	●	*	*	●	*	○
۵	▲	■	●	△	○	+	△
۶	○	+	○	○	*	▲	●
۷	■	●	*	●	■	*	○
۸	*	○	+	○	▲	*	*
۹	*	●	△	●	*	▲	△
۱۰	●	△	■	*	○	●	+
۱۱	+	*	●	△	●	○	▲
۱۲	*	■	○	+	○	*	■

درین جدول که دارای ۹۶ خانه میباشد دایره های سیاه و سفید و مربع ، گل ، ستاره ، علامه مثبت مثلث گنجاییده شده اما درین همین جدول در یکی از خانه ها ترتیب یک دایره سیاه است که بالای آن یک مثلث سفید و در پایین آن یک دایره سفید موجود میباشد آنرا پیدا و برای ما بنویسید .

چه کاره است ؟



هرکس که در یکی از دوائر کار میکنند اسباب و اشیای میز و کارش از وظیفه او نمایندگی میکنند ما هم این تابلو را که در این جا چاپ نمودیم اطلاق کاریک نفر را نشان میدهد آیا میتوانید بگوئید که این شخص چه وظیفه را بدوش دارد.

کدام مخترعین ؟

۱- اودر سال ۱۷۰۱ در اوسلا (سوئد) دنیا آمد و در سال ۱۷۴۴ در استکهلم از دنیا رفت او که حرارت سنج را ساخت و پیش از آن که این آله اختراع گردد مردم تا قرن شانزدهم حد سر مارا در یک زیر زمین و حدگر مارا در آفتاب تابستان یا بدن یک انسان تب

دار معین میکردند و بعدا فارتناپایت و رسوودر درجه بندی آله درجه حرارت را در حال یخ شدن آب و در حال بخار آب جوش درجه بندی نمود اودر سال ۱۷۴۲ در چه حرارت صدقستی (سانتر گراد) را درست نموده است .

حالا بنگارید که این مخترع کی بود ؟



۲- این شخص که در سال ۱۷۶۵ متولد شد و در سال ۱۸۳۹ از دنیا رفت . اولین فابریکه نساجی را ساخت پیش از آن تکه های قیمتی زیاد بود و مردم متوجه گردیدند که نمیتوانند ازین پارچه های قیمت دار استفاده نمایند و بنیبه که زیاد میباشد چرا پارچه های ارزان قیمت نسازند همان بود که با کمک یک کارگر که در زندان بود دستگاه نساجی را اختراع و بسکار انداخت حالا بگوئید این دو نفر کی ها بودند ؟

بی پروایی

ما این تابلو را که از یک صحنه بالت است چاپ نمودیم درین جا فطلی را ببینید که گریه را سر داده ولی آن دو بایک دنیا نشاط و بی خبری در عالم رقص خود فرو رفته اند ما به این صحنه عنوانی بی پروایی را گذاشته ایم ولی نمیدانیم که شما به این صحنه کدام نوع عنوان را انتخاب میکنید ما برای کسانی که بهترین عنوان را به این صحنه انتخاب کرد جایزه می دهیم و فوتوی شانرا را نیز در همین صحنه چاپ میکنم .



این اثر از کدام نویسنده است ؟

ما حصه از کتاب یک نویسنده مشهور جهان را برای شما شرح میدهم از شما میخواهم تا اسم کتاب و اسم نویسنده آنرا برای ما بنویسید . در صحرای بودم صحرای بزرگ و حزن انگیز که گیاهی در آن نبود نمی توانستم بفهم که شب است یا روز گردش میکردیم با برادریم برادر سالهای کودکیم برادری که باید باو بگویم که مرکز در فکرش نیست و تقریبا هیچگاه به یادش نمیآورم . صحبت میکردیم و بارها هگلرمان مصادف میشدیم از یک زن حرف میزدیم که در روزگار گذشته همسایه مان بود و تا در آن کوچه منزل داشت جلوی پنجره اتاقتش که همیشه باز بود کار میکرد . در صحرا درختی نبود . مردی را دیدم که از نزدیک ما میگذرد این مردی بود سراپا برهنه همراهش خاکسترو سوار بر اسبی بود به رنگ خاک این مرد مو بر سر نداشت جمجمه اش نمایان بود و بر چشمتش اش رنگ های دیده میشد چوبی به دست داشت که مانند ساقه مورم و مثل آهن سنگین بود این سوار از جلو ما گذشت و چیزی به ما نگفت :

برادرم به من گفت از راه پایین برویم اینجا یک جاده نمود افتاده بود که بته خاری و برنگ علفی در آن نبود همه جاو آسمان نیز به رنگ خاک بود پس از چند قدم دیگر وقتیکه حرف میزدم کسی به من جواب نگفت متوجه شدم که دیگر برادرم همراهم نیست به دهکده بی که در آن نزدیکی دیدم وارد شدم فکر میکردم که آنجا باید رومنویل باشد . (رومنویل چرا ؟)

اولین کوچه که من داخل آن شدم خلوت بود به کوچه دیگر رفتم پشت زاویه ای که از دیوار های این دو کوچه ساخته میشد مردی کنار دیوار ایستاده بود پیش رفتم و از وی پرسیدم :

اینجا کجاست من کجا هستم او هم جوابی به من نداد .

اینجا کجاست من کجا هستم جوابی به من نداد دیدم که در خانه بی باز است درون شدم اتاق اول خالی بود به اتاق دوم رفتم پشت در این اتاق مردی کنار دیوار ایستاده بود از این مرد پرسیدم این خانه از کیست من کجا هستم او هم جوابی به من نداد .

خانه یک باغ داشت از خانه بیرون رفتم و وارد باغ شدم باغ خلوت بود پشت اولین درخت مردی ایستاده دیدم به این مرد گفتم این باغ از کیست من کجا هستم مرد جوابی نداد در دهکده سرگردان ماندم و ناگهان مشاهده

کردم که این یک شهر است همه کوچه ها خلوت و همه در ها باز بود هیچ موجود جاندار از کوچه ها نمیگذشت هیچکس در اتاقها راه نمیرفت و کسی در باغها گردش نمیکرد اما پشت هر زاویه دیوار پشت هر در پشت هر درخت مردی ایستاده بود که مطلقا ساکت بود هیچ جادو نفر دیده نمیشدند که نزدیک بهم باشند . این مردان بانگاه دنبال میکردند از شهر بیرون رفتیم و در صحرا راه افتادم پس از مدتی کمی سرگرداندم و دیدم که گروهی دنبال ما می آیند همه مردانی را که در شهر دیده بودم بین این جمعیت شناختم سرهای عجیبی داشتند شتابی در رفتار شان به نظرم نمی رسید اما از من تند تر راه می رفتند کمترین صدا از راه رفتنشان شنیده نمیشد در یک لحظه این جمعیت به من رسید و احاطه ام کرد چهره این مردان به رنگ خاک بود .

آنگاه اولین مردی که در شهر دیده و از وی پرسشهای کرده بودم به من گفت کجا میروید مگر نمیدانید که مدتی است که مرده بید دهان کشودم تا جوابی گویم و مشاهده کردم که هیچکس پیرامون من نیست مادلن بیدار شد احساس کرد که از سر مایخ کرده است بادی که چون باد صبحگاهان سرد بود دولنگه پنجره را که باز مانده بود تکان میداد آتش بخاری خاموش شده بود و شمع نزدیک به خاموش شدن بود هنوز شب تاریک بود از جابر خاست سوی پنجره رفت باز هم ستاره بی بر آسمان دیده نمیشد از پنجره اتاقت حیاطخانه و کوچه نمایان بود همانند صدایی خشک و سخت ناگهان از وی زمین برخاست و چشم او را فرود آورد زیر پنجره دو ستاره سرخ که روشنایشان به وضع غریبی در ظلمت دراز و کوتاه میشد به نظرش رسید چون نیمی از فکرش هنوز در تاریکی رویا غوطه ور بود با خود اندیشید عجیب دیگر چیزی از آنها در آسمان نیست حالا دیگر روی زمینند آنگاه آشتگی افکارش بر طرف شد صدای تازه ای شبیه به صدای نخستین بیداریش را کامل کرد با دقت تکریمت و دانست که این دو ستاره دو چراغ یک در ششگانه است در روشنایی این چراغها توانست شکل در شکه را تشخیص دهد این یک آکاسیه دو چرخه بود که به اسبی سفید بسته شده بود صدایی که قبلا به گوشش رسیده بود صدای ضربات پای اسب روی سنگفرش کوچه بود . مادلن با خود گفت این در شکه چیست این کیست که صبح به این زودی آمده است . همانند کسی در اتاق رابه آهستگی کوپید .

# میرزا آقا

قسمت دوم

اینرا گفته و سرعت خود را بدست خصل جو یلی و معوطه دفتر رسا نید ، دفتر باز بود . در برنده عا رضین زیاد جمع شده بود ند . ما مور و میرزا و عسکر و نفر زیاد هم آمده بودند بعضی ها لباس نو و حتی تکه و نشان طلائی هم به سینه داشتند ، بعضی ها شمشیر های مرصع در غلای های زر انود بر کمر بسته بودند زمینداران بازو باشه شکاری خود را نیز با خود آورده بود ند .  
 یو لیس ها با کمر بند و سر شانه تی براق و جلادار خود ملک ها و خانها ی قریه با سپر و زنجیر های رسمی خود ، همه در آنجا بنظر میامدند . قدیم هم خود را در آن قطار رسا ند و شناسای خود را پیسداو خو یشتن را خم و آهسته اظهار کرد :  
 - صاحب محترم ، عرض دارم . شکایت است . بجا کم صاحب عرض دارم . شکایت از چه ؟  
 - صاحب ... از سبب آب . و بعد از آن ..  
 - دیگر چه ؟  
 - خیر . دیگر هیچ . مالک چا یخاله وعده داد که آقا پیدا کند . در ست شد .  
 - چه را پیدا کند ؟  
 - دستمال نان مرا . شب گم شد .  
 - هی ... از کجا هستی ؟  
 - از چو لو .  
 - کالایت به جل اسپ میماند .  
 - همه کسایکه در برنده دور قدیم جمع شده بود ند بلند بلند خندیدند . ما مور دفتر بیرون بر آمد و چیغ زد :  
 - غا لغال چیست ؟ سر فلر صاحبها کم صاحب قهر میشود .  
 - این نفر غا لغال میکند . کالایت به جل اسپ میماند .  
 - چه گفتی ... کدام جل اسپ ؟  
 - چند نفر از جای خود دور شده و راه را باز کرد ند . یکی از آن میان به قدیم اشاره کنان گفت :  
 - اینست .. صاحب ... ببینید ... فقط جل اسپ را پوشیده با شد .  
 - قدیم خیلی آزرده و غمگین بود . میرزای دفتر جاب او دید . پرسید :  
 - چه میخواهی ؟  
 - صاحب ... آب ...  
 - میرزا به جو یلیکه از میان معوطه اداره میگذاشت اشاره و علاوه نمود :

البته نمیدانی که چطور همای گیلان آب نوشیده میشود . به لب جوی برو دست های خود را بر زمین پان سر ترا های خود را بزمین بمان . سرت را پان کن و مثل گاو و آب بنوش .  
 - بیچاره گاو نیست . زیر جل اسپاست . چشمان قدیم از غضب و خشم مثل آتش شد و خود ش صدا زد :  
 - صاحب ... صاحبها فقط جل را پوشیده با شد . و چندین نفر باهم خندیدند .  
 - ما مور گفت :  
 - آقا یان ... خاموش باشید حاکم صاحب قهر میشود . اگر غالمغال تا سرا شنید خشمگین واز اطاق بر آمده و بر همه ما و شما غضب میگرداند .  
 - خوب ... تو از کجا هستی ؟  
 - آقا یان اینجا یک دفتر است یا یک پا زار ؟ قدیم چیغ زد و این سوا ل را پرسید .  
 - او هو .. ببینید . زیر جل اسپ .  
 - من یک تبه آزاد هستم و برای یک شکایت اینجا آمده ام .  
 - در مقابل این گفته قدیم ، کسایکه در برنده ایستاده بودند گفتند مارا غو کنید . ما شما را نمی شناسیم . آقای جل اسپ پوش و همه شان بقا بل قدیم صف زدند یکی از آن میان گفت :  
 - راه بدید باقای عا لبقدر تبه آزاد !!  
 - تبه آزاد برای یک شکایت زحمت آمدن تا اینجا را متقبل شده اند !!  
 - قدیم یک قدم بجا لب دروازه پیش آمد اما خود را با زمین مردم محصور یافت . یکی از آن جمله چنین گفت : ما هیچ فکر نمی کردیم که یک با دار جد بد بخیر اینجا تشریف آورده اند . آقا یان ! قدیم بعدی بلند چیغ زد که حاکم صدای او را در داخل اطاق خود شنید . ما مور دفتر رانزد خو دطلب کرد ولی خود ش سوفا وبدون معطل شدن برای آمدن ما مور داخل اطاق بیرون بر آمده به همه حضار نظر خشم آلود انداخته پرسید :  
 - اینقدر غالمغال برای چیست ؟

عنا لبقدر ایک نفر دیوانه پیدا شده !  
 - کو؟ در کجا ؟  
 - اینجا حاضر و تیار است .  
 - قدیم به پریشانی و بدبختی خود فکر کنان ایستاده بود و وقتی شنید او را دیوانه معرفی میکنند فریاد کرد :  
 - دیوانه کیست ؟ مرا دیوانه میگویند؟  
 - سر دار حاکم جالب او قدیم پر داشتو به شدت پرسید : چه میخواهی ، دیوانه؟  
 - آب میخواهم ، سر دار !  
 - وقتی قدیم این جمله را گفت از چارطرف او صدای زهر خند واستهزا بلند گسردید چند نفر گفتند .  
 - دیوانه ... بیچاره جوی پان طول و عرض را اینجا دیده نمیتواند .  
 - سر دست دیوانه است .  
 - سردار امر کردند . او را بگیرد و ببرید اگر نجا وز و نا آرامی میکرد بسته اش کنید ، را سا به دیوانه خانه شهر . بلی او دیوانه است و با ید هما نجا با شد .  
 - باشنیدن این امر سردار حاکم رنگ از رخسار قدیم پریدو پریده بریده گفت : چه ... چه ... چه بعدا احسا س کرد که یک پره کوه بر سرش افتاد . با صدای لرزان و شکسته نا لید : سر دار صاحب رحم کنید . من آب میخواهم . دیوانه نیستم . با دار من دیوانه نیستم . من قدیم اعظم او غلی هستم .  
 - حاکم پا ز با و نزدیک شد . خوب بسرو صورت او دید و گفت را ستی دیوانه نه شده .  
 - او را به دار المجانین ببرید .  
 - حاکم بعد ازین امر بد فتر خود را خل گسردید . ما مور به محافظ گفت که قدیم را ببر . قدیم مقا و مت وزید . لیکن اشراف و زمین داران همه یک یک تله داده و قدیم بیچاره را از زینه پان را قلدند قدیم یک سکه نقره بی بکف دست محافظی که او را بیرون میکشید مساند و احساس کرد که محافظ از او دست برداشت . قدیم فوراً به جستجوی اداره میرزا کمال بیگ بر آمد .  
 - تمام بدتس درد داشت . راه رفتن برایش مشکل بود . اما از راه روان پرسید . پرسید . جای مقصد خود را یافت که یکنفر از قریه خود ش نزدیک دروازه آن ایستاده بود . با خو شحالی صدا کرد :  
 - هی غلام علی !! سلام علیکم و سپس تویده و او را به یغل گرفت غلام علی که خود ش پشه دهقائی داشت و داغهای جیجک روی او را فرا گرفته بود ، در حالیکه عریضه خود را قات کرده و به جیب خود میگذاشت از دروازه یک دفتر بیرون میبرد آمد قدیم روی خود را بر وی ریش دراز غلام علی چسباییده و با صدای لرزان اضافه نمود : او غلام علی . اگر بدانی که من چند ر بد بخت ام . تصور میکنم یک سال شده که از خانه بر آمده ام . معطل من باش ، کار خود را زود خلاص میکنم و بدنه هر دو یکجا میرویم خانه .  
 - قدیم بغدا قسم که قاطر خود را به کار و انسرای مانده ام . میروم که ببینم بجای خود است یا نه ؟

کارت را زود خلاص کن . هما نجا یا با هم خانه میرویم . من منتظر ت میباشم . غلام علی اینرا گفت و روان شد . قدیم مثل طفلی که راه خود را گم کرده باشد عقب او صدا زد :  
 - غلام علی ترا بغدا قسم که بیمن نروی .  
 - نمیروم ، خاطر جمع با شد .  
 - قدیم تا وقتی غلام علی را تعقیب نمود که در یک کج گردشی از نظر غایب شد و پس از آن به اداره مهرزا کمال بیگ داخل گسردید . دید که میرزا کمال بیگ شصت های خود را به جیب دو طرفه او سگرفته و روی فرش خمت دفتر از پس سو با ن سود واز آن سو با پانسو قدیم میزند . همینکه قدیم را دید پرسید :  
 - او رفیق ... بیابا ... چه خبر خوش داری ؟  
 - صاحب ... من بر عکس خبر های خبر خواب دارم .  
 - چرا ؟ چه واقع شد ؟  
 - هما نظور که گفته بودید ، آنها سخن مرا نفهمیدند ... نه تنها سخن مرا نفهمیدند بلکه مرا دیوانه هم گفتند .  
 - در کج دفتر یک میز مانده شده بود . میرزا کمال بیگ بعد ازین صحبت مختصر طرف میز رفت و به عقب آن دور خورده یک دست خود را روی میز ماند و دست دیگر خود را به سربس موی و طاس خود گسردا نیده و علاوه نمود :  
 - بلی ... عارض با ید عریضه تقدیم کند . حرف ما و شما مردم دهات را کمی درک نمی کند . فقط عریضه میخوانند . و شما با ید عریضه بدید .  
 - وقتی که عریضه دادید ، آن وقت آنرا خوانده نمی توانستد و اگر با صد زحمت بخوانند معنای آنرا فهمیده نمی توانستد و زبان می پرستند .  
 - ولی بهر حال هیچ عارض با ید بدون عریضه تحریری بد و ایر برود و وقتیکه رفت با ید عریضه تحریری با خود داشته با شد .  
 - در است میگوئی برادر ! اگر غمهای عارضین کم میبودن مانند جوبخشش و لاغرو زرد و زار نمیشد .  
 - اوسینه خود اخارید و قدیم سر خود شور داد و بعد گفت :  
 - صاحب همینطور است ، همینطور است اگر آدم های مثل شما نمی بود ، من نمیدانم که احوال ما غریب ها و بیچاره ها چگونه میشد ؟  
 - مرغها چشم مارا و حیوانها جسم مارا می خوردند .  
 - راست میگوئی برادر . اگر آدم تنها بشکر خود با شد ، زندگیش آسان میشود . مثلا برایت قصه گم . یک نفر ، درین نزدیکی یک غرقه دارد . همین غرقه سو م از بنجا . از من میخواهد که همایش شریک باشم . برای من میگوید تو آدم فهمیده هستی ! همین حساب و گنا برآزیر نظربگیر و کار آنرا بکن ، من مثل بر سرهای خزان برایت پول میدهم . اما من برایش

گفتم که اگر من همای تو شر یک شوم برادران غریب و غمگین عارضین من چه خواهند کرد؟ کی عریضه شاه را خواهد نوشتند. وقتیکه عریضه نزد حاکم میرود، اول باید به کتاب نسبت فید گردد.

قدیم پرسید: به کتاب نسبت؟ رفیق من، تو چه فکر میکنی؟ معلومدار به کتاب نسبت رسمی اباز آنرا مدیرشعبه به دو سیه میماند. که نوشته و نشان بلائی در آن چاپ شده. عریضه را که در میان دوسیه میماند باز خودش آنرا نزد حاکم میرود. دوسیه را بدست عارض داده و هر دو پیش حاکم خود را خم میکنند مبینی که احوال عارض زمان از چه قرار است؟

قدیم از شدت آنچه بر او واقع شده بود عریضه درد زیاد ترس میکرد. دیگر کتاب ایستادن نیاورد. پهلوی دروازه روی زمین اطاعت نشست و سر خود را برای تصدیق گفته های میرزا کمال بیگشور میداد. یکبار گفت: خدا به آدم های فهمیده مثل تو صحت و سلامت نصیب کند. قصه منم ازین قرار بود. حال عریضه من روی میز سر دار حاکم صاحب افتاده و عکس تراز هم که در دیوار نصب است از همان بالا بر عریضه من مینگرد. اما اگر از دست خود همین آدم کسلان عرض کنم چه میشود؟

کمال بیگ دست خود را به عقب گوش خود قرار داده پرسید:

مطلب چیست، من حرفت را نمیفهمم؟ یعنی گفتم که اگر از دست همین سردار حاکم صاحب عرض کنم و شکایت کنم چه نتیجه خواهد داد؟

چه شکایت داری از حاکم؟

تمام جانم و تنم از دست شان درد میکند. تمام ما افکار شد. علاوه تا مرا دیوانه هم گفتند.

با شنیدن این مطلب میرزا کمال بیگ پشت میز و سر جوگی خود نشست. آرنج خود را بالای میز و پنجه خود را بالای دست خود مانده پرسید: همین بعد عریضه ات؟

که میخواستی بنویسی و بمقامات بالا بدی؟

بله صاحب من با دیدن دیروز آنرا برای تان میگفتم.

میرزا کمال بیگ از چوکی خود بر خاسته گفت: حالا هر چه را بمن بگو.

قدیم هم خو است که ایستاده شده حرف بزند اما میرزا کمال بیگ علاوه کرد: همانا نظور نشسته حرف بزن... آزاد استی اینجا دفتر سرکاری نیست.

قدیم چار زانو روی فرش اطاق نشست. رویش از شدت درد تغییر رنگ میداد و بار دیگر تمام قصه خود را از سر تا آخر به میرزا کمال بیگ شرح داد و وقت گذشت خود را تمام

میرزا کمال بیگ شرح داد وقت سرگذشت خود را تمام کرد چنان از خشم می لرزید که صدايش تغییر و با لرزش عجیبی علاوه کرد:

بله میرزا صاحب... بخود با شاه بزرگ بنویس - آقا، صاحب، عریضه

میرزا کمال بیگ حساب عادت پشت گوش خود را خاریده عریضه را قات کرد اضافه نمود.

هر چه ضرور و لازم بود نوشتیم. حالا بر خیز و این عریضه را بگیر و راه بسا برو به دفتر پست و بنام خود یا شاه به پسته بپرداز.

میرزا کمال بیگ پا کت را سرش نمود و نشانی دفتر پسته را به قدیم فهمید که از کدام جا و کدام راه با نجا برود. قدیم کاغذ را گرفت و یک نوبت را هم از جیب خود کشیده و بر میز گذاشت. و جانب میرزا کمال بیگ دیده علاوه نمود: به راستی شما حاکمی عریضه دارها هستید. همه عارضان دعای سر تا ندرا میکنند.

قدیم رفت جانب پسته خانه، بزودی آنرا یافت. کاغذ خود را به هر کلمه که بود و غرغره پیش کنان از آنجا پرسید که چطور آنرا به شاه برساند. پالیده با لیده غرغره بر بوطرا یافت و گفت:

عریضه بدر بار شاه... گفت و دست خود را پیش کرد تا کاغذ را بدد. به خود شاه؟ پس بگو که در عریضه خود چه نوشته ای؟

اگر میخواستم تو مطلب مرا بفهمی عریضه را در پاکت نمی انداختم و سرش نمیکردم.

و قتی بدست خود بادشاه برسد مطلب را خودش میفهمد. چنین جوابی آنهم از جانب یک دهقان ساده میرزای پسته خانه را متعجب ساخت و گفت:

چرا مثل سر که ترش هستی؟ من وقت گفتگو ندا ندارم. بول را بگیر.

ولی بادش آمد که با دیدن بد خلقی نکند و بهتر است قبر خود را ببوشاند و باز گفت:

او برادر جان... میرزا صاحب... قربان... لطفاً تو چه کن که همین عریضه من بیچاره در راه گم نشود و محفوظ بماند همان جایی که نوشته ام برسد.

کتاب پوشته خانه طرف قدیم دیده و پرسید: دلعتا اینطور تغییر کردی سر که به یکبارگی آب شد!

از سبب آب است که من مثل سر که شده ام.

آب با توجه کرده؟

اینک برادر جان... بگیر مکتوب و عریضه مرا... لطفاً بگیر و رسید بدو و آنرا بزودی به نزد پادشاه بفرست... هر قدر زود که میتوانی. من کدام وقت دیگر نزد تو میایم و تمام گپ و سخن را برایت نقل میکنم.

ساره... آدم سخن خود را از رفیق خود پنهان میکند؟

آدم رفیق را در وقت ننگدستی مسی شناسد. عریضه مرا بگیر. توجه کن که پادشاه برسد. هر قدر زود که میتوانی آن وقت باز من میفهمم که تو رفیق من هستی

در بازه رویه حاکم این جا هم نوشتی؟

بله.

بله.

میرزا کمال بیگ حساب عادت پشت گوش خود را خاریده عریضه را قات کرد اضافه نمود.

هر چه ضرور و لازم بود نوشتیم. حالا بر خیز و این عریضه را بگیر و راه بسا برو به دفتر پست و بنام خود یا شاه به پسته بپرداز.

میرزا کمال بیگ پا کت را سرش نمود و نشانی دفتر پسته را به قدیم فهمید که از کدام جا و کدام راه با نجا برود. قدیم کاغذ را گرفت و یک نوبت را هم از جیب خود کشیده و بر میز گذاشت. و جانب میرزا کمال بیگ دیده علاوه نمود: به راستی شما حاکمی عریضه دارها هستید. همه عارضان دعای سر تا ندرا میکنند.

قدیم رفت جانب پسته خانه، بزودی آنرا یافت. کاغذ خود را به هر کلمه که بود و غرغره پیش کنان از آنجا پرسید که چطور آنرا به شاه برساند. پالیده با لیده غرغره بر بوطرا یافت و گفت:

عریضه بدر بار شاه... گفت و دست خود را پیش کرد تا کاغذ را بدد. به خود شاه؟ پس بگو که در عریضه خود چه نوشته ای؟

اگر میخواستم تو مطلب مرا بفهمی عریضه را در پاکت نمی انداختم و سرش نمیکردم.

و قتی بدست خود بادشاه برسد مطلب را خودش میفهمد. چنین جوابی آنهم از جانب یک دهقان ساده میرزای پسته خانه را متعجب ساخت و گفت:

چرا مثل سر که ترش هستی؟ من وقت گفتگو ندا ندارم. بول را بگیر.

ولی بادش آمد که با دیدن بد خلقی نکند و بهتر است قبر خود را ببوشاند و باز گفت:

او برادر جان... میرزا صاحب... قربان... لطفاً تو چه کن که همین عریضه من بیچاره در راه گم نشود و محفوظ بماند همان جایی که نوشته ام برسد.

کتاب پوشته خانه طرف قدیم دیده و پرسید: دلعتا اینطور تغییر کردی سر که به یکبارگی آب شد!

از سبب آب است که من مثل سر که شده ام.

آب با توجه کرده؟

اینک برادر جان... بگیر مکتوب و عریضه مرا... لطفاً بگیر و رسید بدو و آنرا بزودی به نزد پادشاه بفرست... هر قدر زود که میتوانی. من کدام وقت دیگر نزد تو میایم و تمام گپ و سخن را برایت نقل میکنم.

ساره... آدم سخن خود را از رفیق خود پنهان میکند؟

آدم رفیق را در وقت ننگدستی مسی شناسد. عریضه مرا بگیر. توجه کن که پادشاه برسد. هر قدر زود که میتوانی آن وقت باز من میفهمم که تو رفیق من هستی

در بازه رویه حاکم این جا هم نوشتی؟

بله.

بله.

کتاب عریضه را بد فتر ثبت کرد. بول پسته را از قدیم گرفت و رسید راجستری را داد.

قدیم با و گفت: اگر عریضه من گم شد باز من میفهمم و تو!

یک عارض دیگر که در عقب او ایستاده بود بی صبرانه او را بادست خود متوجه ساخت که زود از غرغره دور شود تا نوبت با و برسد که نزدیک غرغره بیاید. قدیم زود جای خود را باو داد. اگر چه

قهر شد اما چیزی نگفت. قدیم از پسته خانه جانب جایخانه روانه شد. تمام گسار و اسرای را با لید تا غلام علی را بیاید همای او به قریه برود. اما غلام علی بنظر نیامد.

چند فرصت نان خرید. آنها را به

جیب هاوزیر بغل های کرسی خود جابجا نمود و جانب خانه خود روانه شد.

زمین دار بزرگ ده قبر شده بود که قدیم چرا به شهر رفته و چرا شکایت کرده. هر صبح و شام میراب را نزد خود خوانسته و سر او غضب میشد و میگفت:

بغضب خدا شوی... نمک من ترا بشتر ماند... چرا کار او را نمانختی... چرا نکشتیش که از غمش خلاص می شدیم.

با دار جان بخدا قسم که ما فکرم کردیم آنقدر زده بودیمش که نفسش باید بر آمده می بود.

سوزان نفس او را روی زمین ماندی و رفتی؟

این از بی احتیاطی ما بود. ما با دیدن او را در پهلوی جوی گور میگردیم.

اما تو این کار را نکردی. ما ندیدی که زنده شود و برود شهر و عرض کند

ما مور بو لیس فقط بها نه میخواهد. یک توی بهره سرمن روانه خواهد کرد تا یک هفته پوره آب و نان برایشان بدیم

بعد از او باز نوبت حاکم میرسد که بیاید و من با دیدن چاره او را کنم. یک هفته این کار دوام میکند. باز نوبت نایب الحکومه صاحب میرسد. و من باز باید پیش او

چاره غولک نما بسم. آخر برای چه؟ صرف برای اینکه یک دهقان از دست سر هتک آفتابکایت دارد. هر آدم بی سروبی پای

حالا برای ما چاه میکند!! وزیر پای ما آب میراند! حال یک دهقانی مثل قدیم هم شروع کرده.

وفیل هم نمی تواند بمقابل او ایستادگی کند. و گناه این همه بگردن کیست؟

گناه تو، میراب احق بوده... پروت های خود را مثل دم خر کلان کردی و گردنت از جانی بندید. کرسی غلام با تو ن

دوزیت، کنن جانت شود!!

با دار جان قسم میخواهم که قصورش را میگردم. تو باش که یک دفعه پس اینجا بیاید. زنده بگورش میکنیم.

بعد از اینکه رفت به شهر شکایت کرد و عریضه داد. تو میخواهی به آن

ما مور بولیس که پدرش را کشته بود باز فرصت برسد که از من انتقام بگیرد.

تا تمام

تا تمام

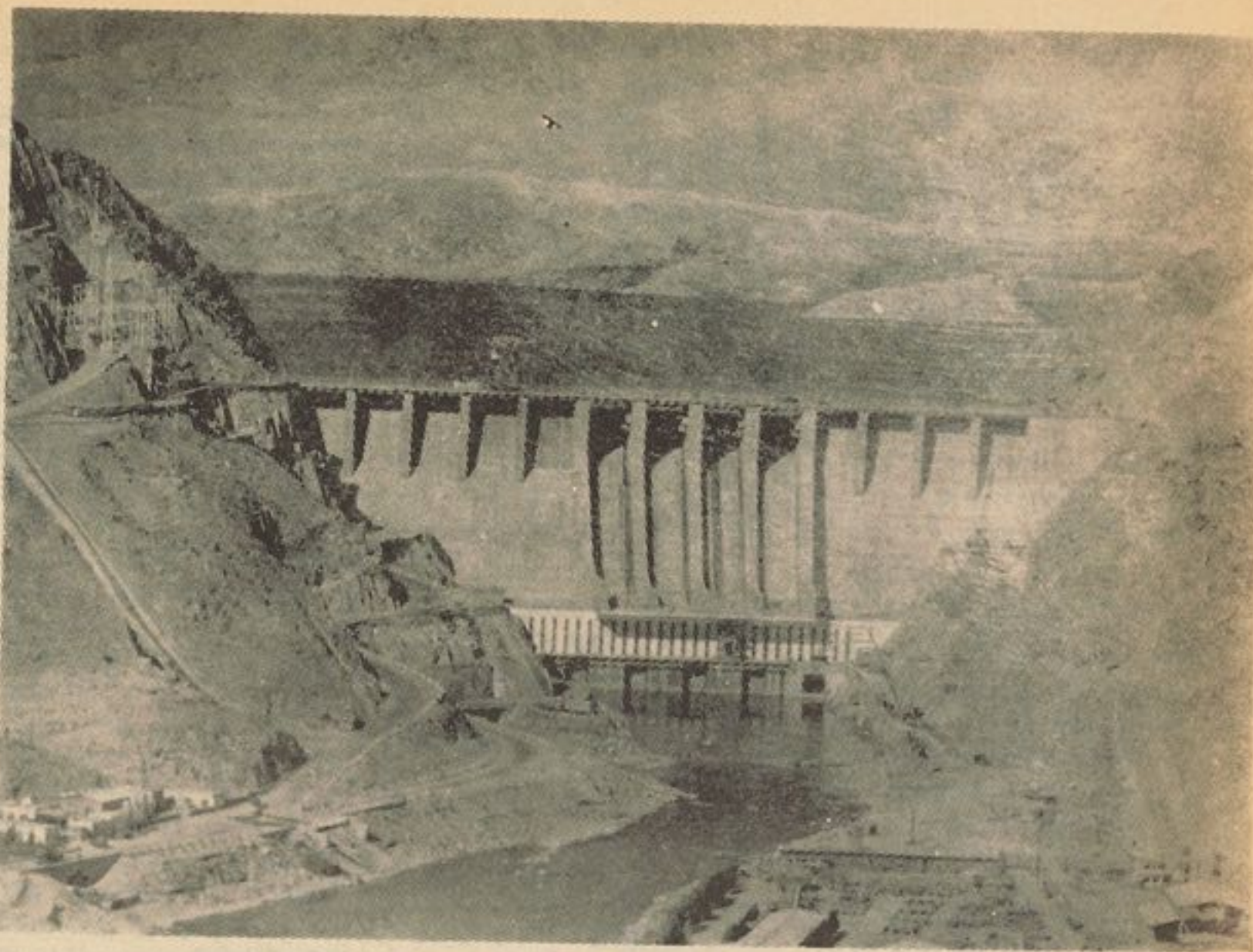
تا تمام

خادتر و بفرنجتر گردد، نمی توانست بشکل  
 قانع کننده حل گردد مگر آنکه جنگلهای  
 خا نما نمودن بود قوع نمی یوست و یا در  
 آینده از بروز آن جلوگیری شود و صلح  
 پایدار سراسر دنیا را فرا گیرد و آن زمانی  
 میسر شده میتواند که جهان ما تا بسج  
 یک نظم جدید اقتصادی و سیاسی باشد  
 که دموکراسی واقعی بنفع کارگران،  
 زحمتکشان و سایر طبقات تحت ستم  
 بر تو افکن گردیده و بشر دست بدست  
 هم داده در جامعه ای شگوفان و فارغ  
 از استثمار زلندگی با همی اش را ادامه  
 دهد .

زیرا با تعمیم دموکراسی واقعی که از  
 طرف کارگران و زحمتکشان بنیان یابد  
 منابع انرژی طور عادلانه در خدمت انسان  
 قرار میگیرند و با برکت علم و تکنولوژی  
 عصری و بکار بردن پشه خلاق و دورانساز  
 طبیعت کارگر خلق های دورانساز که در  
 کنج و کنار این کره خاکی بصورت پرا-  
 گنده زلندگی میکنند، منابع جدید انرژی  
 کشف و مورد استفاده همگانی قرار میگیرند  
 که بدون تردید اندیشه و نگرانی سراسر  
 آورناشی از کمبود انرژی و بحران آن در  
 آینده بر طرف میگردد .

جنگلات، مواد نفتی، ذغال سنگ انرژی  
 برقی اتم و آفتاب یا این بزرگترین  
 منبع انرژی درجهان، در روشنی صلح  
 و همزیستی مسالمت آمیز طوری در خدمت  
 انسان قرار خواهند گرفت که از عر حین  
 رشد سریع جوامع عقب مانده صورت می  
 پذیرد که با بخش و گسترش اندیشه مترقی  
 و آید یولوژی دورانساز طبیعت کارگر  
 خلق ها بیامی خیزند و طراح برنامه های  
 انکشافی خود می شوند و با بکار برد  
 نیروی خلاق و زوال ناپذیر خویش بدون  
 تشویش و نگرانی ای که امروز از ناحیه  
 مواد سوخت و جهات دیگر ناشی از اقدامات  
 سوء امپریالیزم متوجه آنها میباشد، زندگی  
 با همی شان ادامه میدهند و با در خدمت  
 انسان قرار دادن انرژی اتم و آفتاب، بر  
 بحران انرژی و مشکلات ناشی از آن در  
 آینده خاتمه میدهند .

با یاد گفت که استفاده صلح آمیز  
 از انرژی اتمی جوامع بشری را از  
 بحران انرژی در آینده نجات میدهد،  
 مشروط بر اینکه دست امپریالیزم جهانی  
 از سر خلق های تحت ستم کوتاه نگردد  
 و کآ خهای ظلم و ستم استثمارگر اندر  
 پیش پای زحمتکشان و واژگون نگردد و  
 جوهری حدو حصر امروز امپریالیزم جهان  
 که بر خلق های تحت ستم جبرناک دارد  
 بر طرف شده و بخوامت های قانونی  
 زحمتکشان سراسر جهان پاسخ مثبت داده  
 شود، صلح دایمی درجهان برقرار میگردد  
 که در روشنی صلح و زندگی با همی  
 ابناء بشری تسوانند از منابع انرژی به  
 صورت عادلانه استفاده نمایند .



نمایی از سربند برق نفلو (یکی از منابع مهم انرژی)

# مشکل بحران انرژی در جهان

## آفتاب به حیث بزرگترین

### منبع انرژی

قسمت دوم

جوامع پیش ازین انکشاف کنند و در پرتو  
 صلح و صفا با تامین مزایای عالی  
 دموکراسی در سراسر جهان یوغ بردگی  
 را از شان نه های همنوعان بر دارند و برادر  
 وار بدور هم گرد آیند و زمانا بع کشف  
 شده و نا منکشف بصورت عادلانه استفاده  
 نمایند .

همانطوریکه ریشه تمام بحرانها از  
 صلح ناپایدار آب می خورد و با کشیدگی  
 و تشنج در گوشه ای از جهان صلح جهانی را  
 بخطر مواجه میگرداند، بحران انرژی و  
 کمبود مواد سوخت نیز اثرات ناگواری  
 بر جوامع مترقی و روبانکشافی میگذارد  
 و هیچ طرفی از متحمل شدن خسارت وارده  
 ناشی از بحران انرژی گزیر نمانده است  
 و نخواهند داشت .

قرار احصایه های تخمینی طرف پنجاه  
 سال گذشته که دهم جنگلات پاره ای از  
 جزایر حاره ی ناپدید شده اند، جنگل  
 های استوایی نیز بنوبه خود مورد حمله  
 قرار گرفته اند که استفاده بشکل ابتدایی  
 از جنگلات مقدار انرژی زیادی را که در  
 انکشاف آینده کشور های روبانکشافی  
 از آن استفاده مطلوب صورت خواهد گرفت  
 بهدر رفته است زیرا گروههای زیر  
 فشار نیازهای فوری، منابع انرژی  
 را طوری بغارت می برند که اگر توان  
 بکار برد علم و اندیشه مترقی از آن استفاده  
 نگردد بحران ناگواری بدنبال می  
 آورد که جبرانش میسر نخواهد بود.  
 مسأله بحران انرژی که بشریت امروز به  
 آن مواجه شده و در آینده شاید این مشکل

باجاکرفتن اندیشه مترقی در نهایت انسانهای  
 تحت ستم و پیروزی انقلابات  
 دموکراتیک درجهان و جهان شمول شدن  
 حکومت های پروتاریا و سرنگونی دولت  
 های امپریالیستی جنگ طلب، بدون شک  
 استفاده از انرژی اتمی بدست خود کار-  
 گران پیروز مند عمومیت پیدا میکند و انسان  
 پالنده و دورانساز اتم را بصورت واقعی  
 در خدمت انسان قرار میدهد و سرنگوله  
 های ذروی را که جهت کشتار انسانهای  
 قدر افراشته برای کسب حقوق انسانی  
 شان رهبری شده اند، برای همیشه نابود  
 میسازد و افق های تاریک انسانهای  
 تحت ستم را با نور ناشی از انرژی اتمی،  
 نورانی میگرداند .  
 درجهان سرمایه داری استفاده از مظاهر  
 جدید زلندگی عالی شکل طبقاتی داشته  
 که با ادامه نظام سرمایه داری ادامه  
 پیدا شده باشد و ازین سبب استفاده از  
 انرژی آفتاب نیز درجهان کپیته لیستری جنبه  
 طبقاتی خواهد داشت و تعداد محدودی از  
 نوع بشر در حالی از آن استفاده خواهند

خوا بچند ساعت با ید طول بکشد؟ آیا اشخا صی هستند که بکلی نمی خوا بند؟ برای خواب نورم منا سب و معین مو جو نیست و همچنان اشخا صی هستند که در صحت و سلامتی زندگی نمی کنند.

از تجارب چندین ساله در قسمت مر یضان مبتلا به بیخوابی نتیجه ذیل بدست می آید، آنها یکسه از بیخوابی شکایت دارند در حقیقت خواب هستند، بهتر است در این مورد از گفتار روان شناس معروف فرانسوی پیر و ن یاد آوری شود (شخصی هیچگاه نه می خوا بد که همیشه خواب است این نوع اشخا- صی برای مدت کم خواب میکنند اما بعد از هر چند ساعت).

اشخا صی هستند که بطور مثال کم می خوابند. پتر اول، ناپلیون، شیلر فقط پنج ساعت در شبانه روز اما ادیسن دوالی سه ساعت در شبانه روز می خوابید. تعداد زیاد مردم در یک شبانه روز در حدود شش ساعت می خوابند اما مشخصات جسمانی آنها به حالت بهتر آن باقی می ماند. در عین زمان اشخا صی یافست می شوند که مدت خواب مکمل آنها تا ۹الی ده ساعت طول کشیده و بعد از آن خود را آرام حس می کنند.

طبق ارقام معلوم ویدست آمده در بسپاری مما لك انكشاف یافته و سوم قسمت مردم از خواب خراب خود شکایت دارند. در اتحاد شوروی در شهر مسکو تحت یسك پروگرام معین از شش هزار نفر درین قسمت پرسش بعمل آمد.

قسمتیکه معلوم شده در حدود چهل و پنج فیصد آنها از خواب خراب خود شکایت داشتند. در این جمله بیست و یک فیصد آن خواب خراب و چهارده فیصد اشخا صی هستند که از خواب عمیق خود رضا یت دارند اما مداومت آن کوتاه است. (این نوع اشخا صی را کم خواب می نامند) وده فیصد آنرا اشخا صی تشکیل داده که زیاد خواب میکنند اما نه چند ان عمیق. گروه اشخا- صی کم خواب را معمولاً متعلمین و محصلین تشکیل می دهند.

گروهی که از خواب خراب خود شکایت میکنند معمولاً دارای سن اضافی از چهل سالگی می باشند. این اشخا صی به زحمت می

ترجمه: س. احمد

# تدابیر عمده در قسمت خواب و صحت

خواب بند در شب چند مرتبه بیدار میشود و خواب های خطرناک می بینند و معمولاً از نا سلامتی ارگان های داخلی و یا از ترسیدن، عادات تلقین شده، خرابی مزاج و خستگی شدید رنج میبرند. حسب معمول ازدواج های خواب آورو مسکن استفاده می کنند.

طبق نتایج تحقیقات اضافه تر از همه کارکنان و سایر حمل و نقل (ترا نسیپورت) از خواب خود رضا یت داشته اما زندهای که در خانه مصروف امور منزل اند و کسدام مصروفیت دیگری ندارند و متقاعدین یعنی ما مورینکه مدت کار آن به انجام میرسد و تقاعد می نمایند از خواب ناراضی می باشند.

کارگرانی که با آلات اهترازی، غا لمغال و مواد شیمیایی سروکار دارند موقعیت وسطی را در بین دو کتگوری فوق دارند. اشخا صی در رشته های که جنبه فکری و روحی داشته باشند بسیار بیخوابی می کشند.

قسمتیکه در یکی از موسسات پرسش صورت گرفت فقط نژده فیصد کارکنان فکری از خواب خود رضا یت داشتند. علت این حادثه کارهای شدید فکری، نپسودن خستگی جسمی و از دیاد معلومات و اطلاعات است. در جمله کسانیکه از خواب خراب خود شکایت دارند زنها قسمت اعظم آنها را تشکیل میدهد. یک خصوصیت با ید تذکر داده شود از سابق این نکته معلوم است که انسان در قسمت خوابش خود بطور عینی قضاوت کرده نه می تواند. پرسوئل طبی و اشخا- صی نزد یک با کسانیکه صبح از

عینی فعالیت مغز انسان در زمان خواب رجوع کرد. از تحقیقات مذکور نتایج ذیل بدست آمد: اشخا صی وجود ندارند که بدون خواب زندگی کنند. بدین لحاظ در حال حاضر استعمال اصطلاح بی خوابی درست نیست. این لفظ از نقطه نظر ما عیت خود نیز صحیح نبوده زیرا از سوی دیگر شرایط ناگوار روحی را بار می آورد حتی اشخا صی که از خواب کردن بکلی انکار می کنند مدت خواب آنها به بیست و چهار دقیقه می رسد در حالی که نورم این اشخا صی ۱-۵ دقیقه می باشد.

در این مورد اشخا صی را که خواب خراب داشته باشند چگونه میتوان کمک کرد؟

در این قسمت بهتر است از استعمال دواهای متعدد پرهیز شود و در عوض رژیم استراحت، کار و تغذیه بطور مناسب تعیین شود. در این قسمت انتخاب کار از اهمیت بسزایی برخوردار می شود. بد نیست که در اینجا نکته چند از آما- دگی برای خواب سخن گفته شود تمام وقت بیداری در حقیقت مقدمه چینی برای خواب است. در این مورد باید به عادات مقرر از احتیاط کارگر فته شود. یک شخص بعد از تقریباً پنج ساعت خواب می کند.

بعضی هازمانی که گرسنه باشند خواب کرده نمی توانند اما برعکس بعضی ها را این کار مانع نمی شود. بصورت عموم بهتر است که قبل از خواب کمی تفریح شود و از خوردن غذایی قبل از خواب خودداری شود حمام گرم بگیرد. اما عادات در این قسمت از هر نوع توصیه ها مهم تر است.

بطور مثال تعداد زیاد دی عادت دارند قبل از خواب مطالعه می کنند. داکتران چشم اظهار نظر می کنند که این کار اثرات منفی بار آورده و مضر است. اما اگر در صورت خلاف رفتاری از این کار خواب برهم زده شود بهتر است تا آنرا ادامه داد. علت برهم خوردن خواب بطور ثابت اختلال سلسله اعصاب می باشد. اگر چه مبارزه با این اختلال کاریست بس مشکل اما میتوان آنرا مغلوب نمود.

بقیه در صفحه ۴۹

خواب بیدار میشوند و از خواب خراب خود شکایت می نمایند از خواب عمیق آنها که گاهی با خروپف نیز همراه می باشد شبانه دت می دهند.

در تحقیقات متعدد دی با لای مر- یضا نی که از خواب خراب خود شکایت داشتند حقیقت فوق به اثبات رسیده است بطور مثال اغلباً این نوع مر یضان را قبل از خواب یک صفحه کاغذ و قلم می دهند تا در هر نوبت بیداری خود با لای صفحه کاغذ یک خط بکشند معمولاً دیده شده است که صفحه کاغذ بدون کدام خط به حالت اولی خود باقی مانده است.

در یک قسمت تحقیقات حتی تو- سط آلات ولوازم مخصوص حرکات مر یض در زمان خواب تثبیت گردیده و دیده شده است که در یک وقت معین به حالت آرام باقی مانده این حالت در وقت بیداری هیچگاه به نظر نه می خورد.

علت چیست؟ ممکن است مریم بطور شعوری خود را در این مورد تلقین می کنند و فکر می کنند که خواب خراب دارند؟

قسمتیکه معلوم است این طور صورت نمی گیرد زیرا نخست اینکه شخصی، شب در مدت بیداری تصور می کند که وقت دیر تر میگذرد. دوم اینکه بعضی از اشکال فعالیت روحی را که در خواب می بینند مانند بیداری فکر میکنند. سوم اینکه حالتی موجود است که در صورت آن موجودیت خواب نفی میگردد. تعداد زیاد دی از سوا لها زمانی حل گردید که علما به ثبت

## جراحی روانی...

واقعه میشد در دهه شصت و بعد از آن جراحی روانی به طرز نوشکل گرفت همگام با تکنولوژی معاصر روش های لوپو تو می ابتدا می متروک و بجای آن عملیه های منجمد سازی ، انساج ، مداوا با مدارکی صوت و نصب الکتروود ها بمیان آمد.

نتایج بعدی نشان داد که هر سال چهار صد الی پنجصد فرد بیمار احتیاج به عمل روی میز جراحی قرار میگیرند. طریقه های گفته شده شامل فرو ریزی وانهدام یک عده انساج بخصوص مغز بوده تا عادت غیر نورمال و غیر قابل مهار در اداره آیند .

با آنکه قدم های مثبت برای شکل گیری بهتر این طرز العمل صورت می گرفت گروهی از جراحان مغز رد دست شایسته ساختند و عمل را محدود و اعلام داشتند که در بسی واقعات نادر منحنیت آخرین در مان میتوان دست به چنین کاری زد به عنوان مثال در واقعات پیلپسی میتوان این جراحی را به خدمت گرفت اما اولین اعتراض بر مسئله توسط داکتر پتر برژن روانکاو امریکایی صورت گرفت. وی را قاتل ضمیر و روان خوانداز دیدگاه داکتر برژن هدف واقعی جراحی جز ضعیف ساختن ، تغییر در شخصیت و منش ، آرام ساختن بی لزوم شخص عمل سر کوب ساختن حساسات و عواطف چیز دیگری نیست ضمنا او خطرات احتمالی را بیشتر انگشت گذاشت و علاوه کرد چون نتایج این اصل ناباز گرداست کاری است بسی خطرناک ، ازسوی دیگر :

۱- جراحی روانی در انسانها به پیروی از شیوه جراحی حیوانی صورت میگیرد . که نتایج خوبی به دنبال ندارد .

۲- جراحی روانی مداخله مستقیم به شخصیت ، عادت و منش فرد دارد .

حال که کم و بیش از مخالفان عمل گفتیم ، ببینیم مدافعان در مورد چه گفتنی دارند و چگونه دلیل میاورند: دانشمندان جان دو نلی روان نشنا-

س امریکا می در داغترین روز های انتشار خبر اعلام داشت که عمل روز بروز به شکل بهتر حاضر می شود . وجهان طبابت نمیتوانند از موجودیت همگانی آن انکار نماید. داکتر ویلیارد گایلین به پیشرفت این طریقه حتم دارد به نظر او با اندکی تعدیل و دست کاری میتوان موفق شد به نظر او رد عکس العمل های منفی روانی که با این وسیله

تحت کنترل در می روند تا نیرت گروهی داشته و نصب الکتروودها رانیاز مند است با آنها فایده های آن نسبت به زیان های آن پیشی میگیرد . نظر به گفته های بالا بیمار میداند که شیوه جراحی

## ریکارد بودو

از آن غرض تحقیقات سطح زمین استقاده های زیاد بعمل آوردند. دراوقاتی که کار آنها رو به اختتام بود معلوم شد که آنتن رادیو تلسکوپ از استیشن سا لوت شش جدا نمی شود. اگر آنتن به حالت خود گذاشته میشد استیشن مذکور نظر به پلان معین خود کار را پیش برده نمیتوانست . برای اینکه آنتن از استیشن علیحده میشد ضرورت افتاد تا کیهان نوردان به فضای آزاد بیرون آیند . سابق کیهان نوردان به فضای آزاد در روز های اول پرواز خود می بر آمدند یعنی

وقتیکه دارای نیروی کافی بودند اما این دو کیهان نورد مجبور شدند تا در روز ۱۲۷ کار خود به فضای آزاد بیرون آیند اگرچه از نقطه نظر داکترها این عمل امکان پذیر بود. بالاخره به تارینخ پا نرزه اگست در مرا حل اختتام کار خود این عملیه رانیز به پایان رسانیدند و علاوه تا به ابتکار خود تحقیقات اضافی را نیز انجام دادند منجمد طراحان استیشن میخواستند بدانند که در دریچه های استیشن چرا کمی تا ریگی ایجاد شده بود. ریومین

تغییری در شخصیت او وارد نخواهد کرد که این عمده ترین تیوری روانی خود و حمل است مریشان روحی که به اصول های دیگر درمانی تن در نمیدهند این تداوی را به عنوان آخرین راه در مورد می دانند .

نظریه آینده :- سالیان آینده دو هزار و فوق آن هر چه بیشتر باز تاب فشارها ییش را بر مغز ما وارد خواهد کرد و بیماری های روانی و روان جسمی را در دنیای طسب بخش خواهد کرد که امروز آن نامی نیست . بهر حال اگر در گیری های روحی و خستگی روز بروز زیاد میشود و مغز ما را تسخیر می کند ،

گسترش و تحقیقات علمی نیز روز بروز برای مهار نهایی آن میکوشد بهر حال سال های دوهزار ما را بیاد قصه های علمی خواهد انداخت که انسان چگونگی برای نجاتش از عوامل بیماری زا در تقلا خواهد بود

توسط دستمال کاغذی مخصوص در پیچه را پاک کرد و دستمال را با محتویات آن به زمین باخود آورد . ریومین ولیا خوف یک ساعت و بیست و سه دقیقه در فضای آزاد سیری کرد و سه روز بعد سیزده سی و چهار در منطقه معینه به بسیار نرمی پا نین آمد . به این ترتیب ریومین ولیا خوف یکصد و هفتاد و پنج شبانه روز را در فضای سیری کرد تا هنوز این رقم ریکارد جهانی در قسمت بودو با ۱۰۰ در فضای کیهانی میباشد اما هدف در این قسمت از قایم نمودن ریکارد نیست بلکه هدف این است تا دانسته شود که بودو با شش زیاد و طویل کدام خطرات را بار می آورد . علما این مسایل را بطور موافقانه حل مینمایند و وسایل حفظ ما تقدم را برای مبارزه با تمام ناگواری ها طرح میکنند . این نکته هم اتفاقا نیست که مدت اقامت در فضای روز بروز طولیتر میشود بطور مثال یوری روما نکو و گیورگی گرچکو نود و شش شبانه روز و ولاد یمیر کوالو نوک و الکساندر ایوانچنکوف یکصد و چهل شبانه روز را در فضای سیری کردند و حال ریومین ولیا خوف یکصد و هفتاد و پنج شبانه روز را بلند بردن با لتر تمب مدت ساخت

۱- این اصول در آینده در صورت رت هدایت گروهی جراحان باید صورت گیرد بدینگونه عمل پوسیده کمیته ها بر رسی گردد . موافقت مریش با عمل در زمینه در صدر مسئله است .

۲- این وسیله بیشتر با لای بیماران روانی و زندانیان و اطفال تطبیق خواهد شد . پژوهش های نو در زمینه و پیاده نمایی آن در مسئله از نگاه کادر های حقوقی و اصول های جامعه قابل قبول است و کمیته اچ ای ویلیو همه امور مربوط را کنترل می کند .

جراحی روانی بدون شک به حیث یک بعد قابل بحث و در عین حال جنجالی در روانشناسی مدرن باقی خواهد ماند . فردا نویدی است با دست آورد های نو شش در جهان دانستنی ...

اقامت در فضای کیهانی آینده بشریت را تشکیل میدهد به این ترتیب این سفر دور و دراز فضای نیسختا تمه یافت . حال علما از تحقیقات و تجارب اجرا شده آنها نتیجه گیری می نمایند اما سا لوت شش هنوز هم به کار خود ادامه میدهد . این استیشن برای اولین مرتبه دو سال قبل به فضا پرتاب شد تا حان هفده سفینه با او ملحق شده علاوه تا شش سفینه بار بر مواد محروقاتی نیز به استیشن سا لوت شش سفر کرده اند . اضافه ترازی یکسال کیهان نوردان در آن کار کرده و تا هنوز چهارده نفر به آنجا سفر کرده اند . اساس گذار سفینه های فضای اتحاد شوروی تسلیا لکوسکی آرزو داشت تا در فضا شهرها ایجاد شود ، دستگاهای ساخنه شوند که مواد قیمت بهارا که در زمین ناممکن است بدست آیند استیشن های برق فضایی ایجاد شوند تا از انرژی آفتاب به این ترتیب در زمین استقاده شود. پر واز آخری وقتیکه نشان داد انسان میتواند برای مدت زیاد در فضا باقی بماند و در حالت بی وزنی زندگی میکند در آینده نزدیک آرزو های تسلیا لکوسکی را بر آورده خواهد ساخت .

پرستاران مربوط در قسمت کمک با مریض ، ثبت تاریخ مریضی و وقایع مربوط به او با داکتر مربوطه همکاری نموده و حتی در قسمت معاینه آنها نیز تلاش و فعالیت به خرج میدهند. در بعضی حالات مهم که پرستار و معاینه پزشک نتوانند کاری را انجام دهد با دکتور مربوط ارتباط برقرار می سازد و در مورد مشکل موجود از داکتر و متخصصین مشوره طبی و هدایت های لازم را می خواهد در نقاطی که از مراکز صحتی کاملاً بعید بوده تماس مستقیم نتوانند صورت گیرد در چنین حالتی از طریق امواج را دیویی و مفاهمه تیلیفونی حل مطلب می نمایند و حتی از طریق مفاهمه تلو یزیونی و را دیویی بعضی عملیات مهم طبی را در همین امبولانس ها انجام داده اند .

یکی از دانشمندان گفته است که آنچه که باید یک پزشک انجام دهد منوط به عملیات و جراحی های مریض نبوده بلکه آنچه که عمده تر او میتواند انجام دهد مشوره طبی و هدایت های لازم است که چگونه مردم میتواند کمک های عاجز و اولیه را حین بروز حادثات ناگوار خود بخود انجام دهند و نتوانسته باشند تا رسیدن به مراکز صحتی حیات شانرا تضمین نمایند .

اضلاع متحده خدمات صحتی عاجل از طریق هلیکو پتر صورت می گیرد این کار توانسته است که در حدود پنجاه فیصد خطر مرگت را از بین ببرد .

یکی از متخصصین مربوطه گفته است از زمانیکه سیستم عاجل صحتی رویدست گرفته شده در بسا واقعات عاجل رسیدگی آن صورت گرفته و در حدود اضافی از هشتصد حملات قلبی مریضان به صورت فوری تدابیر و علاج گردیده و این بز رگترین موفقیت است که آدمیزاد تاکنون در مورد بدست آورده است .

متخصصین مربوط اظهار نظر نموده اند که امبولانس های سیار و هلیکو پتر های مربوط کاملاً با آلات و ادوات صحتی مجهز بوده تقریباً شباهت نزدیکی به یک شفاخانه میداشته باشد که در آن امراض گونه گونه تدابیر میگردد. در امریکا در چنین موسسات صحتی عاجل اکنون اضافه از یکمیزان ششصد متخصص طبی و یکصد مکتب صحتی موجود است که پرسونل مورد نیاز تربیه و تعلیم می دهند .

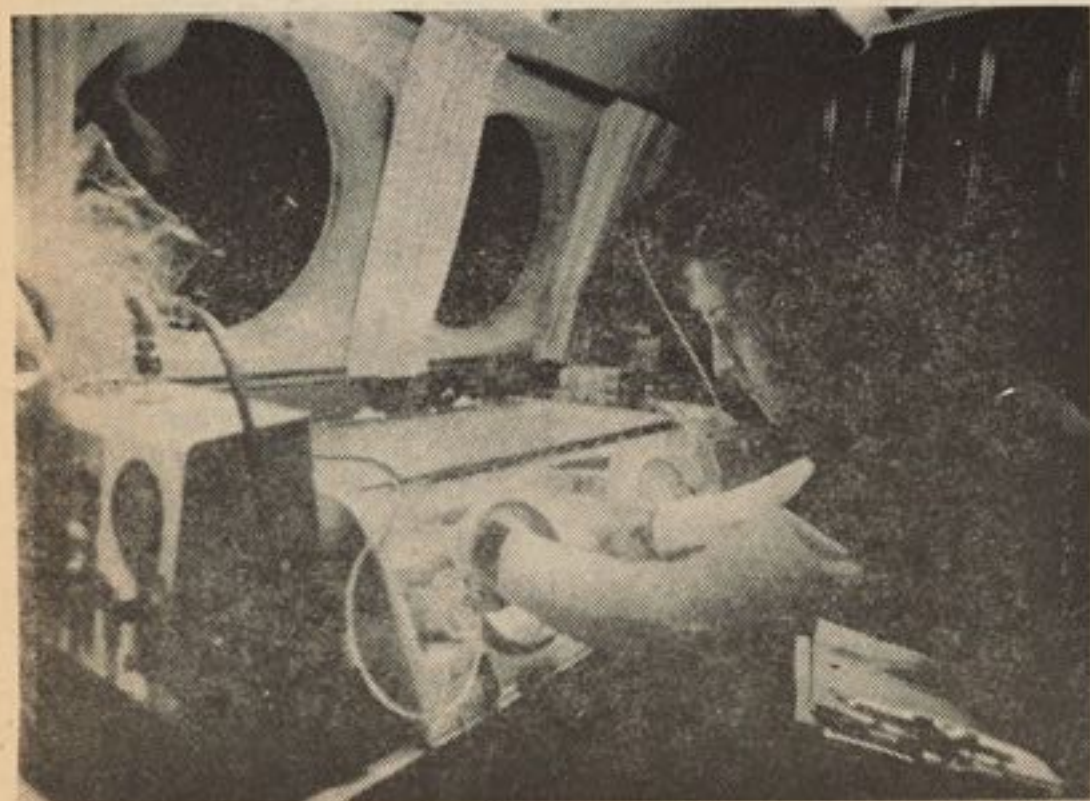
در هر یکی از امبولانس ها و هلیکو پتر ها داکتر معاینه و نرسها وجود دارند که نرسها



صحنه ای از خدمات عاجل صحتی که در امبولانس هلیکو پتر در جهان امروزی جهت حفظ حیات بشری انجام می یابد .

مترجم: حفیظ الله عیادی

## سایینس در راه مبارزه با مصائب ناگوار در جامعه بشری



یکی از عملیات طبی بداخل هلیکو پتر

درین اواخر در شهر های مزدحم که در آنها تعداد زیاد مردم زندگی میکنند و رسیدن از یک نقطه به نقطه دیگر وقت زیادی را در بر میگیرد و این امر حین بروز مصائب و حادثات ناگوار چون حادثات ترافیکی ، حریق و غیره مشکلات را بارمی آورد و رسیدن تا مرکز صحتی قرار دهند چنانچه در بسا نقاط

## جلوگیری از سوء تغذی

۱- ازدیاد و تکثیر نفوس در ممالک روبرو انکشاف :  
تولدات بی در پی و نبودن فاصله معین و لازم بین دو طفل ایستادگی تکثیر نفوس را سبب میشود .  
۲- قلت و کمبود مواد غذایی از اثر زراعت و فلاحت غیر کافی .  
۳- تقسیم و توزیع نامناسب مواد غذایی بنام می افراد جامعه  
۴- عوامل اقتصادی و اجتماعی :  
عدم از باعث فقر و بیچاره گسی قادر بخیرید مواد غذایی او لیسه نیستند . و بعضی ها نظر به کلتور و عنعنات در مقابل بعضی غذا ها تعصب دارند . یا اینکه بنا بر نداشتن معلومات کافی تغذی نمیتوانند مواد غذایی مفید را انتخاب نمایند . یعنی غربت غفلت و بیسوادی اسباب عمده سوء تغذی اند .

عوامل مریضی :  
بی اشتهاپی ، قیات ، اسهالات ، عمل هضم و جذب غیر طبیعی ، اخات سیروز کبد (که از مواد غذایی جذب شده استفاده شده نمیتواند) ، امراض خبیثه ، تب ، سرماخوردگی ، سوختگی ، کسور عظام ، دیابت (از باعث اطراح گلو کوز از طریق ادرار) ، سند روم نفرو تیک زیرا باعث اطراح پرو تین از طریق بولی میشود) عبارت از امراضی اند که باعث سوء تغذی میشوند .  
**۵- ضرورت زیاد بمواد غذایی :**  
مثلا در زمان حاملگی و شیردهی ، کار زیاد و شانه خصوصاً در هنگام سر ما که در ینصورت ممکن غذا های عادی تکافو نکنند .  
عوامل که باعث تنقیص حاصلات زراعتی میشوند :

تنقیص قوه بشری در پرو سه تولید مواد غذایی ، خرابی وضع زمین از نظر زراعت خشکسالی ها و کمبود آب خصوصاً در موسم کشت ، زراعت یک نواخت و زرع یکتعداد مواد غذایی غیر ضروری تبدیل نمودن زمینهای زراعتی به چرا گاه ها قلبه نمودن خراب و غیر فنی زمین زراعتی ، آتش سوزی زمینهای زراعتی ، امراض نباتی ، موجودیت حشرات پرانه گان و

جونده گان که بها صلوات زراعتی ضرر میرسانند و استفا ده ادویه جات ضد حشرات نباتی بصورت غیر فنی عبارت از عواملی اند که باعث تنقیص حاصلات زراعتی شده و بصورت غیر مستقیم در وجود آوردن سوء تغذی رول بسزا دارند .  
جنگ و جدال و بحرانات گوناگون :  
زیرا از یک طرف کار در مزارع صورت نمیگیرد و از جانب دیگر از باعث ایجاد مشکلات انتقالی و ترا نسپورتی مواد غذایی بصورت صحیح بدسترس مردم قرار نمیگیرد .

صعود نرخها و احتکار مواد غذایی .  
نبودن کار و عدم استخدام :  
مردم بیکار در اثر بر هم و در هم بودن توازن اقتصادی شان نمیتوانند غذا های مفید و لازم را خریداری نمایند به اینتر تیب اعضای فامیل شان با لخاصه مادران و اطفال که گروه حساس فامیل شان را تشکیل میدهند از همه او لتر مصاب سوء تغذی می شوند .

یکعده از فامیل ها که پولدار و قادر بخیرید ، هرگونه مواد غذایی ضروری و مفید اند . بدون در نظر داشت صحت و سلامت شان جهت کسب پر ستیژ شخصی و فامیلی غذا های غیر ضروری و غیر پرو تینی شیرینی دار مانند بیسکوت ، کیک ، کلهج ، شیرینی باب و غیره را که عاری از اکثر مواد تغذی و ضروری اند بیشتر تحت استفا ده قرار داده یا اینکه همیشه برنج را بصورت یک نواخت صرف مینمایند و خود را از غذا های ضروری و اصلی محروم گردانیده به اینتر تیب بدست خود صحت و حیات خود و فامیل خود را بمخاطره میندازند . همچنان بعضی از مادران جهت کسب پر ستیژ بدون در نظر داشت صحت اطفال شان عوض شیر خود به اطفال خود شیر بودری تو سط بوتل یا جو شک میدهند (اگر نظر به عللی مادران مجبور میشوند که

اطفال شان را شیر بودری بدهند با ید اول شیر رادر گیلاس و یا کدام ظرف دیگر تهیه نموده و بعد توسط قاشق به طفل شان بدهند . در نتیجه تجارب و تحقیقات علمی ثابت شده که شیر مادر بهترین غذا برای طفل بوده و اگر شیر چو شک جای شیر مادر را بگیرد بر صحت طفل اثرات نا گوار دارد . زیرا از یک طرف طفل بمقا دیر زیاد شیر ضروری داشته در حالیکه شیر بودری گران بها بوده و اکثر وایلین مقادیر ضروری شیر را خریداری نموده نمیتوانند . و از طرف دیگر عدم مراعات حفظ الصحوی سمانیکه شیر در آن تهیه میگردد و نشو و نمای میکروبیهای گوناگون در شیر مو صوف اولیا باعث ایجاد امراض انتانی و بعدا باعث سوء تغذی طفل میگردد . که به اینتر تیب در صورت استفا ده از شیر بودری بر علاوه گر سنگی اثنا نات نیز در تشدید سوء تغذی رول عمده بازی میکنند .

### تدابیر عمده و اساسی وقایعی سوء تغذی :

- ۱- بهبودی وضع اجتماعی و اقتصادی بصورت عمومی و از بین بردن غفلت ، غربت و بیسوادی که عوامل اساسی و عمده سوء تغذی را تشکیل میدهند .
- ۲- بهتر ساختن وضع حاصلات زراعتی ، مالدارزی و غیره .
- ۳- تاسیس و انکشاف خدمات صحی یا اساسی از نظر کمیست و کیفیت بصورت کلی و همه جانبه ،
- ۴- تربیه پر سونل طبی داخل سرو یسهای صحی و اشخاص فنی که در ساحه کار میکنند .
- ۵- تعلیمات تغذی به والدین اطفال ، بخشش تعلیمات و تبلیغات تغذی بگرو بهای مختلف مردم : شامل نمودن این چنین تعلیمات در پرو گرامهای تربیوی معارف و گنجا نیدن آنها در نشرات مختلفه کشور از قبیل رادیو ، تلو یز یون روز نامه ها ، مجلات و توزیع پوستر و پامفلتها در بین مردم پیشبرد پرو گرامهای تغذی تطبیقی و عام فهم نمودن تعلیمات تغذی .
- ۶- ترویج استفا ده از مواد غذایی مفید متنوع و ارزان قیمت .
- ۷- گسترش و انکشاف فعالیت های تغذی بمنظور تطبیق تدابیر موثر تر در جلوگیری امراض مختلفه و توزیع غذا های پاک و صحی .
- ۸- فاصله بین دو حمل بایسد مطابق به اساسات (بلان خانوادگی) صورت گیرد تا ولاد تهای پی در پی مساله سوء تغذی را در فامیل ها بار نیآورد .

## بیمو حیب

به سرطان نیز جلو گیری میدارد . عده از کار مندان یک لاریکه مشروب سازی مدعی است که از یک نوع سمارق الکبول و نوشابه های الکبولی استحصالی داشته است . پس سمارق اینک میتواند بجای الکبول نیز کار بدهد . ازینرو در جهت شناخت نوعیت و خواص این نوع سمارق ها مطالعات همه جانبه ای ادا شده دارد . بسیاری از انواع سمارق های زهر آگین اکنون مورد استعمال زیادی در بخش های مختلفی از علوم طبی دارد .



## تدابیر عمده...

یکی از طرق مبارزه ضد اختلال معالجه طبی است زیرا در حال حاضر طبی بت از وسایلی بهره‌مند است که ابلاهی محیط دماغی تا ثیر مثبت داده رد میکند .

به این ترتیب معالجه بیخوابی بطریق طبی و روانی صورت گرفته میتواند . اغلبا به معالجه روانی روز پیشرو داده میشود در ضمن قسمت اعظم معالجه مر بوط به خودمریض نیز می باشد .

اگر علت بیخوابی عوامل خارجی بطور مگال غا لمغال جا ده ، ترا- نسپورت شمرده شود اثرات منفی بار می آورد . معمولا اشخاصی که در محیط پر شور می کنند بعد از مدت کوتاهی عادت گرفته و بعد از مدت کوتاهی عادت گرفته و بعد به بسیار راحت می خوابند و اگر محیط بکلی آرام باشد این اشخاص خود را آرام حس می کنند . اگر بطور مثال علت بیخوابی عوامل خارجی شمرده شود گرچه در اول چندان مهم به نظر نه می رسد چندی بعد شکل عامل اصلی به خود می گیرد و چون نکه تمام افکار متوجه عامل خارجی میشود همیشه باعث اختلال خواب میشود .

بقیه صفحه ۱۹

## چگونه مبارزه با حوادث

حاضر اضافه تر از پا نزده فیصد نفوس جهان در زمان خواب ازدوا های خواب آور استفا ده می کنند . اما اگر دوا های مذکور مدت زیاد استعمال شود بالاخره شکل عادت را بخود گرفته و بی‌الخره شخص مجبور میشود تا هر روز از آن استفاده نماید زیرا بدون آن هیچ خواب کرده نمی تواند .

اگر از استعمال آن در این وقت نپن ناوخ قستض عنقند آهه . صورت صرف ظر شود فشار روحی زیاد را بار می آورد . دوا های خواب آور معمولا رژیم خواب را بکلی تغییر می دهد . قسمیکه تثبیت شده است بعد از نود دقیقه خواب مرحله خواب سر یح ایجاد شده و تفریبها ده دقیقه ادامه می یابد در طول شب مشخص چهار الی شش این نوع مرحله را میگذراند و در اوقات صبح هر حله خواب سر یح سی تا چهل دقیقه طول میکشد . تجارب طبی نشان داده است که استعمال مشروبات الکولی این مرحله خواب سر یح را که برای انسان ضرور است بر هم زده و به تد ریج قلت آن حس شده و بالاخره سیستم کار رشته های عصبی را بر هم میزند . بدین ترتیب اگر از تو صیه های بدین ترتیب اگر از تو صیه های فوق استفا ده شود ممکن است به صحت و سلامت انسان کمک لازم نماید .



گرویی از واحدهای دفاع ملی یوگوسلاویا که هنگام مقابله علیه تجاوز دشمن، دوطلبانه سهم می گیرند .

بقیه صفحه ۲۹

## زنان یوگوسلاویا

انتگیزه بیشتر در رشد شخصیت نظامی زنان و تقویت حس شهامت آنان تأثیر مثبت و موثر دارد . بطور مثال : پیغله «سوزاناکوفلزویک» که چهارده سال عمر داشته و یکی از اعضای فعال دسته کتافان و پیگردان (مربوط به سازمان کوچک موسسه سکوت یا پیش آهنگی شهر «پوزا ریواک» واقع ایسالت «صربیا» بوده و اخیراً به لقب و عنوان «سر افتخار «پارتیزان کشاف» یا «کشاف پارتیزان» منتخر و موفق گردیده است ، ضمن مصاحبه به خبر نگار مجله ما هانه «ریویو» چاپ بلگراد گفته است :

«آنچه که بیش از همه با مشکلات بیشتر آرا جستجو و دستیاب کردم، عبارت از جنبه عملی مهارت کار، هنگام آزمایش وظیفه محوله و بحث فاصد پارتیزانی بود که در قبال سیر و منات خود را بدان معتاد ساختم . چنانچه یکروز تمام اوقات خود را بدون صرف غذا در جنگل هولناکی مخفیانه و دور از انتظار و تکسایوی پاسداران و پاسبانان طسوری گذشتادم که آنان گاهی بشکل دسته جمعی و زمانی بطور پراکنده در جستجوی من بودند تا مرا دریابند ولی موفق نشدند . در آنحال پس از یکسلسله عملیات تجربی خفیه توانستم پنهانی از دیدگاه و نقطه چشم انداز شان خود را چنان بهدق مطلوب برسانم که از دست شان کاری ساخته نشد . تا اینکه خاموشانه ولی بسرعت و مهارت براه طولانی روان شدم که پاسداران حتی رده قدمها و راه پای مرا هم پیدا کرده نتوانستند . هنگامیکه با فراسد، مواظبت و هشیاری عمیق راهپیمایی میکردم، کلیه آنهمه پیامهایی محوله و سپرده شده را بخاطر می آوردم که از رهگذر يك عملیه آزمایشی بین تقسیم و محول گردیده بود .»

در اخیر قابل تذکر است که علاوه بر پوهنخی های اختصاصی نظامی در یوگوسلاویا در مفردات درسی همه پوهنتونهای غیر نظامی آلتکتور ، مضمون تعلیم عسکری نیز در جهت معلومات عمومی محصلان شامل است که شاگردان محتوای آرا باولع و اشتیاق تمام می آموزند .

در «سلوونیا» که هنگام جنگ دسته زنان پارتیزان سراسری کشور نقش فعالی را در جبهه علیه دشمن بازی می کردند ، امروز از بنایای نظام مذکور یکدسته بزرگی از دوشیزگان جوان و صاحب انرژی و مستعد در جهت دستیابی بر وسایط جنگی ضد تانک تعلیم و تربیه اساسی را فرا گرفته اند بطوریکه آنان حین بروز کدام حادثه جنگی، میتوانند با استعمال بمبها و نارنجکهای دستی تانکهای دشمن را از بین ببرند . این گروه دختران در اصطلاح عوام بنام «پروانه ها» شهرت داشته و از یکتعداد شاگردان فارغ مکاتب عالی و ثانوی و کارگران جوان مرکب و متشکل میباشند که واحد های کوچکتر آنان در هر منطقه حساس یوگوسلاویا موجود بوده و هنگام تجاوز مخاصمانه دشمن خاک ، چون موروملخ یا بسان مگمان زهرناک بر سر روی شان میریزند و با سمپاشی و کاربرد نارنجکها در امجای آنان دلیرانه دست بکار میشوند .

برای نیل در جهت بسط و انکشاف مزید امور آموزش و فراهم آوری تسهیلات بیشتر هیات و کار مندان تعلیم و تربیه نظامی زنان بشکل منظمتر و پیشرفته تر آن ، موضوع مفردات کلی مربوط به مجموع مسائل دفاع ملی کشور ، فاکولته (پوهنخی) مجبزی بنام «کل دفاع ملی» مورد توجه قرار گرفت و نخستین بخش اساسی آن بسال ۱۹۷۵ در بلگراد بنیاد گذاری شد . همچنان مطابق پروگرام منظم و مرتب ، نوع چنین پوهنخی بی در دیگر مراکز پوهنتونهای یوگوسلاویا نیز رویکار آمد و فعلا نه در طریق آموزش عسکری دوشیزگان زنان جوان دست بکار شد . بنحویکه این تجویز به استقبال سر حرارت زنان و دختران مواجه گردید و شمار ثبت نام درین رشته بیک معیار مطلوب و اطمینان بخشی ارتقا کرد .

باید متذکر شد که قسمت زیاد امور دفاع ملی بشکل آموزش عملی آن ، خارج از محیطه پوهنخی و آموزشگاه نیز دنبال میشود و این

بوده طوفان امواج بحری را تحلیل و ارزیابی می نماید سیستم اطلاعیه یکی از عمده ترین کاری است که میتواند بزود ترین فرصت منطقه تحت خطر جدی را از تهلکه دهشت طوفان ها نجات دهد در صورت که چنین سیستم دقیق وجود نداشته باشد هر گونه احصایه و ارقام و یا پیش بینی در مورد به شکست مواجه میگردد .

گرچه ساکنین يك منطقه که براه آورد حمله طوفانهای بحری وبری قرار گرفته اند تجارب در زمینه اندوخته اند که چگونه در وقت وزماتش میتوانند در رهایی و نجات شان تلاش و اقدام نمایند اما از آنجائیکه باشند گان جدید در منطقه ممکن است وارد گردند به این لحاظ کار به دشواری مواجه میگردد بنابراین ملحوظ است که دانشمندان تأسیس اداره مبارزه بر ضد حوادث را که دارای پرسونل فنی متجرب و سیستم اطلاعیه و پیش بینی دقیق اوضاع جوی باشد تا کاید می نمایند .

نمی آیند آنچه که طوفان ها تر گذشته های دور تاریخی وحی در چندین دهه قبل خسارات را بوجود می آورد امروز فاقد آن قدرت و توان اند زیرا دانشمندان در گوشه و کنار جهان در صدد آن هستند تا وسایط و ادارات معجز را تأسیس نمایند که قادر باشند بلانهای وقایعی و مبارزه با حوادث ناگوار را داشته باشند یکی از موسسات فعالی که تاکنون وجود دارد در ایالات متحده امریکا است که با وسایط معجز از قبیل اقمار مصنوعی به فاصله هزار ها میل در فضا ناظر پیش بینی حوادث و مخابره آن در کره ارضی و به اداره مربوط می باشد

موسسه مذکور دارای هلیکوپتر و طیارات اند که میتوانند طوفان ها و هر یکن هارایمورت متواتر تعقیب نموده و وقوع آن را بزود ترین فرصت در منطقه معینه اطلاع دهد هم چنان تعداد زیاد کشتی های بحری نیز روی این منظور در عمق و سطوح ابحار در گشت و گذار

### عیار نمودن ...

بین السیارات طرز استفا ده از زمان تعطیل چندان مسئله مهم و عمده نبوده ، چیز یکه عضویت را میا زارد . از یک طرف کاهش یکنواخت وزن بوده و از جانب دیگر زما نیکه کیهان نوردان به سطح سیاره مریخ و یامدار سیاره زهره بر سند دیگر هیچ وقت برای استراحت شان نخواهد داشتند . مگر از دیاد وزن بسان کاهش وزن معکوس گردیدن عادت خواب و بیداری را سبب گردیده و هم باعث ایجاد ناهم آهنگی نیل خواهد گردید . آیا میتوان معضله اخیر را حل نمود ؟

دو کتورس . س . ستیا نو فا (ماستر طب) در مونو گرافش معضلات مهم بیو ریتمو لوزی کیهانی (مقاله جالبی را تحت عنوان (معلومات و ارزش انرژی بیست و چهار ساعته) بر شته تحریر در آورده است . بگمان دانشمندان ساینس هر شخص بطور انفرادی و مداوم روز مره یک مقدار معین و مشخص انرژی را مصرف نموده و هم یک اندازه معین و مشخص معلومات را کسب مینماید . ظاهرا این یکی از قوانین اساسی است که ساختمان وظیفوی و ریتمو لوزیک عضویت را رهبری میکند . و از همین باعث انحرفات از حالت نور مال در هر دو جهت ریتم خواب و بیداری را معکوس میسازد .

اگر نظیر اینگونه وقایع در حین یک پرواز طولانی اشکار گردید باید سیکل شبانه روزی با افزایش دوره بیداری (دوره جریان اطلاعات خواب بحال نور مال نگهداشتنه و هزینه انرژی) در حالیکه زمان خواب بحال نور مال نگهداشتنه شود طولانی تر گردد . البته بطور طبیعی بار عضویت افزایش خواهد یافت .

مادامیکه وقت کار شاقه آمد باید سیکل شبانه روزی با تبدیل و کاهش دادن دوره بیداری در حالیکه زمان خواب و استراحت بحال نور مالش نگهداشتنه شود کوتاه گردد . که بلا شك این عمل مانع تحمیل بار اضافی بسالای عضویت خواهد شد .

از نظر تخنیک اجرای این چنین عملیات هیچ مشکلاتی ندارد :

بر یود شبانه روزی زمینی و زمان سنجها بیک سیستم مصنوعی که میتواند به بسیار ساده گی به یک سیکل شبانه روزی تعدیل یابد تعویض خواهد شد .

مگر شاید خواننده گرامی بپرسد که او با تکنالوزی باید چه کند ؟ در آغاز مقاله تذکر داده شده بود که انسان نمیتواند خود را بپایر یود های طولیل یا کوتاه تطابق دهد . و این شامل انحرفات اساسی از نمونه های عادی شبانه روزی (که چهار شش و دزاده ساعت دولم میکنند) میباشد .

عضویت انسان میتواند خود را فقط به انحرفات کوتاه (که یک یا دو ساعت دوام کند) توافق دهد . ضمنا اگر اشخاص انفرادی کاملا از تحت تاثیرات خارجی

بقیه صفحه ۲۶

### پلان اعمار شهری

جها نی است بلکه محل تجمع و گرد هم آیی هزاران هزار چهره های ور زشی جهان ما شمرده میشود که در را بطه و نزد یک شدن انسا نها وشنا سایی یکدیگر نقش بزرگ را ایفای نماید او علاوه میکند که چنین گرد هم آیی ها هر قدر یکه زیاد تر صورت گیرد به همان پیمان میتوان در رفع کدورت ها و درک های نا در ست مردم از یک دیگر قدم برداشته و این امر در

بقیه صفحه ۱۱

### باج

نوی وخت داسی خو نبی وزیر ولی چی دمحمد عمر کو چی په شان دیر نور غم لری کو چیان د داسی بد بختیو خجه خلاص شول چی تصور بی نشو کو لای .

داسی انقلاب راغی چی دخوارانو مینه یکی وه د زره سواندو خپسو نغمی بلبلانو و غبرو لی په چمن کی سرو گلا نو داسی میلی جوړی کړی چی نندارو نه بی هر چا گپه اخسته . دشرق خلانده دیوی دیری تیاری خونو رو ښانه کړی .

### دمسلمانانو ...

داسلامی هیوادو نو سپو رت مینانو زیاتی آسا نتیا وی برا بری کړی؟

هو ولی نه! ددی له پاره چی سپو کال داوړی په مو سوم کی دالمپیک

نړیوا لو لوبو په وخت کی د اسلامی هیوادونو ور زشکا را نو او سپو رتی تیمو نو ته زیاتی

آسا نتیا وی برا بری شوی وی د شوروی اتحاد داسلامی بورده له

خوا همدا اوس یو لړ پلانو ښه طرح او تر اجرا لاندی نیول شویدی .

ددغو پلانو نو له مخی دتو لو هغو اسلامی هیوادو سپو رت

مینانو ته چی د ۱۹۸۰ کال دالمپیک په نړیوا لو لوبو کی دبر خسی

اخستلو له پاره شو روی اتحاد ته سفر کوی بلنه ور کو له کپری چی

دمسکو په جوما تو نو او اسلامی مرکزو نوسر بیره دتاشکند ، دوشنبه

بخارا او دغه راز د هغه هیواد دنورونبارونوپه جوماتونو کی اسلامی

لمونځ ادا کاندی . له دی کبله چی دمسکو د ۱۹۸۰

کال دالمپیک نړیوا لی لوبو دروژی دمبار کی میاشتی نیکمرغه ور خو

سره سمون خوری دشو روی اتحاد دمسلمانانو دبورده له خوا ددغه

مبار کی میاشتی دمهذبی مرا سمو دتر سره کو لو دپاره ضروری پرو

گرامو نه او تد بیرو نه تر اجرا لاندی نیول کپری . ددغه پرو گرامونو

په تطبیق او عملی کو لوسره هر مسلمان ور زشکار او سپور تمین کو لای

شی چی دالمپیک دنړیوا لو لوبو په ورخو کی روژه ونیسی او خپل

مذهبی مرا سم په خای کاندی . اعظم لاکبر ددغه اختصاصی

مر کی په پای کی هیله غر گنده کړه چی دنړیوا لی مسلمانانو دسو لی

او نړیوال امنیت دپینگښت په برخه کی دهیخ ډول مر ستو او همکارو

خجه ډډه ونه کړی . ( پای )

تجربید شونده هر کدام شان (پسر نامه) خاص مربوط بخود شان که نمایش میدهند ، پر یود شبانه ساعته از دیگر شان بیست و پنج یا بیست و شش ساعته و ... دریافت خواهد شد .

بعباره دیگر هر شخص بصورت انفرادی برای خود یک ریتم انرژی (ریتم طبیعی او از تحت تاثیر محیط زمین خاکی ازاد است) خاص دارد .

در فضای خارجی در داخل کشتی فضا یی دور از سطح زمین ریتم انرژی کیهان نور دان با محیط ما حول شان (در فضای خارجی) به بسیار خوبی توافق نماید مگر اینکه سیکل شبانه روزی مصنوعی کمک شان کند .

استحکام پای های دو لتی - صلح وترقی وشکو فانی جا معه بشری سهم از زنده بجا خواهد گذاشت او اظهار نظر نموده که بعد از ختم هر یک از مسابقه گفته میشود که درین جا در حدود بیست و هفتصد الی هشتصد اسب برای کسانیکه مشتاق اسب سواری باشد وجود خواهد داشت او هم چنان میگوید که درینجا محل مناسب برای آب بازی - جمنا ستیک نیز بوده و کسانیکه علاقه تام به آموختن انواع گونه گون ورزش داشته باشند میتوانند تحت رهتمایی مشاوریان به آموزش آن بپردازند .

محمد عمر کو چی هم دخمکی خواند شو . دکور خواند شو دعزت خواند شو . بالاخره داسی ژوندی پیدا کړ چی دتیرو زرو خاطر و لپاره یکی خای نه و . هو دا دثور انقلاب و . دا هغه ویاړ لی انقلاب دی چی د دیرو بسی وز لانو لپاره یکی د ژوند خو اواره زیری براته دی .

هو ، اوس کوچیان ، خوښی کوی . اتبو نه کوی ، میلی جوړوی ، هو ، کوچیان ، هو هغه سر گر دانه کوچیان چی کور یی نه در لود ، په سرو او تو دو کی لوی شوی کوچیان چی تیرو زرو مناسباً تو رپرو لی وو .

( پای )



رئیس انستیتوت قره قل، هنگامیکه در مورد لیلامهای لندن ولینتگراد معلومات میدهد .

## پوست قره قل افغانی...

- انستیتوت قره قل يك موسسه غیر  
انسانی می باشد که جهت انکشاف تجارت  
قره قل فعالیت می نماید .  
وی افزود : تمام فعالیت های مربوط به  
پوست قره قل به استثنای خرید پوست تحت  
رهنمایی و کنترل این موسسه صورت میگیرد.  
مثلا رهنمایی آتش دادن، سورت، عدل بندی  
انتقال بمارکیت های بین المللی ، عرضه  
وفروش در لیلامها، بازار یابی، تبلیغات  
در خارج بخاطر بلند بردن شهرت پوست  
افغانی .

این انستیتوت پوست قاجر انفرادی رامثل  
یک اتحادیه جمع ودر حقیقت یک خدمت  
به تمام کسانیکه با پوست سرو کار دارند  
از جوان گرفته تا فرد آخر .

همچنان برای نشان دادن پوست افغانستان  
ما از طریق مجلات و پامفلت ها تبلیغات و تشریح  
هم می نمایم .

کار عمده امسال انستیتوت قره قل این بود  
که پنجاه هفت هزار جلد پوست تجارتی انفرادی  
و اداری باری بزرگ مخلوط و بنام انترسورت  
بمارکیت لندن عرضه نمودیم .

نظریه اتر سورت از چندین سال پیش نهاد  
شده بود مگر در زمینه ۳۴ عملی نهاده نشده  
بود . و ما توانستیم در ۱۳۵۸ تجار را قانع  
بسازی و البته پول پوست هر تریه تنا سب  
کیفیت پوست آن داده شد که تجار از نتایج  
آن راضی بوده و امیدواریم درین راه سال  
آینده قدم فراتر بگذاریم و پوست بیشتر  
انترسورت نمایم .

بوده و از ساینس و تکنالوجی در زمینه استفاده  
بعمل می آید مگر در کشور ما تریه گوسفند  
قره قل به شکل عنعنوی آن وجود دارد ،  
مالدار بصورت عنعنوی و تجربه از اجساد  
آموخته اند که چگونه گوسفند تریه و  
جنسیت عالی و خوب بگیرند و ناگفته نماند که  
جنسیت قره قل ما عالی و کم نظیر هم میباشد.  
در آخر از عبدالنسی پایا خواستیم تا مختصر  
معلوماتی در باره فعالیت های این انستیتوت  
برای ما بدهد .

آینده هم از نگاه تجارت پوست سال خوبی  
خواهد بود و امید ما بتوانیم صادرات پوست  
را انکشاف دهیم ، یک زمانی افغانستان سه  
میلیون پوست قره قل عرضه می کرد .

عوامل پایین آمدن قیمت پوست قره قل  
چه می باشد ؟

- چیزیکه همیشه قیمت پوست را تهدید  
می نماید تغییرات مد و فیشن، بحران  
اراضی وضع جوی و غیره عوامل می باشند،  
خوشبختانه امسال در اثر برفباری های اخیر  
گوسفندان از ناحیه کم آب و خشکسالی  
آسیبی نخواهد دید .

از رئیس انستیتوت خواستیم تا بگویند که  
مناطق تولید کننده پوست قره قل کدام  
قسمت افغانستان می باشد و هم تریه گوسفند  
قره قل در اتحاد شوروی و افریقای جنوبی  
و کشور عزیز ما چگونه صورت می گیرد ؟  
وی چنین اظهار معلومات نموده گفت :

ولایت بلخ، فاریاب، قندز، سه ننگسان  
و ولایت بادغیس مناطق تولید کننده پوست  
قره قل می باشند که در صفحات شمال کشور  
موقعیت دارند .

در قسمت تریه گوسفند قره قل در اتحاد  
شوروی و افریقای جنوبی با ید گت که  
تولیدات پوست قره قل در آن ممالک میکائیزه

- کمپنی های بزرگ که با پوست قره قل  
سروکار دارند از عدسیت ها، شاپهای کلان  
و دیگر منابع خواستند تا با ابتکارات و طرح  
های جدید پوست قره قل را دوباره مد کنند،  
به اصلاح بازی با قره قل را آغاز نمودند  
از پوست مذکور انواع مختلف کلاه، پلاپوش،  
کرتی، واسکت بافرم و دیزاین های مختلف  
استفاده کردند و مخلوط آن با جرم و جیمبر  
بیشتر مورد پسند قرار گرفت .

در نمایشگاه فرانکفورت که اکثرا ترند  
مارکیت در آنجا نشان داده می شود پوست  
قره قل خوب نمایش داده شد و در اتحاد  
شوروی هم پوست مذکور را خوب نمایش  
دادند که بعد از نمایشات فوق پوست دوباره  
مورد توجه مردم قرار گرفته و مخصوصا خانها  
به طرف آن رجوع کردند ناگفته نماند که  
اغلب پوست های گل کلان مورد پسند واقع  
شد که بطور طبیعی بنفع قره قل افغانی تمام  
می شود ، که مظهر آن در لیلام ماه می  
معلوم شد و در لیلامهای بعدی قیمت قره قل  
شروع به بلند رفتن نمود که البته برای  
تجارت کشور مفید واقع گردید زیرا تمام  
پوست هاییکه جمع آوری و به عرض لیلام  
گذاشته شده بود بفروش رسید .  
فعلا از وضع مارکیت پیداست که سال



صحنه یی از لیلام قره قل در اروپا .

# زیادتی های رنگارنگ جهان

## چهار نفر دانشمند و چهار نفر دوست

ها در آلمان باقی ماندند . پوست کارت ها و عکس هایی که از این چهار نفر دانشمند رفیق بجامانده نشان میدهد که این چهار نفر رفیق علاوه بر مشغولیت های علمی به گردش و کوه نوردی نیز علاقه فراوان داشته اند .

البرت انشتین در اختراع بمب اتم کار های مهم انجام داد . او بخاطری بم اتم را اختراع کرد که بتواند آزادی را صیانت کند نه این که از آن جهت کشتار دسته جمعی استفاده نمایند . «هان» و «میت لیز» با کشف انقسام هسته ها دچار اختلال دماغی گردیدند . «لیو» در سال ۱۹۱۴ - انشتین در سال ۱۹۲۲ و «هان لیو» در سال ۱۹۱۴ بدریافت جایزه نوبل موفق گردیدند .

از سال ۱۹۱۹ الی ۱۹۳۳ این چهار نفر دانشمند و یا چهار نفر دوست عضویت اکادمی علمی برلین را داشتند . اسناد - شواهد و مدارک تاریخی زیادی در مورد اینکه این چهار نفر رفیق علمی میخواستند وقت فراغت شانرا باهم یکجا سپری نمایند نیز موجود است . این چهار نفر بودند که آینده آلمان را به صراحت پیش بینی میکردند که آلمان از حالت امپراطوری خارج شده بیک رژیم جمهوری مبدل شده وبالاخره بسوی جا معه سوسیالستی هدایت خواهد شد .

البرت انشتین در سال ۱۹۳۳ از آلمان خارج شد . رفیق او «میتز» بعد در سال ۱۹۳۸ «اتوهان» و «لیو» باوجود مشکلات و سختی

ها تحقیقات و تئوری های علمی او زنده است وبرعبنای همان تئوری ها خصوصاً تئوری نسبیت او است که تکامل علوم بر سابقه تر شده و انقلاب عظیم و چشمگیری در جهان بوجود آمده همان طوریکه البرت انشتین تئوری نسبیت را بی ریزی نمود .

هیئتگوه «ماکس لیو» ثابت نمود که اشعه آکس را می توان از کرسنل ها عبور داد همچنان «اتوهان» ثابت کرد که اتم های ماده یورانیوم را می توان از همدیگر جدا نمود .

درین او آخر یاد بود از چار نفر دانشمند شهیر جهان که خدمات بزرگ و چشمگیری در عالم بشریت نموده اند صورت گرفت . هرچهار این دانشمندان در طفولیت و حتی در دوران جوانی و اکادمیک باهم رفیق ودوستان صمیمی بوده اند .

«لیزمیتز» در ماه نوامبر ۱۸۷۸ ، «اتوهان» در ماه مارچ ۱۸۷۹ ، «البرت انشتین» در مارچ ۱۸۷۹ و «ماکس لیو» در اکتوبر ۱۸۷۹ چشم جهان گشودند تاکنون نوآوری ها و اختراعاتیکه در کشور های جهان صورت گرفته اکثراً مدیون تلاش و فعالیت های علمی همین چهار دانشمند بوده است .

البرت انشتین نسبت به خدمات علمی و اکادمیک خود فقط بکشور خودش یعنی زادگاهش تعلق نگرفت بلکه بیشتر بیک شخصیت علمی بین المللی محبوب میگردد همه کشور ها مخصوصاً دانشمندان و دانش پژوهان هرکدام صرف نظر ازینکه از کجا هستند و به کدام کشور تعلق دارند البرت را از خود میدانستند . همین نظر ها باعث شد که سوسیالمت های ناسیونالست به البرت سخت حمله نموده حتی تقاضای این را نمودند که کارت هویت هسپری و تبعه بودن او را از او سلب نمایند .

باوجود اینکه مدتها است که آنها خصوصاً انشتین دیگر درین جهان نیست اما اندیشه



چهار نفر دانشمند علوم و چهار نفر رفیق و دوستان صمیمی جهان

کند . بعبارة دیگر لازم است تا درین قسمت تجارب صورت بگیرد . به احتمال قوی برای اولین مرتبه سپورت مین ها موزه ها را مورد آزمایش قرار خواهند داد . این موزه ها در کجا مورد استعمال قرار خواهد گرفت ؟

از وقت است گفته شود که انسان درین موزه های غیر معمولی چه احساس خواهد داشت و آیا میتواند بزودی با موزه های مذکور عادت کند . بعبارة دیگر لازم است تا درین قسمت تجارب صورت بگیرد . به احتمال قوی برای اولین مرتبه سپورت مین ها موزه ها را مورد آزمایش قرار خواهند داد . این موزه ها در کجا مورد استعمال قرار خواهد گرفت ؟



اول اینکه شبان میتواند به بسیار سهولت گله رمة خود را اداره کند . جیودیز بست ها نیز ممکن است به این موزه ها نیاز پیدا کنند . اما پسته رسان دهاتی ؟ سیاحین ؟ مشکل است تمام جوانب استعمال موزه های «میک» نیزه شده . را پیش بینی کرد زیرا ممکن است با در نظر داشت مختلف انواع مختلف آت را تهیه کرد ومورد استعمال قرار داد ..

## موزه های موتور دار

اگر این موزه ها پوشیده شود انسان بطور مثال میتواند ساعت ها به دوش بردارد و حتی از موزه ها عقب نماند . علت اینست که موزه های مذکور با موتور ها مجهز میباشند . موتور ها در قسمت ساق ها وصل اند و در قسمت پاشنه کمپریسور نصب است به کمک کمپریسور مذکور سلندر های موتور هوا گرفته وتوسط مخلوط داغ چارج میشود . درین اله منحنی محروقات بنزین کار گرفته میشود و اما موزه خود بالای بالشت کوچک تکان دهنده محکم است .

با این موزه ها در یک ساعت (۲۲-۲۵) کیلو متر دوش صورت گرفته میتواند . جالب اینست که درین مدت فقط هفتاد گرم مواد سوخت را بصرف میرساند .

طبق اظهار متخصصین این دوش پرش سه کام و یادوش قبل از پریدن را که به بسیار آهستگی از آن فلمبرداری شده باشد بخاطر ما می آورد . طول «قدم» به سه متر و ارتعاش پرش آن نظر به سطح از (۲۵) سانتی متر تجاوز نمیکند . این لکه نیز ضرور است تا یو میخانیک ها و اطباء نظریه خود را درین مورد ارائه کنند . هنوز قبل

اگر این موزه ها پوشیده شود انسان بطور مثال میتواند ساعت ها به دوش بردارد و حتی از موزه ها عقب نماند . علت اینست که موزه های مذکور با موتور ها مجهز میباشند . موتور ها در قسمت ساق ها وصل اند و در قسمت پاشنه کمپریسور نصب است به کمک کمپریسور مذکور سلندر های موتور هوا گرفته وتوسط مخلوط داغ چارج میشود . درین اله منحنی محروقات بنزین کار گرفته میشود و اما موزه خود بالای بالشت کوچک تکان دهنده محکم است .

با این موزه ها در یک ساعت (۲۲-۲۵) کیلو متر دوش صورت گرفته میتواند . جالب اینست که درین مدت فقط هفتاد گرم مواد سوخت را بصرف میرساند .

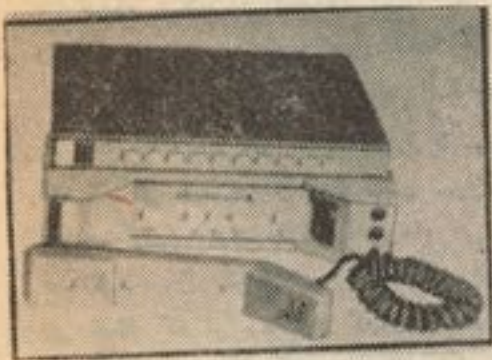
طبق اظهار متخصصین این دوش پرش سه کام و یادوش قبل از پریدن را که به بسیار آهستگی از آن فلمبرداری شده باشد بخاطر ما می آورد . طول «قدم» به سه متر و ارتعاش پرش آن نظر به سطح از (۲۵) سانتی متر تجاوز نمیکند . این لکه نیز ضرور است تا یو میخانیک ها و اطباء نظریه خود را درین مورد ارائه کنند . هنوز قبل

## عصری ترین وسيله ارتباط

متخصصين اتحاد شوروی سیستم ارتباط راديو تيلفوني را درين اواخر طرح ريزی کرده اند .

این آله که بنام «النای سزم» یاد میشود در زمان بازی های المپیک در مسکو بکار انداخته خواهد شد . این دستگاه بطور کلی از آلات نیم هادی ساخته شده و وزن آن ناچیز میباشد . دستگاه ارتباطی مذکور در قوه حرارت، بروند مورد آزمایش قرار گرفت و امتحان خوبی داد همچنین در مقابل اهتزازات نیز دارای مقاومت بلند میباشد . وسیله ارتباطی مذکور پروژه های سهولتی شهر مسکو و دیگر شهر ها را با هم مرتبط میسازد .

باله مذکور میتوان از موبوترون تلیفون مورد ضرورت را دایر نمود و حل مشکل کرد حتی از داخل موبوترون باشهر دیگر می توان در تماس شد . تا آغاز بازی های المپیک مسکو در حدود (۱۵۰۰) عدد این نوع دستگاه های بکار انداخته خواهد شد .



## ریل هوایی

در ریل های هوایی جدید بیج و تاب های تازه ای داده شده و مسیر های بیج در بیج و مغلق اشخاصی را که در ریل هوایی سوار شده اند می چرخاند و واژگون حرکت میدهد . ریل هوایی جدید بری تفریح طلبان وسیله جالبی شده است و جای وسایل قدیمی را که در آنها امکان سقوط و شکستن استخوانها بود گرفته است .

این وسیله مرکب است از يك ریل سرباز با کمر بند های که روی شانه نصب میشود . بعد از آن چندین ریل هوایی ساخته شده است ولی نخستین ریل هوایی در شهر کلدورنیا ساخته شده که سی و پنج متر ارتفاع دارد و طول مسیر آن يك کیلو متر است و در پایان راه از يك دایره ۲۶۰ درجه ای عمودی عبور میکند .



ترجمه رازق علمي



## گرگ و رقص

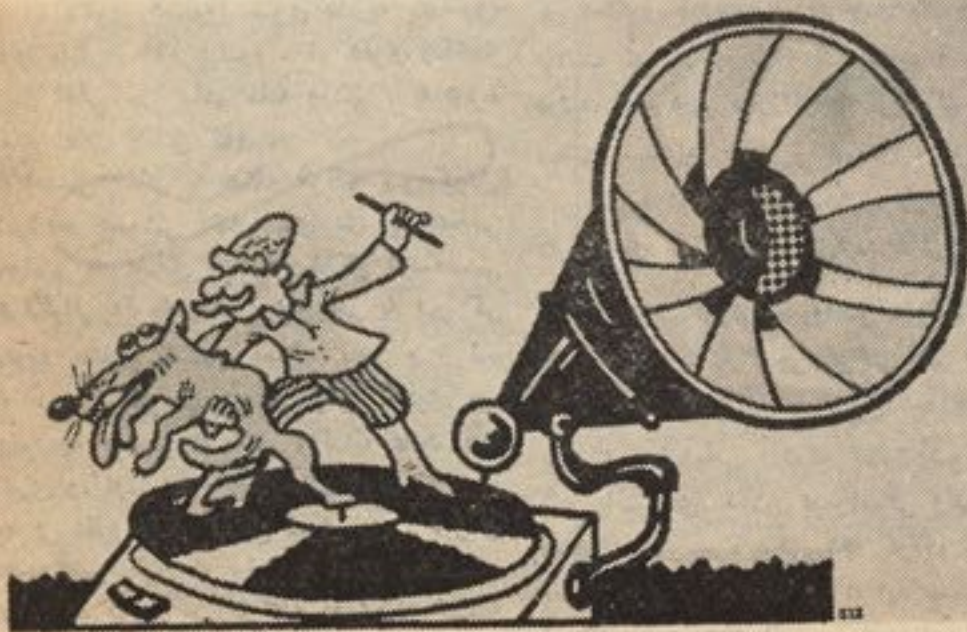
### تانگو

گرگی بود که یکی از ساوخورز های بلو روسی اتحاد شوروی را بستوه آورده بود .

بعضی اوقات بالای گله حمله میکرد که در چرا گاه میچویدند . هر چند که کوشش میکردند گرگ را دستگیر کنند درنده از آنها جان به سلامت میبرد و موفق به فرار

میشد ، حتی هر بار صید را نیز با خود میبرد . مردم طریق دیگر را در پیش گرفتند و در کشت علف سنگها را ثبت کردند اما گرگ بزودی این راز را درک کرد هر چند فرار می کرد در عقب خود سنگ ران میدید . در یکی از شبها تگپایان گله حیوانات برای اینکه وقت را خوش سپری کرده باشند کشت بانبت تانگو را می شنیدند . یکی از تگپایان طوری حس کرد که کسی موسیقی

را همراهی میکند . همینکه موسیقی را خاموش کردند دیدند که گرگ در يك فاصله نرسه و زوزه میکشد . گرگ تا حدی در زوزه کشیدن غرق بود که تگپایان به بسیار آسانی و بیدون سلاح آنرا دستگیر کردند و بعد به باغ وحش لیننگراد آنرا انتقال دادند . در مکتوبی که بدین مناسبت به آمریت باغ وحش لیننگراد فرستادند چنین تذکر رفته بود : «تانگو را بسیار دوست میدارد .»



صحنه‌یی از دستگیری گرگ توسط موسیقی خاص ثبت شده در کشت

## جلوگیری از پیشرفت سرطان

يك تیم علمی تحت رهنمائی پروفیسور گلو وینسکی در انستیتوت بیولوژی مولیکول

دراکادمی علوم بلغاریا ماده جدیدی را ترکیب کرده است که میتواند از نمو و رشد سرطان جلوگیری نماید . آزمایش لابراتواری نشان میدهد که بعضی ازین مواد از رشد تومورها جلوگیری کرده چنانچه هشتاد تا صد فیصد نتیجه مثبت این آزمایش دانشمندان را به این امر امیدوار نموده است که این ماده جدید با مؤثر ترین

دراکادمی علوم بلغاریا ماده جدیدی را ترکیب کرده است که میتواند از نمو و رشد سرطان جلوگیری نماید .

آزمایش لابراتواری نشان میدهد که بعضی ازین مواد از رشد تومورها جلوگیری کرده چنانچه هشتاد تا صد فیصد نتیجه مثبت این آزمایش دانشمندان را به این امر امیدوار نموده است که این ماده جدید با مؤثر ترین

خوش و سامان جراحی را خوب شسته و تعظیم نمائید . با گذشت زمان و در اثر کار و کوشش زیاد علما دستگاه های جراحی را بوجود آوردند که قادر به دو باره فعال ساختن بعضی از اعضای بدن و تبدیل نمودن اعضای بدن يك شخص به شخص دیگر می باشد .

از جمله مهم ترین این دستگاه های هم دستگاه الکترونی است که قادر به ساختن گرده مصنوعی و تبدیل نمودن گرده يك شخص به شخص دیگر میباشد . همچنان این دستگاه الکترونی قادر است که در انزای عملیات قلب و شش وظیفه قلب و شش را برای انسان انجام دهد .

امروز متخصصین جراحی موفق گردیده اند که بعضی از اعضای سالم يك انسان مرده را به يك شخص زنده انتقال دهند و فعلا انتقال فرنیه چشم يك مرده به شخص کور به موفقیت انجام شده و اکنون دکتوران جراحی تلاش دارند که قلب را هم بمثل چشم و گرده از يك شخص به شخص دیگر انتقال دهند .

## قدم جدید در ساحه جراحی

تاریخچه طب از ماقبل تاریخ آغاز شده و از آن زمان تا امروز این علم سیر تکامل خود را طی میکند و فعلا این علم در اثر کار و زحمات خستگی ناپذیر دانشمندان به پیشرفت های غیر قابل تصور نایل گردیده است .

در اینجا يك نظر مختصر به سیر تکامل علم طب در قسمت جراحی می اندازیم :

در جریان قرن زده باستور اظهار نمود که اجسام غیر مرئی زنده باعث انتقال امراض میشوند و بعد از آن جوزیف لیسترنه اکثر عافیه‌ماند که اگر میخواهید مریضتان بعد از عملیات زنده بماند باید از همه اولتر دستهای

# هغوی پي ژوندی دی

## « ژان لافایت »

زه په پریشانی سره خپلو نویو ملگرو ته گورم . لنډ او سرطاس سړی ماته ښه نږدی شوی دی . داسې ښکاری چې کمیسار او خوی یې هم پدغو خبرو اترو کې او دهغې نتیجې په برخه کې مینه او ونډه لري . کارخانه لرونکی خپلو خبرو ته داسې ادامه ورکوي :

- ډیر ساده کار دی ښاغلیه، زه چې دلته راغلی يم د موضوع پر ټولو خواو باندې مې ښه سوچ کړی دی او هغه مې ښه خپرلی دی او په وروستی پړاو کې دی نتیجې ته رسېدلی يم چې باید خپله فابریکه دهیلو دقورمې او دالوتونکو دکانسرو دجوړولو لپاره په کار واچوم . ستا سو نظریه پدې هکله څه شی دی؟ دجوړولو دپروې هڅو کې لرونکی کانسرو دجوړولو دستور العملونه خورا ډیر دي . هغه ښاغلی چې گوري (سرطاس سړی) خواته اشاره کوي، دیوی مغازی مدیر دی چې هلته خوراکی شیان پلورل کېږي او ټاکل شوي دي چې پدغه کار کې زما سره گډون وکړي . زه تاسو ته پشنهاد کوم چې دفابریکې دفتي رئیس په توگه ماسره کار وکړي .

اوس نوښایې اقرار وکړم چې دیوچورلیونی سره مخامخ يم، په ډېه سوالو سترگوسره ورته گورم . نور دوستان یې هم حیران او هک پک دي .

- هوکې، مونږ کولی شو چې دالوتونکو کانسرو جوړ کړو . البته دغو یو سره له ډیرو غوږیو سره . زه گمان کوم چې مونږ پدې توگه کولای شو چې دامریکا لپاره په غیر داسې خواږه جوړ کړو چې بیا پخولو ته اړنه وي اودغه کار زموږ په هیواد کې ساتی نلري . زما هیله داده چې دفرانسې د پخلی ټول شاهکارونه په یوه قوطی کې ځای کړو او بازار ته یې وپاندي کړو .

زه دکوټي دمسوول سړی دپاره پلمه خپل نوی ملگري څخه بیلیم ، خو هغوی زما څخه ژمنه اخلې چې بیا هم هلته ورشم ، په ډیره مینه خدای پامانې کړو .

دداسې خلکو په هکله څرنگه سوچ کولای شو؟ په ایپوښې اخته شوی دی یا دتعمومي حواسو په اختلال ؟ ددغو خلکو دوضعې څرنگوالی دتوجه وده ، دوی چې په لېر کې دلوړو مقاماتو څښتن وودلته به یې و ز ل و او بیا خلکو تبدیل شوی دی . دوی چې پخوا په پرتیب او آرام ژوندانه عادت پیدا کړی و، اوس په ویجاړ حالت ژوند کوي او په بې دفاع خلکو تبدیل شوی دی . دوی داردوگاه دقانون له مخې په اعدام محکوم شوی دی . زه چې هرکله ددوی له څنگه څخه تیریم راته غبرگوي او زه هم ورته سلام ورکوم اوڅوې اهمیت خبرونه هم ورته ورکوم

خوتل یوه بیا په جوړوم چې دکښناسمتوڅخه ځان وژغورم .

دغو څلورو تنو ته بهر ته د خط لیکولو اجازه ورکړ شوی دی او دوی اوس دفرانسې څخه دخپلو لیکونو خواب ته منتظر دي . یوه شپه خبررسېری چې دپولیسو کمیسار ته یوغږ پاکت رسېدلی دی، دغه سړی په اردوگاه کې لومړی سړی دی چې دپېر څخه ورته یو پاکت رسېدلی دی . زه هغه شپه ملاقات ته یې ورنغلم ځکه ډارېدم چې سوچ ولکړي چې زه ورڅخه کوم شی غواړم ، سبا سبا کله چې دڅنگ څخه یې تیرېدم هغه خپله راته غږ وکړ دتود روغېر څخه وروسته په غمجن غږ راته وویل :

- وحشتناکه ده، ښاغلیه، ډیره وحشتناکه، همدانې شپه زما پاکت یې غلا کړی دی . ملگري یې چې هماغه کارخانه لرونکی سړی دی ورته دلداری ورکوي :

- غصه مه کوه زما لپاره به زیاته اندازه کانسرو ولیري ... زښته زیاته خودغه کانسرو هېڅکله وله رسېد، خواته ورځې وروسته دغه بندیان دواړه مړه شول .

ناروغ بندیان دورځې له خوا اجازه لري چې متراح ته دتللو لپاره دروغتون څخه روځې متراح هغه لوی اوبی دروازی انبار ته ورته ده چې په پوخت کې دوه سوه کسان کولای شي څنگ په څنگ کښی او خپل ضرورت رفع کړي . متراح ته دڅنگ په وخت کې هېڅوک کالی نشي اغوستی . باید دپو لیکر او بیان سره سړی هلته لاېشي . دغه ورځنی وتل دپریکې ټینگولو لپاره یواځنی وسیله ده . موږ پدې توگه

کولای شو چې دنورو بلاکونو له ملگرو سره وگورو . زه هره ورځ په یوه ټاکلې ځای کې دملگري ((دیده)) سره گورم . او په فرانسه کې د ((دیده)) سره ښه آشنایي درلود، هغه دپو عبارزاتو په ترڅ کې په سختې سره تپي شوی ؤ او سره له دې چې ډیر ناروغ اوضعیف دی دخپل روحی قدرت سره پدې بریالی شوی چې دبنديخانی شکنجې اودجلادانو دکړاوونو په وړاندې مقاومت وکړي .

دغه داوسپنی کارگر چې یوځلې هم دخپلې وضعې څخه شکایت ندی کړی، په غیر مه بلاک کې دسلمانې په توگه گمارل شوی دی، ښه چانس دی، دآش یوه اضافی ونډه ورته رسېږي . پرسمیره پردې هغه کولای شي چې بطلون اوکرتي واغوندی او باید دسپار له تریگاه پورې دبنديانو سر اوږیره وڅړي . تصمیم نیسم چې د((دیده)) په ملگر تیا

دفرانسویانو په منځ کې دورورگلوې (د غلیم سره دښمنې) سازمان منځ راوړم ، ددغه سازمان مسوول به هغه وي . داڅکه چې هغه دخپلې دندې په اساس تل دبنديانو په منځ کې وي . د بنديخانی دنورو برخو سره دغه داپیکسې دټینگولو مسوول به هماغه اسپانوی وی کوم چې هر سبا د ((توني)) له خوا ماته لیرېدل کېږي . وروسته بیا دروغتون په هر بلوک کې یو ملگري ټاکل کېږي چې دغه سره به تماس کې وي اودغه ملگري هم یو بل ملگري دمرستیال په توگه وټاکي ترڅو چې دروغتون څخه دوتلو په صورت کې دهغه دندې سرته ورسوي .

دتوني دلیکونو څخه یو هیږم چې په اردوگاه کې هم زموږ دتکلیاتو مستی آښکړي . خواته فرانسویانو چې دپېر څخه خواږه لاس ته راوړي ، دغه ژمنه یې کړې دی چې ددغو شیانو یوه برخه دناروغونديانو لپاره بېل کړي . نور څو تنه چې کار نه کوي اویا په سپکو کسارونو گمارل شوي دي هم ځنې وختونه دنوټې ټوټې په ناروغانو ته ولیري . پدې توگه کېدای شي چې په اولی کې دوه ځلې دخوړو وده غوټه ناروغانو ته ولیري . له بده مرغه ضعیف ناروغان دومره زیات دي چې نشو کولای دغه لېر شانه خواږه د ټولو ترمنځ وویتونو څکه تر ټولو ډیر اړ ناروغان لټوي او هغوی ته یې ورکوي .

دهغو گذارشاتو له مخې چې هر هره ورځ دپلاک مسوولین ((دیده)) ته ورکوي تصمیم نیسوي چې دفرانسویانو دوضعې دڅرنگوالي په هکله یو رپوټ جوړکړي، وروسته ییادهمدغه رپوټ له مخې دخواږه هغه غوټې چې لاس ته راځي دهمدغه کمیسیون له خوا وویشل شي .

دخوړو په اوږدو کې دغو ټولو کارونو ته ترتیب ورکړ شو . ((توني)) هغو ونکس لیکونه ماته رالیري . هره ورځ گڼ شمېر نور فرانسویان زموږ دورورگلوې دغه سازمان سره یوځای کېږي . دورورگلوې دسازمان لپاره مبارزه موزته یوه پرتیمه مبارزه ده ، داڅکه چې دبترې افرادو ژغورنه ده د مرگ څخه . یوه شپه ((دیده)) دلومړی ځل لپاره هغه غوټه چې زما دپلاک لپاره تخصیص ورکړ شوی ؤ ماته راکړ . دهغو څلورو کسانو څخه چې باید ددغه خواږه څخه گټه واخلې یو فرانسوی سړی هم دی چې ((ژروم)) نومېږي، موزدهغه په لټولو پیل کړو ورو ورو دکټونو دڅنگ څخه تیریم او دنوموړې ناروغ نوم تکراروم او بالاخره هغه په یوتیاره گوت کې پیدا کوم . یوه ښه یې ماته ده له همدې کبله نشي کولای چې دکټ څخه ښکته شي .

زه خپل دهغه دپو وپتوال په توگه ورپېژنم اوغوټه دخپل کفیه څخه باسم او هغه ته

وړاندې کوم :

- واخله داستا ده . هغه ملگري چې په اردوگاه کې دی دغه خواږه یې دتا لپاره لیرلی دی اودتعمومي دورورگلوې دسازمان په واسطه یې ماته را کړی دی چې تاته ورسوم .

- نه ډاډه یې چې دغه غوټه یې ماته لیرلی دی ؟

- مگر ستانوم ((ژروم)) ندی ؟ مگر هج کې په اردوگاه کې ((واو)) نه نومېدی ؟

- هوکې .

- ښه وروسته ستامال دی . ما اشتباه ندی کړی .

سړی غوټه خپل سینه باندې پدې خو د خلاصولو جرأت یې نلري . او وروسته بیا جرأت کوي او غوټه پرانیزي . پدغه ټوټه ټوټې او تری ټوټې قندپه هغې کې وه .

- اوه ! مننه هلکانو . دانو ډیره فداکاری ده ... ډیره ...

- داخبرې پرېږده . ترڅو چې زه دلته يم دپرستن لاندې هغه وخوره .

ځکه چې امکان در څخه یې غلا کړی .

- نه هم لږ تر لږه یوه مړی خو واخله .

((ژروم)) خپل مخ گرځوي او دستر گو څخه یوه قطره اوبسکې پر مخکې لویږي .

- که وپو هیږي چې څومره خو شحنا له نوم ... که وپو هیږي ... که وپو هیږي ...

او دغه سړی چې بیر ته دژوندون خواته ځي دژبا او خندا په حال کې خپله ټوټې خوړي . زه پداسې حال کې چې ورته گورم، زیاته خو شحنا لي احسا سوم .

اوس بیخي دا امکان شته چې دمرگ څخه دملگرو ژ غورنه پیل کړو .

((ژوندون ته بیرته مستبد ل))

- نوم دی څه دی ؟

سره

دکوم ځای اوسیدونکی یې ؟

دومورانتن

- خو کلن یې ؟

- ډیر ش کلن .

سولی ونیول شوی ؟

- ددی یو ښتی خواب دی ډیره اوږده ده .

- څه فرق کوي مگر مونږ پروخت نلرو !

ښه ده ، ...

هغه کس چې په پورتنی ټول ور سره په غږ پیدا پیل کوم او اوس زما دوروسنسي یو ښتی د خواب لپاره ځان چمتو کوي

خوښیې مخکې زما دچیر کټ په څنگ کې بستر شوی دی . هغه دیو بل یوگو- سلای قیدی سره چې ټول ځان یې پلمتردی په یوه چیر کټ کې پروت دی . هر څلور ویشت ساتنه وروسته دغه یوه ټوټه پلمتر سوري ، سوري کېږي او بد بوی ورڅخه جگپړي . له لیکه مرغه پدغه وخت کې هغه یې دکتنی لپاره وږی دی او مونږ کولای شو چې په هو سا خاطر یو بل سره وغږیږو

زما هم چیرکټ (هغه سړی چې زما سره په یوه چیرکټ کې دی) ماته خپل ساپولسی او ویده ده .

ښه رنه ، ته وویلی چې ؟

هوکې ، ترټولو ټوټه پومې ښا یې وپوهیږي چې ده یو فصل جوړونکی يم . پلار مې- آهنگرو او همدا اوس هم سره له دې چې ډیر ژوندی لکړه ده . هغه دجگړې دخلورو

ٺٺو ٺو به اوڙوڪي ڊيگري ۾ ڊگر ڪري،  
 ٺو مره ڌرتي واپم جي هغه ڊ (يو شا ٺو)  
 سره ڪو به اڀرڪه نلري، ليڪه مي ڀرڻي  
 ٺي خو زه لائر اوسه دهغه سڀين ويٺا ن  
 به ياد ٺرم ڊ ١٨٧٥ ڪال ٺه جگرو ڪي ٺي  
 ٺاپون ڪري و. زههم به ڪال ١٩٤٠ جگري  
 ٺه داخل شوم، به حقيقت ڪي زه ٺو ڀو ڀرڻه  
 ٺام خو ٺشو ڪولاي جي وڙبا ندي ڊيگري  
 ٺوم ڪٺيڙو ڊو. زه ڌڌي لپاره جي ڌغلي ٺه  
 خوا بندي ٺشم، ٺس له ڌي ٺه جي ٺانسوي  
 ٺوتونه ماني وڪري خپل ڪورته لاپم او پڃيل  
 ٺلرني ڪار باندي بوخت شوم. ڊا هم بايد  
 ٺرتي ووايم جي زه ڌخيل ٺلار او مور سره  
 ٺو خاي او سڀرم.  
 - ڪو چنيان نلري؟

سولي، ٺو څلور ڪلن ڇوي ٺرم. زما ڪار  
 خاي زما ڊٺلار ڪار خاي و، ٺبا ٺي اقرار  
 وڪرم ڌڌي لپاره جي زاهه ٺاربه ٺي حوصله  
 ڌي، ٺا ٺي ڌي ڌي خان دهغوي څڻه ٺيري  
 وسا ٺي، ٺوه ورڇ زما ٺو همڪار جي  
 ڊريٺنا متخصص وراڻه راغلي اوزما څڻه  
 ٺي وڻو ٺنٺل جي ورسره ٺو خاي مبارزه  
 وڪرم. زما ڪار هم ڊاو هغه وسلي جي  
 ڊانگستان څڻه را ٺل ٺل واخلم او وسا ٺم.  
 - ڊا ڪومه ٺيٺه وه؟

- گمان ڪو ٺ جي ١٩٤٣ ڪال ڊفبروري  
 ٺيا شت و.  
 - ٺينه، ٺا خپل همڪار ته څه وويل؟  
 - ما ورته وويل جي اهو لا دهغه ڻوڻه  
 ٺنم، خو ٺبا ٺي جي ڌخيل ٺلار او مور  
 سره وڃي ٺيم. او وروسته ٺيا ٺداسي حال  
 ڪي جي مي ڊر وازي ٺنه وٺل ڌخيل ٺلار  
 سره ٺي هڪله و غير ٺيم. ٺينه مي به  
 زه ٺاپيل وڪره مورمي هم همدا سي ٺلار مي  
 جي ٺل ٺه ٺيرو سختو شرا ٺيو ڪي مقامت  
 اوسره سڀنه سڀني راته وويل!  
 - (بايد لاپ شي ڇويه، اوڪه زه هم زورنه  
 واي درسره ٺلم.)

اوويده ڪيدلو بهوخت ڪي ٺي زه ٺنڪلي  
 ڪرم. ڌغه ڪار به ڪال ڪي ٺو ڇو ڌوهڙي  
 ڇلي سر ته رسيده. خوڻه فڪر ڪو ٺ جي  
 ڌغي خبري ٺا ته به زهه پوري نه وي؟  
 - بر عڪس وروڙه، وڃريه.

- ڏير ٺنه ٺيمون ڪار ڏيره اوڙهه شوه  
 ڊري ورڇي وروسته زماملگري جي (روڙه)  
 ٺو ميده را غي او راته وويل جي به ٺسوه  
 آزما ٺي ڪار ڪي گهون و ڪرم.  
 - څڻه؟ آزمائشي جريان؟  
 - ڊاڌي ڌرتي واپم، ڪله جي شپه شو ه  
 مون به ٺوه گم ٺي موٽرڪي ڌنبا ر څڻه  
 ٺير لاهو. ما هغه سڀي ته ٺيڙانڌل ڪو ٺ  
 جي ڊمو ٺر ٺر ٺر ٺالدي ٺاست و، خو  
 وروسته ٺوه شوم جي هغه ڊ (روڙه) ٺيسر  
 ڊدير شو ڪيلو متر ويه شاو خواڪي وا ٺن  
 مو وواوه، ٺاڪل شوي و جي ڊر ٺيٺا ٺو  
 ٺرچ وڃا و ڊو. ڊموٽر چلو ٺڪي، موٽرڪي  
 منتظر بائي ڪينه يعني زمون ڌمليات ڌر  
 سره ڪيدو پوري ڊ روڙه ٺيس انتظار ٺيٺل.  
 زمون ڪار ڏيره اوڙهه ٺشوه. چا وٺوڪي

مواد مو ڊنو موري ٺرچ لاندی ڪٺيٺو ڊاو  
 او ر مو ورته وڃو ل او و ٺيٺيو. ڪله  
 جي ٺرچ چا وديده مون ڊيٺي له خا ٺه  
 ڏير ٺيري وو.

- ٺنه ڪار و، آيا ستا سو ڊڪار وسايل  
 ٺر نه و؟  
 - اوه، هيڪله، ٺر ڇو جي موزيه ٺوڻه  
 چا و ٺوڪي مو بهوڪ ٺرل.

زه دهغه ٺرچ به هڪله سوچ ڪو ٺ جي  
 ٺبا ٺي ڊبا ريس به سيمه ڪي دور انڪاري  
 ٺومري ٺيٺه وه. هغه ڊاسي ٺو ٺرچ و جي  
 (ٺامپ) به سيمه ڪي ڏير ستر ٺرچ و زمون  
 ڊوه ڏله ملگري به ڌري ڪسيزه ٺو گه ٺي  
 هڪله سلا مشوري ٺي ڪولي. هيچ چاووڪي  
 مواد ٺي نه ڊرلڊل، ٺواخي ڊ او سڀني ڊ  
 ٺراشونو سامان ٺي ڊرلڊل ڊناچاري له  
 مڃي ٺي ڊرچ ڌستو به ڇو ڇو لو ٺيسل  
 وڪرل. ٺداسي حال ڪي جي ڊ ڌغو ڊوڊلو  
 څڻه ٺوه ڏله به ڪار بوخت و ٺله ڏله ٺيره  
 (څارنه) ڪوله.

ڊڌي لپاره جي ڊا خاي ڊسڙڪ به غاڻه  
 ڪي و او همدا راز ڏير ڪو روٺه او مفا ٺي  
 ورته ٺري وي، زمون ملگري ٺوله شپه  
 ٺڊ نه ڪار بوخت و او هيله مند و جي ڊ  
 ستنو ڌغو ڇينو سره سم به ٺرچ وٺي ٺيري  
 خو ڊڌوي هيله ٺر سره ٺشوه څڪه سره له  
 ڌي جي ٺولي ستني ٺي ڇو ڇي ڪري لا هم  
 ٺرچ پڃيل خاي و لاهو او سره له ڌي جي  
 هغه شپه سخت با ڊنگيده خو ڪومه ٺله  
 ٺيٺه منڃ ته را ٺغله، سڀا سڀارجي آلمانيان

ڊگزمي لپاره راغلل ڊدغه ڪار څڻه خبر شول  
 او ڊرچ ستني ٺي ٺيرته چوڻ ڪرل. زمون  
 شپير ته ملگري ڌغه ڪار با ندي سره نه  
 آيني و ڇو ڊسا مان ڊ ٺشوالي له ڪيله  
 ٺر يا ٺي نه شول. ڊهدغي ٺي اغيزي  
 فعا ٺيت له امله، (رومن) نه وويل جي ڊ  
 چا و ٺوڪو موادو ڊلاسي ته راو ٺو ٺو به

هڪله سوچ وڪري. هغه اته ورڇي وروسته  
 ماته احوال راڳر جي سل ڪيلو گمرا مه  
 (ڊنمايٽ) چاووونڪي مواديسي ٺيهه  
 ڪري ڌي او به مخصوص ٺسڻ خاي ڪي ٺي  
 آيني ڌي. ڊدغه ڊينا ميت لپاره خيله

(رومن) اقدام ڪري وڃي مڃور شوي وڃي  
 ڊ (سن - گه - مارڊن) اٺبار ته جي ٺينه  
 ٺڪني ٺلد و لاپ شي ڊاٺبار سا ٺوڪي وٺي  
 او ڊانبار به موجودي لاس پوري ڪري. ڊلته  
 بايد اعتراف وشي جي خيله ساتو ٺڪي هم  
 مفا وٺ نه و ڪري. وروسته ٺيا ٺيٺي  
 او ڊارو ته او وو. ڊدغه ڪار لپاره ٺو ٺيل  
 ملگري ڊ (ڊوار) اٺبار ٺر نظر لاندو ٺيوه او  
 به وروستي ٺراوڪي ڊملگروڻه خوا لو مري  
 ٺله وڃا وٺول شوه ٺڊ نه ڪار ڪي ٺس ته  
 ملگري گهون ڪري وو. ڊغه فعا ٺيس ته  
 ١٩٤١ ڪال ڊمي ڊلو مري ورڇي ڊچن سره  
 سمون خو ٺ.

ٺه هر صورت اوس راڃو ڊ (ڊنه) ڪيسي  
 نه جي ڊاسي اڏامه وڙڪوه ٺ

- ڪله جي ٺير ته ڪورته سٺون شوم ڊنيهي  
 شپي نه ڌري سائته ٺيره شوي وه. ٺينه  
 مي څيلا سٺي ٺوه او ڊٺلار او مور ڊڪو ٺي  
 خراغ هم ٺل و. ٺلارمي به ٺيره را څڻه  
 ٺو ٺيٺه وڪره جي ڊڪار ٺيٺه څڻه وه؟  
 او ورو سته ٺيا ٺير خائي ته لاپ او سو.  
 ٺوڪل شراب ٺي راڻو. ڊڪورني ٺول ڏري  
 خو ٺي او خو شحال ٺسڪا ٺيدل.  
 - څه ٺنه خلك؟  
 - څه ڌي وويل؟

- هيچ اڏامه وڙڪوه.  
 - وروسته ٺيا ڊڪار ٺنه بدلون ومو ٺدله  
 زه نور ڊبرجونو ڊنرولو لپاره نه ٺسلم.  
 به ٺيره ٺيا دهما څه ٺو ڇلي نه ٺر ٺه ما  
 هيڪله ڊڪو ٺشي به چا وڌو او لاس پوري  
 نه ڪره. مون ٺواخي ڊنبار ته ٺير ٺلو ٺرڇو  
 هغه و سلي جي ڊالو ٺڪي څڻه مون ته اجول  
 ڪيدل ٺر لاسه ڪرو.

ٺاسو ته ڊبرا شوت سره هم و سلسي  
 اڃو ٺي؟  
 - هوڪي هره شپه جي آسمان شين و ما  
 ويل جي اوس به (روڙه) راڻي. او هغه  
 هم را ته، او مون پڃيلو با ٺسڪلو ٺو  
 سڀريدو او ڊلسونه ٺر شلو ڪيلو متر و  
 پوري ڊنبار ته ٺيرو ٺلو.

- تاسي ٺواخي ڊوه ڪمه واست؟  
 - نه نور خلك هم وو. مون به ٺل ٺيهه  
 ٺا ڪلي خاي ڪي ٺينه يا څلور ڪمه وو. ما  
 ٺول ٺيڙانده څڪه جي هلڪان به ز مو ٺڊ  
 ڪو ڇي خلك وو. دهغوي به منڃ ڪي ٺسوه  
 ته ٺوه لاري مو ٺر هم ڊر لوده ا وهما څه  
 سڀري و جي و سلي ٺي خاي ته رسول...

(ڊنه) ماته ڊوسلي ڊتو ٺلولو څرگوالي  
 شرح را ڪوي.  
 - ٺا سو ڊدغو وسلو سره څه چا ري سرته  
 رسول؟  
 - ڊڌه ٺڊي هڪله څه نه ٺو هيڊ ٺ څڪه جي  
 مون ڊغه و سلي ڊيو ڪيلو ال ڪور ته ٺو ٺاو  
 هرو مرو به نور ڪمان ڊغه وسلو ڪو ٺ بل  
 ٺت خاي ته وٺل. خو هغه شي با ندي جي  
 زه ٺنه ٺو هيڊ ٺ ڊانه جي مون ڊ ١٩٤٣ ڪال  
 ڊڙوٺيه به مياشت ڪي وٺول شو. ڊوسلي  
 اڪثره ٺت څايونه ڊالما ٺايانو له خوا ڪشف  
 شوي وو.

- ٺو ٺڊي رنگه ڊاٺولي وسلو هيچ به ڊرڊوه  
 خوڻي؟  
 - هيچ!  
 - ستاسو ٺيس ڇولو؟  
 - زمون ٺ سيمي ٺيس (روڙه) وه. خو  
 دهغه پور ته هما څه سڀري و جي مون ٺي  
 ڊموٽر سره ٺله ور ساوه. ڊدغه سڀري نه  
 ٺر ته ٺوه ٺينه هم وه جي ڪار ڪو له، خو  
 ما ٺوه ڇلي هغه وليڊ او هغه هم ٺوه شپه  
 وه جي ٺو ملگري ڊبرا شوت سره ٺسڪه  
 ڪيد له، هغه ٺينه ڊغه ملگري به موٽر

ڪي ڪينا وه او را هي شوه. زه ٺوا ڇسي  
 ڊومره ٺو هيڊم جي هغه ٺوه انگليسي ٺينه

وه خو ٺبا ٺي جي ڪومه ميهه ڏنده ٺي ڊر  
 لودله ڊ اڃڪه جي به ڏيره آمارا نه ٺو گه  
 ڏير ٺيد له او ستر گهي هيچ ڏارنه ڊرلڊلي.  
 - ستا سو به سيمه ڪي ڪمو ٺستان هم  
 و؟

- هوڪي و، خو مون حق نه ڊر لودل ڇرله  
 دهغوي سره او ٺيڪي ٺيٺي ڪرو.  
 - او ته سوچ نه ڪوي جي دهغو وسلو  
 ٺوه برخه دهغوي تهور ڪري واي؟  
 - زه ڪا ملا موافق وم، څڪه زه ٺوهيد م  
 جي دهغوي به ڊغني و سلي به ڪا رواچوي.  
 خو ٺڊ نه هڪله تصميم ٺيول زمو ٺحق  
 نه و.

- گوره (ڊنه)، ٺواخي هغه وخت غليم  
 باندي برياليتوب امڪان لري جي ته  
 او ڊتا به خير نور جنگيا لي خلك سره لاس  
 ٺو ڪري.

(ڊنه) ٺس له ڊغه خبرو اٺرو څڻه ما  
 سره ملگري شو. هره ورڇ ڊخيل ٺڙو ٺڊ  
 سيمي، ڊڪور، ٺنڃي او ڪوچنيا ٺو ٺيهه  
 هڪله ڏير ٺيدل. زه او س ٺو هيڊم جي  
 ڊڌوي ڊڌوي به ڇونه ڪي ٺوه او ڊسڀني  
 څڻه چوڻ شوي گل شته جي خپله رنه  
 هغه چو ٺ ڪري ٺي.

زه اوس ٺنه ٺو هيڊم جي ڊبالنٺ ٺرڅنگ  
 ٺي ٺو ڊ خراغ شته ڊسو وڪونو ڊ خرا غونو  
 به خير. زه اوس ٺو هيڊم جي ٺينه ٺي  
 شر ميلي او ڏيره خوڻه ڊه. زه او س دهغه  
 به ڪور ڪي ٺنه بلڊ ٺيم. ٺلار او مور ٺي  
 هم ٺيڙنم. مينه وال، ڪاونٺيمان اوان  
 ڊ دهغه ڊڙونڊا نه ڏيري وڃي ٺي ٺا ندي  
 ٺنه ٺو هيڊم. (ڊنه) ٺو ٺجيب، سانه او  
 ڙونڊانه ته اميد وار ڪار گري، هغه به  
 عين حال ڪي چمتو ٺي جي ڊخيل هيواد به  
 لار ڪي خپل خون څان چار ڪري. (ڊنه) ما  
 باندي ڏير گران ٺي.

ٺن سڀار پڃيل ورڃني ليڪ ڪي (ٺو ٺي)  
 ماته ڏير ميم خبرونه ڊر لودل. (رو ٺس)  
 جي ٺينه ميا شتي منڃي زمون نه ٺيسل  
 شوي و ٺيرته اردو گاه ته راغي. هغه ٺي  
 پارس ته ٺو ٺي وه ٺر ڇو جي ڊ گشتا ٺو  
 به وڏاندي ٺو ڇل ٺيا ورڃنه استنطاق وڪري  
 هغه ٺو سلو ٺولس ورڃي ڊ (ڊر ن) به چيل  
 ڪي ڪوته فلفي وه. اوس هغه ڊقرنڀنه ٺيهه  
 ٺر څه ڪي به اولسم ٺير بلوڪ ڪي سا ٺل  
 ڪيڙي. ڏير ٺ ٺگر شوي ٺي خو (ٺو ٺي)  
 ڪو ٺي شي جي هغه ته به ورڃ ڪي ٺسوه  
 ڏوڙي ور سوي.

ٺل خير ڊانه جي ڪو ٺي شو دهغه ٺيهه  
 واسطه بنديان ڊمر گ څڻه وڙوڙو. ٺيننگراد  
 ٺيني خپلواڪ شوي ٺي. ڊايوه هڏيه ڊ ه  
 ستا ٺين ته ڊ مور بوخ ڊنڀه وٺشسي  
 ڪاڙيڙي به وٺار. زماپه څنگ ڪي ٺيو  
 فر انسوي پرون ٺي جي ڊدغه خبر به وڏاندي  
 ٺي تفاوت ٺسڪاري، خو (ڊنه) خو شحاليري  
 اوواي:

### فعالیت‌های

گرام مجوزه و پیشنها دات کشور های عضو پیمان وار سا همیشه روی تحدید و کاهش سلاحهای نظامی و بخصوص تحدید و جلو گیری از تولید سلاح هر گبار اتو می بوده و طبیعا این موضع گیری واتخاذ چنین مو قفی از طرف پیمان وا رسا در حقیقت به منظور خلع سلاح عام و تام میباشد . اما امپریالیسم جها نی به هیچوجه حاضر نیست تا در برا بر این پیشنهاد کشورهای اعضای پیمان وارسا موا فقت نشان دهد و با استفا ده از حیل ووسا یل گو ناگون در صدد آنست تا کشور های آسیا یی را بخصوص ص ب سه انبار خانه اسلحه تبدیل نموده و از این انبار ها برای اعمال مقاصد واهداف شوم خو یش استفاده نموده و با استفا ده از چنین وسایل، سایه شوم و نکبت بار خویش را گسترده و این کشورهارا مورد غارتگری قرار داده و تمام هستی ما دی و معنری- آنرا چور وچپا ول نموده است این دیگر به همگان معلوم است و ضرورت امپریالیسم جها نی و در را س آن امپریالیسم امریکا تجا و زکار است و با خدعه و فریب و نیرنگهای گوناگون ورنکارنگ نمی توانند توجه اذهان عامه را از بحران داخلی امپریالیسم بسوی دیگری معطوف دارد .

امپریالیسم از آنجا نیکه در عرصه های مختلفه مبارزه اجتماعی موا جبهه شکست های مر گباری گردیده و به عقب نشینی های

در قبال جنبش نجات بخشس خلقهای زحمتکش خود امریکا مجبور میگردد، اکنون که امپریالیسم در حالت نزع است ، با وجود آنها تلاشهای مذبذبه ها نه ای راسر می دهد، اینجا و آنجا و در گوشه و کنار مختلف جهان دست به کودتا های ار تجا عی و ضد انقلابی زده و در صدد آن بر آمده تا حکومت دست نشاند و گوش بفرمان خو یش را بقدرت رسا ند ، با فرستادن نمایندگان و دست پرور دگان و غلامان حلقه بگوش خو یش در آرزوی پوچ و خام ایجاد موا نفع در قبال مسیر پیرو زنده پرو سه انقلابی بر آمده و باجا دان نمایندگان سر سپرده و سو گند خورده خو یش در صدد آنست تا حکومت ملی و دمو کراتیک ، حکومت خلقی و مردمی را که جدیدا در این کشور ها عرض اندام نموده از درون منفجر سازد اما دیگر این آرزوی خویش را امپریالیسم امریکا از جمله در افغانستان انقلابی با خود بگوربرد .

ار تجا عی جها نی به سر دمدا ری امپریالیسم ایالات متحده ای- و ا قعیست سر سخت را نمی خواهد بپذیرد که او و مخر بینش در جهان محکوم به شکست اند و در هیچ عرصه زندگی اجتماعی برد با آنها نیست ، دوران و عصر ما، عصر فرو ریختن شیرازه امپریالیسم، عصر پیروزی های پی اندر پی خلقها و مو فقیت های بی شمار جنبش طبقه کارگر در کشور های سرما-

یدا ری ، عصر رشد روز افزون نیرو های صلح و عدالت اجتماعی و... در این دوران و عصر که عصر ترقی و تکامل شگوفان و سر یع السیر جوا مع بشری و عصر انقلابات کارگری و آزادی بخش نام گرفته است ، جریان حوادث و تعقیب پرو سه انقلابی جها نی خود می رسا ند که شکست استعمار یسا ار تجا عی و امپریالیسم امریاست حتمی و قطعی و هیچقدرت و نیرویی در عرصه مناسبات سیاسی جهان قادر نیست تا از این شکست و فتنای حتمی جلو گیری نماید .

در اثر پیروزی های پی اندر پی پرو سه انقلابی جها نی و عقب نشینی ها و شکست های فاحشی که نصیب امپریالیسم و ار تجا عی جها نی گردیده و میگردد بیش از پیش توا زن قوا بنفع نیرو های هوا خواه صلح ، دمو کراسی و عدالت اجتماعی تغییر نموده و هم چنان روز تار و زوبیش از پیش این توازن قوا بنفع متر قیت و جهان انسانیت تغییر خواهد نمود. این سلسله تغییرات عینی بوده تشکیل کاملا مستقل از ذهن و شعور آدمی تگویی می یابد ، جهان در مجموع و بشکل یک کل در تغییر و تجدید دائمی است ، این پرو سه پیدایش و دانه نشینی پدیده های نو و مرگ و فتنای پدیده و فاکتور قانونی ذاتی و عینی تکامل است .

از جمله فعالیت های خرابکار امپریالیسم امریکا یکی هم عدم شرکت و تحریم با زیمپهای المپیک ۱۹۸۰ در مسکو است ، این عمل امریکا بخودی خو دشا هد شکست و به اصطلاح احتجاج امریکا بر ضد

اینهمه شکست و عدم مو فقیت و به اصطلاح واعتراض (!) بر ضد پیروزی های پی اندر پی متر قیت و بر ضد پیروزی های شگرف جهان دمو کراتیک و بر ضد تغییر قوا بنفع نیرو های صلحدو ست و متر قی و به نقض نیرو های امریمنی جنگ طلب می باشد .

اگر نیرو های تجا و زگر و جنگ طلب ، نیرو های امریمنی و شیطان صفت و سا پر متحدین پنهانی و آشکار شس بخوانند یا نخواهند مرگ حتمی و قطعی امر حتمی آینده آنها را میسازد و از این مرگ و فتنای حتمی نمیتوانند گریز نمایند . اکنون خلقهای میلیونی و توده های زحمتکش جهان با نیروی ده چندان و با عظمت و با بهت بیسابقه و همراه با متحدین وفادار خو یش بر ضد نیرو های امپریالیستی همچنان می رزمند و در این رزمگاه پیروزی قطعی و حتمی همراه با این خلقهای ستمدیده زحمتکش بوده و دشمنان نش و هر آنکسیکه بر ضد ارا ده رزمنده توده های ستمدیده زحمتکش قرار گیرد مرگ و فتنای آن حتمی است .

بیا نید با نیروی اتحاد و همبستگی بر ضد امپریالیسم جها نی و در را س آن بر ضد امپریالیسم امریکا مجاهدت پیگیر نماییم و افتخارات بزرگی را برای ما در وطن گما یی نموده و زندگی شرا فتمندانه و آبرو مندانه ای را برای خلقهای زحمتکش وطن خو یش افغانستان عزیز سازمان بخشیم پیروزی از آن ما ست ، از آن خلقهای ستمدیده و زحمتکش افغانستان عزیز است

### پیش گوئی

منظم تعقیب نموده بلکه بعضا دوام بریود آن از ۵۰ تا ۱۰۰ سال وقت را نیز در بر گرفته است .

با وجود تمام این تحولات علت سردی قسمت های وسیع کره زمین که ۲۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال دوام نموده آفتاب نبوده بلکه تغییرات جزئی در مدار زمین بوده که باعث دور شدن سیارات از آفتاب و با نتیجه سبب کاهش رسیدن حرارت خورشید به زمین گردیده است .

نه تنها کاربن دای اکساید ، بلکه کاربن کلورو فلور و تائیروس اکساید تا نیز مشا به در گرم ساختن زمین دارد

حتی ذرات گرد و خاک حاصله صنعتی که چند سال قبل بجهت منبع سردی تصور سفیر بشمار میرفت فعلا منبج منبع مهم تسخین کره زمین بحساب می آید اما علت عمده گرم شدن سطح زمین کاربن دای اکساید بوده و محتویات آن به سرعت رو به افزایش میباشند . متخصصین در بافته اند که به اثر انقلاب صنعتی سال ۱۸۶۰ غلظت کاربن دای اکساید از ۲۸۵ حصه در فی میلیون به ۳۱۲ تا ۳۳۰ حصه در فی میلیون رسیده و به ۴۰۰ حصه در فی میلیون در سال ۲۰۰۰ و دو چند آن در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید .

**تقلیل جنگلات :**

تقریبا نصف اندازه کاربن دای اکساید موجوده توسط ابحار و جنگلات جذب گردیده و نصف دیگر آن در سطح زمین باقی میماند . قطع اشجار و جنگلات علت

دیگر از دیاد این گاز در سطح میباشند .

تأثیر از دیاد کاربن دای اکساید بالای اقلیم چیست ؟ اگر چه اسناد تاریخی عینی بر اینکه کاربن دای اکساید باعث گرمی اتموسفر زمین میگردد موجود نیست اما ساینس دانان معتقدند که گرمی اتموسفر زمین در سال ۲۰۵۰ به اندازه گرمی آن در ۴۰۰ تا ۸۰۰ سال قبل خواهد بود که در آن زمان قسمت های وسیع دشت های امروزی منطقه حاره شاهد باران های زیاد بود . متخصصین اتحاد شوروی از محاسبات خود چنین نتیجه گیری نموده اند که در سال ۲۰۵۰ درجه حرارت زمین به اندازه ۴ درجه سانتیگراد بلند تر گردیده که در این صورت یخ بند های بحر منجمد شمالی ذوب گردیده و برای نخستین بار بعد از میلیون ها سال در آن آب بسوجود خواهد آمد البته سطح آب بلند نخواهد گردید ولی ذوب این یخبندان باعث

تغیر عمده اقلیم نیم کره شمالی میگردد که در نتیجه آن خشکسالی در مناطق گرمتر رخ خواهد داد .

آیا میتوان از گرم شدن اتموسفر جلوگیری نمود ؟ تعداد کثیر اقلیم شناسان توجه جدی متخصصین مربوطه برای دریافت منابع جدید انرژی جلب مینمایند . البته به مشکل میتوان حکومت را بدون داشتن شواهد و اسناد معتبر مبنی بر خطر گرم شدن اتموسفر زمین و مشکلات حاصله از آن قانع ساخت اما انتظار کشیدن چنین زمانی و وقوع این خطر خیر از دست دادن فرصت و تحمل مشقات حاصله از آن چیزی دیگری نمیتواند از آن تو قسع نمود . تحقیقات وسیع جهت پیش بینی دقیق اوضاع جوی و انکشاف تکنالوژی جدید تسوله انرژی جهت تعویض انرژی مواد نفتی ادامه دارد .



# ورزشکاران افغانی برای مسابقات المپیک ۱۹۸۰ مسکو آمادگی می گیرند

ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک جمهوری دموکراتیک افغانستان از چندی بدین طرف جهت اشتراك نمودن ورزشکاران افغانی در مسابقات المپیک ۱۹۸۰ که در تابستان سال آینده در کشور دوست و همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی برگزار می گردد به یک سلسله اقدامات موثر دست زده که در قدم اول انتخاب تیم های ورزشی را روی دست گرفته است چنانکه روز شنبه شش دلو مسابقات آزاد انتخابی بوکسنگر در جمنازوم پولی تخنیک کابل با شرکت یکمده ورزشکاران تازه وارد و کهنه کاران آن دایر نمود .

مسابقات مطابق به قوانین و مقررات پیش برده شد شرکت کنندگان از وزن ۴۸ کیلو گرام به بالا رویاروی هم قرار گرفتند و برای اینکه مسابقات طوریکه جوانان آرزومند آن بودند پیش برده شود ریاست ورزش کمیته ملی المپیک از ورزشکاران سابقه دار و شاخص جبر قسم موظف نمود تا استعداد و اهلیت کاندیدان تیم منتخب را بررسی و نظارت کنند .

مسابقات مطابق پروگرام مرقبه یا در نظر داشت بر مبنای طرح شده طوری بود که هر یک آنها سه بار در برابر هم قرار گرفتند و این روند و بازدید های مدعیان تیم منتخب با حضور یابی هزاران تماشاچی با ابراز احساسات قوی و گرم شان پیش برده شد .

درین مسابقات طوریکه گفته آمدیم چهره های برزنده و شناخته شده می این ورزش در بین ورزش دوستان بوکس چهره های تازه کاری درخشیدند که برای بار اول در همچو یک رویداد توجه بیشمار ورزش بکس را به خود معطوف داشت . چنانکه محمد عمر از کلب باغ بالا طی دو دیداری درین مسابقات جنان درخشید مثل که سالهای درازی را در چنین مسابقات با حر یقان مصاف نموده باشد و هکذا فرید احمد از تیم تعلیم و تربیه که شناخت چندان زیاد در بین هواخواهان این ورزش نداشت توانست با حضور یابی اش در این مسابقات با درخشش عالی و چشمگیر خویش ثابت بکند که از استعداد خوب و قابل انکشاف درین ورزش برخوردار می باشد نامبرده دو بار در حریف خوب

و شناخته شده اش را با حملات سریع مشت های کوبنده از یاد آورده در دیداری نخست محمد کبیر از کلب عزیز و کیلی را در دیدار دوم سید ظهورالدین از کلب باغ بالا را طی سه روند توانست مغلوب خود کند .

فیض محمد از کلب کارمند چهره دیگری از کاندیدان راه یابی تیم منتخب طی این مسابقات توانست با درخشش خوب و چشمگیر نسبت به مسابقات انتخابی اسپارتنکیاد مسکو که چند ماه قبل بود و در آن مسابقات مغلوب یکی از حریفان گردید این بار توانست

راحتی راه تیم منتخب باز کند . همچنان عزیزالله عزیز چهره شناخته شده فیضی این مسابقات توانست با ملاحظه به سکتش در مسابقات انتخابی اسپارتنکیاد مسکو با پیروزی اش در دو مسابقه راه خویش را به تیم منتخب باز کند . عزیز طی دو مسابقه که انجام داد عبدالسمیع از کلب باغ بالا را با چند حمله سری حسابی و مشت های کوبنده در روند اول ناک اوت نمود . و حریفش که متاعل خود را از دست داده بود نتوانست در رندهای دوم و سوم در برابر حریف خود ظاهر شود .

و همچنان عزیز در دیدار بعدی خود محمدانور از کلب یاران صدیق را طی سه روند با کسب امتیازات قابل ملاحظه توانست بر حریف پیروز گردد .

درین مسابقات علاوه بر شرکت کنندگان که با هم دیدار ها نمودند چهره های دیگری چون عزیزالله اختری - محمد حلیه - محمد عارف و رستم کارمند چهره های بودند که بدون ظاهر شدن حریف شان در رینگ در سکوی افتخارات بالا رفته کپ های قهرمانی را افتخارانه دریافت نمودند که این پیروزی

برحسب و جبرای آنها از طرف تماشاگران با گرمی خاصی استقبال گردید . و قراریکه جدول نتایج انتخابی بکس نشان داد :

## دروازن ۴۸ کیلو گرام :

۱- شمس الدین از کلب آریانا حایز مقام اول .

۲- سیدولی از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

## در وزن ۵۱ کیلو گرام :

۱- شتار احمد از کلب عزیز حایز مقام اول .

۲- سید محسن از کلب کارمند حایز مقام دوم .

## در وزن ۵۴ کیلو گرام :

۱- حمیدالله از کلب باغ بالا حایز مقام اول .

۲- حمیدالله از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

۳- محمد نعم از کلب عزیز و کیلی حایز مقام سوم .

## در وزن ۵۷ کیلو گرام :

۱- سلام ربانی از کلب آریانا حایز مقام اول .

۲- محمد هارون از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

## در وزن ۶۰ کیلو گرام :

۱- فیض محمد کارمند از کلب کارمند حایز مقام اول .

۲- شهاب الدین از کلب آریانا حایز مقام دوم .

۳- عبدالخلیق از کلب باغ بالا حایز

مقام سوم .

## در وزن ۶۳ کیلو گرام :

۱- صلاح الدین از کلب خراسان حایز مقام اول .

۲- محمد حسن از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

## در وزن ۶۷ کیلو گرام :

۱- عزیز احمد اختری از کلب اختری حایز مقام اول .

## در وزن ۷۰ کیلو گرام :

۱- عزیز الله عزیز از کلب عزیز حایز مقام اول .

۲- محمد انور از کلب یاران صدیق حایز مقام دوم .

عبدالسمیع از کلب باغ بالا حایز

مقام سوم .

## در وزن ۷۵ کیلو گرام :

۱- عبدالخلیق از کلب نساجی افغان حایز مقام اول .

## در وزن ۸۰ کیلو گرام :

۱- فرید احمد از تعلیم و تربیه حایز مقام اول .

۲- سید ظهور الدین از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

۳- محمد کبیر از کلب عزیز و کیلی حایز مقام سوم .

## در وزن ۸۰ کیلو گرام به بالا :

۱- محمد عارف از کلب آریانا حایز مقام اول .

## مرحله نوین ...

بقیه صفحه ۷

گفت : شاید من از هر کس دیگر معنی این تحول را بیشتر درک کنم زیرا بیشتر از یکسال را در زندان مخوف پلچرخ سپری کردم ، و دو ماه قبل که آزا دگشتم ، میدانم که زندگی چیست و آزادی چه معنی دارد .

- پلی آزادی واقعا زیاست ، و این زیبایی و فرحت را جمهوری دمو گرا تیک افغانستان پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثوریه داده است من زندان پلچرخ قصه های زیادی دارم ، قصه غای تلخ و دردناک از ظلم امین و بانده جنایتکارش . یکی از این جنایات زندانی کردن عد ها کودک بی نوا بودلی آنها زندانیان سیاسی بودند در حالیکه من این کودکان بین یک تا هفت سال بودم . او چقدر شرم آور بود آن همه ظلم و وحشیگری .

جوانان که جز سعادت و خوشبختی مردم چیزی نمی خواستند به جرم اینکه آزادی را دوست دارند به زندان افکنده شدند و ای بسا که بسیاری از این جوانان ماهر گز از زندان بیرون نشدند ، زیرا بسیاری از آنان در زیر شکنجه های طاقت فرسای بانده خون آشام امین نابود گشتند و جان خود را راه آزادی از دست دادند .

باید بگویم که صدای حق و عدالت برای امین و بانده وی خوش آیند نبود ، زیرا آنها از عدالت می ترسیدند .

بازی پرسی طبی اطفال و مادران میباشند در اتحاد جماهیر شوروی برای آن دو کشور - نیکه در رشته امراض طفل تخصصی حاصل میدارند .

انستیتوت های کاملامدرن و مجهز با وسایل طبی آماده و همه ساله عده بیشتر از دوکتوران جوان شامل این انستیتوت ها گردیده بعداستند فراغت را بدست می آورند و در مرکز طبی مشغول خدمات اجتماعی میگردند .

مردم کشور ما سال بین المللی طفل را به معنی واقعی آن برگزار نمودند ، و تمام فعالیت های مردم ما برای تربیه نسل سالم آینده در خود توجه است . و به همین اساس است که نیروهای طرفدار صلح در سراسر جهان برای امر صلح و امنیت جمعی به صورت خستگی ناپذیر مبارزه مینمایند .

زیرا این صلح است که در تربیه و پرورش اطفال ممد و موثر است و اطفال نیز ضرورت شدید به امر صلح دارند .

دولت وزعامت جدید افغانستان در تلاش این اند که چگونه و چطور میتواند برای آرامی مردم افغانستان که سخت رنج دیده اند مصدر خدمتی گردند و از حق نگذریم که در طول مدت دو ماه کار های بس بزرگی انجام شده است . به عقیده من آزاد شدن زندانیان سیاسی و استرداد چایداد های مردم که به نا حق از یکجمله وطن پرستان ما به زور و جبر گرفته شده بود از کار های مهم و با ارزش دولت ماست .

آزادگذاستن مردم به مناسک مذهبی شان از کارهای دیگر دولت ملی و دموکراتیک ماست که در خور توجه است .

سوال بالا را از یکجمله همکاران دیگر فوضیه امیری نمودم که آنها حرف های همکار شان را قایید میدارند . و در ضمن با یکصد گفتند که آزادی که بزرگترین نعمت خداوندی است و هر کس حق دارد آزادزیست نمایند در ظرف همین مدت کمتر از دو ماه از طرف دولت ما بهترین شکل برای مردم داده شد و حقوق فردی و اجتماعی مردم مخصوصا زنان به بهترین وجهی حمایت میگردد .

از جوانی به اسم محمد امان در بساره مرحله نوین تکامل انقلاب ثور رسیدم ،

بقیه صفحه ۸

## بخاطر یک ...

در اتحاد شوروی کمک های اولیه طبی برای مادران و اطفال به کدام معیارات مدنظر است ؟

پرورش مورال عالی و زمینه ای ارتقا دادن به شخصیت طفل مساله جداناپذیر از صحت مندی طفل می باشد . در اتحاد شوروی سیستم علمی طبی از صحت مندی تمام اطفال و ارسی جدی بعمل می آورد . یعنی مادران و اطفال را با در نظر داشت میتوهای کاملا جدید طبی تحت نظارت قرار میدهند و وقتا فوقتا آنها را در کلینیک های مربوط تحت بازپرسی طبی قرار میدهند .

درسال (۱۹۷۸) در حدود (۱۲۰۰۰۰) اطفال به پولی کلینیک ها و در حدود یک صد هزار خانم به زایشگاه ها و مراکز صحتی مراجعه نموده اند . به هزاران دوکتوران و وزیده و متخصصین مسول



میباشد ، تصادفی نبوده و محصول ذهن این ویا آن رجل سیاسی و ساینتمیست نیست . همچنان این سخن مفهوم آنرا ندارد که نگارنده این سطور از نقش افکار رجل سیاسی و محققین علوم طبیعی انکار کرده و چشم پوشی نمایم ، بلکه قصد آنست که باید در همه زمینه ها ، بالاخص در زمینه تناسبات منطقی بین نقش افکار و اختراعات از یک طرف و بین قوانین تکاملی جامعه و در مینیمم زمان از طرف دیگر مدنظر باشد ..

پژوهش های تاریخی روشنگر آنست که سطح رشد نیرو های مولده ، در هر فرما سیون اقتصادی و اجتماعی ، شاخص معیار سیطره انسان بر طبیعت بوده برو فوق اقتضات مادی و معنوی همان فرما سیون تکامل میکند . از جانب دیگر عامل تکامل نیرو های مولده فکر نیست ، گرچه انسان جزو فعال و خلاق نیرو های مولده را تشکیل میدهد . اما فکر خود در پروسه تولید و نعمات مادی جامعه تغییر و تحول یافته و تکامل میکند . زیرا منشأ بروز و عامل تکامل دهنده فکر ، کار و بویژه کار تولیدی میباشد . بدین مفهوم که انسان بمثابه موجود زیستمند ضرورت به بقای خود دارد ، این امر اولتر از همه مقتضی حویج اولیه و ضروری نظیر خوراک ، پوشاک و سرپناه میباشد ، در حالیکه حویج مادی تنها در بر تو کار و فعالیت های تولیدی و خلاق انسان میتواند میسر آید . به همین منوال میدانیم که کار بدون ابزار کار صورت گرفته نمیتواند ، اینجاست که انسان جهت تهیه حویج اولیه خود به کار و تولید و وسایل تولید نیاز مند میباشد

سلام به همکاران و خوانندگان عزیز! بعد از دعای سلامتی به حق شما ، از اینکه به جوایبی نامه های شما موفق نشدید ، بوزش میخواستیم ، اشاره نمود که چندی قبل جوابیه ای از مجترم بوهانده محمد باقی به عبدالعجید ایشچی در باب مباحث روان شناسی و جامعه شناسی نگاشته شد که در همین صفحه جواب به نامه ها به نشر رسید . حال محترم دادعلی نیرو به دنبال برخورد فکری آن دو دوست ناشناخته مقاله نگاشته است که ذیلا میخوانید:

اخیراً در شماره (۴۶) مجله وزین ژوندون ، در صفحه اختصاصی «جواب نامه های شما» جوابیه به نشر رسیده بود که نویسنده محترم آن ، ضمن رد ایراد یکه قبلاً بروی وارد آمده بوده است ، به این اصل نیز تاکید ورزیده است که گو یا انقلاب علمی و فنی زاییده ذهن مخترعین و کاشفین میباشد و آنهم نویسنده محترم باورمند میباشد که این انقلاب در قدم اول محصول ذهن و دماغ مخترعین ، و در قدم دوم برای رفع مشکلات بشریست و جهت تأمین سعادت آنهاست . چون نویسنده ، در نقش فکر غلو ورزیده و عوامل اصلی و معنی انقلاب ساینس و تکنالوژی را نیز از نظر بعید افکنده است ، لذا لازمی به نظر میرسد تا درین خصوص اندکی مکت کنیم .

در روند پیشگر زمان ، هر تحول رویدادی که بظهور میرسد بر پایه عملکرد قوانین عینی تکاملی پدید آمده صورت میگیرد ، بویژه انقلابات اجتماعی و پیشرفت های جیشمند علمی و تکنالوژی که در عصر ما آهنگ پرطنین و شتابنده آنها در سراسر کره ارض متموج

معهدا در شیوه ای جاد و تهیه وسایل تولید و امر بکار بستن در پراکت تولیدی انسان می خواهد که سطح حویج را ارتقا دهد . این امر وقتی تحقق می یابد که ابزار کار تکامل داده شود ولی در جریان چنین عملیه ها ، انسان نیز خود را از لحاظ ساخت ذهنی و جسمی تغییر میدهد .

درینجا باید تد کار داد که اگر فکر را منشأ ویا عامل رشد وسایل تولید بدانیم و با و در منته آن باشیم که فکر عامل و مظهر همه انقلابات درجا معه میباشد ، دچار اشتباه جدی شده ایم زیرا این تغییر و تحول شیوه تولید و در کلیت آن تغییر و تحول جا معه است که افکار انسان را تغییر میدهد . غنا می بخشد و همواره در آستانه تکامل قرار میدهد . اینکه بعد از پان دوره قرون وسطی در غرب در زمینه علم و تکنالوژی جهش های شگرفی بوقوع پیوست یک رویداد تصادفی نبود و زاییده ذهن و دماغ این ویا آن مخترع و کاشف و محقق نیست ، زیرا در غرب زمانیکه ارکان نظامات کهن فیو دالیسم قرون وسطایی در برابر رشد و جوان لان نیرو های نوین اقتصادی کپیته لیزم از هم فرو پاشید و محمول های عینی و شرایط مادی و ذهنی را برای رشد و گسترش محیر العقول علم و تکنالوژی فراهم گردانید ، همانا انقلابات بورژوازی بود که زمینه راجعت تحقیقات علمی و اختراعات مساعد ساخت یعنی در هر انقلاب اجتماعی زمینه برای رشد و جوان نیرو های مولده توسعه می یابد . اما زمانیکه با انقلابات بورژوازی نظامات مند رس قرون وسطایی در غرب درهم شکستند ، باید تولید نیز سریع می شد ، وسایل تولید کارگاه ها ، موسسات علمی و تخنیکی بمیان می آمدند و پیوسته گسترش می یافت بدین مفهوم که بورژوازی مقتضی ایجاد و توسعه صنایع میباشد در حالیکه ایجاد و توسعه صنایع بدون ماشین و تحقیقات علمی امکان ندارد .

چون همزمان با نضج و تکوین سیستم های اقتصادی کپیته لیزم در غرب در مراکز شهری ، کارگران تجمع یافتند کارگاه ها ایجاد گردید و ضرورت افزایش تولید جداً محسوس گردیده و بدین

ترتیب احتیاجات مادی در پروسه تولید و در امر افزایش محصولات تولید موجب گردید که مینست تحقیقات علمی ، اختراعات و اکتشافات بسط و انکشاف یابد «درین عصر (قرن ۱۹) بر اثر کثرت جمعیت و تمرکز آنها در شهرها و احتیاج به تولید زیادتر و کامل تر رونق و پیشرفت تحقیقات علمی شروع میشود ، زیرا سر و صورت دادن پیشه و هنر کارگاهها و تولیدات کشا ورزی و صنعتی احتیاج به مطالعات دقیق در باره مزرعه ، محصولات خام ، نباتات و ازدیاد در اندامان کار و غیره ... دارد»

اختراعات و اکتشافات که در توسعه علم و تکنالوژی در سده نزد هم تحول شگرف و جرحش کیفی رونما ساخت و با وجودیکه در عرصه تحقیقات علمی علما و نوابغ بظهور پیوست در قدم اول مرهون رشد شیوه تولید و تقاضای زمان و زندگی اجتماعی بود . هرگاه انقلاب در ساینس و تکنالوژی را که در عصر مابدان عنوان انقلاب علمی فنی داده اند محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ بدانیم مفهوم آن را دارد که رجال سیاسی و رجال علمی قادراند مظهر انقلابات اجتماعی و علمی و فنی گردند مگر حقیقت آنست که شروع تحقیقات علمی ظهور اختراعات و اکتشافات و در نتیجه انقلاب صنعتی در جامعه بورژوازی صورت گرفت که ناشی از ضرورت عینی و تاریخی این جامعه بود طوری که یکی از اندیشمندان برولتا ریا میگفت:

«اگر بعد از اینکه شب تاریک قرون وسطی خاتمه یافت ، علموم دفعتاً با نیرویی که خواب آن هم دیده نمی شد بمیان آمد ، با سرعت معجزه آسا تکامل میکرد . یکبار دیگر این معجزه را مرهون تولید میدانیم ، روی فرض اگر انقلاب علمی و فنی را در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما نوابغ و محققین بدانیم ، بدیه این پرسش پاسخ بدیم که چرا این انقلاب در خصوص علم و تکنالوژی در دهلیز های صامت و تاریک قرون وسطی بظهور نه پیوست و یا چرا ماشین در فرما سیون اقتصادی اجتماعی جامعه بردگی نمایان نگردید ؟ اگر جواب این پرسش ها بگویم که چون در آنوقت فکر تکامل نکرده بود و یا ذهن علما قدرت اختراع و کشف را نداشت ،

متعا قبا سوال دیگری مطرح میشود که پس عوامل رشد و تکامل عقل چیست؟ نظیر این سوالات یاد است لذا باید اذعان کرد که این ضرورت زمان واقتضای شیوه تولید سرمایه داری بود که دگرگونی های شکر فی در ساحه علم و تخنیک رونما گردانید چنانچه «همزمان با تولید کپیتالیستی عامل سایننتیفیک بار اول آگاهانه به پیمانهای تکامل کرد، تطبیق گردید و بوجود آمد که ادوار پیشین هیچ درکی از آن نداشت»

از آنجا که فکر در جریان تغییر و تحول شیوه تولید نعمات مادی و در کلیت امر در پروسه زمان و زندگی اجتماعی شکل میگیرد، تحول می یابد و تکامل میکند لذا همه انقلابات، خاصاً انقلاب علمی و فنی در قدم اول زاینده ذهن و دماغ علما و نوابغ نه، بلکه در قدم اول محصول پراتیک تولیدی و بازتابی از ضرورت های عینی زمان میباشد این پراتیک است که تفکر و اندیشه و در مجموع معرفت آدمیان را بوجود آورده و تکامل

مل می بخشد «معرفت خود بر اساس پراتیک و بطور عمده بر اثر تولید مادی پیدا شده است، انسان از همان گام های نخستین موجودیت خود مجبور بود کار کند و وسایل زندگی خود را بدست آورد، او در جریان کار و زحمت بانبروهای طبیعت بر خورد کرد و به تدریج به آنها معرفت یافت. تکامل تولید پیوسته معلومات بیشتر و پیشتری را طلب میکرد. از همان قرون قدیم برای انسان ضرورت اندازه گیری سطح زمین، شمارش افزار کار و محصولات تولید شده پدید آمد. در نتیجه این امر نطفه های معلومات ریاضی بسته شد انسان خانه ساخت جاده و پل ساخت سیستم آبیاری پدید آورده و غیره برای اینها همه دانستن قوا، نین مکانیک لازم بود بدین ترتیب تحت تأثیر احتیاجات پراتیک استعداد معرفتی انسان رشد یافت علوم پدید آمدند اساس پیدایش علوم اجتماعی نیز پراتیک است»

در جریان رشد نظام کپیتالیسم تحولات و انکشاف میخانیک و ریاضی و علوم دیگر با ارتباط ضرورت های رشد پروسه تولید حمل و نقل، کشتی رانی، تجارت و صنایع ماشینی بمیان آمد و تکامل کرد بهمین نحوه تولید جامعه بورژوازی رشد سریع صنایع ماشینی را طلب میکرد

در حالیکه این کار بدون علوم نظیر کیمیا، جیو لوژی، فزیک بیولوژی و غیره امکان نداشت به تغییر دیگر احتیاج به تولید سریعی و رشد محصولات تولیدی پایه های ضروری تکامل علوم و تکنولوژی را می سازد «احتیاج به تولید زیاد تر، منجر به توسعه و تکامل علوم نظیر مکانیک فزیک، کیمیا، هیست و غیره میشود و احتیاج شدیدی به پیشرفت های صنعتی، یعنی ضرورت بکار بردن ابزار و وسایل میخانیکی باعث میشود که دانشمندان درین ساحه از فزیک شاهد پیشرفت های زیاد تری باشد»

در عصر ما، این عقیده که انقلاب علمی و فنی محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ میباشد با این نظر که زندهگان رجال زورمند سیاسی شخصیت های بزرگ، سلاطین و امرا را سازنده تاریخ می دانند همساز بوده و از لحاظ مبانی فکری و طبقاتی همگون اند که بیشتر نمایندگان ارتجاع و امپریالیزم بدان باور دارد مثلاً همانطوریکه در نظر نخست از نقش توده ها و از پراتیک انکار بعمل میاید به همان نحو در نظر دوم نیز از نقش خلاق و سازنده توده ها در امر خصلت تاریخ ساز آنان اغماض میگردد. اگر بگویم که چند نابغه عالم و سایننتیست نیز پراتیک انجام میدهند، تفکر و تعقل بخرچ می دهند و در فرجامین شیوه تحقیقات اینها است که برخی اختراعات و کشفیات صورت میگیرد از یک جهت درست به نظر میرسد، اما سخن یکجانبه میباشد زیرا «پراتیک دارای خصلت اجتماعی است پراتیک فعالیت این یا آن شخصیت اجتماعی نیست بلکه فعالیت آن توده های مردم فعالیت تمام زحمتکشان است» درست است که اختراعات و کشفیات تحول شکر فی را در صنایع ماشینی رونما گردانده است اما عامل محرکه و انگیزه اصلی ای که علما و نوابغ در رشته های مختلف به تحقیقات و امیدارد آن احتیاج به تولید بهتر و احتیاج به افزایش محصولات تولیدی و بالاخره احتیاج به بهتر ساختن و میل زندگی میباشد.

چون پراتیک مبدا معرفت و عامل آنست اما باید گفت که پراتیک اشکال متنوع دارد که هر یک در امر رشد و تکامل فکر و در امر توسعه علم و تکنالوژی اثر می اندازند مثلاً تنها عمل تولیدی و احتیاج به نیاز مادی موجب

تکامل این را و تفکر آدمیان نیست بلکه مبارزه طبقاتی نیز درین خصوص نقش مهمی را ایفا می نماید درجه یان مبارزه طبقاتی کارگران بود که بورژوازی به عقب نشینی مواجسه گردیده و در تکامل ابزار تولید توسعه کارگاه ها و صنایع ماشینی پرداخته اند «تقریباً تمام اختراعات نتیجه مبارزه میان کارگران و صاحبان کارخانه است... بعد از هر اعتصاب نسبتاً مهم یک ماشین جدید ظهور کرده است»

در اینجا با وصف مطالب پیشین چند مثال می آوریم مثلاً فکر کینم که طرح ساختن سر پناه برای اولین بار چگونه شکل گرفت. آیا طرح ساختن خانه در قدم اول محصول فکر بود یا انعکاس از احتیاج انسان که باید در زمهره خوراک و پو شاک این ضرورت اولیه رانیز داشته باشد تا مصون بماند بهمین ترتیب آیا بعد از پیدایش طرح داشتن یک سر پناه انسان قادر بود که مانند امروز خانه زیبا و مطلوبی را اعمار نماید؟

**مسئله جواب منفی است زیرا در -** قدم اول طرح ساختن سر پناه نه محصول ذهن و فکر، بلکه زاینده احتیاج مادی انسان بود بهمین شکل خانه هم یکباره بوسیله قدرت محض فکری آدمیان ساخته نشد، بلکه تدریجاً چنین احتیاج مرفوع گردید ازین مثال به این نتیجه میرسیم که در قدم اول احتیاج مادی و در قدم دوم پراتیک است که در پیدایش و تکامل فکر کمک بهم میرساند. اما باید تاکید کرد که این سخن مفهوم آن را ندارد که ما از نقش فکر انسان انکار کنیم زیرا فکر به نو به خود نیز در تسریع و بهبود پراتیک نقش ایفا میکند. در مثال دوم باید گفت که اختراع و کشف تمام ماشین و وسایل تخنیکی کنونی در قدم اول محصول احتیاج به این ماشین و وسایل میباشد که مخترع و کاشف را به تحقیق و پژوهش و امیدارد. مثلاً اگر موجودیت ابحار مانع حمل و نقل نمیگردید اصلاً ساختن کشتی مطرح نمی شد ولی اینکه طرح ساختن کشتی در افکار انسان راه یافت، سپس به ساختن آن اقدام به عمل آمد نمیتوان آن را در قدم اول محصول ذهن و دماغ بشر بدانیم، البته در اینجا تاکید بر «قدم اول» است زیرا فکر در ساختن کشتی نقش موثری حایز میباشد مگر مفهوم آنرا ندارد که همه انقلابات

تحولات، وسایل علمی و فنی تنها و محض و آنهم در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما، نوابغ و محققین باشد.

و تئیکه جای ما نو فاکتور را، صنایع بزرگ ماشینی امروز گرفت اگر آنرا مطلقاً و یادر قدم اول زاینده ذهن و دماغ انسان بدانیم از تکامل قانونمند نیروها می مولده و از رشد و گسترش قانونمند زمان و زندگی اجتماعی انکار میکنیم زیرا ما نو فاکتور از آن جهت جای خود را به صنایع بزرگ ماشینی داد که ضرورت تولید سرمایه یاری ایجاب میکرد چنانچه این مطالب را پیشوایان پرولتاریا در سده نهم چنین ارزیابی میکنند «... اما بازارها پیوسته گسترده تر و تقاضاها دمبدم فزونتر میشود اینک ما نو فاکتور هم دیگر نمیتوانست تقاضاها را پاسخ گوید. آنگاه بخار و ماشین در صنعت انقلاب ایجاد کردند جای ما نو فاکتور را صنایع بزرگ امروزی... گرفتند» در نتیجه باید گفت که انقلاب علمی و فنی در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ نیست، بلکه محصول پروسه تولید بورژوازی و ناشی از ضرورت مادی و معنوی این جامعه و بالاخره زاینده زمان معین میباشد که در آن اندیشه و تفکر و تحقیقات علمی نقش ثانوی را ایفا می نماید نه درجه اول را.



مدیر مسئول: شیر محمد کاوه  
 معاون: محمد زمان نیکرای  
 ام چاپ: علی محمد عثمان زاده  
 مہتمم: نوریہ  
 ادریس: انصاری وات

مقابل ریاست مطبع دولتی  
 تیاشون دفتر: ۶۶۸۴۹

دولتی مطبعه



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**